

ترجمہ تفسیر قمی

جلد چہارم

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

مؤلف

علی بن ابراہیم قمی قدس سرہ

مترجم : جابر رضوانی

جمعہ داری اموال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵۱۰۳۶

ش-اموال:



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کتابخانه	مرکز تحقیقات کتاب و ترویج علوم اسلامی
شماره ثبت: ۹۴	تاریخ ثبت: ۳۰۰



این کتاب با حمایت و مشارکت
معاونت امور فرهنگی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
چاپ شده است

ترجمه تفسیر قمی

(جلد چهارم)

مؤلف: علی بن ابراهیم قمی

ناشر: انتشارات بنی الزهراء (علیها السلام)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سبحان / جزایری

شمارگان: ۲۰۰۰ دوره

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

قیمت: ۶۲۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۳۹-۸

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۱۰-۷

بنی الزهراء (عها السلام)

چاپ و نشر و توزیع

دفتر مرکزی:

قم، میدان شهداء، خیابان معلّم، بعد از اداره برق، طبقه فوقانی چاپ وفا

تلفن: ۷۷۳۱۷۵۲-۷۷۳۸۵۵۵-۷۸۳۶۳۰۰

همراه: ۹۱۲۳۵۱۴۱۴۸- (جزایری) ۹۱۲۷۴۶۲۱۵۳- (معینی)



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱۱

تفسیر سورة سجده

- ۳۲ - سورة سجده در مکه نازل شده و دارای ۲۰ آیه است..... ۱۳
- عزرائیل علیہ السلام..... ۱۷
- فضیلت روز جمعه..... ۱۹

تفسیر سورة احزاب

- ۳۳ - سورة احزاب در مدینه نازل شده و دارای ۷۳ آیه است..... ۲۷
- داستان زید بن حارثه..... ۳۱
- پیامبر اولی است به مومنین از خودشان..... ۳۵
- چگونگی جنگ احزاب..... ۴۰
- معجزه‌های رسول خدا ﷺ در جنگ خندق..... ۴۱
- ذکر رسول الله ﷺ در تورات..... ۴۴
- مبارزه حضرت علی علیہ السلام با عمرو بن عبدود..... ۴۹
- غزوه بنی قریظه..... ۶۱
- شهادت سعد بن معاذ..... ۶۲
- نازل شدن آیه تطهیر..... ۷۱

آیه حجاب ۸۱

تفسیر سوره سبا

۳۴ - سوره سبا در مکه نازل شده و دارای ۵۴ آیه است ۹۰

وفات حضرت سلیمان علیه السلام ۹۷

در روز غدیر ابلیس ها به ناله در آمدند ۱۰۰

معنی تبلیغ رسالت بر تمام مردم ۱۰۴

ظهور حضرت قائم علیه السلام ۱۱۲

تفسیر سوره فاطر

۳۵ - سوره فاطر در مکه نازل شده و دارای ۴۵ آیه است ۱۱۷

فرمایش حضرت علی علیه السلام درباره صفت ملائکه ۱۲۰

تفسیر سوره یس

۳۶ - سوره یس در مکه نازل شده و دارای ۸۳ آیه است ۱۳۷

معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابوجهل ۱۴۰

مبلغان در انطاکیه ۱۴۳

داستان ابوسعید با امام رضا علیه السلام ۱۴۹

تفسیر سوره صافات

۳۷ - سوره صافات در مکه نازل شده و دارای ۱۸۲ آیه است ۱۶۳

اسم شیعه در قرآن ۱۷۷

- بجا آوردن ابراهیم مناسک حج را..... ۱۷۸
- ذبح اسحاق..... ۱۷۹

تفسیر سورة ص

- ۳۸ - سورة ص در مکه نازل شده و دارای ۸۸ آیه است..... ۱۹۱
- داستان خطیئة داود علیه السلام..... ۱۹۸
- دیدار داود علیه السلام با حزقیل..... ۲۰۲
- داستان حضرت سلیمان علیه السلام..... ۲۰۸
- داستان از دست رفتن حکومت سلیمان علیه السلام..... ۲۰۹
- کیفیت سلطنت سلیمان علیه السلام..... ۲۱۲
- مبتلا گشتن ایوب علیه السلام..... ۲۱۴
- خلافت امیر المومنین علیه السلام در شب معراج..... ۲۲۴

تفسیر سورة زمر

- ۳۹ - سورة زمر در مکه نازل شده و دارای ۷۵ آیه است..... ۲۳۱
- آنچه که خداوند در بهشت بر ولی اش عطا می کند..... ۲۳۹
- چگونگی نفخ صور..... ۲۵۳
- زمین با نور امام علیه السلام نورانی می شود..... ۲۵۶

تفسیر سورة مؤمن

- ۴۰ - سورة مؤمن (غافر) در مکه نازل شده و دارای ۸۵ آیه است..... ۲۵۹
- چگونگی مُردن اهل آسمان و زمین..... ۲۶۸

هر کس بمیرد و امامش را نشناسد ۲۷۹

تفسیر سوره حم سجده

۴۱ - سوره حم سجده (فصلت) در مکه نازل شده و دارای ۵۴ آیه است. ۲۸۳

شهادت دادن اعضاء بدن در روز قیامت ۲۹۳

حضور معصومین علیهم السلام در هنگام مرگ ۲۹۸

تفسیر سوره شوری

۴۲ - سوره شوری در مکه نازل شده و دارای ۵۳ آیه است. ۳۰۷

امام حسن علیه السلام و یزید ملعون در نزد پادشاه روم ۳۱۱

سوالات پادشاه روم از امام حسن علیه السلام ۳۱۷

آیه مودت ۳۲۸

تفسیر سوره زخرف

۴۳ - سوره زخرف در مکه نازل شده و دارای ۸۹ آیه است. ۳۴۳

آیه ای برای سوار شدن بر چهارپایان و کشتی ها در بیابان و دریا ۳۴۹

سوالات غلام آزاد شده عمر از امام باقر علیه السلام ۳۵۸

علی علیه السلام شبیه عیسی بن مریم ۳۶۳

گفتگوی اغنیاء و فقراء ۳۶۴

تفسیر سوره دخان

۴۴ - سوره دخان در مکه نازل شده و دارای ۵۹ آیه است. ۳۷۳

شب قدر ۳۷۶

گریه آسمان و زمین بر امام حسین علیه السلام ۳۸۰

ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام ۳۸۰

تفسیر سوره جاثیه

۴۵ - سوره جاثیه در مکه نازل شده و دارای ۳۷ آیه است ۳۸۷

تفسیر سوره احقاف

۴۶ - سوره احقاف در مکه نازل شده و دارای ۳۵ آیه است ۳۹۹

مدت حمل امام حسین علیه السلام ۴۰۵

سرزمین احقاف ۴۱۰



تفسیر سوره محمد صلی الله علیه و آله

۴۷ - سوره محمد صلی الله علیه و آله در مدینه نازل شده و دارای ۲۸ آیه است ۴۱۹

شرایط قیامت ۴۳۱

تفسیر سوره فتح

۴۸ - سوره فتح در مدینه نازل شده و دارای ۲۹ آیه است ۴۴۵

صلح حدیبیه ۴۴۷

سبب امتناع علی علیه السلام از دشمنان ۴۶۴

تفسیر سوره حجرات

۴۹ - سوره حجرات در مدینه نازل شده و دارای ۱۸ آیه است ۴۶۹

دروغ بستن بر ماریه قبطی..... ۴۷۳

تفسیر سوره ق

۵۰- سوره ق در مکه نازل شده و دارای ۴۵ آیه است..... ۴۸۵

مقام پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام در محشر..... ۴۹۲

تفسیر سوره الذاریات

۵۱- سوره الذاریات در مکه نازل شده و دارای ۶۰ آیه است..... ۴۹۹

معنی زیبا و نیکو بودن آسمان..... ۵۰۲

تفسیر سوره طور

۵۲- سوره طور در مکه نازل شده و دارای ۴۹ آیه است..... ۵۱۱

در بهشت غنا نیست..... ۵۱۵

پیشگفتار

تفسیری را که در پیش روی دارید ترجمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی رحمته الله است؛ تفسیری که از بدو تولد تا به امروز مورد استفاده تمام مفسران شیعه شده و حتی بعضی از این بزرگواران تمام آن را در ذیل آیات تفسیری خود ذکر کرده‌اند و نیز علامه مجلسی رحمته الله هم در دائرة المعارف بزرگ شیعه یعنی بحارالانوار آن را در جای جای کتاب شریفش نقل کرده است.

حال که ترجمه این کتاب شریف با عنایت الهی و لطف آقا امام زمان روحی و ارواح المومنین لتراب مقدمه الفداء به پایان رسیده و آماده چاپ در پنج جلد گردیده است ضروریست که نکاتی را درباره آن توضیح دهیم:

۱. نسخه مورد ترجمه ما چاپ دارالکتاب جزائری است که با تصحیح و تعلیقه و مقدمه علامه حضرت آیه الله سید طیب جزائری (حفظه الله) است.

۲. با توجه به آیات و ترجمه آن و نیز تحقیقات پاورتی و منابعی که از این تفسیر استفاده کرده‌اند ترجمه تفسیر را به پنج جلد رسانده است.

۳. عمده تحقیقات پاورقی ما از کتاب‌های روائی روی بحارالانوار و از کتب تفاسیر روی تفسیرهای برهان، صافی و نورالثقلین و نیز بعضی از کتاب‌های پراکنده بوده است که اگر تمام کتاب‌های تفاسیر را نقل می‌کردیم حجم کتاب را به بیش از این که هست می‌رساند.

۴. ترجمه جلد اول در دو جلد آماده شده که منابع تحقیقاتی را در پایان جلد دوم آورده‌ایم؛ و ترجمه جلد دوم عربی نیز در سه جلد آماده شده که منابع

تحقیقاتی آن را نیز در پایان جلد پنجم آورده‌ایم.

۵. تفسیر قمی شامل تمام سوره‌های قرآن است اما شامل تمام آیات نمی‌باشد و لذا برای سهولت فارسی‌زبانان، ما قبل از آیات تفسیری آیه مورد نظر با ترجمه‌اش را با قلمی مجزا از قلم متن و با فونتی نازک آورده‌ایم تا خواننده گرامی قبل از تفسیر به آیه و ترجمه آن دسترسی داشته باشد و با هیچ مشکلی روبرو نگردد.

۶. چون این ترجمه اولین ترجمه‌ای است که از تفسیر قمی شده یقیناً خالی از اشکال نیست و لذا از خوانندگان گرامی عاجزانه درخواست می‌کنم که در هنگام مشاهده سهوالقلمی آن را با دیده اغماض بنگرند و آن را بر این عاصی ببخشند.

در پایان از همه کسانی که ما را از پیشنهادهای خود بی‌بهره نگذاشتند و نیز کسانی که ما را در مقابله تائیدی یاری کرده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم خصوصاً از حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج امیر آقا جزائری (حفظه الله) که اگر پی‌گیری‌های مخلصانه ایشان بعد از پیشنهاد ترجمه این تفسیر قیم نبود شاید تا حال این ترجمه به سرانجام نرسیده بود.

و همچنین از خداوند متان درخواست عاجزانه دارم که ما را از قرآن جدا نکند و دست ناتوان ما را از تمسک جستن به قرآن ناتوان نگرداند چرا که اگر لطف و عنایت الهی شامل حال ما نباشد در دنیا و آخرت بدبخت و روسیاه خواهیم بود.

خداوند تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن و تمسک جستن به آن جدا مگردان.

خداوند تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن ناطق آقا امیرالمومنین (علیه السلام) دور مگردان. انشاء الله

تفسیر سورة سجده



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۳۲ - سورة سجده در مکه

نازل شده و دارای ۳۰ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاءُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

۱- الم . مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۲- این کتابی است که بی هیچ شک و ریبی از جانب پروردگار عالمیان نازل شده است.

۳- اما آنها می‌گویند: او (پیامبر) آن را به دروغ به خداوند نسبت می‌دهد، بلکه آن سخنان حقی از جانب پروردگارت است تا اینکه گروهی را انذار کنی که قبل از تو هیچ انذار کننده‌ای به سوی آنان نیامده است، شاید که هدایت یابند.

﴿الم * تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ یعنی شکی در آن نیست.

﴿مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاءُ﴾ قریش می‌گفتند که این از دروغ‌های

محمد است؛ و خداوند آنها را رد کرده و می‌فرماید: ﴿بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ بلکه آن سخنان حقی از

جانب پروردگارت است تا اینکه گروهی را انذار کنی که قبل از تو هیچ انذار کننده‌ای به سوی آنان نیامده است، شاید که هدایت یابند.^۱

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ
مِمَّا تَعُدُّونَ (۵)

۵- (خداوند) امور این عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند، سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که می‌شمارید به سوی او بالا می‌رود.

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ﴾ معنی آیه این است که خداوند متعال اوامر و نواهی و اعمال بندگان را تدبیر می‌کند و آن را از آسمان به سوی زمین می‌فرستد، پس آن اعمال به سوی جزای الهی در روز قیامت که مقدار آن هزار سال از سالهای دنیاست بر می‌گردد.^۲

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷)
ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸)
ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا
مَا تَشْكُرُونَ (۹)

۷- او آن خدایی است که هر چیزی را نیکو آفرید، و ابتدای آفرینش انسان را از گل آغاز کرد.

۸- سپس نسل او (انسان) را چکیده‌ای از آب بی‌قدر و ناچیز قرار داد.

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۱۹۳

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۱۹۳؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۴۲؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۲۱

۹- سپس آن را موزون نمود، و از روح خود در آن دمید، و برای شما گوش و چشمها و قلبها قرار داد، اما افراد کمی هستند که شکر نعمت‌های او را بجا آورند.

﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ﴾ که مراد از انسان در این آیه آدم علیه السلام است.

﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ﴾ سپس بچه‌هایش را قرار داد.

﴿مِنْ سُلَالَةٍ﴾ و آن خالص از آب و طعام می‌باشد.

﴿مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ﴾ یعنی از نطفه و منی.

﴿ثُمَّ سَوَّاهُ﴾ یعنی استحالة نطفه به علقه و از علقه به مضغه تا اینکه روح در آن دمیده می‌شود.^۱



قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱)

۱۱- بگو: فرشته مرگ که مأمور شماست روح شما را می‌گیرد، سپس شما را به سوی پروردگارتان باز می‌گرداند.

عزرائیل علیه السلام

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾

عمیر بن هشام از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: وقتی که مرا به معراج بردند فرشته‌ای را دیدم که لوحی از نور در دست دارد و بدون آنکه لحظه‌ای به راست و چپ خود نظر کند پیوسته به لوح نظر می‌کرد ولی محزون و متأثر و غمگین بود، از جبرئیل

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۱۹۴؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۴۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۲

پرسیدم: این فرشته کیست و چه می‌کند؟

جواب داد: این فرشته نامش عزرائیل و موکل قبض روح خلاق است.
گفتم: میل دارم او را از نزدیک ببینم. به همراهی جبرئیل نزدیک رفتم و
گفتم: ای فرشته مرگ تمام کسانی که تاکنون مرده و یا بعدها خواهد مرد به
وسیله شخص خودت قبض روح شده و می‌شوند؟

جواب داد: آری من شخصاً برای قبض ارواح حضور می‌یابم و تمام خلق
دنیا بر حسب اراده و مشیت پروردگار چون سکه درهمی که در دست مردی
باشد که به هر طریق بخواهد آن را در دست می‌گرداند در دست من می‌گردند،
مسخر من هستند و خانه‌ای در روی زمین نیست مگر اینکه من در هر شبانه
روز پنج نوبت داخل آن می‌شوم و چون گریه و زاری کسان متوفی را می‌بینم
می‌گویم بیهوده زاری نکنید که من آنقدر باین خانه خواهم آمد که هیچ
صاحب روحی باقی نماند و احدی از شما را باقی نمی‌گذارم.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای شخصی که پند پذیر باشد مرگ بهترین
واعظ و پند دهنده است و مرگ وسیله عبرت و نصیحت می‌باشد.
جبرئیل فرمود: مصیبت پس از مرگ مهم‌تر و عظیم‌تر از خود مرگ و
مردن است.^۱

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳)
فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا
كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۴۴؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۲۴؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۱۹۴

۱۳- و اگر می‌خواستیم به هر شخصی هدایتش (به اجبار) می‌دادیم، ولی (آنها را مختار گذاشته‌ایم) و وعده من حق است که جهنم را از جن و انس (گناهکار) پر می‌کنم.

۱۴- (به آنها خطاب کنیم): پس بجشید (عذاب جهنم را) چرا که دیدار امروزتان را فراموش کردید، به خاطر همین ما نیز شما را فراموش کردیم، و بجشید عذاب همیشگی را به خاطر آنچه که انجام می‌دادید.

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾ یعنی اگر بخواهیم همه را معصوم از گناه کنیم، می‌توانیم.

﴿فَذُوقُوا إِمَّا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾ یعنی شما را ترک کردیم.

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۱۶)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)

۱۶- در نیمه شب پهلوهایشان از بستر خواب بدور است، و پروردگارشان را با ترس و امید می‌خوانند، و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

۱۷- پس هیچ کس نمی‌داند که چه پاداش نیکویی که روشنی بخش چشم‌هاست به خاطر آنچه که (از اعمال نیک و صالح) انجام می‌دادند برای آنها ذخیره شده است.

فضیلت روز جمعه

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنفِقُونَ﴾

عاصم بن حمید از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: هیچ عمل نیکی از بنده خدا سر نمی‌زند مگر آنکه در قرآن ثوابی برایش معین شده، جز نماز شب که خدای عز و جل ثوابی برایش بیان نکرده است پس که ثواب آن عظیم بوده، همین قدر فرموده: «تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ - تَا - يَعْمَلُونَ»^۱.

آن گاه فرمود: خدای عز و جل برای بندگان مؤمنش در هر جمعه کرامتی دارد، چون روز جمعه می‌شود خداوند فرشته‌ای به سوی بنده‌اش روانه می‌کند، که با او دو جامه است، فرشته‌ای آن جامه را به باغ بهشتی آن بنده می‌برد، و از دربان اجازه ورود می‌خواهد، خادمان از صاحب باغ اجازه می‌خواهند، از همسران خود می‌پرسد مگر بهتر از این نعمتها که دارم نعمت دیگری وجود دارد که این فرشته برایم آورده؟

همسرانش می‌گویند: ای آقا و مولای ما، به آن خدایی که این بهشت را بر تو مباح کرده سوگند، هدیه‌ای آورده که از آن زیباتر چیزی ندیده‌ایم.

پس بنده مؤمن یکی از آن دو جامه را لنگ، و دیگری را سردوشی می‌کند، به هیچ چیز عبور نمی‌کند مگر آنکه از نور آن دو جامه روشن می‌شود، تا به مکان مقرر برسد. همین که به آن قرارگاه رسیدند، و با سایر مؤمنان در آنجا گرد آمدند، پروردگارشان برایشان تجلی می‌کند، چون به او نظر می‌کنند، یعنی به رحمت او، بی اختیار به سجده می‌افتند، پروردگارشان خطاب می‌کند که سرها از سجده بردارید، این جا دیگر جای سجده نیست، و امروز روز عبادت نیست، من از شما زحمت هر عمل و عبادتی را برداشتم.

می‌گویند: پروردگارا آخر هیچ چیزی بهتر از این که به ما داده‌ای نیست، به

ما بهشت ارزانی داشته‌ای.

می‌فرماید: شما هفتاد برابر آنچه دارید نیز نزد من دارید.

پس مؤمن در هر روز جمعه آنچه دارد هفتاد برابر می‌شود، و این است معنای جمله «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»^۱ که مربوط است به روز جمعه، آری، شب آن روز، شبی بسیار بزرگ، و روزش روزی بسیار تابناک است، تا می‌توانید در شب و روز جمعه تسبیح و تهلیل و تکبیر و ثنای خدای عز و جل بگویید، و به رسول خدا ﷺ درود بفرستید.

آن گاه فرمود: پس مؤمن از آن قرارگاه می‌رود و به هیچ چیز عبور نمی‌کند، مگر آنکه روشنش می‌سازد، تا به همسرانش می‌رسد، همسرانش می‌گویند: به آن خدایی که این بهشت را در اختیارمان گذاشت، ای مولای ما، هرگز تو را زیباتر از این ساعت ندیده‌ایم.

می‌گوید: من به نور پروردگارم نظر کردم.

سپس فرمود: همسرانش نه اهل مکر و حيله هستند و نه حیض می‌بینند و نه اینکه از بهره بردن از شوهرانشان دوری می‌جویند.

راوی گوید، عرض کردم: فدایت گردم می‌خواهم از چیزی سؤال کنم ولی حیاء می‌کنم.

امام علیه السلام فرمود: سؤال کن.

عرض کردم: فدایت گردم! آیا در بهشت غناء هم هست؟

فرمود: در بهشت درختی است که خداوند به باد امر می‌کند که بر آن درخت بوزد و از آن درخت صدائی شنیده می‌شود که خلأئق صدائی نیکوتر از آن را نشنیده‌اند و این در عوض آن است که کسی در دنیا از ترس خداوند

۱. ق، آیه ۳۵؛ و نزد ما نعمت‌های زیادی است.

غناء و موسیقی را ترک کرده باشد.

تا آنجا که گفت: عرضه داشتیم: فدایت شوم، باز هم برایم بگو.

فرمود: خداوند متعال بهشتی را به دست خود آفرید، که هیچ چشمی آن را ندیده، و احدی از آن خبر ندارد، هر روز صبح درب آن بهشت را باز می‌کند، و به آن فرمان می‌دهد که بوی خوش را زیاده‌تر کن، و نسیمت را دل‌نوازتر ساز، این است که خدای عز و جل در باره‌اش فرموده: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ پس هیچ کس نمی‌داند که چه پاداش نیکوئی که روشنی بخش چشم‌هاست به خاطر آنچه که (از اعمال نیک و صالح) انجام می‌دادند برای آنها ذخیره شده است.^۱

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹)

۱۸ - آیا کسی که ایمان آورده مانند کسی است که فاسق بوده؟ هرگز این دو با هم مساوی نیستند.

۱۹ - اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای صالح انجام می‌دهند پس جایگاه آنها بهشت همیشگی است، و این پاداش آنچه است که (از اعمال صالح) انجام می‌دادند.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾ فرمود: این آیه درباره‌ی علی بن ابی‌طالب علیه السلام و ولید بن عقبه بن ابی‌معیط نازل شد که ولید بن عقبه به آن حضرت گفت: به خدا

سوگند من از شما خوش بیان‌ترم، نیزه‌ام از نیزه تو تیزتر، و در صف تیراندازان ثابت قدم‌ترم.

علی‌علیه السلام فرمود: ساکت باش، تو تنها فاسقی و بس، پس خدای تعالی این آیه را نازل کرد: ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾ * أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * که مراد از ﴿مومن﴾ علی بن ابی طالب علی‌علیه السلام است.^۱

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۰)

۲۰- و اما کسانی که فاسق شدند پس جایگاه همیشگی آنها آتش جهنم است، هر زمان که بخواهند از آن خارج شوند دوباره به آن بر می‌گرداند و به آنها گفته می‌شود: بچشید عذاب جهنمی را که آن را تکذیب می‌کردید.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا﴾ - تا - به تَکْذِیْبُونَ می‌فرماید: وقتی آنان داخل جهنم می‌شوند در آن سقوط می‌کنند و به فاصله هفتاد سال راه سرنگون می‌شوند، آنگاه که به قعر جهنم رسیدند جهنم آنان را بیرون می‌اندازد، آنگاه که به بالای جهنم می‌رسند با آهن نگهداشته می‌شوند و از خروج‌شان جلوگیری می‌شود و حالشان به طور دایم چنین است.^۲

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمَةً يَهْدُونَ يَا مَعْرُوفُ اسْبِرْ وَيَا إِيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَحْبِطَ عَنْكُمْ جُودُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۲۴)

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۰۵

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۱

۲۴- و بعضی از آنها را امام و پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما (مردم را)

هدایت می‌کردند، چون صبر نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾ در علم الهی بود که آنها بر آنچه که به ایشان می‌رسد صبر می‌کنند و به همین خاطر آنها را ائمه قرار داد. از طلحه بن زید از جعفر بن محمد از پدرش امام باقر علیه السلام که فرمود: مراد از ائمه در قرآن دو نوع امام است، یکی امام عدل و دیگری امام جور و ستم می‌باشد که خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ یعنی هدایت به امر ما می‌کنند نه به امر مردم، آنها امر خداوند را مقدم بر خودشان و حکم ما را مقدم بر حکم خویش می‌کنند.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾ یعنی امر خودشان را مقدم بر امر خدا و حکم خودشان را نیز مقدم بر حکم خداوند می‌کنند، و با هوا و هوس خویش و آنچه که خلاف قرآن است عمل می‌نمایند.

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (۲۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۸)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (۲۹)

فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ (۳۰)

۲۷- آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین‌های خشک می‌بریم، پس از آن

زراعت‌هایی می‌رویانییم که چهارپایان‌شان و خودشان از آن روزی

می‌خورند؟ آیا بینا نمی‌گردند؟

۲۸- و می‌گویند: چه وقت می‌رسد این پیروزی شما، اگر راست می‌گویند؟

۲۹- بگو: روز پیروزی، ایمان آوردن کسانی که کفر می‌ورزیدند نفعی به

حال آنها نمی‌بخشد، و به آنها مهلت داده نمی‌شود.

۳۰- پس از آنها روی بگردان، و منتظر باش، همانا آنها نیز منتظر هستند.

﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ عذاب پست عذاب

رجعت با شمشیر است.

﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ یعنی آنها در زمان رجعت بر می‌گردند تا عذاب شوند.

﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ﴾ که ﴿الارض الجرز﴾ یعنی

زمین خراب و آن مثالی است که خداوند درباره رجعت و قیام حضرت

قائم علیه السلام زده است، پس هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به رجعت خبر داد

گفتند: ﴿مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ و این آیه عطف بر آیه ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ

الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ ۲۱ همین سوره است و گفتند: ﴿مَتَىٰ هَذَا

الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ چه وقت می‌رسد این پیروزی شما، اگر راست

می‌گویند؟

خداوند فرمود: به آنها بگو: ﴿يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ

يُنْتَظَرُونَ﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ﴾ پس ای محمد از آنها دوری

کن و منتظر باش، بدرستی که آنها هم از منتظران هستند.^۱



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورة احزاب



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی

۳۳ - سورة احزاب در مدینه

نازل شده و دارای ۷۳ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا (۱)

۱- ای پیامبر از خداوند بپرهیز، و از کافران و منافقین اطاعت مکن، همانا

که خداوند دانا و حکیم است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا﴾ این همان است که امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند پیامبرش
حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد برای اینکه او را مخاطب سازد و غیر آن
حضرت را اراده نماید یعنی «دخترم به تو می گویم، عروسم تو بشنو». پس
مخاطب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و مقصود مردم می باشند.^۱

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهِرُونَ
مِنْهُمْ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ
يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (۴)

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي

الدِّينَ وَ مَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ
قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً (۵)

۴- خداوند در درون آدمی دو دل قرار نداده است، و همسران را که ظاهر می‌کنید (آنها را بعنوان مادر می‌خوانید) مادر شما، و نیز فرزند خوانده‌ها را فرزند شما قرار نداده است، این سخنانی که بر زبانان جاری می‌شود، و خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند.

۵- آنها (پسر خوانده‌ها) را به اسم پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه‌تر است، اگر پدرانشان را نمی‌شناسید پس آنها برادران دینی و موالی شما هستند، و در کاری که به خطا رفته‌اید گناهی بر شما نیست، و لکن آنچه را که به عمد و با اراده قلبی می‌کنید (بر آن مؤاخذه می‌شوید)، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ این آیه با آیه ۲ سوره مجادله ﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ - تا - وَلَدْنَهُمْ﴾ یکی است.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ﴾ به نقل از حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: دوستی ما اهل بیت و دشمنان ما در قلب انسانی با هم جمع نمی‌شود زیرا خداوند در درون انسان دو قلب قرار نداده که هم ما را دوست بدارد و هم دشمنان ما را، اما دوستی ما دوستی را خالص می‌کند همچنانکه طلا به وسیله آتش خالص می‌گردد و هیچ کدوری در آن نمی‌ماند، پس کسی که می‌خواهد بداند چقدر ما را دوست دارد قلبش را امتحان نماید، اگر به همراه دوستی ما دشمنان ما را نیز دوست بدارد پس او از ما نیست و ما هم از او نیستیم و خداوند و جبرئیل و

میکائیل دشمن آنهاست و خداوند کافرین را دشمن می‌دارد.^۱

داستان زید بن حارثه

﴿وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ﴾

ابن ابی عمیر از جمیل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: سبب نزول این آیه این بود که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با خدیجه دختر خویلد ازدواج کرد، به منظور تجارت از مکه به عکاظ رفت و در آنجا زید را دید که در معرض فروش قرار گرفته، او را جوانی زیرک و تیزهوش و عفیف یافت، پس وی را خریداری کرد، و همین که به نبوت رسید، زید را به اسلام دعوت نمود، و زید مسلمان شد، از آن روز مردم به وی می‌گفتند: آزاد شده محمد صلی الله علیه و آله.

از سوی دیگر وقتی حارثه بن شراحیل کلبی از سرگذشت پسرش زید خبردار شد، به مکه آمد تا فرزندش را از مولایش خریده آزاد کند، و حارثه مردی محترم و بزرگ بود، نزد ابو طالب آمده گفت: ای ابو طالب! پسر من در حادثه‌ای اسیر شده، و شنیده‌ام که دست به دست بفروش رفته، تا به دست برادرزاده‌ات افتاده است، از تو خواهش می‌کنم به ایشان پیشنهاد کنی یا پسر من را بفروشد، و یا عوض آن غلامی دیگر بگیرد، و یا آزادش کند.

ابو طالب با رسول خدا صلی الله علیه و آله صحبت کرد، حضرت فرمود: من او را آزاد کردم هر جا می‌خواهد برود.

حارثه برخاست و دست زید را گرفت و گفت: پسر بر خیز و به شرافت و حسب و آبروی سابقت برگرد.

۱. بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۱۴

زید گفت: به هیچ وجه تا زنده‌ام از رسول خدا ﷺ جدا نمی‌شوم.
حارثه گفت: آیا دست از شرافت و دودمان خود برمی‌داری، و برده قریش می‌شوی؟

زید مجدداً گفت: به هیچ وجه و تا وقتی که زنده‌ام از رسول خدا ﷺ جدا نمی‌شوم.

پدرش خشمگین شد و گفت: ای گروه قریش شاهد باشید که من از او بی‌زاری جستم و او دیگر پسر من نیست.

رسول خدا ﷺ به حاضران خطاب کرد: شاهد باشید، زید پسر من است، از من ارث می‌برد، و من از او ارث می‌برم.

از آن روز مردم به زید می‌گفتند: زید ابن محمد و رسول خدا ﷺ او را دوست می‌داشت، و نامش را «زید الحب» گذاشت.

بعد از آنکه رسول خدا ﷺ به مدینه مهاجرت فرمود، زینب دختر جحش را به ازدواج زید درآورد، روزی دیر به خدمت رسول خدا ﷺ رفت، آن جناب به منزل وی رفت تا از او خبر بگیرد، و در آن هنگام زینب وسط اطاق خود نشست، و با «فهر» (سنگی که ادویه را با آن نرم می‌کنند) عطر جامد خود را می‌سایید، رسول خدا ﷺ درب را باز کرد تا از زینب خبر بگیرد، ناگهان چشمش به زینب که زنی زیبا بود افتاد و گفت: منزّه است خداوند آفریدگار نور و ﴿فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ و سپس به منزل خود برگشت، در حالی که به یاد زیبایی او بود.

زید به منزل آمد. زینب جریان را به شوهرش گفت. زید گفت: آیا میل داری تو را طلاق دهم تا رسول خدا ﷺ با تو ازدواج کند؟

زینب گفت: می‌ترسم تو طلاق بدهی، و رسول خدا ﷺ هم با من ازدواج

نکند.

زید نزد رسول خدا ﷺ رفت و عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت، زینب جریانی به این صورت برایم تعریف کرد، آیا میل داری من او را طلاق دهم تا شما با او ازدواج کنید؟

فرمود: نه، برو و از خدا بترس، و همسرت را نگهدار، خدای تعالی این جریان را حکایت کرده و فرمود: ﴿أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كُهَا - تا - وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾^۱ پس خدای تعالی در بالای عرش خود زینب را به ازدواج آن جناب درآورد.

منافقین گفتند: زنان پسران ما را بر ما حرام می‌کند، آن وقت خودش همسر پسرش زید را می‌گیرد، خدای تعالی در پاسخ آنان فرمود: ﴿وَمَا جَعَلَ أَذْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ - تا - يَهْدِي السَّبِيلَ﴾ و نیز فرزندان خوانده‌ها را فرزندان شما قرار نداده است، این سخنانی که بر زبان‌تان جاری می‌شود، و خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند.

سپس فرمود: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ - تا - وَمَوَالِيكُمْ﴾ بدانکه زید پسر واقعی حضرت محمد ﷺ نبود بلکه پیامبر به خاطر اینکه پدر زید او را از خود راند و لذا پیامبر برای تسکین دل زید او را به عنوان پسر خوانده خویش انتخاب نمود. در این مورد ما در ذیل آیه ۴۰ ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ مطلبی

۱. احزاب، آیه ۳۷؛ می‌گفتی: همسرت را نگهدار و از خداوند بپرهیز، و در دلت چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار کرد، و از مردم می‌ترسیدی و در حالی که خداوند سزاوارتر بود که از او بترسی. پس هنگامی که زید نیازش را از آن زن برطرف کرد (و طلاقش داد)، ما او را به ازدواج تو در آوردیم تا برای مؤمنان ازدواج با زن پسر خوانده‌هایشان هنگامی که طلاق بگیرند بیم نداشته باشند، و فرمان خدا انجام شدنی است.

نوشته ایم.

سپس خداوند نازل فرمود: ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ﴾^۱ از این به بعد زنان بر تو حلال نمی شود یعنی آنچه را که در سوره نساء بر آن حضرت حلال کرده بود دیگر بر او حلال نیستند.

این آیه ﴿وَلَا أَنْ تَبْدَلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ﴾^۲ عطف بر داستان زن زید است. ﴿وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ﴾^۳ یعنی زن مردی بر تو حلال نیست که خودش را بر تو عرضه نماید مگر اینکه شوهرش او را طلاق بدهد و تو با او ازدواج کنی پس این عمل را بعد از این انجام مده.^۴

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۶)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (۷)

۶- پیامبر به مومنین از خودشان سزاوارتر است، و همسران او مادران آنهاست، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر سزاوار از مومنان و مهاجران هستند آنچه که در کتاب الهی آمده است، مگر آنکه بخواهید بر دوستانتان نیکی و احسان کنید (مقداری از مالتان را به آنها بدهید)، که این حکم در کتاب الهی نوشته شده است.

۱. احزاب، آیه ۵۲

۲. احزاب، آیه ۵۲

۳. احزاب، آیه ۵۲

۴. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۱۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۱۴

۷- و (بیاد بیاور) هنگامی که ما از پیامبران عهد و پیمان گرفتیم، و نیز از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و از آنها عهد و پیمان محکمی گرفتیم (با هر زحمتی که است رسالت الهی را تبلغ کنند).

پیامبر اولی است به مومنین از خودشان

﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾ می فرماید: این آیه چنین نازل شده «و هو أب لهم و أزواجه أمهاتهم»، و خداوند مومنین را اولاد رسول خدا ﷺ قرار داده و خود حضرت را پدران آنها، کسی که قادر نیست خودش را نگه دارد و مالی ندارد و بر خودش ولایتی ندارد پس خداوند تبارک و تعالی ولایت مومنین را بعد از خودش بر آنها، بر پیامبر قرار داد و این فرمایش رسول خداست که در غدیر خم فرمود: ای مردم آیا من اولی به شما از خودتان نیستم؟

گفتند: بلی! سپس آنچه را که از ولایت خود بر مردم واجب کرده بود را برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز واجب نمود و فرمود: آگاه باشید هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست.

هنگامی که خداوند پیامبر را پدر مومنین قرار داد او را ملزم فرمود که به مردم کمک کند و یتیمانشان را تربیت نماید و در این هنگام رسول خدا ﷺ از منبر بالا رفت و فرمود: هر کس مالی داشته باشد و بمیرد آن مال به ورثه او می رسد و هر کس دین و یا مالی از خود بجا بگذارد و وارثی نداشته باشد، آن برای من است. خداوند برای مؤمنین حقوقی نسبت به پیغمبر مقرر فرموده مانند حقوقی که پدر نسبت به فرزند دارد و بعد از پیغمبر این حقوق به امیرالمؤمنین و بعد از آن جناب به ائمه منتقل می گردد چون پیغمبر و امیر

المؤمنين هر دو پدران این امت هستند. خداوند می فرماید: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۱ که مراد از «والدان» رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: و به همین سبب یهود همگی اسلام آوردند زیرا بر خودشان و زن و بچه هایشان اطمینان خاطر پیدا کردند.^۲
 ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ این آیه درباره امامت نازل شده است.^۳

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ﴾ و او در ﴿و منک﴾ زائد است و آیه این است ﴿هو منک و من نوح﴾ است پس خداوند برای خودش از انبیاء عهد و پیمان گرفت سپس برای پیامبرش و ائمه از انبیاء عهد و پیمان گرفت و سپس برای پیامبران بر رسولش عهد و پیمان گرفت.^۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ كُنتُمْ جُنُودَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۹)
 إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (۱۰)
 هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)
 وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا

۱. نساء، آیه ۳۶؛ خداوند را عبادت کن و چیزی را شریک او قرار مده، و به پدر و مادر نیکی کن.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۷

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۲۱

۴. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۲۳؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۴۱

عُزُوراً (١٢)

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَاراً (١٣)

وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْنَهَا وَمَا تَلَبَّسُوا بِهَا إِلَّا

يَسْبِرَ (١٤)

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلَوْنَ الْأَذْنَبارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ

مَسْئُلاً (١٥)

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذْ لَا تُنْمَتُونَ إِلَّا

قَلِيلاً (١٦)

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءاً أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا

يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيّاً وَلَا نَصِيراً (١٧)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّضِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ

إِلَّا قَلِيلاً (١٨)

أَشْحَةً عَلَيْهِمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي

يُغْشى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِاللَّسِنَةِ حِذَادٍ أَشْحَةً عَلَى

الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَخْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ

يَسْبِرَ (١٩)

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي

الْأَغْرَابِ يَسْتَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلاً (٢٠)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً (٢١)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ

وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (۲۲)
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ
 مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (۲۳)

۹- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خداوند بر شما را بیاد بیاورید
 هنگامی که لشکریانی به سوی شما آمدند، پس ما باد و طوفانی شدید به
 سوی آنها فرستادیم که آن را نمی‌دیدید، و خداوند بدانچه که انجام
 می‌دهید بیناست.

۱۰- (بیاد بیاورید) هنگامی که (لشکر کفار) از بالا و پائین (شهر مدینه) بر
 شما حمله‌ور شدند (و آن را محاصره کردند) و زمانی که چشمها از شدت
 ترس حیران شده و جانها به لب رسیده بود، و به وعده الهی گمانهای
 گوناگونی می‌بردید.

۱۱- در آنجا بود که مؤمنان امتحان شدند و به سختی متزلزل گردیدند.
 ۱۲- و هنگامی که منافقین و کسانی که در دلهایشان مرضی بود می‌گفتند:
 خداوند و رسولش بر ما وعده دروغگین داده‌اند.

۱۳- و هنگامی که گروهی از آنها گفتند: ای اهل یثرب، دیگر برای شما
 جای ماندن نیست، (به خانه‌هایتان) برگردید. و گروهی از آنها از پیامبر
 اجازه رفتن خواسته و می‌گفتند: خانه‌های ما دیوار و حفاظی ندارد، در
 حالی که بی‌حفاظ نبودند، و مقصود آنها این بود که از جنگ فرار کنند.

۱۴- و اگر دشمنان از اطراف به شهر وارد می‌شدند و از آنها می‌خواستند که
 به کفر و شرک برگردید می‌پذیرفتند، و جز مدت کمی درنگ نمی‌کردند.

۱۵- و به تحقیق آنها قبل از این با خداوند عهد کرده بودند که به دشمن
 پشت نکنند، که از عهد الهی سوال خواهد شد.

۱۶- بگو: اگر از مرگ یا قتل فرار می‌کنید هرگز نفعی به حال شما ندارد، چون در آن هنگام از زندگی بهره کمی نمی‌برید.

۱۷- بگو: چه کسی می‌تواند شما را در برابر خداوند نگه دارد، اگر او بدی یا رحمتی را برای شما اراده کند؟ و برای آنها به غیر از خداوند هیچ ولی و یآوری نخواهند یافت.

۱۸- به تحقیق خداوند کسانی را که مردم را از جنگ می‌ترسانند و کسانی که به برادرانشان می‌گفتند: به سوی ما بیایید را می‌شناسد، و آنها جز اندک زمانی (مدت کمی) برای جنگ حاضر نمی‌شوند.

۱۹- آنها به شما بخل می‌ورزند، پس هنگامی که ترس آید آنها را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند، و چشم‌هایشان در حلقه می‌چرخد، مانند کسی که سختی مرگ به او روی آورده باشد، پس هنگامی که ترسشان فرو نشست، با زبان تند و گفتار خشن خودشان با کمال حرص و بخل شما را بیزارند، آنها ایمان نیاورده‌اند، پس خداوند هم اعمالشان را محو و نابود کرد، و این کار بر خدا آسان است.

۲۰- و آنها می‌پندارند که لشکر احزاب هنوز نرفته‌اند، و اگر برگردند دوست دارند که در میان اعراب بادیه‌نشین باشند و از اخبار شما جويا شوند، و اگر هم در میان شما باشند جز اندکی به جنگ نمی‌پردازند.

۲۱- به تحقیق برای شما در رسول خدا الگوی نیکویی است، برای کسی که امید به (ثواب و رحمت الهی) و روز آخرت دارد، و خدا را بسیار یاد می‌کند.

۲۲- و هنگامی که مؤمنین لشکر احزاب را دیدند گفتند: این همان وعده‌ای است که خداوند و رسولش به ما داده بودند، و خداوند و رسولش راست

گفته‌اند، و این جز بر ایمان و تسلیمشان نیفزود.

۲۳- از میان مؤمنان مردانی هستند که عهد و پیمانی را که با خدا بسته‌اند صادقانه ایستاده‌اند، پس برخی از آنها پیمان خود را به آخر رساندند، و برخی نیز در انتظار هستند، و در عهد و پیمان خود هیچ تغییری ندادند.

چگونگی جنگ احزاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ...﴾ این آیات درباره داستان جنگ احزاب که قریش و عرب برای جنگ با رسول خدا ﷺ لشکرکشی کردند نازل شده است.

در آن جنگ قریش در سال پنجم هجری جمع شده در میان اعراب رفته و اعتماد آنها را برای جنگ با رسول خدا ﷺ جلب نمودند و ده هزار نفر را آماده کردند که در میان اعراب قبائل کنانه و سلیم و فزاره بودند، رسول خدا ﷺ قبیلۀ بنی نضیر را که رئیس آنها حی بن اخطب بود که از اولادان حضرت هارون علیہ السلام بودند را از مدینه بیرون کرد، چون از مدینه آواره شدند به سوی خیبر رفتند. حی بن اخطب به سوی قریش مکه رفت و برای ترغیب آنها به جنگ با پیامبر ﷺ به آنها گفت: محمد عرصه را بر شما و ماتنگ کرده و ما را از دیار و اموالمان آواره نمود و همچنین بنی قینقاع عموزادگان ما را نیز از شهرشان آواره کرد، پس بگردید و هم پیمانان خود و دیگران را برای جنگ با او آماده کنید تا به جنگ برویم و از قوم من که بنوقریظه باشند در یثرب هفصد نفر باقی مانده‌اند که همگی آنها از مردان جنگی هستند اگر چه با محمد هم عهد و پیمان است ولی من می‌توانم آنها را نیز به سوی شما متمایل

کنم تا عهد و پیمانشان با محمد را نقض نمایند و شما از بالای شهر مدینه و آنها از سمت پائین مدینه حمله کنند و کار محمد را یکسره کنیم.

معجزه های رسول خدا ﷺ در جنگ خندق

محل سکونت بنی قریظه دو میل از مدینه فاصله داشت که بئر المطلب نام داشت حی ابن اخطب پیوسته با قریش در میان عرب می گشتند تا اینکه ده هزار نفر از قریش و کنانه و اقرع بن حابس یا قومش و عباس بن مرداس در بنی سلیم را جمع کردند. چون خبر جمع آوری لشکر قریش به پیامبر اکرم ﷺ رسید با یارانش که هفصد نفر مرد بودند مشورت نمود.

سلمان فارسی گفت: ای رسول خدا ﷺ جماعت کم در مقابل لشکر زیاد در هنگام جنگ دوامی ندارد.

پیامبر ﷺ فرمود: پس چه کنیم؟

گفت: در اطراف شهر خندق می کنیم تا فاصله ای میان ما و آنها باشد و مانع هجوم آنها از هر طرف باشد که ما در هنگام حمله دشمن همین کار را می کردیم و از یک طرف با دشمن جنگ می نمودیم.

در این هنگام جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: سلمان مشورت نیکویی داده است. پس رسول خدا ﷺ دستور دادند که از ناحیه احد تا رائج «راتج» را خندق بکنند و حضرت هر بیست قدم یا سی قدم را برای کندن به گروهی از مهاجرین و انصار می دادند و امر نمود که بیل ها و کلنگ ها را آورند و خود حضرت اول شروع به کندن کرد و کلنگی را گرفت و در قسمت مهاجرین شروع به کندن نمود و امیرالمومنین علی علیه السلام نیز خاک های کنده شده را برمی داشت و در بیرون می ریخت تا اینکه رسول خدا ﷺ عرق کرده و خسته

شد و فرمود: راحتی نیست جز در آخرت، پروردگارا انصار و مهاجرین را پیامرز. هنگامی که مردم رسول خدا را دیدند که خندق را حفر می‌کند شروع به کندن و بیرون ریختن خاک‌ها کردند، چون روز دوم شد از اول صبح شروع به کندن کردند و حضرت در مسجد فتح نشست و مهاجرین و انصار نیز خندق را می‌کندند تا اینکه به سنگی رسیدند که بیل و کلنگ در آن هیچ اثری نکرد پس جابر بن عبدالله انصاری را به نزد رسول خدا ﷺ فرستادند تا جریان را به آن حضرت بگوید.

جابر گوید: به مسجد رفتم رسول خدا را دیدم که بر پشت خوابیده و عبایش را زیر سرش گذاشته و از گرسنگی بر شکمش سنگی بسته بود، عرض کردم: ای رسول خدا در هنگام کندن خندق به سنگی رسیده‌ایم که بیل و کلنگ در آن اثری نمی‌کند. حضرت فوراً بلند شده و به سرعت آمدند و آن‌گاه آبی خواستند و وضوئی ساختند و مقداری از آن را آشامیدند و مقداری را نیز در دهان مبارکش مضمضه کرده و بر روی آن سنگ پاشیدند و سپس کلنگی را برداشته و ضربه‌ای بر آن زدند که برقی از آن جرقه زد که در اثر آن قصرهای شام را مشاهده کردیم و سپس ضربه‌ای دیگر زدند که باز برقی زده و قصرهای مدائن را دیدیم و آن‌گاه ضربه‌ای برای بار سوم زدند که برقی از آن ساطع شد و قصرهای یمن را دیدیم؛ رسول خدا ﷺ فرمود: آگاه باشید شهرها که برق به آنها رسید بزودی به روی شماها فتح خواهد شد و سپس آن سنگ برای ما همچون ریگ نرم شد.

جابر گوید: دانستم که حضرت گرسنه است چون دیده بودم که سنگ بر شکمش بسته بود، عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ آیا غذایی برای شما تهیه کنم؟

فرمود: ای جابر چه داری؟

عرض کردم: بزغاله و یک صاع (سه کیلو) جو دارم.

فرمود: برو و آنچه را که داری آماده کن.

جابر گوید: به خانه رفتم و به زخم گفتم که جو را آماده کند و من نیز بزغاله را کشته و پوست کندم که زخم نان را پخت و من نیز خورشت را آماده کردم چون غذا آماده شد نزد رسول خدا ﷺ آمده و عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ پدر و مادرم فدایتان باد غذا آماده است هر کسی را که دوست داری با خودت برای صرف غذا بیاورید.

پیامبر ﷺ بلند شده و در کنار خندق ایستاد و فرمود: ای مهاجرین و انصار دعوت جابر را اجابت کنید.

جابر گوید: در خندق هفتصد مرد کار می کردند که همگی بیرون آمدند و به سوی خانه من حرکت کردند و پیامبر ﷺ در راه هر کسی از انصار و مهاجر را می دید به آنها نیز می فرمود که دعوت جابر را برای صرف غذا اجابت کنید. من جلوتر رفته و به زخم گفتم: به خدا سوگند محمد رسول خدا ﷺ با عده ای می آید که برای هیچ کسی طاقت غذا دادن آنها نیست.

همسرم گفت: آیا به پیامبر عرض کردی که غذای ما چه مقدار است؟

گفتم: بله!

گفت: او می داند که چند نفر را دعوت کند.

جابر گوید: رسول خدا ﷺ وارد شده و نگاهی به دیگ غذا کردند سپس فرمودند: ملاقه ای بر آن بز و مقداری در ته دیگ باقی بگذار سپس نگاهی به تنور نمودند و فرمودند نان ها را بیرون بیاور و مقداری نیز از آن را در تنور بگذار باقی بماند سپس کاسه ای خواست و با دست مبارک خویش نان در

کاسه ترید کرد و با ملاقه از آبگوشت بر روی آن ریخت و فرمود: ای جابر! ده نفر را بیاور، ده نفر را آوردم خوردند و سیر شدند و در ظرف چیزی جز اثر انگشت از آنها باقی نماند سپس فرمود: ای جابر یک دست بزغاله را بیاور، آوردم آن را نیز خوردند و باز فرمود: ده نفر دیگر را بیاور، آنها نیز آمده و خوردند و سیر شدند و در ظرف جز اثر انگشت چیزی باقی نماند سپس فرمود: یک دست دیگر بیاور که خوردند و رفتند. همینطور ده نفر ده نفر می آمدند می خوردند و من نیز یک دست می آوردم تا اینکه عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ مگر یک گوسفند چند تا دست دارد؟

فرمود: دو دست.

عرض کردم: سوگند به آن کسی که تو را به حق فرستاده است من تا حال سه دست برای شما آوردم. فرمود: ای جابر! اگر ساکت می ماندی همه مردم فقط از همین دست می خوردند و سیر می شدند.

جابر گوید: همینطور ده نفر ده نفر دعوت می کردم می آمدند و می خوردند تا اینکه همه آن جمعیت غذا خوردند به خدا سوگند از آن غذا برای ما آنقدر باقی ماند که چند روز نیز ما از آن خوردیم.

جابر گوید: رسول خدا ﷺ خندق را کند و برای آن هشت در گذاشت و بر هر دری مردی از مهاجرین و مردی نیز از انصار با عده ای سرباز برای نگهبانی گذاشت تا اینکه قریش و کنانه و سلیم و هلال آمده و در محلی به نام رغابه (زغابه) که در نزدیکی مدینه است چادر زدند.

ذکر رسول الله ﷺ در تورات

رسول خدا ﷺ سه روز قبل از آمدن قریش حفر خندق را تمام کردند. حی بن اخطب که پیشاپیش مشرکین قریش بود به وادی عقیق رسید، نیمه شب کنار قلعه یهودیان بنی قریظه که با پیغمبر اکرم ﷺ عهد و پیمان اتفاق بسته بودند، آمد چون در قلعه را بسته دید، در را کوبید و بنی قریظه را بیاری طلبید کعب بن اسد حی را شناخته به قوم خود گفت: این صدای حی بن اخطب است که قوم خود را به زحمت و شئامت انداخته و اکنون آمده که ما را هم به زحمت بیندازد و ما را وادار به نقض عهد با محمد ﷺ نماید در صورتی که محمد برای ما نیکو همسایه ای است؛ و برای دور کردن حی که پشت در ایستاده بود، پرسید: کیستی؟

حی خود را معرفی نموده و گفت: من آمده ام برای سعادت شما و عزت و احترام قبیله شما اقدام کنم.

کعب جواب داد: بلکه آمده ای موجبات خواری و ذلت ما را فراهم سازی. حی گفت: ای کعب اکنون قبایل قریش و کنانه و فزاره و سلیم و دیگران با سپاهیان بیشمار در وادی عقیق فرود آمده اند و آماده پیکار با مسلمین هستند و هرگز محمد از دست آنها جان سلام بدر نمی برد در را باز کن و آن عهد و پیمانی که ما بین شما و محمد است، آن را نقض کن.

کعب گفت: من در قلعه را به روی تو باز نخواهم کرد هر کجا که می خواهی

برو.

حی گفت: حتما از لثامت و خست خود و از ترس آنکه نانی که در تنورداری

برای ما بیاوری و نانت را بخوریم در را باز نمی کنی؟

کعب گفت: خدا ترا لعنت کند که از راهی وارد شدی که ناگزیر بگشودن در

شدم.

در قلعه را بروی حی گشوده و حی وارد شد و به کعب گفت: وای بر تو چرا بمن اعتماد نمی‌کنی و پیمان محمد را نمی‌شکنی باید از این فرصت حداکثر استفاده را نموده و اطمینان داشته باشی که محمد هرگز در این کارزار فاتح نخواهد شد.

بزرگان یهود که در حصار جمع بودند مانند غزال بن شمول و یاسر بن قیس و رفاعة ابن زید و زبیر بن یاطا پیرامون حی و کعب اجتماع کرده بودند، کعب به آنها گفت: نظر شما چیست؟

گفتند: تو بزرگ و فرمانروای ما می‌باشی هر چه اراده نمائی ما تبعیت خواهیم کرد اگر گوئی بر عهد خود باقی می‌مانیم و اگر مصمم به ترک پیمان شوی از تو پیروی خواهیم نمود.

زبیر بن یاطا که پیرمرد نابینا و با تجربه و عالم بود گفت: مگر شما تورات را نمی‌خوانید که در اسفار آن فرمود پیغمبر آخر زمان در مکه مبعوث می‌شود و پس از چندی از مکه به مدینه هجرت می‌کند به قدری متواضع است که بر الاغ برهنه سوار می‌شود، رداء بر تن می‌کند و پیوسته چهره‌اش متبسم است، بسیار کشنده می‌باشد و در چشمان او اثر قرمزی مشهود است، میان دو کتفش اثر مهر نبوت نقش شده، در برخورد با اشخاص بیم و وحشتی ندارد، حتی از پادشاهان و سلاطین ترسی ندارد، و بزرگی او عالمگیر خواهد شد اگر این محمد همان پیغمبر است که از کثرت جمعیت احزاب و مشرکین باکی ندارد و اگر به کوه حمله کند آن را از جا می‌کند و بر دشمنان غالب خواهد شد.

حی گفت: این پیغمبر نیست زیرا او از فرزندان اسماعیل است و حال آنکه

پیغمبر موعود باید از بنی اسرائیل باشد و حضرت موسی از ما عهد گرفته که ایمان به پیغمبری نیاوریم جز آنکه قربانی کنیم و او آتشی بیاورد و آن قربانی را بسوزاند و محمد این طور نیست و می‌خواهد با سحر بر ما غلبه کند و آیت و معجزه‌ای ندارد. آنقدر حی با افسون خود در حصار دمید و به لطایف الحیل آنها را وادار به قبول سخنان خود و نقض عهد نمود و عهد نامه‌ای که با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله منعقد ساخته بودند آورده بدست حی دادند، حی بن اخطب نوشته را گرفته و جوید و به دور انداخت و گفت اینک آماده کارزار و جنگ با محمد شوید.

چون خبر نقض عهد بنی قریظه به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید سخت متأثر گردید و مسلمانان محزون و غمگین شدند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سعد بن معاذ و اسید بن حصین را که از قبیله اوس بودند و بین آنها و بنی قریظه اتحاد و انفاق بود به قلعه بنی قریظه روانه نمود و فرمود: به نزد بنی قریظه بروید و ببینید که چه می‌کنند اگر دیدید که عهد و پیمانشان را شکسته‌اند وقتی برگشتید چیزی به دیگران نگوئید و فقط عضل و فاره بگویند. آن دو نفر به در قلعه رفتند، کعب بن حصن جلو آمده به سعد و پیامبر دشنام داد، سعد به او گفت: تو مانند روباهی هستی که در سوراخ سنگی پنهان شده باشد به زودی قریش بر خواهند گشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را محاصره خواهد نمود و با ذلت و خواری تو را از قلعه به زیر آورده و گردنت را خواهد زد آن‌گاه به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشته و عضل و فاره گفتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لعنت خدا بر ایشان باد ما امر کرده‌ایم که چنین نکنند و این را برای مصلحت و از روی توریه فرمود زیرا جاسوس‌های قریش در میان لشکر حضرت بودند و به آنها خبر می‌دادند. عضل و فاره دو قبیله از

عرب بودند که اسلام آوردند و سپس مکر و حيله کرده و از اسلام روی برگرداندند و هنگامی که کسی حيله می کرد این مثل را زده و می گفت: عضل و فاره.

حی بن اخطب به نزد ابوسفیان و قریش رفته نقض عهد بنی قریظه و هم آهنگی ایشان را بر علیه مسلمین اعلام داشت و آنها از این خبر شاد شدند.

شب هنگام نعیم بن مسعود اشجعی حضور پیغمبر آمده که سه روز قبل از آمدن قریش اسلام آورده بود، عرض کرد: ای رسول خدا به خداوند ایمان آورده و تو را تصدیق نموده ام و از ترس کفار ایمان خود را پنهان نموده ام، اگر اجازه می فرمائید به تنهایی به نزد شما بیایم و شما را یاری کنم این کار را انجام می دهم و اگر دستور بفرمائید من با ایجاد تفرقه بین یهودیان و قریش به یاری شما قیام نمایم این کار را نیز خواهم کرد بطوری که از قلعه شان بیرون نیایند. رسول خدا ﷺ فرمود: اگر تدبیری کنی که بنی قریظه از حصار خارج نشوند کمک شایسته و بجائی خواهد بود.

نعیم عرض کرد: پس به من اجازه دهید که بر علیه شما سخنانی بگویم. فرمود: هر چه خواهی بگو.

نعیم اول به نزد ابو سفیان رفت که از مسلمان شدن او اطلاعی نداشت، گفت: مرا می شناسی، از دوستان و خیرخواهان شما هستم که خداوند شماها را بر دشمنانتان یاری نماید امروز شنیدم که بین محمد ﷺ و یهودیان بنی قریظه توافقی روی داده و قرار است یهودیان به صورت ظاهر به جمعیت شما ملحق و در باطن به نفع مسلمین اقدام کنند تا محمد بر شما پیروز شود و به آنها وعده داده است که چون چنین کنند مزارع بنونضیر و بنوقینقاع را که از آنها گرفته بود به ایشان بدهد که به شما پیشنهاد می کنم که فریب یهودیان را

نخوريد اگر خواستند داخل لشگريان شما شوند مانع شويد و چند نفر از آنها را گروگان بگيريد و به مکه بفرستيد تا از مکر آنها در امان باشيد.

ابوسفیان گفت: خدا به تو توفيق و جزای خير دهد که ما را نصيحت و ارشاد نمودی ما بر طبق دستور تو رفتار می کنیم.

آن گاه نعيم به سوی بنی قريظه که آنها نیز از اسلام آوردن او بی خبر بودند شتافت و به ملاقات کعب رفت و گفت: ای کعب تو به خوبی می دانی که من با شما دوستم و جز مصلحت و خير قبیله شما نظری ندارم امروز شنيدم که ابوسفیان بيارانش درباره یهوديان چنین اندیشه در بين گذارده بود که ما يهوديان را به جنگ با محمد ﷺ تشويق و به کارزار وادار می نماييم اگر غلبه و ظفر يافتند شهرت فتح و پيروزی به نام ما است و اگر شکست خورده و مغلوب شوند يهودی ها دچار تلفات و خسارت شده و ما در پشت جبهه در امان خواهيم ماند بنا بر اين من صلاح شما نمی دانم از قلعه خارج شده و قريش را ياری کنيد، ده نفر از ايشان را گروگان گرفته و در قلعه نگاهداری کنيد که اگر بر محمد پيروز نشدند نروند مگر آنکه عهد و پيمانی که ميان شما و محمد بوده است به شما برگرداند زيرا چنانچه قريش فرار کنند و بر محمد ﷺ پيروز نشوند شک نيست محمد ﷺ نسبت به قتل و کشتار شما قيام خواهد کرد.

کعب گفت: به ما نيکی کردی و نهايت خيرخواهی را نمودی، ما از قلعه بيرون نمی رويم تا از آنها گروگان گرفته و در نزد خویش نگه داريم.

مبارزه حضرت علی علیه السلام با عمرو بن عبدود

قريش آمدند و چون خندق را در مقابل خویشديدند گفتند: اين حيله و

تدبیری است که اعراب آن را نمی دانستند. یکی به آنها گفت: این از تدبیر سلمان فارسی است که در کشور فارس در موقع دفاع شهرها بکار می برده اند.

عمرو بن عبدود و هبیره بن وهب و ضرار بن خطاب به سوی خندق آمدند و رسول خدا ﷺ لشکر را به صف کرده و آنها را منظم می نمود بطوری که حضرت به طرف خندق بودند و همه اصحاب در پشت سر آن حضرت قرار داشتند. مردی از مهاجرین که فلانی بود به مردی گفت: این شیطان عمرو بن عبدود را می بینید بخدا سوگند کسی از شمشیر او نجات نخواهد یافت، بیائید محمد ﷺ را بگیریم و تسلیم قریش نمائیم تا او را بکشد و ما راحت و آسوده بخانه و دیار خود برگردیم.

در آن وقت خداوند جبرئیل را بر پیامبرش نازل کرد ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ﴾ - تا - اُولَئِكَ لَمْ يُولَمُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا یعنی ای رسول گرامی خداوند احوال کسانی را که مسلمین را تهدید نموده و از جنگ می ترسانند و به برادران و اقوام خود می گویند به سوی ما بیائید و از همکاری با مسلمانان خودداری کنید بخوبی می داند همانا این قبیل از مردم جز مدت کوتاهی پایداری و ثبات در جنگ از خود نشان نمی دهند اینان بر شما بخل می ورزند چون خطر و حادثه ای پیش آید آنها را خواهی دید که از شدت ترس دیدگانشان از حدقه بدوران افتاده مانند کسانیکه مرگ بر سرشان سایه افکنده و در عالم بیهوشی دست و پا می زنند، همینکه آرامش برقرار و موجبات ترس از بین رفت با گفتار خشن و زبان تند و تیز اظهار وجود کرده و مطالبه غنیمت می نمایند این چنین مردم در حقیقت و واقع ایمان نیاورده اند و اعمالی که بجا می آورند همه ریا و بیهوده است و

خداوند به آسانی کارهای آنها را از بین برده و در هم می شکند.

عمرو بن عبدود نیزه اش را بر زمین نصب کرد و این اشعار را خواند:

و لقد بحت من النداء	بجمعكم هل من مبارز
و وقفت إذ جبن الشجاع	مواقف القرن المناجز
إنني كذلك لم أزل	متسرعا نحو الهزاهز
إن الشجاعة في الفتى	و الجود من خير الغرائز

که مضمونش این است: من از بس رو در روی جمع شما فریاد زدم و مبارز طلبیدم که صدای خود را خشن ساختم، و کسی پاسخم نگفت. و من هم چنان در موقعی که شجاعان هم در آن موقف دچار وحشت می شوند، با کمال جرأت ایستاده، آماده جنگم، راستی که سخاوت و شجاعت در جوانمرد بهترین غریزه ها است.

رسول خدا ﷺ فرمود: چه کستی می رود تا این سگ را دفع کند؟

کسی جواب آن حضرت را نداد پس امیرالمومنین علی علیه السلام بلند شد و عرض کرد: ای رسول خدا من حاضریم او را دفع کنم.

فرمود: ای علی او عمرو بن عبدود جنگجوی نام آور است.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: من نیز علی بن ابی طالب هستم.

رسول خدا ﷺ فرمود: نزدیک من بیا.

چون علی علیه السلام نزدیک شد پیامبر با دست خویش عمامه بر سر آن حضرت بست و شمشیرش ذوالفقار را به دستش داد و فرمود: برو و جنگ کن و گفت: «اللهم احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته؛ پروردگارا او را از روبرو و از پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالا و پائین حفظش نما».

پس حضرت علی علیه السلام مانند شیر رو به میدان نهاد و این اشعار را خواند:

لا تعجلن فقد أتاك	مجیب صوتک غیر عاجز
ذو نية و بصيرة	و الصدق منجی کل فائز
إنی لأرجو أن أقيم	علیک نائحة الجنائز
من ضربة نجلاء يبقى	صوتها بعد الهزاهز

که مضمونش این است: تعجیل مکن که اجابت کننده آواز تو بسویت آمد که از مبارزه با تو عاجز نیست و صاحب نیت درست و بصیرت و راستی و نجات دهنده هر رستگاری است، امیدوارم برای تو نوحه‌ای را که برای مردگان بر پا می‌کنند اقامه نمایم از ضربتی که بعد از جنگها بر سر زبان‌ها آوازه‌اش مانده باشد.



عمرو گفت: تو کیستی؟

فرمود: من علی بن ابیطالب پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و داماد او هستم. عمرو گفت: به خدا سوگند پدرت از دوستان قدیمی من بوده و من میل ندارم بدست من کشته شوی، پسر عمویت وقتی که تو را به سوی من فرستاد در امان نبود که تو را به وسیله این نیزه‌ام دریده و در میان آسمان و زمین نگه دارم که نه زنده باشی و نه مرده.

امیر المؤمنین علیه السلام به عمرو فرمود: پسر عمویم به من فرمود که اگر تو مرا بکشی من به بهشت می‌روم و تو در جهنم و اگر من تو را بکشم تو در آتش جهنم هستی و من در بهشت.

عمرو گفت: ای علی هر دوی آنها که برای تو شد؟ این بد تقسیمی است که کردی.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ای عمرو این را بگذار من از تو هنگامی که پرده

کعبه را گرفته بودی شنیدم که می گفتی هر کس در هنگام جنگ از من سه خواسته داشته باشد یکی از آن سه را برآورده می کنم و آآن من سه خواسته از تو دارم که یکی از آن سه را برآورده کن.

گفت: بگو ای علی!

فرمود: شهادت بده بر اینکه خدائی جز خدای یگانه نیست و اینکه محمد رسول خداست.

عمر و گفت: این را از من مخواه در خواست دومت را بگو.

فرمود: برگردی و این لشکر را از رسول خدا دور گردانی که اگر راست گوید موجب شرف شماس و اگر دروغ گوید و پیامبر نباشد گرگان و دزدان عرب شر او را از شما برطرف خواهند کرد.

عمر و گفت: اگر این کار را بکنم زنان قریش در میانشان خواهند گفت و شعرا در شعرهایشان خواهند سرود که من ترسیدم و به عقب برگشتم و قومی را که مرا به عنوان رئیس خود انتخاب کرده بودند را یاری نکردم.

حضرت فرمود: درخواست سوم این است که از اسبت پائین بیائی زیرا تو سواره هستی و من پیاده تا برابر بوده و با هم جنگ کنیم.

عمر و چون این را شنید از اسب خود پیاده و آن را پی کرد و گفت: این خصلتی است که گمان نمی کردم کسی از عرب جرات درخواست آن را از من بکند؛ و بعد با شمشیرش ضربه ای حواله سر آن حضرت کرد که حضرت علی علیه السلام سپرش را جلو آورد و شمشیر آن را دو نیم کرده و به سر مبارکش اصابت نمود.

حضرت علی علیه السلام به او فرمود: ای عمر و تو پهلوان عرب هستی و من با تو مبارزه می کنم، روا نبود که یاوری نیز با خود بیاوری؟

عمر و برگشت که به پشت سرش نگاهی بکند حضرت با سرعت پاهایش را به وسیله ضربه شمشیر قطع کرد و او بر روی زمین افتاد و گرد و خاک بلند شد منافقین گفتند: علی بن ابیطالب کشته شد. چون گرد و غبار نشست دیدند که حضرت علی علیه السلام بر روی سینه عمرو نشسته و ریش او را در دست گرفته و می‌خواهد سرش را ببرد که آن را برید و سرش را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد در حالی که از سر مبارک آن حضرت به خاطر ضربه عمرو خون جاری بود، و نیز خون عمرو از شمشیر آن حضرت جاری بود و سر عمرو نیز در دست مبارکش بود می‌گفت:

أنا علي و ابن عبد المطلب الموت خير للفتى من الهرب

منم علی فرزند عبدالمطلب، مرگ از برای جوان بهتر از فرار کردن است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی با او حيله کردی؟

عرض کرد: بله! ای رسول خدا جنگ خود مکر و حيله است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله زبیر را به سوی هبیره بن وهب فرستاد که ضربه‌ای بر سر او زد و هلاکش نمود و به عمر بن خطاب امر کرد که با ضرار بن خطاب مبارزه کند چون ضرار برای مبارزه آمد، عمر تیری در آورد تا به سوی او بیندازد که ضرار گفت: وای بر تو ای فرزند صهاک آیا در هنگام مبارزه تیر می‌اندازی، به خدا سوگند اگر تیری به سوی من بیندازی در مکه هیچ دشمنی را باقی نمی‌گذارم مگر آنکه همه را بکشم، پس عمر پشت به ضرار کرده و فرار کرد و ضرار نیز دنبالش نموده و از پشت سر نیزه‌اش را مقداری بر پشت او فرو برد و گفت: ای عمر این را از من به یادگار داشته باش که در هنگام جنگ به تو رسیدم، ولی تو را نکشتم زیرا سوگند خورده‌ام تا توان دارم احدی از قریش را نکشم. و عمر نیز آن را فراموش نکرد و چون به حکومت رسید آن را

جبران کرد.

رسول خدا ﷺ در آنجا پانزده روز دیگر باقی ماند. ابوسفیان به حی ابن اخطب گفت: وای بر تو ای یهودی قومت کجاست؟
حی به سوی آنها رفت و گفت: وای بر شما بیرون بیائید که با محمد اعلان جنگ کردید ولی نه با محمد جنگیدید و نه با قریش.

کعب گفت: ما از قلعه بیرون نمی‌رویم تا اینکه قریش ده نفر از بزرگان خودشان را به عنوان گروگان به ما بدهند تا در قلعه نگهداریم که اگر بر محمد پیروز نشدند فرار نکنند تا محمد عهد و پیمان ما را به ما برگرداند و الا ما در امان نیستیم که اگر قریش فرار کنند و ما در خانه‌هایمان باقی بمانیم، محمد با ما جنگ کرده و مردان ما را می‌کشد و زنان و بچه‌هایمان را به اسارت می‌برد و اگر از قلعه بیرون نیائیم شاید محمد بر ما رحم کند و آن عهد و پیمان را دوباره به ما برگرداند.

حی ابن اخطب به او گفت: طمع باطلی کرده‌ای قریش این کار را نمی‌کنند و محمد نیز دیگر با شما عهد و پیمان نمی‌بندد، اکنون نه با محمد هستی و نه با قریش.

کعب گفت: این از شومی نقشه توست، تو پرنده‌ای هستی که فردا با قریش پرواز می‌کنی و می‌روی و ما را در وطنمان می‌گذاری تا محمد با ما جنگ نماید.

حی گفت: من عهد خدا و موسی را بر خود لازم می‌دانم که اگر قریش بر محمد پیروز نشدند با تو به قلعه شما بر می‌گردم تا هر مصیبت و گرفتاری که بر سر شما می‌آید بر سر من نیز بیاید.

کعب گفت: حرف همان است که گفتم که اگر قریش ده نفر را به عنوان

گروگان به ما بدهند ما با شما خواهیم بود و الا از قلعه بیرون نخواهیم رفت. حی ابن اخطب به سوی قریش برگشت و جریان را به آنها گفت و چون گفت که آنها گروگان از شما خواسته‌اند ابوسفیان گفت: به خدا سوگند این اولین مکر آنهاست که نعیم بن مسعود راست می‌گفت، ما هیچ احتیاجی به این برادران میمون و خوک نداریم.

چون محاصره قریش بر مسلمانان به طول انجامید و امر بر آنها سخت شد و از شدت سرما و گرسنگی در سختی بودند و از یهودیان نیز به شدت می‌ترسیدند، منافقین زبان به ناسزا باز کردند، چنانکه خداوند می‌فرماید همه اصحاب رسول خدا جز عده کمی منافق گشتند. حضرت جلوتر خبر داده بود که لشکر عرب از سمت بالا به ما حمله خواهند کرد و یهود نیز از سمت پائین بر ما حمله خواهند نمود و به سختی و مشقت بزرگی خواهیم افتاد ولی عاقبت ما پیروز خواهیم گشت. چون قریش آمدند و یهودیان عهد و پیمانشان را شکستند منافقین گفتند: ﴿مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾ خداوند و رسولش به ما وعده فریب و دروغ دادند.

گروهی از آنها در اطراف مدینه خانه داشتند گفتند: ای رسول خدا به ما اجازه فرمائید تا به خانه‌هایمان برگردیم زیرا خانه‌های ما در اطراف مدینه است و می‌ترسیم که یهود به آنها حمله کنند.

گروهی دیگر گفتند: بیائید فرار کرده و به بیابان برویم و به اعراب بیابان پناه ببریم زیرا همه وعده‌های محمد باطلی بیش نبوده است.

رسول خدا ﷺ به اصحابش دستور داده بود که شبانه از مدینه محافظت نمایند. حضرت علی رضی الله عنه در تمام شب در اطراف لشکر نگهبانی می‌داد که اگر قریشی حرکت می‌کرد با او جنگ می‌کرد، از خندق عبور می‌کرد و به نزدیک

قریش می‌رفت، بطوری که ایشان را می‌دیدند و هیچ نمی‌ترسید و در تمام شب نماز می‌خواند و چون صبح می‌شد به جای خود بر می‌گشت که مسجد امیرالمومنین علی علیه السلام در آنجا معروف است هر کس که به آنجا می‌رود آن را می‌داند و در آن نماز می‌خواند و آن مسجد از مسجد فتح به قدر پرتاب یک تیر به سمت عقیق فاصله دارد.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر طولانی شدن محاصره بی‌تابی اصحابش را دید به مسجد فتح رفت - و آن کوهی است که الآن مسجد فتح در بالای آن قرار دارد - و خدا را خواند و وعده خود را از خداوند طلب کرد و گفت: «یا صریخ المکروبین و یا مجیب المضطربین و یا کاشف الكرب العظیم أنت مولای و ولی و ولی آبائی الأولین اکشف عنا غمنا و همنا و کربنا و اکشف عنا شر هؤلاء القوم بقوتک و حولک و قدرتک».

جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد خداوند سخن تو را شنید و دعایت را مستجاب کرد و به باد دبور امر کرد که با ملائکه قریش و لشکر آنها را در هم کوبد.

پس خداوند باد دبور را فرستاد که خیمه‌های مشرکان را در هم کوبید و آنها مجبور به فرار شدند. چون این مژده از جانب پروردگار رسید پیامبر حذیفه را که در نزدیک آن حضرت خوابیده بود صدا کرد، جوابش را نداد دوباره صدا کرد باز جواب نداد و برای بار سوم ندا داد گفت: لیک ای رسول خدا!

فرمود: تو را صدا می‌زنم چرا جوابم را نمی‌دهی؟

گفت: ای رسول خدا پدر و مادرم فدایت باد از ترس باد و گرسنگی.

فرمود: در میان قریش برو و از حال آنها برایم خبری بیاور، کاری نمی‌کنی

مگر آنکه به سوی من برگردی، خداوند به من خبر داده که بادی بر قریش فرستاده و آنها را در هم کوبیده است.

حذیفه گوید: رفتم در حالی که از سرما بر خود می لرزیدم به خدا سوگند همین که از خندق عبور کردم چنان گرم شدم که گویا در حمام بودم، چون در میان قریش وارد شدم خیمه بزرگی دیدم به سمت آن رفتم دیدم که آتشی روشن است که گاهی پر نور می شود و گاهی کم نور می گردد و ابوسفیان در داخل آن بود که خصیته هایش را در کنار آتش آویزان کرده بود و از شدت سرما بر خود می لرزید و می گفت: ای قریش اگر به گمان محمد ما با اهل آسمان جنگ می کنیم ما طاقت جنگ با اهل آسمان را نداریم و اگر با اهل زمین جنگ می کنیم توان روبرو شدن با آنها را داریم و سپس گفت: هر یک از کنار دست خود حالی بپرسد تا جاسوس محمد در میان ما نباشد.

حذیفه گوید: من پیشدستی کرده و به کسی که در سمت راست من بود گفتم: تو کیستی؟

گفت: عمرو بن عاص هستم و سپس به کسی که در سمت چپ من بود رو کرده و گفتم: تو کیستی؟ گفت: من معاویه هستم. و من برای آن پیشدستی کردم که کسی از من اسسم را نپرسد سپس ابوسفیان سوار شترش شد که پای آن را بسته بود و اگر رسول خدا ﷺ به من نفرموده بود که کاری مکن تا برگردی می توانستم او را بکشم.

ابوسفیان به خالد بن ولید گفت: ای اباسلیمان به ناچار من و تو باید برای محافظت از ضعیفان بایستیم و سپس گفت: بارها را ببندید و رو به فرار گذاشتند. هنگامی که صبح شد رسول خدا ﷺ به اصحابش فرمود: از جایتان حرکت نکنید ولی چون خورشید طلوع کرد وارد مدینه شدند و عده کمی با آن

حضرت ماندند. ابن فرقد کنانی تیری به سوی سعد بن معاذ انداخت و رگ دستش را قطع نمود و خون زیادی از آن رفت، سعد با دست خویش رگ دستش را گرفت و گفت: پروردگارا اگر از جنگ قریش باقی مانده، مرا برای جنگ کردن نگهدار که من جنگ کردن با کسی که با خدا و رسولش به جنگ پردازد را دوست دارم و اگر جنگ قریش با رسول خدا ﷺ به پایان رسیده پس همین زخم را سبب شهادت من قرار بده و مرا نمیران تا دیده مرا به کشتن بنی قریظه روشن گردانی، پس خون ایستاد و دستش ورم کرد. رسول خدا ﷺ برای او در مسجد خیمه‌ای بر پا کرد و خود به پرستاری او می پرداخت که خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ﴾ یعنی بنی قریظه که مکر و حيله کردند و اصحاب رسول خدا ﷺ را ترساندند.

﴿وَإِذْ زَاغَتِ الْبُسُورُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ - تَا - إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾ آنها کسانی بودند که به رسول خدا ﷺ گفتند: به ما اجازه بدهید تا به خانه‌هایمان که در اطراف مدینه است برگردیم می‌ترسیم که یهود به آنها حمله کنند و خداوند این آیه را درباره آنها نازل فرمود: ﴿إِنْ يَبْتَغُوا عَوْرَةً وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا - تَا - وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ این آیات درباره فلانی نازل شده که به عبد الرحمن بن عوف گفت محمد را به قریش تحویل دهیم و ما به قوم خویش ملحق گردیم.

خداوند مومنین راستین را توصف کرده به آن چیزی که از مصیبت و سختی در جنگ خندق به آنها می‌رسد و می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا﴾ یعنی آن بلاها و

سختی و ترس بر ایمانشان افزود.^۱

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ﴾ فرمودند: یعنی ابداً فرار نمی‌کنند ﴿فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ﴾ یعنی اجل او رسیده که مراد حمزه و جعفر بن ابی‌طالب می‌باشد، ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ﴾ یعنی حضرت علی علیه السلام که منتظر اجلس است.^۲

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ
وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵)
وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ
الرُّعْبَ فَرَبَقًا يُقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۲۶)
وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۷)

۲۵- و خداوند کافران را (در جنگ احزاب) با دلی پر از خشم باز گرداند بدون آنکه از کار خود نتیجه‌ای گرفته باشند، و خداوند مومنان را از جنگ کفایت نمود، و خداوند توانا و مقتدر است.

۲۶- و خداوند گروهی از اهل کتاب (یهودان) را که از آنها (مشرکان) حمایت می‌کردند از حصار و قلعه‌هایشان پائین آورد، و در دلشان ترس و وحشت افکند (تا جایی که) گروهی از آنها را به قتل رسانیده و گروهی را

۱. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۶ تا ص ۲۳۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۰؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۳۶
۲. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۲ و ج ۲۲، ص ۲۷۷ و ج ۳۵، ص ۴۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۴۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱

اسیر می کردید.

۲۷ - شما را وارث زمین و خانه ها و اموال آنها قرار داد، و نیز سرزمینی را که هرگز بر آن قدم نگذاشته بودید، و خداوند بر هر چیز تواناست.

غزوة بنی قریظه

﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾ که

مراد علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱

و این آیه ﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَاحِبِهِمْ وَقَدْ فِ قُلُوبِهِمُ الرُّعْبُ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا وَأَوْثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطُوهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ این دو آیه درباره بنی قریظه نازل شده است.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از خندق برگشت و وارد مدینه شد و خواست که حمام کند جبرئیل او را ندا داد و گفت: آهنگ جنگ را کنار گذاشته ای به خدا سوگند ملائکه هنوز شمشیرهای جنگ را کنار نگذاشته اند، خداوند به تو امر می کند نماز عصر را نخوانده حرکت کنی و آن را در بنی قریظه بخوانی، من نیز در پیشاپیش شما حرکت می کنم و تا قلعه آنها جلو رفته و رعب و وحشت در میان آنها می اندازم، پیامبر صلی الله علیه و آله در حمراء الاسد حارثه بن نعمان را دید و به او فرمود: ای حارثه چه خبر تازه ای داری؟

گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله پدر و مادرم فدایتان باد، دحیه کلبی در میان مردم ندا می کند که کسی نماز عصر را نخواند مگر در بنی قریظه.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او دحیه کلبی نیست جبرئیل می باشد. علی را به نزد من

بیاورید چون حضرت علی علیه السلام آمد به او فرمود: ای علی به مردم بگو نماز عصر را در بنی قریظه می خوانیم. حضرت علی علیه السلام آمد و فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مردم گفت، آنها نیز به سوی بنی قریظه حرکت کردند و علی علیه السلام در حالی که پرچم بزرگی در دستشان بود همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمد.

شهادت سعد بن معاذ

هنگامی که قریش شکست خورده و فرار کردند حی بن اخطب آمده و داخل قلعه بنی قریظه شد. امیرالمومنین علی علیه السلام قلعه را محاصره نمود. کعب بن اسید از بالای قلعه به مسلمانان و رسول خدا صلی الله علیه و آله ناسزا می گفت که پیامبر سوار بر الاغی آمد، علی علیه السلام جلوتر رفته و عرض کرد: ای رسول خدا که پدر و مادرم فدای شما باد نزدیک قلعه نشوید.

پیامبر فرمودند: ای علی شاید که به من ناسزا بگویند، آنها هنگامی که مرا ببینند خداوند ذلیلشان می کند، آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک قلعه رفته و یهودیان را مورد خطاب نموده و فرمودند: ای برادران میمون و خوک و بندگان طاغوت آیا به من ناسزا می گوئید، زمانی که ما در نزدیکی قومی برای جنگی فرود می آییم روزگارشان را سیاه می کنیم.

کعب بن اسید از بالای قلعه گفت: ای ابوالقاسم به خدا سوگند شما شخص نادانی نبودید. رسول خدا صلی الله علیه و آله حیا نمود بطوری که از گفته او عبا از دوش آن حضرت افتاد.

در اطراف قلعه درختان خرماي زیادی قرار داشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست به آنها اشاره کرده از هم دور شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکرش را در

اطراف قلعه قرار دادند و سه روز آنجا را محاصره کردند که کسی به مدت سه روز از حال آنها خبر نداشت که بعد از این مدت غزال بن شمول از قلعه بیرون آمد و گفت: ای محمد آنچه به برادرانمان بنی نضیر داده‌ای به ما نیز اعطا کن، خونمان در امان باشد و درختان خرما و سرزمین و آنچه که در آن داریم همه برای شما باشد.

پیامبر ﷺ فرمود: نه مگر آنکه زیر بار حکم من بروید.

غزال برگشت و چند روزی نیز در محاصره بودند که صدای گریه زنان و بچه‌ها بلند شد و به شدت بی‌تابی می‌کردند، چون محاصره شدن در قلعه بر آنها سخت شد به ناچار زیر بار حکم رسول خدا ﷺ رفتند. پیامبر دستور دادند که دستهای مردان را که هفصد نفر بودند را از پشت بستند و به زنان دستور دادند که در کناری بایستند. بزرگان اوس به رسول خدا گفتند: ای رسول خدا هم پیمانان و دوستان ما در جاهای زیادی ما را بر خزر ج یاری کرده‌اند ما کمتر از عبد الله بن ابی نیستیم که هفتصد نفر مرد جنگی با سیصد نفر غیر جنگی را به او بخشیدید، اینها را نیز به ما ببخش.

چون اصرار زیاد کردند پیامبر ﷺ به آنها فرمودند: آیا راضی می‌شوید که حکمیت را به مردی از خودتان وا بگذاریم؟

گفتند: بله! او کیست؟

فرمود: سعد بن معاذ.

گفتند: ما به حکمیت او راضی هستیم.

پس تمام مردم قبیله اوس که حضور داشتند پیرامون سعد جمع شده گفتند: ای ابا عمرو از خدا بترس و بدوستانت نیکویی کن و حکم عادلانه‌ای بنما که آنها ما را در جاهای زیادی یاری کرده‌اند.

چون بر او فشار آوردند و گفتند که از سرزنش ناسزاگویان نترس. زنان و بچه‌های بنی قریظه در اطراف سعد گریه می‌کردند، چون آرام شدند سعد به آنها گفت: ای طایفه یهود آیا به حکمی که من بدهم راضی هستید؟ تمام گفتند: ما راضی بحکم تو هستیم و لکن انتظار حسن نظر را از جانب تو داریم پس از آنکه برای بار دوم رضایت یهود را درباره حکمیت خود گرفت و جواب مثبت شنید با کمال ادب و احترام رو به جانب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده و عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا چه دستور می‌فرمایید؟

فرمود: ای سعد تو میان من و یهود هر حکمی بنمایی قبول دارم. سعد گفت: ای رسول خدا رای من این است که مردهای یهود را کشته و زنان و بچه‌ها را به اسارت بگیرید و اموالشان را بین مهاجر و انصار قسمت کنید.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بلند شد و فرمود: بخدا قسم حکمی کردی که خداوند در عرش هم بهمین طریق حکم فرموده است.

بعد از حکم سعد زخمی که او در جنگ خندق برداشته بود باز شد و شروع به خون ریزی کرد تا اینکه به شهادت رسید. اسیران را به مدینه بردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور دادند که گودالی در یکی از گوشه‌های بقیع کنده و مردان یهود را در آن گردن بزنند. حی بن اخطب به کعب بن اسید گفت: می‌بینی محمد چه بر سر ما می‌آورد. کعب گفت: بردبار و صبور باش و در دین خود ثابت و استوار بمان.

کعب ابن اسید در حالی که دستهایش را به گردنش بسته بود آمد، همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله نظرش به وی افتاد، فرمود: ای کعب آیا «وصیت ابن الحواس» آن خاخام هوشیار که از شام نزد شما آمده بود سودی به حالت نبخشید؟ با

اینکه او وقتی نزد شما آمد گفت من از عیش و نوش و زندگی فراخ شام صرفنظر کردم، و به این سرزمین احمو که غیر از چند دانه خرما چیزی ندارد آمده‌ام، و به آن قناعت کرده‌ام، برای اینکه به دیدار پیغمبری نایل شوم که در مکه مبعوث می‌شود، و بدین سرزمین مهاجرت می‌کند، پیغمبری است که با پاره‌ای نان و خرما قانع است، و به الاغ بی پالان سوار می‌شود، و در چشمش سرخی، و در بین دو شانه‌اش مهر نبوت است، شمشیرش را به شانه‌اش می‌گیرد، و هیچ باکی از احدی از شما ندارد، سلطنتش تا جایی که سواره و پیاده از پا در آیند گسترش می‌یابد؟!

کعب گفت: چرا ای محمد همه اینها که گفתי درست است، ولی چه کنم که از سرزنش یهود پروا داشته‌م، ترسیدم بگویند کعب از کشته شدن ترسید، و گر نه به تو ایمان می‌آوردم، و تصدیقت می‌کردم، ولی من چون عمری به دین یهود بودم و به همین دین زندگی کردم، بهتر است به همان دین نیز بمیرم. رسول خدا ﷺ فرمود: بیاید گردنش را بزنید. مامورین آمدند، و گردنش را زدند.

سپس حی بن اخطب جلو آمد رسول خدا ﷺ به او فرمود: ای فاسق، کار خداوند با خودت را چگونه دیدی؟

گفت: ای محمد به خدا سوگند خودم را در دشمنی با تو شماتت نمی‌کنم، به تحقیق به اندازه خود در دشمنی با تو حرکت کردم و در حد توان خویش کوشش نمودم و لکن این خداست که کسی را خوار و ذلیل می‌کند و به هر کسی هم بخواهد عزت می‌بخشد، سپس در حالی که به سوی کشته شدن می‌رفت می‌گفت:

لعمرك ما لام ابن اخطب نفسه و لکنه من یخذل الله یخذل

یعنی: به جان تو سوگند که پسر اخطب خودش را ملامت نمی‌کند و لکن خداوند هر کسی را که بخواهد خوار و ذلیل می‌کند.

سپس جلوتر رفته و گردنش را زدند و یهودیان بنی قریظه را در مدت سه روز در سردی صبح و شام اعدام کرد و مکرر می‌فرمود: آب گوارا به ایشان بچشانید و غذای پاکیزه به ایشان بدهید، و با اسیرانشان نیکی کنید، تا آنکه همه را به قتل رسانید و این آیه نازل شد: ﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَافِيهِمْ﴾ یعنی از قلعه‌هایشان

﴿وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ - تَا - وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ و در دلشان ترس و وحشت افکند (تا جایی که) گروهی از آنها را به قتل رسانیده و گروهی را اسیر می‌کردید. شما را وارث زمین و خانه‌ها و اموال آنها قرار داد، و نیز سرزمینی را که هرگز بر آن قدم نگذاشته بودید، و خداوند بر هر چیز تواناست.^۱

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُمْ وَأَسْرَحْكُمْ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)

وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُمُ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

وَمَنْ يَقْنُتْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

۲۸- ای پیامبر به همسرانت بگو: اگر شما زندگانی دنیا و زیور و زینت آن را می‌خواهید، بیائید مهر شما را پرداخته و شما را به نیکی و خوبی رها سازم.
۲۹- و اگر خداوند و رسول او و سرای آخرت را می‌خواهید، همانا خداوند برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی را آماده کرده است.

۳۰- ای همسران پیامبر، هر کدام از شما مرتکب عمل فاحشه آشکاری شود، عذاب او دو برابر (از دیگران) است، و این کار بر خداوند آسان است.
۳۱- و هر کدام از شما برای خداوند و رسولش خضوع کند، و عمل صالحی انجام دهد، پاداش او دو برابر (دیگران) است، و برای او روزی پرارزشی آماده کرده‌ایم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ لُمَتَّعَنَّ وَأُسْرُحَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۖ وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾

سبب نزول آیه این بود که چون رسول خدا ﷺ از جنگ خیبر برگشت، و در آن جنگ گنجینه‌های آل ابی‌الحقین نصیب مسلمانان شد، همسرانش به آن جناب عرضه داشتند این گنجینه‌ها را به ما بده.

حضرتش فرمود: بر طبق دستور خدای تعالی در بین همه مسلمانان تقسیم کردم.

همسران از وی در خشم شدند و گفتند: تو چنان گمان کرده‌ای که اگر ما را طلاق دهی دیگر در همه فامیل ما یک همسر هم کفو پیدا نمی‌شود که ما را بگیرد؟

خداوند متعال از این سخن ایشان برای رسول گرامی‌اش غیرت کرد، و به آن جناب دستور داد از ایشان کناره‌گیری کند. رسول خدا ﷺ بیست و نه

روز از ایشان کناره‌گیری نموده و در مشربه ام ابراهیم منزل گزید، تا آن که یک نوبت حیض دیدند، و پاک شدند، آن گاه آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزُوجِكَ - تا - أَجْرًا عَظِيمًا﴾ را فرستاد، که در آن همسران رسول خدا ﷺ را مخیر بین باقی ماندن بر همسری آن جناب، و بین طلاق گرفتن کرده بود.

و اولین کسی که در بین همسران برخاست ام سلمه بود، عرضه داشت: من خدا و رسول را اختیار می‌کنم، دنبال او سایر همسران یکی یکی برخاستند، و با رسول خدا ﷺ از در آشتی معانقه کردند، و کلام ام سلمه را گفتند و خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمِنْ ابْتِغَايَتِ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا﴾^۱ نوبت هر کدام از آنان را که بخواهی تأخیر می‌اندازی و هر کدام را که بخواهی نزد خود جای می‌دهی، و هر کدام از آنان را که از او کناره گرفته باشی اگر نزد خود بطلبی بر تو گناهی نیست. این برنامه‌ریزی آزادانه به خوشحال نمودنشان و اینکه اندوهگین نشوند و همگی به آنچه به آنان داده‌ای خشنود شوند، نزدیک‌تر است و خدا آنچه را در دل‌های شماست می‌داند و خدا دانا و بردبار است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس به زنی نزدیک شد، همان ازدواج اوست و هر کس از زنی دوری گزید همان طلاق است.^۲

آیه ﴿تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ - با این آیه - يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزُوجِكَ ...﴾ یکی است که در هنگام تالیف موخر شده است.

۱. احزاب، آیه ۵۱

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۱۰؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۸

خداوند زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ - تَا - نُؤْتُهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا﴾ ای همسران پیامبر، هر کدام از شما مرتکب عمل فاحشه‌آشکاری شود، عذاب او دو برابر (از دیگران) است، و این کار بر خداوند آسان است. و هر کدام از شما برای خداوند و رسولش خضوع کند، و عمل صالحی انجام دهد، پاداش او دو برابر (دیگران) است، و برای او روزی پرارزشی آماده کرده‌ایم.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: ثواب آنها دو بار و عذابشان دو برابر است.

همه اینها در آخرت است که عذاب و ثواب در آنجا مورد محاسبه واقع می‌شود.^۱

حریز گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ سؤال کردم، فرمود: مراد از فاحشه خروج به وسیله شمشیر است.^۲

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا (۳۳)

وَأَذْكُرَنَّ مَا يَتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۹
 ۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۶۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۱

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ
وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ
وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ
وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً
عَظِيماً (۳۵)

۳۳- (ای همسران پیامبر) در خانه‌هایتان بمانید، و مانند دوره جاهلیت
نخستین ظاهر نشوید (خود آرایی نکنید)، و نماز به پا دارید، و زکات
بپردازید، و از امر خدا و رسولش اطاعت کنید. همانا خداوند می‌خواهد که
هر پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه نماید.
۳۴- و از آنچه که از آیات الهی و حکمت در خانه‌های شما خوانده می‌شود
یاد کنید، همانا خداوند لطیف و خبیر است.

۳۵- همانا مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان
مطیع فرمان خدا، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان صابر، و مردان و
زنان خاشع، و مردان و زنان انفاق کننده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان
و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا را می‌کنند، خداوند برای
همه آنها مغفرت و پاداشی بزرگ آماده ساخته است.

طلحه بن زید از امام صادق علیه السلام از پدرش روایت می‌کند که درباره آیه
﴿وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ فرمود: بزودی بعد از جاهلیت اول
جاهلیت دومی به پیش می‌آید.^۱

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ فرمود: این آیه در شأن

رسول اکرم ﷺ و علی ابن ابیطالب و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است که روزی پیغمبر اکرم ﷺ در خانه ام سلمه تشریف داشتند و علی و زهرا و حسن و حسین علیهم السلام را پیش خویش خواند و سپس تمام آنها را با خود در زیر عباى خيبرى قرار داد و این دعا را خواند: «اللهم هؤلاء أهل بيتي الذين وعدتني فيهم ما وعدتني اللهم أذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا؛ خداوندا اینها اهل بیت من هستند که درباره آنها بمن وعده فرموده‌ای، خداوندا پلیدی و رجس را از ایشان دور فرما و آنها را پاک و پاکیزه گردان.»

ام سلمه که دعای پیغمبر اکرم ﷺ را شنید عرض کرد: ای رسول خدا آیا من هم جزء اهل بیت محسوب می‌شوم؟

فرمودند: خیر تو از اهل بیت نیستی ولی بتو مژده می‌دهم که اهل بهشتی. ابی‌جارود روایت کرده که زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام گفت: پدرم به من فرمود: بعضی از مردم جاهل و نادان چنین تصور کرده‌اند که مراد از اهل بیت زنهای پیغمبر ﷺ می‌باشند بخدا قسم هر کس چنین خیال کند گناهکار است و دروغ گفته زیرا اگر مقصود زنهای آن حضرت بودند بجای کلمه «عنکم الرجس» باید «عنکن الرجس» و بجای «یطهرکم» باید «یطهرکن» استعمال می‌شد چنانچه در آیات گذشته همینطور بوده و در آیه «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُمِلُّ فِي يَوْمٍ تُكَنُّ» ضمیر تأنیث آورده بنابر این آیه تطهیر ویرژه پنج تن طیبه نازل شده و زنهای پیغمبر مشمول این آیه نمی‌باشند.^۱

نازل شدن آیه تطهیر

علی بن ابراهیم گوید: سپس مخاطب واقع شدن زنان پیامبر ﷺ قطع شده

و اهل بیت رسول خدا ﷺ مورد خطاب واقع شده و که می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ همانا خداوند می خواهد که هر پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه نماید. سپس بر زنان پیامبر ﷺ عطف نموده و می فرماید: ﴿وَ أَذْكُرَنَّ مَا يَتْلُو فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾ و از آنچه که از آیات الهی و حکمت در خانه های شما خوانده می شود یاد کنید، همانا خداوند لطیف و خبیر است.

و سپس بر علی و آل محمد عطف کرده و می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ - تا - أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ همانا مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان مطیع فرمان خدا، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان صابر، و مردان و زنان خاشع، و مردان و زنان انفاق کننده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند، خداوند برای همه آنها مغفرت و پاداشی بزرگ آماده ساخته است.^۱

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (۳۶)
وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۸۶؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۷۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۱

أَزْوَاجٍ أَذْعَيْنَاهُمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

۳۶- و هیچ مرد و زن مؤمنی هنگامی که خداوند و رسولش امری را لازم بدانند حق ندارد اختیاری داشته باشد، و هر کس خداوند و رسولش را نافرمانی کند، به تحقیق در گمراهی آشکاری است.

۳۷- و (بیاد بیاور) هنگامی را که خداوند به آن کس نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی می گفتی: همسرت را نگهدار و از خداوند بپرهیز، و در دلت چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند، و از مردم می ترسیدی و در حالی که خداوند سزاوارتر بود که از او بترسی. پس هنگامی که زید نیازش را از آن زن برطرف کرد (و طلاقش داد)، ما او را به ازدواج تو در آوردیم تا برای مؤمنان ازدواج با همسر پسر خوانده هایشان هنگامی که طلاق بگیرند نداشته باشند، و فرمان خدا انجام شدنی است.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ فرمودند: سبب نزول آیه این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله زینب دختر جحش اسدی از قبیله بنی اسد بن خزیمه که دختر عمه آن حضرت بود را برای زید بن حارثه خواستگاری کرد، زینب گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله به من مهلت دهید تا مشورتی بکنم که این آیه نازل شد: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ و برای هیچ مرد و زن مؤمنی هنگامی که خداوند و رسولش امری را لازم بدانند حق ندارد اختیاری داشته باشد.

زینب بعد از نزول این آیه گفت: ای رسول خدا امر و اختیار من به دست شماست. و راضی به همسری زید شد و حضرت او را به عقد زید درآورد، زینب مدتی در عقد زید بود تا آنکه روزی آنها با یکدیگر در امری از امور نزاع

کردند و به خدمت حضرت محمد ﷺ آمدند و چون نظر حضرت به زینب افتاد از حسن او تعجب کرد، زید گفت: ای رسول خدا به من اذن ده تا زینب را طلاق دهم بواسطه آنکه او با من تکبر می کند و همیشه مرا با زبان می رنجاند. رسول خدا ﷺ فرمود: از خداوند بترس او را نگهدار و با او نیکوئی کن. اما زید او را طلاق داد و وقتی عده طلاق او تمام شد خداوند درباره ازدواج او با پیامبر آیه نازل کرده و فرمود: ﴿فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كُهَا﴾ پس هنگامی که زید نیازش را از آن زن برطرف کرد (و طلاقش داد)، ما او را به ازدواج تو در آوردیم.^۱

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰)

۴۰ - محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نیست، و لکن رسول خدا و خاتم پیامبران است، و خداوند به همه چیز آگاه است.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ﴾

این آیه درباره زید بن حارثه نازل شده است، قریش گفتند که محمد بر ما ایراد می گیرد که نمی توانید زن پسرستان را بگیرید اما خودش زن زید را به عقد خود در آورد که خداوند فرمود: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ﴾ یعنی در آن روز؛ می فرماید: محمد پدر زید نبود.

﴿وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ یعنی هیچ پیامبری بعد از محمد ﷺ نیست.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۶؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۸۰؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۸۶

۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۱۸؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۸۳؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۸۹

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً (۴۵)
 وَدَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً (۴۶)
 وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلاً كَبِيراً (۴۷)
 وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ
 وَكِيلاً (۴۸)

۴۵- ای پیامبر همانا ما تو را گواه، بشارت دهنده و انذار کننده فرستادیم.

۴۶- و تو را دعوت کننده به سوی خداوند به اذن او قرار دادیم، (و اینکه تو)
 چراغ روشنی بخش (هستی).

۴۷- و مؤمنان را بشارت بده که همانا از جانب خداوند برای آنها فضل
 بزرگی است.

۴۸- از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزار و اذیت آنها اعتنائی مکن، و
 بر خداوند توکل کن، برای تو همین بس که خداوند حامی توست.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً وَدَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً
 - تا - وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً﴾ این آیات در مکه پنج سال
 قبل از هجرت نازل شده است و این دلیل است که کتابت قرآن طبق نزول آن
 نمی باشد.^۱

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَلْنَا لَكَ أَرْوَاحَكَ اللَّاتِي آتَيْتُ أَجْوَرَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ
 يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّكَ وَبَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتٍ خَالَكَ
 وَبَنَاتٍ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ
 إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا

فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۰)

۵۰- ای پیامبر ما همسرانی را که مهرشان را داده‌ای بر تو حلال کردیم، و نیز کنیزانی را که به وسیله غنیمت خدا به تو بخشیده است را مالک شده‌ای، و دختران عمویت، و دختران عمه‌ها، و دختران دانی، و دختران خاله‌ها که با تو هجرت کردند، و نیز زن مؤمنه‌ای که خود را به پیامبر بخشیده که اگر پیامبر بخواهد آنها را به همسری خود برگزیند، که اینگونه ازدواج مخصوص توست (برای تو حلال است) نه دیگر مؤمنان، به تحقیق می‌دانیم که برای همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر کرده‌ایم. این به خاطر آن است که زحمتی برای تو نباشد، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ﴾ یعنی از غنیمت.

﴿وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ - تَا - وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾ سبب نزول آیه آن بود که زنی از انصار خود را با کمال آراستگی زینت و آرایش کرده خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده خود را بر آن حضرت عرضه داشت و گفت: ای رسول گرامی من خود را بتو بخشیدم اگر بمن میل و عنایت داشته باشید در اختیار شما هستم.

عایشه به زن مزبور اعتراض کرد و گفت: خداوند تو را زشت گرداند که چنین خود را به مردان عرضه می‌داری.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود: ساکت باش که این زن زاهده است خداوند طایفه انصار را رحمت فرماید، مردان ایشان مرا یاری نموده و زنهای

آنها بمن محبت و عاطفه بخرج می دهند، و به آن زن فرمود: برگرد من منتظر و حی می شوم که خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿وَأَمْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی هبه جز برای رسول خدا ﷺ حلال نیست.^۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَظِيرِ بْنِ إِهَانَةٍ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَزَائِرِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زَوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبْدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)

إِنْ تَبَدُّوا شَيْئًا أَوْ نُحْفُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۵۴)

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۵۵)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۵۶)

۵۳- ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه های پیامبر وارد نشوید مگر آنکه برای خوردن غذا به شما اجازه داده شود، در حالی که به انتظار وقت غذا ننشینید (زودتر از موعد مقرر نیائید)، و لکن هنگامی که دعوت شدید

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۹۵

وارد شوید، و چون غذا خوردید بروید، و برای گفتگو بنشینید، که این عمل شما پیامبر را آزار می‌دهد، و او از شما شرم می‌کند، ولی خداوند از گفتن حق شرم ندارد. و هنگامی که چیزی از زنان پیامبر می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، که به وسیله این عمل دل‌های شما و آنها پاکیزه می‌ماند، و شما نباید رسول خدا را اذیت و آزار دهید، و هرگز نباید بعد از او (وفات پیامبر) با همسرانش ازدواج کنید، همانا که این کار شما نزد خداوند بسیار بزرگ است.

۵۴- اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان نمائید، همانا خداوند به همه چیز دانا است.

۵۵- و بر زنان گناهی نیست که بر پدران و فرزندان و برادران و برادرزادگان و خواهرزادگان و زنان مسلمان و بردگان خود (بدون پرده تماس بگیرند)، (ای زنان) از خداوند بپرهیزید، همانا که خداوند بر هر چیزی گواه و آگاه است.

۵۶- همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و سلام و تحیت گوئید و تسلیم فرمان او باشید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَظِيرِ إِيَّاهُ﴾

سبب نزول آیه این بود که چون رسول خدا ﷺ با زینب دختر جحش ازدواج کرد، و او را دوست می‌داشت، پس ولیمه‌ای درست کرد و اصحابش را به آن ولیمه دعوت کرد، و اصحاب بعد از خوردن غذا دوست می‌داشتند بنشینند، و با هم گفتگو کنند، و آن جناب دلش می‌خواست میهمانان خانه را

برای او و همسرش خلوت کنند، پس خدای عز و جل این آیه را فرستاد که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل خانه‌های رسول نشوید، مگر بعد از آنکه به شما اجازه داده شود، چون قبلاً بدون اجازه هم داخل می‌شدند، و این آیه این کار آنها را منع کرد.^۱

﴿وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾ علت نزول آیه این بود که وقتی خداوند آیه ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾^۲ نازل فرمود و زنان پیامبر ﷺ را بر مسلمانان حرام نمود طلحه خشمگین شد و گفت: محمد زناش را بر ما حرام می‌کند و خود زنان ما را می‌گیرد که اگر خداوند محمد را بمیراند من اینچنین و آن چنین می‌کنم که خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾^۳ اِنْ تُبْذُوا شَيْئًا أَوْ تَخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا و شما نباید رسول خدا را اذیت و آزار دهید، و هرگز نباید بعد از (وفات پیامبر) او با همسرانش ازدواج کنید، همانا که این کار شما نزد خداوند بسیار بزرگ است. اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان نمائید، همانا خداوند به همه چیز دانا است.^۳

سپس به گروهی معروف اجازه دخول بدون اذن را داده و می‌فرماید: ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ - تَا - إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ و بر زنان گناهی نیست که بر پدران و فرزندان و برادران و برادرزادگان و خواهر زادگان و زنان مسلمان و بردگان خود (بدون پرده تماس بگیرند)، (ای زنان) از خداوند بپرهیزید، همانا که خداوند بر

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۹۹؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۹۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۰

۲. احزاب، آیه ۶

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۰۲

هر چیزی گواه و آگاه است.

سپس آن فضائی را که خداوند به پیامبرش عنایت فرموده را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ یعنی صلوات خداوند برای تزکیه و ثنای اوست، و صلوات ملائکه مدح و ستایش رسول خداست، و صلوات مردم دعای آنها برای آن حضرت و تصدیق و اقرار به فضل اوست.

﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ یعنی تسلیم ولایت پیامبر و بر آنچه که آورده باشید.^۱

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (۵۷)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (۵۸)

۵۷- همانا کسانی که خدا و رسولش را اذیت و آزار می‌کنند، لعنت خداوند در دنیا و آخرت بر آنها باد (خداوند آنها را از رحمت خود دور گرداند)، و برای آنها عذابی خوار کننده آماده ساخته است.

۵۸- و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون هیچ گناهی آزار می‌دهند بار تهمت و گناه آشکاری را برداشته‌اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾

این آیه درباره کسی که حق امیرالمومنین علی علیه السلام را غصب نموده و حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را گرفته و آن بزرگوار را آزار کرده نازل

شده است.

که رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس فاطمه را در زمان حیات من آزار دهد مانند این است که او را بعد از مرگ من آزار و اذیت کرده است و هر کس او را بعد از وفات من اذیت کند مانند این است که او را در زمان من اذیت و آزار نموده است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است و هر کس مرا آزار دهد همانا خداوند را آزار داده است و آن قول الهی است که می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾^۱

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ یعنی حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (ع).

﴿بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون هیچ گناهی آزار می دهند بار تهمت و گناه آشکاری را برداشته اند.

این حکم درباره همه مردم جاری است.^۲

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۹)

۵۹- ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مومنین بگو: خودشان را با جلباب (چادر و روسری های بلند) بپوشانند، این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد تعرض و جسارت (هوس رانان) قرار نگیرند بهتر است، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۰۵

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۰۵

آیه حجاب

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيزِهِنَّ﴾

سبب نزول این آیه چنین بود، که زنان از خانه بیرون رفتند تا به مسجد بروند، و پشت سر رسول خدا ﷺ نماز بخوانند، و چون شب می شد، و زنان برای نماز مغرب و عشاء بیرون می آمدند، جوانان سر راه آنان می نشستند، و متعرض ایشان می شدند، خدای تعالی این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ - تا - ذَلِكَ أَذْنِي أَنْ يُعْرِضَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مومنین بگو: خودشان را با چادر و روسری های بلند بپوشانند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد تعرض و جسارت هوس رانان قرار نگیرند بهتر است، و خداوند آمرزنده و مهربان است.^۱

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)
مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَقَتُلُوا قَتْلًا (۶۱)

۶۰- اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی است که در مدینه شایعات بی پایه و تبلیغات سوء می کنند دست از این کار خود بردارند، ما هم تو را بر ضد آنها بر می انگیزیم، سپس به جز مدت کمی نمی توانند در کنار تو در شهر باقی بمانند.

۶۱- از همه جا رانده می شوند، هر جا که یافت شوند گرفته خواهند شد و

به سختی به قتل می‌رسند.

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ یعنی در قلبهایشان شک و تردید است.

﴿وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ﴾ این آیه در باره مردمی از منافقین نازل شد که در مدینه زندگی می‌کردند، و همواره به رسول خدا ﷺ زخم زبان می‌زدند، و چون آن جناب می‌خواست به جنگی برود، در بین مسلمانان شایعه می‌کردند که باز هم مرگ و اسیری، و مسلمانان اندوهناک می‌شدند، و نزد رسول خدا ﷺ شکایت می‌کردند، خداوند متعال در این آیه تا جمله ﴿الْأَقِيلَا﴾ به پیامبر دستور داد جز اندکی از ایشان همگی را از مدینه بیرون کند^۱ ﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أُخِذُوا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا﴾ از همه جا رانده می‌شوند، هر جا که یافت شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل می‌رسند.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علی‌ه السلام در معنای ﴿مَلْعُونِينَ﴾ فرمود: لعنت بر آنها واجب شد، خداوند بعد از لعنت می‌فرماید: هر کجا که دیده شدند بازخواست شده و کشته گردند.^۲

يَوْمَ تَقْلُبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ (۶۶)

۶۶- در آن روز که صورتهای آنها در آتش دگرگون می‌گردد می‌گویند: ای

کاش که ما از خدا و رسول اطاعت می‌کردیم.

﴿يَوْمَ تَقْلُبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾ کنایه از کسانی است که حق آل محمد ﷺ

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۰۷

۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۷۰

را غصب نمودند.

﴿يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ یعنی ای کاش در مورد امیرالمومنین علی علیه السلام از خدا و رسولش اطاعت می کردیم.

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ (۶۷)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸)

۶۷- و می گویند: پروردگارا همانا ما از سران و بزرگانمان اطاعت کردیم که ما را گمراه کردند.

۶۸- پروردگارا عذابشان را چند برابر کن، و آنها را به شدت مورد لعن خودت قرار بده.

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ﴾ که مراد آن دو نفر

هستند که یکی آقا و سید قومش و دیگری بزرگسال آنها بودند که شروع به ظلم و ستم در آل محمد علیهم السلام نمودند و حق آنها را غصب کردند.

﴿فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَ﴾ یعنی ما را از مسیر بهشت گمراه کردند.

و مراد از «سبیل» امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد آن گاه می گویند: ﴿رَبَّنَا

آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾ پروردگارا عذابشان را چند برابر کن، و آنها را به شدت مورد لعن خودت قرار بده.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ

عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا (۶۹)

۶۹- ای کسانی که ایمان آورده اید، همانند کسانی نباشید که موسی را اذیت

و آزار نمودند، پس خداوند آنچه که درباره او می گفتند مبرا ساخت، که او

نزد خداوند آبرومند بود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهاً﴾ یعنی در نزد پروردگار دارای عزت و مقام است.

ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده، که فرمود: بنی اسرائیل می گفتند: آنچه مردان دارند موسی ندارد، و این تهمت از این نظر بهتر در دلها می نشست، که موسی همواره بدن خود را در محلی می نشست که کسی او را نبیند، این بود تا آنکه روزی موسی کنار نهری جامه خود را کند، و روی سنگی گذاشت، و مشغول شستشو شد، خداوند به سنگ فرمود: تا از موسی دور شود، و موسی مجبور شود به تعقیب آن برود و در نتیجه بنی اسرائیل همه عورت او را ببینند، و بدانند که آن سخن تهمت است، و همین طور هم شد، و فهمیدند آنچه می گفتند تهمت بوده، پس این آیه در این باره است که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ ...﴾^۱

معصوم علیه السلام می فرماید: خداوند می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره امیرالمومنین علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام آزار و اذیت نکنید، همچنانکه حضرت موسی را اذیت کردند و خداوند او را از گفتار منافقین به دور نگه داشت.^۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيداً (۷۰)
يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۶؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۸؛ قصص الانبياء جزائری، ص ۲۱۷؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۶
۲. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۲ و ج ۲۳، ص ۳۰۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۶

فَوْزاً عَظِيماً (۷۱)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَتَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا
وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (۷۲)
لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۷۳)

۷۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند بهره‌ییزید، و سخن حق و صحیح بگوئید.

۷۱- تا خدا اعمال شما را اصلاح نماید، و گناهانتان را بپارزد. و هر کس از خدا و رسولش اطاعت کند به تحقیق به رستگاری بزرگی نائل می‌گردد.

۷۲- همانا ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، از حمل آن خودداری کردند، و از آن ترسیدند، اما انسان حمل آن را پذیرفت، که انسان بسیار ستمکار و نادان بود.

۷۳- (هدف از عرض امانت این بود) که خداوند مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را عذاب کند، و خداوند رحمت خودش را بر مردان و زنان مؤمن بفرستد، که خداوند آمرزنده و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ سدید به معنای صحیح

می‌باشد.

ابوبصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:
﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ - فی ولایة علی و الائمة علیهم السلام من بعده - فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا یعنی هر کس درباره ولایت حضرت علی علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت از خداوند و رسول او اطاعت کند به رستگاری عظیمی می‌رسد.

به خدا سوگند این آیه اینچنین نازل شده است.^۱

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا﴾

می فرماید: مراد از امانت، امامت و امر و نهی می باشد و دلیل بر اینکه مراد از امانت همان امامت است فرمایش خداوند درباره ائمه علیهم السلام می باشد که می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾^۲ یعنی امامت پس امانت همان امامت می باشد که بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه شد و آنها از حمل آن خودداری نمودند.

می فرماید: خودداری کردند بر اینکه به سوی امامت فرا بخوانند یا اینکه اهلش آن را به دست بگیرد ﴿وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾ یعنی فلانی آن را پذیرفت ﴿إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ ﴿لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ که انسان بسیار ستمکار و نادان بود. هدف از عرض امانت این بود که خداوند مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را عذاب کند، و خداوند رحمت خودش را بر مردان و زنان مؤمن بفرستد، که خداوند آمرزنده و مهربان است.^۳

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۷۲

۲. نساء، آیه ۵۸

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۷۴؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۶۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۲۱



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورة سبا



مرکز تحقیقات کلامی و قرآنی

۳۴ - سورة سبا در مکه نازل

شده و دارای ۵۴ آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ
وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱)

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ
لَا يَنْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ
وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۳)

۱- حمد و سپاس از برای خداوندیست که آنچه در آسمانها و زمین است
از برای اوست، و در آخرت نیز حمد و سپاس برای اوست، و او حکیم و
آگاه است.

۲- (خداوند) آنچه را که بر زمین فرو می‌رود و آنچه را که از آن بیرون
می‌آید را می‌داند، و آنچه که از آسمان نازل می‌شود و آنچه که از آن بالا
می‌رود (نیز می‌داند)، و مهربان و آمرزنده است.

۳- و کافران گفتند: قیامت به سوی ما نمی‌آید، بگو: بلی! به پروردگارم
سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، (خداوند) عالم به غیب است، و به

اندازه ذره‌ای در آسمانها و زمین از او پنهان نمی‌ماند، و نه کمتر از آن و نه بیشتر از آن، مگر آنکه در کتاب مبین آمده است.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ * يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ﴾ آنچه که در زمین فرو می‌رود و آنچه که از آسمان یعنی باران فرود می‌آید.

﴿وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا﴾ آنچه از نباتات و گیاهان از زمین می‌روید.
﴿وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾ یعنی از اعمال بندگان.

سپس خداوند گفتار مادیون را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ و کافران گفتند: قیامت به سوی ما نمی‌آید، بگو: بلی! به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، (خداوند) عالم به غیب است، و به اندازه ذره‌ای در آسمانها و زمین از او پنهان نمی‌ماند، و نه کمتر از آن و نه بیشتر از آن، مگر آنکه در کتاب مبین آمده است.^۱

هشام از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: اول چیزی که خداوند آفرید قلم بود و به او فرمود: بنویس، پس آن هم آنچه از گذشته اتفاق افتاده بود و آنچه را که در آینده تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد را نوشت.^۲

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (٦)

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۲۴

۲. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۲۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۸۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۵

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُبْسِكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷)

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸)

۶- و کسانی که به آنها علم داده شده می دانند آنچه که بر تو از جانب پروردگارت نازل شده حق است و به سوی راه خداوند عزیز و حمید هدایت می کند.

۷- و کافران (به تمسخر) گفتند: آیا به مردی راهنمایی کنیم که به شما خبر دهد که پس از آنکه مُردید و از هم متلاشی شدید دوباره آفرینشی تازه خواهید یافت؟

۸- آیا او به خدا دروغ می بندد یا به دیوانگی مبتلا گشته است؟ بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند (به خدا دروغ می بندند دیوانه هستند) و در عذاب و گمراهی دوری هستند.

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ﴾ مراد از ضمیر ﴿هو﴾ امیرالمومنین عليه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و آنچه به آن حضرت نازل شده را تصدیق نمود، سپس خداوند گفتار زنداقه را نقل کرده و می فرماید: ﴿قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُبْسِكُمْ إِذَا مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ﴾ یعنی مرده و خاک شده بودیم.

﴿إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ تعجب کردند اینکه خداوند آنها را دوباره به عنوان خلق جدیدی بیاورد.

﴿أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ﴾ که جنه به معنای مجنون است که خداوند آنها را رد کرده و می فرماید: ﴿بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ

الْبَعِيدُ ﴿ بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند (به خدا دروغ می‌بندند و دیوانه هستند) در عذاب و در گمراهی دور هستند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدَ (۱۰)

۱۰- و به تحقیق ما به داود از سوی خود فضیلتی دادیم، ای کوه‌ها و

پرندگان با او هم آواز شوید، و آهن را برای او نرم گردانیدیم.

خداوند از داود علیه السلام یاد کرده و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا

جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ﴾ یعنی با او تسبیح خداوند را می‌گفتند.

﴿وَالطَّيْرَ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدَ﴾ هر وقت داود علیه السلام در بیابان می‌رفت زبور را

می‌خواند، کوه‌ها و پرندگان و وحوش نیز با او تسبیح می‌گفتند، و خداوند

مانند شمع آهن را در دستان او نرم نمود بطوری که هر چه دوست داشت از

آن درست می‌کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در روز سه شنبه دنبال حوائج خود بروید زیرا

آن روزی است که خداوند آهن را برای داود علیه السلام نرم نمود.^۱

أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا ضَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ

بَصِيرٌ (۱۱)

۱۱- (و به او گفتیم:) که (از آهن) زره‌هایی فراخ و گشاد بساز، و حلقه‌های

زره را) به اندازه و یک شکل درست کن، و عمل صالح انجام دهید، که من

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵۳؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳ و ج ۵۶، ص ۴۱؛ دعوات

راوندی، ص ۲۹۳؛ قصص الانبیاء جزائری، ص ۳۳۶؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۴۰؛ مصباح

کفعمی، ص ۱۸۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۶،

بدانچه انجام می دهید بینا هستیم.

﴿أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ﴾ سابغات به معنای زره است.

﴿وَقَدَّرْ فِي السَّرْدِ﴾ میخ هائی که در حلقه های زره قرار می دهند ﴿وَاَعْمَلُوا

صَالِحاً اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ و عمل صالح انجام دهید، که من بدانچه انجام می دهید بینا هستم.^۱

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَرِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲)

۱۲- و باد را مستخر سلیمان ساختیم که صبحگاه به اندازه یک ماه و در عصر نیز به اندازه یک ماه راه می برد، و برای او چشمه مس را جاری نمودیم، و گروهی از جن ها به اذن پروردگارش در حضور او کار می کردند، و هر کس از آنها از فرمان ما سرپیچی می کرد به او از عذاب آتش سوزان می چشانیدیم.

﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ﴾ باد کرسی سلیمان را در

صبح ها و شب ها به اندازه مسیر یک ماه می گرداند.

﴿وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ﴾ یعنی چشمه مس را برای او جاری ساختیم.

﴿وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَرِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ

عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ و گروهی از جن ها به اذن پروردگارش در حضور او کار

می کردند، و هر کس از آنها از فرمان ما سرپیچی می کرد به او از عذاب آتش

سوزان می چشانیدیم.

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ
زَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (۱۳)

۱۳ - آنها هر چه را که او (سلیمان) می خواست از معبد ها و تمثال ها و
ظروف بزرگ مانند حوض ها و دیگ های عظیم (که بر زمین کار می گذاشتند و
دارای حمل کردن نبود)، (و به آنها گفتیم): ای آل داود شکر نمائید، ولی
عده کمی از بندگان من سپاس گزار هستند.

﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ﴾ بر روی درختان.

﴿وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ﴾ یعنی «جفون» که مانند حفره و کاسه بزرگی است.

﴿وَ قُدُورٍ زَاسِيَاتٍ﴾ که مراد از زاسیات یعنی ثابت و پایرجا هستند سپس
می فرماید: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾ یعنی ای فرزندان داود شکر کنید بر آن
چیزهایی که شکرش را بجا نمی آورید، سپس فرمود: ﴿وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ
الشَّكُورُ﴾ بنده های کمی اهل شکر و سپاسگذاری هستند.^۱

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا

خَرَّ تَبَيَّنَ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۱۴)

۱۴ - پس هنگامی که مرگ را بر او (سلیمان) مقرر نمودیم، کسی آنها را به
مرگ او آگاه نکرد مگر جنبنده زمین (موریانه) که عصای او را خورد (و بدن
سلیمان بعد از یک سال بر روی زمین افتاد) پس هنگامی که بر روی زمین
افتاد جنیان متوجه شدند که اگر غیب می دانستند در عذاب و ذلت خوار
کننده ای باقی نمی ماندند.

وفات حضرت سلیمان علیہ السلام

﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ﴾
 می فرماید: روزی خداوند به سلیمان وحی نمود که مرگ تو فرا رسیده است،
 آن حضرت به شیاطین دستور داده بود که برای او خانه‌ای از شیشه و بلور
 در کنار دریا بسازند، روزی سلیمان وارد آن شده و به عصایش تکیه داده و
 زبور را می خواند و شیاطین نیز در اطراف آن حضرت به او نگاه می کردند،
 همانطور که به اطرافش نگاه می کرد مردی را در داخل قصرش دید و از او
 ترسید و گفت: تو کیستی؟

گفت: من کسی هستم که رشوه نمی پذیرم و از سلاطین نیز نمی ترسم و
 جانش را گرفتم و او در همان حالت تکیه بر عصای یک سال ماند و جنیان نیز
 برای او کار می کردند و نمی دانستند که او مرده است تا اینکه خداوند
 موریانه‌ای را فرستاد تا عصای حضرت سلیمان را خورد، هنگامی که بر روی
 زمین افتاد، ﴿فَلَمَّا خَرَّ عَلَى وَجْهِهِ تَبَيَّنَ الْإِنْسَانُ لَوْ كَانُوا - أَيْ الْجِنِّ - يَعْلَمُونَ
 الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ انسان‌ها متوجه شدند که اگر جنیان غیب
 می دانستند این همه سختی و عذاب نمی کشیدند.

که آیه اینطوری نازل شده است.

زیرا انسان‌ها می گفتند که جنیان از عالم غیب خبر دارند، اما هنگامی که
 سلیمان با صورت بر روی زمین افتاد آنها متوجه شدند که اگر جنیان علم
 غیب می دانستند یک سال برای او که مرده بود کار نمی کردند به گمان اینکه
 زنده است.

جنیان از موریانه به خاطر اینکه عصای حضرت سلیمان را خوردند تشکر
 کردند. هنگامی که سلیمان وفات کرد ابلیس سحری را نوشت و در پشت آن

مرقوم داشت که این چیزی است که آصف بن برخیا برای سلیمان بن داود از ذخائر گنج‌ها و علم‌های گوناگون نوشته است و سپس آن را در زیر تخت سلیمان گذاشت که بعد از مدتی آن را پیدا کردند که کافران با دیدن آن گفتند: سلیمان با همین سحر و جادو بر ما غلبه یافته بود.

مومنان گفتند: سلیمان کسی جز بنده خدا و نبی الهی نیست و آنچه که انجام می‌داد همه از جانب خداوند بود.^۱

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ
وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (۱۵)

فَاعْرَضُوا فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَبِيلَ الْعَرَمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِنِ أُكُلٍ
خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶)

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نَجْزِي إِلَّا الْكَفُورَ (۱۷)

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ
سَبْرًا فِيهَا لِلَّيْلِ وَآيَاتُهَا آمِنِينَ (۱۸)

۱۵- و به تحقیق برای قوم سبأ در محل سکونتشان آیتی بود، دو باغ بزرگ از راست و چپ، (به آنها گفتیم:) از رزق پروردگارتان بخورید و برای او سپاس‌گزار باشید، شهری طیب و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده.

۱۶- اما آنها (از شکر خدا) روی گردان شدند، پس ما هم سیلی بنیان‌کن بر آنها فرستادیم و دو باغ (زیبای) آنها را به دو باغی تبدیل نمودیم که میوه درختانش تلخ و ترش و بد طعم و شوره‌گزر و اندکی درخت سدر گردید.

۱۷- این کیفر آنها به خاطر کفرانشان بود، و آیا ما جز کفران‌کننده را کیفر

می‌دهیم؟

۱۸- و میان آنها و شهرهایی که پر نعمت و برکت قرار داده بودیم، شهرهای آشکاری قرار دادیم، و سفر در میان آنها را متناسب نمودیم، (و به آنها گفتیم:) شب‌ها و روزها در میان آنها با ایمنی کامل مسافرت کنید.

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ﴾ در یمن دریائی بود که سلیمان به لشگریانش حکم کرد که برای قبیله سبا از دریای یمن نهري بیرون بیاورند که تا بلاد هند جاری باشد. لشگریان سلیمان مطابق حکم او نهري چنین بیرون آوردند و سدی عظیم نیز از سنگ و صاروج بر آن کشیدند و مجاری در آن نهر قرار دادند که تا اهل سبا بقدر حاجت آب از آنجا به مزارع و باغات خود جاری سازند و این اهل سبا را دو باغ بود یکی در طرف راست بلاد ایشان و دیگری در جانب چپ آن و تاده روز راه و وسعت آن دو باغ بود و چون درختان سایه‌دار و اشجار پرثمر سر بر سر هم داده شاخها سر بهم آورده بودند و مترددین درین ده روز راه اصلا شعاع آفتاب را نمی‌دیدند و همه زیر سایه راه می‌رفتند و با این همه نعمت آن جماعت سر به عصیان و نافرمانی برآورده کفران نعمت‌های الهی را نمودند و هر چند بزرگان آن قوم ایشان را منع می‌نمودند و از عذاب منتقم حقیقی می‌ترسانیدند فائده‌ای مترتب نمی‌گردید و ایشان متنبه نمی‌گشتند پس حق تعالی در مقام استرداد نعمت خود درآمده و موشهای بزرگ بر آن سد که لشکر سلیمان بسته بودند گماشت و آن موشها سنگهای آن سد را در اندک مدتی بیرون کشیده سدی بدان استحکام و استواری را در هم شکستند و چون مانعی در راه آب نماند سیلی عظیم آمده همه سرزمین آنها را خراب کرد و درختان را از بین برد چنانچه خداوند از آن خبر می‌دهد ﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ

يَمِينٍ وَشِمَالٍ - تا - سَيْلَ الْعَرِمِ ﴿مراد از ﴿سَيْلَ الْعَرِمِ﴾ یعنی سیلی بزرگ و شدید بود.

﴿وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْنِ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ﴾ که ﴿خَمْطٍ﴾ نوعی درخت خاردار است.

﴿وَأَثَلٍ﴾ نوعی درخت گز شوره زار بدون میوه است.
 ﴿وَشَيْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا - تا - بَارَكْنَا فِيهَا﴾ و منظور از ﴿فِيهَا﴾ یعنی در مکه.^۱

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

۲۰- و به تحقیق ابلیس گمان باطل خود را درباره آنها محقق یافت که از او

پیروی کردند جز گروهی از مومنین.

در روز غدیر ابلیس ها به ناله در آمدند

﴿وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾

ابن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: هنگامی که خداوند به پیامبرش امر نمود که حضرت علی علیه السلام را به عنوان امیرالمومنین بر مردم برگزیند همچنانکه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^۲ ای پیامبر آنچه که از جانب پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن.

درباره علی علیه السلام در غدیر خم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه؛ هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست» پس ابلیس ها به

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۴۳؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۰

۲. مائده، آیه ۶۷

نزد ابلیس بزرگ آمده و خاک بر سرشان می ریختند. ابلیس به آنها گفت: شما را چه شده است؟

گفتند: این مرد امروز گره‌ای را بسته که تا روز قیامت قابل باز شدن نیست. ابلیس گفت: چنین نیست که می‌گوئید در اطراف او کسانی هستند که آن عهد و پیمان را نقض می‌کنند، پس خداوند بر رسولش این آیه را نازل فرمود:

﴿وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ...﴾^۱

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

قُلْ اذْعُوا الَّذِينَ رَعَيْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ (۲۲)

۲۱- و او (شیطان) بر آنها تسلطی نداشت مگر آنکه ایمان آورندگان به آخرت را از کسانی که شک دارند بشناسیم، و پروردگارت نگهبان هر چیزی است.

۲۲- بگو: کسانی که غیر از خدا (معبود خود می‌دانید) را می‌خوانید، آنها ذره‌ای در آسمانها و زمین مالک نیستند، و در (آفرینش) آن دو نیز شریک نمی‌باشند، و نیز یاور و مددکار (در آفرینش) هم نبوده‌اند.

﴿وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ﴾ کنایه از ابلیس است ﴿إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾ مگر آنکه ایمان آورندگان به آخرت را از کسانی که شک دارند بشناسیم، و پروردگارت

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۸۵ و ج ۳۷، ص ۱۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۳۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۴

نگهبان هر چیزی است.

سپس خداوند برای احتجاج با عبادت کنندگان بت‌ها می‌فرماید: ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِنَّ﴾ که ضمیر در ﴿فیهما﴾ کنایه از آسمان‌ها و زمین است ﴿مِنْ شَرِكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ﴾ و در (آفرینش) آن دو نیز شریک نمی‌باشند، و نیز یاور و مددکار (در آفرینش) هم نبوده‌اند.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

۲۳- و هیچ شفاعتی نزد او نفعی ندارد مگر برای کسانی که به او اذن داده شده، تا هنگامی که اضطراب از دلهای آنها بر طرف شود، می‌گویند: پروردگارتان چه فرمود؟ جواب می‌دهند: حق را (فرمود) و اوست خدای بلند مرتبه بزرگوار.

﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ در روز قیامت هیچ یک از پیامبران و رسولان حق شفاعت ندارند مگر آنکه خداوند بر آنها اذن شفاعت دهد جز رسول خدا محمد ﷺ که خداوند قبل از روز قیامت بر آن حضرت اذن شفاعت داده است، و شفاعت برای او و برای ائمه از فرزندان او سپس از برای انبیا و پیامبران علیهم‌السلام می‌باشد.^۱

ابوالعباس مکی گوید: که در محضر امام باقر علیهما السلام شرفیاب بودم که مردی به نام ابوايمن حضور آن جناب آمده گفت: ای ابا جعفر مردم مغرور شده و مدعی هستند که برای امت مرحومه شفاعت پیغمبر اکرم ﷺ کافی است،

حضرت سخت متغیر و خشمگین شده بطوری که آثار غضب از چهره مبارکش هویدا گشت و فرمود: وای بر تو ای ابایمن چگونه فکر می‌کنند این مردم که مرتکب منکرات شده و شهوات خود را اعمال نموده و هر لقمه حرامی را خورده و دست درازی به اموال و نوامیس دیگران کرده و چشم به شفاعت پیغمبر هم داشته باشند البته باید دانست کسی از اولین و آخرین نیست مگر آنکه محتاج به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله و آل او می‌باشند و برای پیغمبر است که از امت خود شفاعت نماید و ما شفاعت شیعیان خود را می‌نمائیم و آنها هم به شفاعت اهل بیت خود می‌پردازند بطوری که یک نفر مؤمن می‌تواند باندازه قبیله ربیع و مضر^۱ را از پیشگاه پروردگار شفاعت نماید، و مومن حتی خادمش را نیز شفاعت کرده و می‌گوید: خدایا او به من حق خدمت‌کاری در سرما و گرما دارد.^۲

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه «حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» فرمود: چون اهل آسمانها از روز بعثت عیسی بن مریم تا روز بعثت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله هیچ وحیی نشنیده بودند، همین که خدای تعالی جبرئیل را به سوی محمد صلی الله علیه و آله فرستاد، اهل آسمانها صوت وحی را شنیدند، که چون افتادن آهن بر روی سنگی صاف و محکم صدا کرد، پس همه تکان خوردند. و همین که از وحی فارغ شد جبرئیل نازل شد، به اهل هر آسمانی برخورد، پریشانی و فزع از دل‌های اهل آن آسمان زایل گشت، آن وقت به خود آمده، از یکدیگر پرسیدند:

۱. تعداد قبیله ربیع و مضر آن قدر زیاد بود که شفاعت یک نفر مومن را در روز قیامت به آن مثال می‌زنند، یعنی یک مومن می‌تواند شمار زیادی که تعدادش را خداوند می‌داند شفاعت کند.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۳۹.

پروردگارتان چه می گفت؟ و در پاسخ گفتند: خدا حق را گفت، و او علی و کبیر است.^۱

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

۲۶- بگو: پروردگار ما همه ما را در یک جا جمع می کند، سپس در بین ما به حق داوری می کند، و او داوری داناست.

﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا﴾ بین ما قضاوت کن.

﴿بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ﴾ که «الفتاح العليم» به معنای «القاضي العليم»

یعنی قضاوت کننده دانایی است.^۲

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

۲۸- و ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم که بشارت دهنده و انداز کننده آنها باشی، و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

معنی تبلیغ رسالت بر تمام مردم

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾

حفص کنانی گوید از عبد الله بن بکیر دجانی شنیدم که می گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود که: رسول خدا ﷺ برای همه مردم بشارت دهنده بود، آیا اینطور نیست که خداوند در کتابش می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۹

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۳۵؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۵

لِّلنَّاسِ ﴿۱﴾ ما تو را برای همهٔ مردم فرستاده‌ایم، برای اهل شرق و غرب و برای اهل آسمان‌ها و زمین از جن و انس، آیا رسالت آن بزرگوار به همهٔ آنها رسیده است؟

عرض کردم: نمی دانم!

فرمود: ای فرزند بکیر، رسول خدا ﷺ از مدینه بیرون نرفت پس چگونه رسالت او به اهل شرق و غرب رسیده است؟

عرض کردم: نمی دانم!

فرمود: کیفیت آن چنین بوده که حق تعالی به جبرئیل امر کرده که جمله زمین را به پری از بال خود برکند و به پیش رسول خدا نگاهدارد، پس جبرئیل همه زمین را در نظر حضرت آورد مانند کف دست مبارک او و بعد از آن، حضرت نظر بر اهل شرق و غرب کرده تبلیغ رسالت خود به هر قومی به زبان آن قوم نمود پس هیچ شهری و روستائی نماند مگر آنکه اهل آن را حضرت بنفس نفیس خود تبلیغ رسالت و شرایع نمود.^۱

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَرَى إِذِ
الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ
اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (٣١)
قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا أ نَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذِ
جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ (٣٢)
وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۸؛ مسائل علی بن جعفر علیہ السلام، ص ۳۳۱؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۱؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۳۵

نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا
 الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۳)
 وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴)
 وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ (۳۵)
 قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)
 وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ
 صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ
 آمِنُونَ (۳۷)

۳۱- و کافران گفتند: ما هرگز به این قرآن و به کتابهایی که پیش از این بوده
 ایمان نخواهیم آورد. و اگر (روزی که) ببینی ستمکاران در پیشگاه
 پروردگارشان ننگه داشته شده‌اند و یا همدیگر به مجادله بر خواسته‌اند،
 مستضعان به مستکبران می‌گویند: اگر شماها نبودید ما از ایمان آورندگان
 بودیم.

۳۲- مستکبران به مستضعان جواب می‌دهند: آیا ما شما را از هدایت باز
 داشتیم بعد از آنکه به سراغتان آمد؟ بلکه شما خود مجرم بودید.

۳۳- و مستضعان به مستکبران می‌گویند: بلکه مکر و حیل‌های شب و
 روز شما بود که پیوسته به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم، و
 برای او شریکانی بگیریم. و چون عذاب قیامت را دیدند پشیمانی خود را
 پنهان می‌دارند، و ما زنجیرهایی را در گردن کافران قرار می‌دهیم، آیا
 جزایی به غیر از آنچه که انجام داده‌اند دارند؟

۳۴- و ما هیچ رسول انداز دهنده‌ای را در شهری نفرستادیم مگر اینکه
 مرفهان گفتند: همانا ما برای آنچه که فرستاده شده‌ای کافریم.

۳۵- و گفتند: اموال و فرزندان ما زیاد است، ما از عذاب شدگان نخواهیم بود.

۳۶- بگو: همانا پروردگارم رزق و روزی را برای هر کسی که بخواهد گسترش می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد، ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.

۳۷- و اموال و فرزندان شما را به ما نزدیک نمی‌کنند، مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند (که با این عمل به ما نزدیک می‌شوند)، پس به آنها پاداشی مضاعف در برابر اعمالی که انجام داده‌اند دارند، و آنها در غرفه‌های (بهشتی) در امن و امان هستند.

خداوند برای پیامبرش گفتار کافران از قریش و دیگران را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ از کتاب پیامبران.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا﴾ و آنها بزرگانشان بودند. ﴿لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ﴾ که آن بیان است.

﴿بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ﴾ بلکه شماها مجرم بودید. سپس می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾ یعنی شب و روز مکر و حيله می‌کردید.

﴿وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ﴾ معصوم علیه السلام می‌فرماید: وقتی که ولی خدا را می‌بینند که در چه ناز و نعمت است، و خود در آتش دوزخند، ندامت خود را پنهان می‌دارند.

شخصی پرسید: ای فرزند رسول خدا این پوشاندن ندامت چه فایده‌ای به

حال آنان دارد، به اینکه در عذابند؟

فرمود: از شماتت دشمنان کراهت دارند.^۱

سپس با مال و ثروتشان بر خداوند فخر فروخته و گفتند: ﴿نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ﴾ اموال و فرزندان ما زیاد است، و ما از عذاب شدگان نخواهیم بود.

پس خداوند آنها را رد کرده و می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ * وَ مَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآلَتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ﴿ بگو: همانا پروردگارم رزق و روزی را برای هر کسی که بخواهد گسترش می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد، و لکن بیشتر مردم نمی‌دانند. و اموال و فرزندان شما را به ما نزدیک نمی‌کنند، مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند که با این عمل به ما نزدیک می‌شوند.

روایت شده که مردی در نزد امام صادق علیه السلام سخن از توانگران و ثروتمندان کرده و از ایشان بد گفت، امام صادق علیه السلام فرمود: ساکت باش توانگر اگر صله رحم کند، و به برادران خود نیکی نماید، خدای تعالی اجر این عمل را به او دوچندان می‌دهد، به خاطر اینکه هم نیکی کرده، و هم فریب دنیای خود را نخورده، هم چنان که قرآن کریم نیز فرموده: ﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآلَتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَوْلِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ﴾ اموال و اولاد شما چنان نیستند که شما را به درگاه ما نزدیک سازند، مگر کسی را که ایمان به خدا آورد، و عمل

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۳۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۲

صالح انجام دهد، که چنین کسانی پاداششان در برابر اعمالی که کرده‌اند، دوچندان خواهد بود، و در غرقه‌های ایمن خواهند زیست.^۱

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۳۹)

وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَ هَؤُلَاءِ إِنَّا كُنْمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (۴۰)

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلَيْسَ مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱)

۳۹- بگو: همانا پروردگارم رزق هر کدام از بندگانش را که بخواهد گسترش می‌دهد و برای هر کسی که بخواهد تنگ می‌گرداند، و شما هر چه (در راه خدا) انفاق کنید عوض آن را می‌دهد، و او بهترین روزی دهندگان است.

۴۰- (و بیاد بیاور) روزی که همه آنها محشور می‌شوند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا اینها گروه شما را پرستش می‌کردند.

۴۱- می‌گویند: پاک و منزهی تو، ولی ما تنها تو هستی نه آنها، بلکه آنها جن را می‌پرستیدند، و بیشترشان به آنها ایمان داشتند.

﴿وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾

حریز از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی امرش را در هر شب جمعه از اول شب و در شب‌های دیگر در یک سوم آخر شب به سوی آسمان دنیا فرو می‌فرستد که در پیشاپیش آن ملکی ندا

۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۳

می‌کند آیا توبه کننده‌ای است که خداوند توبه‌اش را بپذیرد؟ آیا استغفار کننده‌ای است تا خداوند او را بیامرزد؟ آیا درخواست کننده‌ای است تا درخواستش برآورده شود؟ پروردگارا بر هر انفاق کننده بیشتر از آنش اعطا نما و بر هر منع کننده‌ای مالش را از بین برده و تلف نما، تا اینکه فجر طلوع می‌کند، پس زمانی که فجر طلوع می‌کند آن ملک به امر پروردگار به سوی عرش برمی‌گردد و ارزاق بین بندگان تقسیم می‌شود، سپس امام علیه السلام به فضیل فرمود: ای فضیل بهره‌تو از آن همان مقدار است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ و شما هر چه در راه خدا انفاق کنید عوض آن را می‌دهد، و او بهترین روزی دهندگان است.^۱

﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ و بیاد بیاور روزی که همه آنها محشور می‌شوند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا اینها گروه شما را پرستش می‌کردند.

پس ملائکه می‌گویند: ﴿سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ﴾ پاک و منزهی تو، ولی ما تنها تو هستی نه آنها، بلکه آنها جن را می‌پرستیدند، و بیشترشان به آنها ایمان داشتند.^۲

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵)

۴۵ - و کسانی که قبل از آنها بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند، و در حالی که اینها به یک دهم آنچه که به آنها (از مال و مقام) دادیم نمی‌رسند،

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۶۴

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۳۹

پس رسولانم را تکذیب کردند، پس مجازات من نسبت به آنها چگونه بود.
 هاشم بن عمار درباره آیه «وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا
 آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ» روایت می کند که معصوم علیه السلام فرمود:
 آنها کسانی بودند که رسولانشان را تکذیب کردند و آنچه به رسولان آنها
 دادیم به یک دهم آنچه که به محمد و آل او داده ایم نمی رسد.^۱

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشًى وَفُرَادًى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا
 بِضَاحِكِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۴۶)

۴۶ - بگو: همانا شما را به یک چیز پند و اندرز می دهیم، و آن این است که
 دو نفر دو نفر یا هر یک به تنهایی برای خداوند قیام کنید، سپس بیندیشید که
 این همنشین شما دیوانه نیست، بلکه او انذار دهنده شما در برابر عذاب
 شدید الهی است.

ابوحمره ثمالی گوید از امام باقر علیه السلام درباره «إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ» سؤال
 کردم، فرمود: مراد از یک پند و اندرز همان ولایت علی علیه السلام است که خداوند
 بدان موعظه نموده است.^۲

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 شَهِيدٌ (۴۷)

۴۷ - بگو: آنچه اجر و مزد از شما خواسته ام برای شماست، همانا اجر و

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۶ و ج ۲۶، ص ۲۷۱؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۱؛ تفسیر صافی،
 ج ۶، ص ۱۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۴
 ۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۴۳؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۳۴۵؛ تاویل الآیات الظاهره،
 ص ۴۶۷؛ کافی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۵

پاداش من بر خداوند است، و او بر هر چیزی شاهد است.

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهُوَ لَكُمْ﴾ فرمود: که رسول خدا صلی الله علیه و آله از قوم خود خواست که خویشان او را دوست بدارند، و آزار و اذیت نکنند، لذا این آیه نازل شد که همین اجر و مزد نیز به نفع شماست، و ثوابش عاید خودتان می‌شود.^۱

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَآتَىٰ لَهُمُ التَّنَافُوسَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳)

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي

شَكٍّ مُرِيبٍ (۵۴)

۵۱- و اگر ببینی زمانی که ناله‌شان بلند است اما نمی‌توانند (از عذاب الهی)

فرار کنند، و از جای نزدیکی گرفته می‌شوند.

۵۲- و می‌گویند: به حق ایمان آوردیم. و از این مکان دور (قیامت) چگونه

می‌توانند به آن (ایمان آوردن) دسترسی پیدا کنند.

۵۳- و به تحقیق قبل از این به آن کافر شدند، و از جایی دور و غایبانه نسبت

ناروا می‌دادند.

۵۴- و (امروز) میان آنها و خواسته‌هایشان جدایی افتاد، همچنانکه قبل از

این به عقیده‌های آنها عمل شد، همانا که آنها در شک و تردید بودند.

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۶؛

نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۲

ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ﴾

ابو خالد کابلی روایت کرد که امام ابی جعفر عجل الله تعالی فرجه فرمود: به خدا سوگند، گویا همین الآن می بینم قائم عجل الله تعالی فرجه را که به حجر تکیه داده است، آن گاه مردم را در رعایت حقش به خدا سوگند می دهد، و آن گاه می فرماید: ای مردم! هر کس با من در باره خدا محاجه کند، من اولی به خدا هستم، ای مردم هر کس با من در باره آدم محاجه کند، من اولی و نزدیکتر از سایرین به آدم هستم، ای مردم هر کس با من در باره نوح محاجه کند، من از هر کس دیگر اولی به نوح، ای مردم هر کس با من در باره ابراهیم سخن گوید، و احتجاج کند، من خود از هر کس دیگر نزدیکتر به ابراهیم، ای مردم هر کس با من در باره موسی محاجه کند، من خود اولی به موسی هستم، ای مردم هر کس با من در خصوص عیسی محاجه کند و آن جناب را به رخ من بکشد، من خود از هر کس دیگر نزدیکتر به عیسی هستم، ای مردم هر کس با من در خصوص محمد صلی الله علیه و آله محاجه کند من خود از هر کس دیگر به محمد صلی الله علیه و آله نزدیکتر و اولایم، ای مردم هر کس با من در خصوص کتاب خدا محاجه کند، من از هر کس دیگر به کتاب خدا نزدیکترم، آن گاه به مقام ابراهیم می آید، و در آنجا دو رکعت نماز می خواند، و با سوگند به خدا حق خود را بیان می کند.^۱

سپس امام ابی جعفر عجل الله تعالی فرجه فرمود: اوست به خدا سوگند مضطر در آیه شریفه: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۲ و اولین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل، و سپس سیصد و سیزده

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶

۲. نمل، آیه ۶۲؛ یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاریشان را بر طرف می کند و شما را جانشینان زمین قرار می دهد.

نفرند، و این عده هر کدام بتوانند، راه افتاده، خود را به وی برسانند، که می‌رسانند، و هر یک به این صورت به وی نرسند، در رختخوابشان ناپدید می‌شوند، و منظور امیرالمؤمنین علیه السلام از عبارت «هم المفقودون عن فرشهم؛ ایشان از رختخواب مفقود می‌شوند» همین است، و نیز منظور از آیه ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا﴾^۱ پس در عمل به خیرات سبقت جوید، که هر جا باشید خدا همگی‌تان را می‌آورد همین است و فرمود: منظور از خیرات، ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام است. هم چنان که در جایی دیگر فرمود: ﴿وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ﴾^۲ اگر عذاب را از ایشان تا مدت کمی تاخیر اندازیم.

منظور از امت معدوده اصحاب قائم علیه السلام است که در عرض یک ساعت همه یک جا جمع می‌شوند، وقتی قائم علیه السلام به سر زمین «بیداء» برسد، لشکر سفیان در برابرش صف آرایی می‌کند، پس خدای عز و جل زمین را دستور می‌دهد، تا پاهای ایشان را در خود فرو ببرد، و بگیرد، و درباره همین مورد است، که خدای عز و جل می‌فرماید: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ * وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ﴾ یعنی می‌گویند: اینک ما به قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌ایم.

﴿وَ أَنِّي لَهُمُ التَّنَافُسُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ - تا - وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ﴾
یعنی بین آنان و عذاب نشدن، حائل ایجاد می‌شود.

﴿كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلِ﴾ یعنی آنهایی که قبل از ایشان مکذبین بودند، و هلاک شدند ﴿مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ﴾ همچنانکه قبل از این با هم

۱. بقره، آیه ۱۴۸؛ پس به سوی خیرات و نیکی‌ها بشتابید، که هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند.

۲. هود، آیه ۸؛ و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تاخیر اندازیم.

عقیده‌های آنها عمل شد، همانا که آنها در شک و تردید بودند.^۱

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا﴾ فرمود: صدا که از آسمان می‌آید.
﴿وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ از زیر پاهایشان به سوی زمین کشیده می‌شوند.^۲

ابوحمزه گوید از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿وَإِنِّي لَهُمُ التَّنَافُثُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ سؤال کردم فرمود: آنها هدایت را از طریقی جستجو می‌کنند که بدان نمی‌رسند که اگر از مسیرش آن را طلب می‌کردند به راحتی و آسانی بدان دست می‌یافتند.^۳



۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۷.
۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۸.
۳. تفسیر برهان ج ۷، ص ۳۴۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۸.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورة فاطر



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۵ - سورة فاطر در مکه

نازل شده و دارای ۴۵ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

۱- حمد و سپاس خداوندیست که آفریننده آسمانها و زمین است، و فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه آنچه که می خواهد در آفرینش می افزاید، همانا خداوند بر هر چیزی تواناست.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ملائکه را مختلف خلق کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله جبرئیل را دید که ششصد بال داشت، و بر ساق پایش دری بود چون قطره شبی می که روی گیاهان می افتد، آن قدر بزرگ بود که بین آسمان و زمین را پر می کرد.

و نیز فرمود: هر گاه خدای عز و جل به میکائیل دستور دهد به زمین هبوط کند، یک پایش روی زمین هفتم، و پای دیگرش روی آسمان هفتم قرار خواهد گرفت، و نیز خداوند متعال فرشتگانی دارد که نیمی از آنها از یخ، و نیم

دیگرشان از آتش است، و ذکرشان این است که: «یا مؤلفا بین البرد و النار ثبت قلوبنا علی طاعتک؛ ای خدایی که بین یخ و آتش الفت افکندی، دلهای ما را بر طاعتت ثابت بدار».

فرمود: خداوند ملکی دارد فاصله ما بین گوش او تا چشمش به اندازه پانصد سال پرواز پرنده است. ملائکه نه آب و غذا می‌خورند و نه نکاح دارند همانا به نسیم عرش تامین می‌گردند، یک گروه از ملائکه تا روز قیامت در حال رکوع هستند و گروهی نیز هستند که تا روز قیامت در حال سجده می‌باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند هیچ چیزی را به تعداد و کثرت ملائکه نیافریده است، در هر روز و یا در هر شب هفتاد هزار ملائکه به سوی زمین می‌آیند و خانه خدا را طواف می‌کنند سپس به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد به زیارت امیرالمومنین علیه السلام آمده و سلام می‌کنند و سپس به زیارت امام حسین علیه السلام می‌آیند و در آنجا می‌مانند، و در هنگام سحر به سوی آسمان بر می‌گردند و دیگر هرگز روی زمین بر نمی‌گردند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند اسرافیل و جبرائیل و میکائیل را از یک تسبیح خلق کرده است و برای آنها گوش و چشم و عقل نیکو و سرعت فهم قرار داده است.^۲

فرمایش حضرت علی علیه السلام درباره صفت ملائکه

امیرالمؤمنین علیه السلام در باره خلقت ملائکه فرموده: خدایا ملائکه را آفریدی،

۱. بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۷۴

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۳؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۱۴

و در آسمان جای دادی، ملائکه ای که نه در آنان سستی هست و نه غفلت، و نه در ایشان معصیتی مفهوم دارد. آری آنها عالم ترین خلق تو به تو هستند و ترسنده ترین خلق تو از تو، و مقرب ترین خلق تو به تو، و عامل ترین خلق تو به فرمان تو، نه خواب بر دیدگان ایشان مسلط می شود، و نه در عقلشان سهوی پیدا می شود، و نه خستگی بدنهای ایشان نه در پشت پدران جای می گیرند، و نه در رحم مادران، و نه خلقتشان از ماء مهین است، بلکه تو ای خدا ایشان را به نوعی دیگر ایجاد کرده ای، و در آسمانهایت منزل دادی، و با جای دادنت در جوار خود اکرامشان کرده ای، و بر وحی خود امین ساختی، و آفات را از ایشان دور کردی، و از بلاها محافظتشان فرمودی، و از گناهان پاکشان ساختی، اگر قوت تو نبود خود قوی نمی شدند، و اگر تثبیت تو نبود خودشان ثابت قدم نمی گشتند، و اگر رحمت تو نبود اطاعت تو نمی کردند، و اگر تو نبودی آنها هم نبودند.

لیکن اگر آنها که این همه نزد تو مقام دارند، و تو را اطاعت می کنند و نزدت دارای منزلتند، و غفلتشان از امر تو اندک است، آنچه را که از تو بر ایشان پوشیده مانده مشاهده می کردند، و آن عظمت را که تا کنون از تو پی نبرده اند پی می بردند، قطعاً عبادت و عمل خود را کوچک می شمردند، و نفس خود را به ملامت می گرفتند، و می دانستند که تو را آن طور که باید عبادت نکردند. منزهی تو که خالق و معبودی، رفتارت با مخلوقات چقدر نیکو است.^۱

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ

۱. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۷۵؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۱۵

بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)

۲- خداوند در هر رحمتی را به روی مردم بگشاید هیچ کسی نمی تواند جلوی آن را بگیرد، و جلوی هر آنچه را که بگیرد هیچ کسی نمی تواند به غیر از او آن را بفرستد، و او عزیز و حکیم است.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ﴿مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا﴾ می فرماید: متعه یکی از آن رحمت هاست.^۱

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)
وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَخْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (۹)

۸- آیا کسی که عمل زشتش برای او زیبا جلوه داده شده و آن را نیکو می بیند (همانند شخص نیکوکار واقعی است)؟ پس خداوند هر کسی را که بخواهد گمراه و هر کسی را هم که خواست هدایت می کند، پس جانث را به خاطر آنها از شدت غم و حسرت از دست مده، همانا خداوند به آنچه که آنها انجام می دهند آگاه است.

۹- و خداوند آن کسی است که بادهای او فرستاد که ابرها را به حرکت در بیاورند، پس ما آن ابرها را به سرزمین های مُرده می رانیم و (به وسیله باران آن ابرها) زمین های مُرده را زنده می کنیم؛ رستاخیز (مردگان) این چنین است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۰

هاشم بن عمار درباره آیه ﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ روایت می‌کند که این آیه درباره زریق و حبترا^۱ نازل شده است.^۲

سپس خداوند عز و جل با زنداقه و مادی پرستان احتجاج نموده و می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَمُسْقَاتٍ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ﴾ سرزمین مرده آن است که هیچ گیاهی در آن نیست.

﴿فَأَخْيَيْنَاهُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ یعنی به وسیله باران زمین را زنده می‌کنیم ﴿كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ رستاخیز (مردگان) این چنین است.^۳

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ (۱۰)

۱۰- هر کس که طالب عزت است (باید از خداوند بخواهد) که همه عزت از برای خداست، کلمات پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح به سوی او بالا می‌رود، و کسانی که نقشه‌های زشت می‌کشند برای آنها عذاب شدیدی است، و مکر (نقشه) آنها نابود می‌شود.

﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ کلمه اخلاص و اقرار به آن چه که از جانب خداوند آمده از واجبات است و ولایت عمل صالح را به سوی خداوند بالا می‌برد.

۱. زریق بمعنی کور دل است و حبترا بمعنی روباه؛ که با روباه بازی و مکر و حيله حق امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت طاهرين سلام الله عليهم اجمعين را غصب نمودند.
 ۲. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۵۳؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۵۱؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۵
 ۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۶

امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از «الکلم الطیب» گفتن شخص مومن «لا إله إلا الله محمد رسول الله علي ولي الله و خليفة رسول الله» می باشد. و فرمود: عمل صالح اعتقاد داشتن به وسیله قلب است به اینکه آن حق از جانب پروردگار عالمیان است و هیچ شکی در آن نیست.^۱

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: برای هر سخنی مصداقی از عمل است که یا آن را تصدیق می کند و یا تکذیب، پس وقتی انسان سخنی بگوید و با عمل خود سخن خود را تصدیق کند، یعنی به گفته خود عمل کند، آن عمل گفتار او را به سوی خدا بالا می برد، و اگر عملش مخالف گفتارش باشد، گفتارش را نیز روی عمل خبیثش گذاشته، در آتش می اندازند.^۲



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْقَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

۱۱- و خداوند شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس شما را زوج (زن و مرد) قرار داد، و هیچ زنی باردار نمی شود و بارش را به زمین نمی گذارد مگر به علم اوست، و هیچ کسی عمر طولانی نمی کند یا از عمرش کم نمی گردد مگر آنکه در کتاب (علم الهی) ثبت است، و همانا این کار بر خداوند آسان است.

﴿وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ﴾ یعنی در کتاب

۱. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۶۴

۲. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۲۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۲

می نویسد که عمر چه کسانی را باید کم کند و یا زیاد، و این رد منکرین بده است.^۱

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبُسُونَهَا وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاجِرَ يَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

۱۲- و هرگز دو دریا مساوی نیستند، این یکی آبش شیرین و گوارا و نوشیدنش دل چسب و آن یکی شور و تلخ؛ ولی از هر کدام گوشت ترو تازه می خورید، و زیورهای (لؤلؤ و مرجان) از آن استخراج کرده می پوشید، کشتیها را در آن می بینی که آبها را می شکافد (و به جلو می رود) تا از فضل الهی بهره مند گردد، و شاید که شکر گزار (نعمت های الهی) باشید.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیهما السلام در ذیل آیه ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ﴾ فرمودند: مراد از اجاج تلخی است.

﴿وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاجِرَ﴾ کشتی به وسیله باد جلو و عقب می رود.^۲

يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)

۱۳- او شب را در روز و روز را در شب داخل می کند، و خورشید و ماه را

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۹؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۴

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۶۰

مستخر کرده که هر یک به مدت معینی در حرکت می‌باشند، این است خداوند پروردگار شما، حکومت از برای اوست، و کسانی را که به غیر از او می‌خوانید به اندازه پوست نازک روی هسته خرما مالک نیستند.

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾ کلمه «قطمیر» به معنای پوست نازکی است که روی هسته خرما کشیده شده است.

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱۴)

۱۴- اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند، و اگر بشنوند نمی‌توانند جواب شما را بدهند، و روز قیامت شرک شما را منکر می‌شوند، و هیچ کس مانند خبیر (خداوند دانا و آگاه) شما را آگاه نمی‌کند.

خداوند سپس با بت پرستان احتجاج کرده و می‌فرماید: ﴿إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ﴾ - تا - بِشِرْكِكُمْ یعنی در روز قیامت شرک شما را که آنها را به خدائی گرفته بودید منکر می‌شوند و از پرستش شما تبری جسته و ابراز تنفر می‌کنند.

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جِمْلَتِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يُحْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

۱۸- و هیچ شخص گناه‌کاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد، و اگر شخص سنگین‌باری کسی را برای بردن بار گناهش بخواند چیزی از بارش را بر نمی‌دارند، و اگر چه از خویشان باشند؛ همانا تو فقط می‌توانی کسانی

را انداز کنی که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند، و نماز به پا می دارند؛
و هر کس پاکیزه باشد همانا نتیجه اش به خود او بر می گردد، و بازگشت
همه به سوی خداست.

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ یعنی هیچ کس بار گناه کس دیگری را بر
دوش نمی گیرد.

﴿وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ﴾ یعنی گناه
کسی را کس دیگری بر دوش خود حمل نمی کند مگر کسی که به گناهی امر
کند که در این صورت آمر و مامور گناهکار هستند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (۱۹)

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (۲۰)

وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (۲۱)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَخْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ
مَنْ فِي الْقُبُورِ (۲۲)

۱۹- و هرگز کور و بینا مساوی نیستند؛

۲۰- و نه تاریکی ها و روشنایی؛

۲۱- و نه سایه و (محیط) سوزان؛

۲۲- و هرگز زندگان و مُردگان با هم مساوی نیستند. همانا خداوند
سخنانش را به گوش هر کسی که بخواهد می رساند، و تو نمی توانی (سخن
خود را به گوش) کسانی که در قبرها هستند (مردماند) برسانی.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾ مثلی است که خداوند از برای مومن و
کافر زده است.

﴿وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ﴾ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ که مراد از «ظل» انسان و

مراد از «حرور» چهارپایان هستند.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ﴾ و هرگز زندگان و مردگان با هم مساوی نیستند.

سپس فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ این کافران از تو چیزی را نمی شنوند و بدان عمل نمی کنند همچنانکه مردگان در قبرها نشنیده و عمل نمی کنند.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴)
وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ
وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)
ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶)
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَ مِنْ
الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)
وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ
عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

۲۴- همانا ما تو را به حق بشارت دهنده و انذار کننده فرستادیم، و هر امتی در میان خود انذار کننده ای داشت.

۲۵- و اگر تو را تکذیب می کنند (جای تعجب نیست) به تحقیق کسانی که قبل از اینها بوده اند آنها هم (پیامبران را) تکذیب می کردند، که رسولان آنها با دلائلی روشن و با پند و موعظه و کتاب روشنگر به سوی آنها آمدند.
۲۶- سپس کافران را (به خاطر گناهانشان) گرفتم، پس عذاب من برای آنها چگونه بود؟

۲۷- آیا دیدی که خداوند از آسمان آبی نازل کرد و از آن میوه های

گونگونى (از زمين) بيرون آورديم؟ و از كوه ها نيز راه ها نى سفيد و سرخ به رنگ هاى گوناگون و گاه سياه آفريديم.

۲۸- و از مردم و جنبندگان و چهارپايان نيز رنگهاى گوناگونى هست (كه خدا آفريد)، كه حق چنين است، همانا بندگان عالم از خداوند مى ترسند، همانا خداوند عزيز و آمرزنده است.

﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾^۱ براى هر زمانى امامى است. سپس بزرگان آن را ذكر كرده و مى فرمايد: ﴿أَلَمْ تَرَ - اى محمد - أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا - تا - وَغَرَابِيبُ سُودٌ﴾^۱ غرابيب به معنى كلاغ ها است. ﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^۱ و معنى آن اين است كه بندگان عالم و دانا از خداوند مى ترسند.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِنْ رِزْقِنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ (۲۹)

لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَرْبِدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)
وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَى الْكِتَابِ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُؤْذِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)
جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)
 الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا
 لُغُوبٌ (۳۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ
 عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ (۳۶)
 وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ
 نُعْمَرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
 نَصِيرٍ (۳۷)

۲۹- همانا کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند، و نماز به پا می‌دارند، و آنچه را که به آنها روزی داده‌ایم در پنهان و آشکار اتفاق می‌کند، تجارتی را امید دارند که هرگز ضرر و زیانی در آن نباشد.

۳۰- تا خداوند به آنها پاداش کامل عطا کند، و از فضل خودش بر آنها بیفزاید، همانا که او آمرزنده و شکرگزار است.

۳۱- و آنچه از کتاب بر تو وحی فرستادیم حق است و تصدیق کننده با کتاب‌های قبل از آن، همانا خداوند به بندگان خیر و بیناست.

۳۲- سپس این کتاب را به بندگان برگزیده خود به میراث دادیم، پس گروهی از آنها بر خود ستم کردند و گروهی میانه‌رو بودند و گروهی نیز به اذن خداوند در خیرات و نیکی‌ها سبقت گرفتند، این همان فضیلت بزرگ است.

۳۳- بهشت همیشگی که در آن وارد می‌شوند در حالی که خودشان را با زر و گوهرهایی از طلا و مروارید آراسته‌اند، و لباسشان در آنجا حریر است.

۳۴- و می‌گویند: حمد و سپاس خداوندی که غم و اندوه را از ما برطرف نمود، همانا پروردگار ما آمرزنده و شکرگزار است.

۳۵- همان کسی که ما را به فضل خود در این منزل همیشگی جای داد، که در اینجا هیچ رنجی به ما نمی‌رسد و به هیچ سستی و خستگی مبتلا نمی‌شوئیم.

۳۶- و کسانی که کافر شدند برای آنها آتش جهنم است، که دستور مرگشان صادر نمی‌شود تا بمیرند، و از عذاب آنها کم نمی‌شود، اینچنین هر شخص کفران کننده‌ای را کیفر می‌کنیم.

۳۷- و آنها در آتش جهنم فریاد می‌زنند: ای پروردگار، ما را بیرون بیاور تا به غیر از آنچه که عمل می‌کردیم عمل صالح انجام دهیم، (به آنها گفته می‌شود): آیا شما را به اندازه‌ای عمر ندادیم که هر کس اهل تذکر بود متذکر می‌شد؟ و انداز کننده‌ای به سراغ شما نیامد؟ اکنون (عذاب الهی را) بچشید که برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.

خداوند از مومنانی که اموالشان را در اطاعت الهی انفاق می‌کنند یاد کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾ که «لن تبور» یعنی هرگز زیان نمی‌بینند.

سپس پیامبرش را خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ و آنچه از کتاب بر تو وحی فرستادیم حق است و تصدیق کننده با کتاب‌های قبل از آن، همانا خداوند به بندگانش خبیر و بیناست.^۱

سپس آل محمد را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾ که منظور از «عبادنا» ائمه علیهم‌السلام می‌باشند سپس می‌فرماید: ﴿فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾ یعنی از آل محمد که غیر از ائمه علیهم‌السلام

می باشند که منکر امام هستند.

﴿وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ﴾ یعنی کسی که اقرار به امام می کند.

﴿وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ﴾ که مراد امام علی است.

سپس خداوند آنچه را که برای آنها آماده کرده را متذکر شده و می فرماید:

﴿جَنَاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ - تَا - لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ

وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾ که ﴿نصب﴾ به معنای خستگی و رنج و ﴿لغوب﴾ به

معنای کسالت و سستی است.

سپس خداوند آنچه را که از برای دشمنان و مخالفان و ستمکاران به حق

امامان علیهم السلام آماده کرده ذکر نموده و می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ

لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فِيمَوتُوا - تَا - وَهُمْ يُضْطَرُّونَ فِيهَا﴾ یعنی ناله می زنند و فریاد

می کنند ﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ﴾ ای پروردگار، ما را

بیرون بیاور تا به غیر از آنچه که عمل می کردیم عمل صالح انجام دهیم.

پس خداوند آنها را رد کرده و می فرماید: ﴿أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن

تَذَكَّرُ﴾ یعنی به شما عمر دادیم تا به همه امور آگاهی پیدا کردید.

﴿وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ﴾ یعنی رسول الله ﷺ را برای شما فرستادیم به خود

نیامدید ﴿فَذُوقُوا فَلَمَّا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ﴾ اکنون عذاب الهی را بچشید که برای

ستمکاران هیچ یاورى نیست.

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ

أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى

الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲)

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ

يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (۴۳)

۴۱- همانا خداوند آسمانها و زمین را نگه می‌دارد تا (از مسیر خود) منحرف نشوند، و هرگز منحرف نمی‌شوند، و کسی به غیر از او نمی‌تواند آنها را نگه دارد، همانا خداوند بردهار و آمرزنده است.

۴۲- و آنها به خداوند سوگند محکمی خوردند که اگر انذار کننده‌ای برای آنها بیاید از امت‌های دیگر هدایت یافته‌تر خواهند بود پس هنگامی که انذار کننده‌ای برای آنها آمد اما به جز فرار و نفرت بر آنها چیزی نیفزود.

۴۳- اینها به خاطر استکبار در روی زمین و حيله‌های زشت‌شان بود، حيله‌های زشت تنها دامان صاحبش را می‌گیرد، پس آیا آنها چیزی جز سنت گذشتگان را انتظار دارند؟ پس هرگز برای سنت الهی تبدیلی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.

خداوند گفتار قریش را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ﴾ یعنی آنهایی که هلاک شدند. ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ﴾ یعنی رسول الله ﷺ.

﴿مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا * اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نامه‌ای که خروج عایشه و حرکتش را به سوی بصره و نافرمانی و عصیان طلحه و زبیر را به اطلاع شیعیان خود مرقوم داشته و نوشته بود: کدام گناه بزرگتر از آن است که طلحه و زبیر همسر پیامبر ﷺ را از خانه خودش بیرون آورده که خداوند او را در پس پرده قرار داده بود و عیالات خود را در پرده حفاظت مستور و محفوظ داشته‌اند و علناً مخالفت خدا و رسولش را کرده و مرتکب سه معصیت گشتند که ضرر و

زیان آن به سوی مردم عاید گردید اول ظلم، دوم مکر و حيله، سوم نقص عهد و بیعت که کيفر و عقاب هر سه در قرآن و کتاب خدا تصریح و بیان شده که خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَيْتُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾^۱ ای مردم همانا بغي و ستم شما به خودتان بر می گردد.

و درباره نقض عهد فرموده: ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ﴾^۲ پس هر کس پیمان شکنی کند به ضرر خودش پیمان شکنی کرده است. و در مورد مکر و فریب می فرماید: ﴿وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾ و آنها مرتکب بغي و ظلم به من شده و بیعت مرا نقض نموده و عهد شکنی کرده و نسبت به من مکر و تزویر روا داشتند.^۳

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴)

وَلَوْ يَأْخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)

۴۴- آیا آنها در روی زمین گردش می کنند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از اینها بوده اند چگونه بود؟ که از آنها قوی تر بودند، در آسمانها و زمین هیچ چیزی از تحت قدرت او بیرون نمی رود، همانا او دانا و توانا است.

۴۵- و اگر خداوند مردم را به خاطر اعمالشان مواخذه کند، هیچ جنبه ای را بر روی زمین باقی نمی گذارد، و لکن آن (مواخذه) را تا مدت معین به تاخیر انداخته است (و به آنها مهلت داده است)، پس هنگامی که اجل آنها

۱. یونس، آیه ۲۴

۲. فتح، آیه ۱۰

۳. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۱۰۷

فرا برسد (خداوند طبق عمل آنها مجازات می‌کند) و همانا خداوند به حال
بندگانیش بیناست.

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ آیا در قرآن و در اخبار گذشتگان که به هلاکت
رسیدند نمی‌نگرند.

﴿فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از
اینها بوده‌اند چگونه بود؟

﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ
إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى﴾ خداوند آنها را در هنگام معصیت و در زمان غفلت و
بی‌خبری نمی‌گیرد.^۱

سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام از پدرش روایت می‌کند که رسول
خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از علم خدا گذشته و مرکب قلم خدا به این قضایی که رانده
و این قدری که مقدر کرده خشک شده، که کتاب خدا جای خود را در بشر باز
کند، و رسولان خدا تصدیق شوند، و آنها که ایمان می‌آورند و تقوی دارند به
سعادت برسند، و آنها که تکذیب می‌کنند و کفر می‌ورزند به شقاوت برسند، و
مؤمنین به ولایتی از خدای عز و جل و مشرکین به برائتی از او نایل شوند.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عز و جل می‌فرماید: ای فرزندان آدم! تو
به مشیت من برای خودت می‌خواهی آن چه را می‌خواهی، و به اراده من برای
خودت اراده می‌کنی آن چه را که اراده می‌کنی، و به فضل نعمت من بر تو،
چنان نیرومند شده‌ای که می‌توانی سر از فرمانم برتابی، و به قوت و عصمت
من و عافیتم موفق شده‌ای که واجبات مرا ادا کنی.

پس اگر واقعا حسناتی داری، خود من به آن حسنات از تو سزاوارترم، و
توبه گناهانت از من سزاوارتری، همیشه خیر من به سوی تو نازل است، و من

با آن خیر به تو انعام می‌کنم، و شر تو به خودت برمی‌گردد، به عنوان کیفر جنایاتی که کرده‌ای و به کثرت تسلطی که من به تو دارم به سوی طاعتم رو نهاده‌ی و به سوء ظنی که به من داری از رحمتم مایوس شدی.

پس با این بیان حمد و سپاس برای من است و حجت علیه تو تمام است، و تو با این عصیان راه مؤاخذه مرا به روی خود گشودی، و با احسانت، مستحق پاداش نیکی که نزد من است گشتی. من هیچگاه از تحذیر تو کوتاهی نکردم، و تو را در حین سرگرمی و غرورت به عذاب نگرافتم.

آن گاه فرمود: این همان کلام خدا است که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهَا مِنْ دَابَّةٍ﴾ و اگر خداوند مردم را به خاطر اعمالشان مواخذه کند، هیچ جنبنده‌ای را بر روی زمین باقی نمی‌گذارد.

و نیز می‌فرماید: من تو را به بیش از طاقتت تکلیف نکردم، و از امانت جز همان مقداری را که خودت علیه نفست اقرار داری تحمیلت ننمودم، من از تو برای خود به آن مقدار راضیم که تو از من برای خودت راضی باشی.^۱ آن گاه خدای عز و جل فرمود: ﴿وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾ و لکن آن (مواخذه) را تا مدت معین به تاخیر انداخته است (و به آنها مهلت داده است)، پس هنگامی که اجل آنها فرا برسد خداوند طبق عمل آنها مجازات می‌کند و همانا خداوند به حال بندگانش بیناست.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۹۴؛ توحید شیخ صدوق، ص ۳۴۳

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۷۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۷۰

تفسیر سورۃ یس



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۳۶ - سورۃ یس در مکه نازل

شده و دارای ۸۳ آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس (۱)

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴)

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵)

۱- یس .

۲- سوگند به قرآن حکیم.

۳- همانا تو از رسولان هستی.

۴- به راهی راست (فرستاده شدی).

۵- (این قرآن) از جانب خداوند عزیز و مهربان نازل شده است.

﴿یس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ﴾

امام صادق علیه السلام می فرماید: ﴿یس﴾ اسم رسول خداست و دلیل بر آن آیه

﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ می باشد.

﴿عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ یعنی بر مسیری واضح و روشن قرار داری.

لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (۸)

۶- تا قومی را انذار کنی که پدرانشان انذار نشدند، پس آنها در غفلت هستند.

۷- به تحقیق فرمان ما درباره بیشتر حتمی شده، از این جهت آنها ایمان نمی آورند.

۸- همانا ما بر گردن های آنها زنجیرهایی قرار دادیم که تا چانه هایشان کشیده شده و سرهایشان را به طرف بالا نگه داشته است.

﴿تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ مراد قرآن است.

﴿لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ - تا - ﴿عَلَى أَكْثَرِهِمْ﴾ یعنی عذاب بر

آنها نازل شد ﴿فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ پس آنها ایمان نمی آورند.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ﴾ - تا - ﴿فَهُمْ مُقْمَحُونَ﴾ یعنی

سرهایشان را بالا دارند.^۱

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ

لَا يَبْصُرُونَ (۹)

۹- و ما در پیش روی آنها و از پشت سرشان سدای قرار دادیم، و

چشم هایشان را پوشانده ایم پس (جایی را) نمی بینند.

معجزه پیامبر ﷺ برای ابوجهل

﴿فَأَغْشَيْنَاهُمْ﴾ یعنی آنها را نابینا کردیم.

ابی الجارود از امام باقر علیّه السلام در ذیل آیه ﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ روایت می کند که فرمود: یعنی هدایت را نمی بینند، چون خدا گوش و چشم و دل و اعمالشان را از اینکه هدایت شوند گرفته است.

این آیه درباره ابوجهل بن هشام و چند تن از خاندان وی نازل شده، و جریان چنین بوده که رسول خدا ﷺ برخاست نماز بخواند، ابوجهل (لعنة الله علیه) هم سوگند خورده بود هر وقت او را دید نماز می خواند فرقهش را بشکافد، پس ابوجهل آمد در حالی که سنگی هم به دست داشت، رسول خدا ﷺ را دید که مشغول نماز است، هر چه دست بلند کرد تا سنگ را به طرف آن جناب پرتاب کند، خدا دستش را در گردنش خشکانید و نتوانست پایین بیاورد، و سنگ هم در دستش نمی چرخید، ناگزیر به طرف اصحاب خود برگشت، آن وقت سنگ از دستش افتاد. بعد از او مردی دیگر برخاست که او نیز از فامیل های ابوجهل بود، گفت من او را می کشم، همین که نزدیکش شد، گوش به قرائت او داد و دلش پر از ترس و وحشت شده و برگشت و به یاران خود گفت: بین من و او چیزی به شکل «شتر نر» فاصله شد، و با دم خود به من اعلام خطر کرد، و من ترسیدم نزدیکش شوم.^۱

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ

کَرِيم (۱۱)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي

إِمَامٍ مُبِينٍ (۱۲)

۱۰- و برای آنها مساوی است که آنها را انذار کنی یا انذار نکنی، ایمان نمی آورند.

۱۱- همانا تو کسی را انذار کن که از ذکر (یاد الهی) پیروی کند و در نهان از

خداوند مهربان بترسد، پس همچون کسی را به مغفرت و پاداشی پر ارزش بشارت بده.

۱۲- همانا ما مُردگان را زنده می کنیم و آنچه را که از پیش فرستاده اند و آثار

آنها را می نویسیم، و هر چیزی را در کتاب مبین به شماره آورده ایم.

﴿وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ هم چنان که تاریخ ثابت

کرده که بنی مخزوم یعنی از فرزندان مغیره احدی ایمان نیاوردند.

﴿وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ - تا - وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ

فِي إِمَامٍ مُبِينٍ یعنی در کتاب مبین. و آن محکم است یعنی تاویل نمی خواهد.

ابن عباس از امیرالمومنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: به خدا سوگند منم

امام مبین، که ما بین حق و باطل جدایی می اندازم، و این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله

ارث برده ام.^۱

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (۱۴)

۱۳- و برای آنها اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن که رسولان به سراغ آنها

آمدند.

۱۴ - زمانی که دو نفر را به سوی آنها فرستادیم که آن دو را تکذیب کردند، پس نفر سوم را فرستادیم و همه گفتند: ما به سوی شما فرستاده شدیم.

مبلغان در انطاکیه

﴿وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۱۰﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿۱۱﴾﴾

ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام روایت می کند که از آن حضرت در تفسیر این آیه سؤال کردم، فرمود: خداوند دو نفر را به سوی اهل شهر انطاکیه فرستاد تا مردم آنجا را به دین حق دعوت کنند، پس آن دو نفر طوری وارد شهر شدند که کسی ایشان را نشناخت و به دعوت مردم پرداختند. اما مردم بر آنها خشم کرده و آن دو را گرفته در بتکده شهر زندانی نمودند؛ خداوند نفر سوم را فرستاد چون داخل شهر شد قصر پادشاه را جویا شده و گفت مرا به حضور پادشاه ببرید. چون او را نزد شاه بردند گفت: مردی هستم که در بیابانها مشغول عبادت می باشم اکنون مایلیم که معبود پادشاه را پرستش کنم.

پادشاه دستور داد او را داخل بتکده نمایند تا به عبادت اصنام و بت ها مشغول شود. مدت یکسال در بتخانه ماند و با آن دو نفر مرد موحد که زندانی بودند مؤانست و مجالست داشت و با ایشان قرار گذاشت که او را نمی شناسند و در حضور پادشاه از خدانشناسی و یکتا پرستی او سخن نگویند آن گاه تقاضای ملاقات شاه را نمود چون شاه او را احضار نمود گفت به من اطلاع دادند که تو این مدت در بتخانه به پرستش خدایان ما مشغول

بوده‌ای اینک ما خشنودی خودمان را به تو ابراز نموده و اجازه می‌دهیم هر حاجتی که داری بخواهی تا مورد اجابت قرار دهم.

آن مرد پاسخ داد: من حاجتی ندارم ولی دو نفر را در بتکده زندانی دیدم آنها را برای چه زندانی کرده‌اید؟

پادشاه گفت: این دو نفر دین ما را باطل دانسته و ما را به سوی خداوند آسمانی فرا می‌خواندند.

گفت: ای پادشاه بسیار شایسته و بجاست که امر فرمائید آن دو را به حضور آورده و مجلس مناظره‌ای تشکیل دهیم که اگر حق با آن دو بود از آنها پیروی می‌کنیم و اگر حق با ما بود آن دو در دین ما وارد می‌شوند.

پادشاه آن دو زندانی را احضار نمود و چون حاضر شدند آن مرد گفت: ادعای شما چیست و هدف شما از آمدن به این شهر چیست؟

گفتند: ما برای این به اینجا آمده‌ایم که مردم را به عبادت خداوند یگانه و یکتا دعوت کنیم که آسمان‌ها و زمین را آفریده، و در ارحام آنچه را که اراده نموده خلق کرده و آن طور که خواسته به آن صورت داده و درختان و گیاهان را رویانده و از آسمان باران فرستاده است.

آن مرد گفت: آیا آن خدای یکتایی که معبود شما است قادر است کوری را بینا و بیماری را شفا و مرده‌ای را زنده کند؟

گفتند: اگر از خدا بخواهیم و مشیت ذات مقدسش اقتضا کند البته اجابت خواهد شد.

آن شخص به پادشاه گفت: امر فرمائید تا یک نفر کور مادرزاد را که اصلاً قدرت بینائی ندارد را حاضر کنند. چون آوردند به آن دو نفر گفت: از خدای خود بخواهید تا این شخص را بینا کند.

آن دو به نماز برخاسته و دعا نمودند ناگاه به قدرت پروردگار چشمهای کور روشن و بینا گردید و به سوی آسمان نگاه می کرد.
مرد گفت: کور دیگری بیاورند.

چون آوردند گفت: ای پادشاه دستور بده که برای بینایی این کور هم دعا کنند هر دو به سجده افتاده مشغول دعا شدند که ناگاه او نیز بینا گردید. آن مرد گفت: ای پادشاه امر کنید شخص زمین گیر و افلیجی را بیاورند. چون حاضر کردند به آن دو نفر گفت: دستور پادشاه این است که از خدای خود بخواهید سلامتی این شخص را به او برگردانید. آن دو نفر نماز خوانده و دست به دعا برداشتند که ناگاه شخص فلج برخاسته و به راه رفتن پرداخت. باز گفت: ای پادشاه امر کنید زمین گیر دیگری را بیاورند وقتی که آوردند و آن دو دعا کردند مانند زمین گیر اولی بهبودی و شفا یافته و با قدم های استوار شروع به راه رفتن نمود.

آن مرد به پادشاه گفت: این دو نفر از عهده دو آزمایش مهم بر آمده و حجت قاطعی برای ما آوردند اکنون یک آزمایش دیگر باقی است که اگر آن را نیز انجام دهند من پیرو عقاید این دو نفر شده و دین آنها را می پذیرم، سپس گفت: ای پادشاه آن طور که شنیده ام شما پسری داشته اید که در عنفوان جوانی وفات کرده، من از این دو نفر می خواهم که دعا نمایند و او را زنده کنند و اگر پسر شما را زنده نمایند من داخل دین آنها خواهم شد.

پادشاه گفت: من نیز در صورت وقوع چنین امری خدای این دو نفر را پرستش کرده و یکتا پرستی را قبول می نمایم.

آن مرد گفت: اینک یک امر دیگر باقی مانده است، پسر پادشاه مرده است خدایتان را بخوانید تا او را زنده کند.

آن دو سر به سجده نهاده و به مدت طولانی در حال سجده باقی ماندند سپس سر از سجده برداشته و به پادشاه گفتند: ای پادشاه کسانی را بفرستید تا فرزندان را از گورستان بیاورند که از قبر بیرون آمده است.

جمعیت زیادی به سوی قبرستان رفته و با کمال تعجب دیدند که پسر پادشاه از قبر بیرون آمده و مشغول پاک کردن خاکهای سر و صورت خود می باشد. او را خدمت پادشاه آوردند که پادشاه با دیدنش او را شناخت گفت: ای فرزندم حالت چگونه است؟

گفت: ای پدر مرده بودم که دو نفر را دیدم که در مقابل پروردگارم به سجده افتاده و از او زنده شدن مرا درخواست می نمایند.

پادشاه گفت: اگر آن دو نفر را ببینی می شناسی؟

پسر گفت: بله!

پادشاه دستور داد که مردم در شهر جمع شوند و از برابر او عبور کنند پس از آنکه جمعیت زیادی عبور کردند و کسی را نشناخت یکی از آن دو نفر را عبور دادند فوراً شاهزاده او را نشان داده و گفت: این شخص یکی از آن دو می باشد؛ باز مردم زیادی را از مقابل عبور دادند که کسی را نشناخت و در آخر از همه نفر دوم را عبور دادند که او را شناخته و گفت این هم نفر دوم است.

آن مرد فوراً به دو نفر نزدیک شده و گفت: اما من به خدای شما ایمان آورده و تصدیق می کنم که خدای شما بر حق است و آنچه شما آورده اید از طرف حق می باشد.

پادشاه نیز گفت: من هم به خدای آن دو ایمان می آورم. و به پیروی از

پادشاه تمام مردم نیز ایمان آوردند.^۱

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَا عَذَابٌ
أَلِيمٌ (۱۸)

۱۸ - گفتند: همانا ما شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از ادعای خود) دست
برندارید سنگسارتان می‌کنیم و از ما به شما عذاب دردناکی می‌رسد.

﴿إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ﴾ یعنی اسماء شما را به فال بد گرفته‌ایم.

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰)
اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ (۲۱)
وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲)
أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً
وَلَا يُنْقِذُونِ (۲۳)

إِنِّي إِذَا لَقِيتُ ضَالًّا مُّبِينٍ (۲۴)
إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (۲۵)
قَبْلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶)
بِمَا غَفَر لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (۲۷)

۲۰ - و مردی شتابان از دورترین نقطه شهر از راه رسید و گفت: ای قوم من،
از فرستادگان (الهی) پیروی کنید.

۲۱ - از کسانی پیروی کنید که هیچ اجر و پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود
از هدایت یافتگان هستند.

۲۲- و چرا نباید کسی را عبادت کنم که مرا آفریده و همه ما به سوی او برمی گردیم.

۲۳- آیا معبودی به غیر از او را بگیرم که اگر خداوند رحمان بخواهد به من ضرری برساند شفاعت آنها کمترین اثری به حال من ندارد و نمی توانند مرا نجات بدهند.

۲۴- در این هنگام من در گمراهی آشکاری خواهم بود.

۲۵- همانا من به پروردگار شما ایمان آوردم پس به سخنانم گوش فرا دهید.

۲۶- گفته شد: وارد بهشت شوید، گفت: ای کاش قوم من می دانستند (که خداوند چه پاداشی به من داده است).

۲۷- که پروردگار مرا آفرید و مرا از گرامی شدگان قرار داد.

﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ - تَا - وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ این آیات درباره حبیب نجار نازل شده است.

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (۲۹)

۲۹- (عذابشان) فقط یک صیحه آسمانی بود که ناگاه همه هلاک شدند.

﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ﴾ که «خامدون» به معنای «میتون» یعنی همه مُردند، است.

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (۳۷)

۳۶- پاک و منزّه است خدایی که همه را جفت آفرید، چه چیزهایی که

می‌رویند و چه از خودشان (انسان‌ها را که زوج آفرید)، و از آنچه که نمی‌دانند.

۳۷- و شب برای آنها نشانه‌ای است، که ما روز را از آن بر می‌گیریم که آنها ناگهان در تاریکی فرو می‌روند.

﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾

حلبی گوید امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا نطفه از آسمان به سوی زمین بر روی نبات و خرما و درخت واقع می‌شود و در آنها جاری می‌شود و مردم و چهارپایان از آن می‌خورند.

﴿وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ﴾ یعنی روز را از آن خارج می‌کنیم و شب پدیدار می‌گردد.

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ غَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹)

۳۸- و خورشید به سوی قرارگاه خودش در حال حرکت است، که این از تقدیر خداوند عزیز و داناست.

۳۹- و برای ماه منازلی مقدر کردیم تا مانند شاخه خرما و به رنگ زرد در می‌آید.

داستان ابوسعید با امام رضا علیه السلام

﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ - تا - كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾ مراد از «عرجون» بیرون آمدن درخت خرما است که از نخل پدید

می آید و در هنگام بیرون آمدنش به شکل هلال است.

داود بن محمد فهدی گوید: ابوسعید مکاری بر امام رضا علیه السلام وارد شد و گفت: تو مانند پدرت ادعا می کنی آنچه را که پدرت مدعی بود یعنی تو نیز می گویی من فرزندی پیغمبرم؟

حضرت فرمود: تو را چه شده که خداوند نورت را خاموش و فقر و مسکنت را به خانه ات داخل کند آیا نمی دانی که خداوند به عمران وحی فرستاد که به تو پسری عطا خواهم کرد اما مریم را به او داد و از مریم عیسی به وجود آمد پس عیسی از مریم و مریم هم از عیسی است و هر دو در حکم واحد می باشند، من از پدرم و پدرم از من است و ما نور واحدیم.

آن گاه ابو سعید گفت: سؤالی دارم.

امام علیه السلام فرمود: بپرس گرچه اطمینان دارم هرگز تو کسی نیستی که به امامت و ولایت من معتقد شوی.

گفت: چه می فرمائید درباره کسی که موقع مرگ وصیت می نماید پس از فوت من آنچه بنده قدیمی دارم در راه خدا آزاد کنید بنده های قدیمی این شخص شامل کدام یک از غلامان و بنده هایش می شود؟

فرمود: هر بنده ای که از شش ماه قبل مالک بوده باید آزاد شود زیرا خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾ پس هر کدام که شش ماه باشند پس او قدیم بوده و آزاد است.

می فرماید: ابوسعید از نزد امام علیه السلام بیرون رفت، به فقر مبتلا گشت، بینایش را از دست داد و سپس مُرد که لعنت الهی بر او باد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۸۱ و ج ۵۵، ص ۱۶۶ و ج ۱۰۰، ص ۲۰۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۸؛ معانی الاخبار، ص ۲۱۸؛ کافی، ج ۶، ص ۱۹۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۸۶

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰)

۴۰- نه برای خورشید سزاوار است که ماه را درک کند، و نه برای شب که بر

روز سبقت بگیرد، و هر کدام آنها در مسیر خود در حرکت هستند.

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ فرمودند: خورشید سلطان روز و ماه سلطان شب است، که برای خورشید سزاوار نیست که بر نور ماه بتابد و شب نیز بر روز پیشی نمی‌گیرد. شب از بین نمی‌رود تا اینکه روز را درک کند.

﴿وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ می‌فرماید: و همه در مدار فلک می‌چرخند.

وَأَيُّ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۴۱)

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲)

۴۱- و نشانه‌ای (دیگر) برای آنها این است که ما فرزندان آنها را در

کشتی‌هایی پر بار حمل کردیم.

۴۲- و برای آنها مرکب‌هایی (مانند کشتی) آفریدیم.

﴿وَأَيُّ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ برای آنان نشانه‌ای دیگر

از قدرت و رحمت ما این است که فرزندانشان را در کشتی‌هایی پر از اجناس و وسایل و کالا حمل کردیم.

﴿وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾ یعنی چهارپایان و حیوانات را برای

سوار شدن آنها آفریدیم.^۱

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۵۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (۵۱)

۴۸- و می‌گویند: این وعده (قیامت) چه وقت می‌آید اگر راست می‌گویند؟

۴۹- (اینها) جز این انتظار نمی‌کشند که یک صیحه (آسمانی) فرود آید و آنها

را فرا گیرد، در حالی که (در کارهای دنیوی) به بحث و جدل مشغول

هستند.

۵۰- پس (در این هنگام) قادر نیستند که وصیتی بکنند و نیز نمی‌توانند به

سوی خانواده‌هایشان برگردند.

۵۱- و چون (برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود به ناگاه همه از قبرها

شتابان به سوی پروردگارشان می‌روند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ * مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ﴾ این صیحه در آخر الزمان خواهد بود، مردم در آن

روزگار گرفتار یک صیحه می‌شوند، در حالی که مردم در بازارها مشغول

مخاصمه هستند، ناگهان گرفتار این صیحه گشته و همه به یکباره می‌میرند.

و احدی نیست که به خانه خود برگردد، و یا وصیتی به کسی بکند، و همین

است معنای آیه ﴿فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ﴾ پس در این

هنگام عذاب قادر نیستند که وصیتی بکنند و نیز نمی‌توانند به سوی

خانواده‌هایشان برگردند.^۱

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ از قبرها بیرون

آمده و به سوی پروردگارشان به سرعت حرکت می کنند.^۱

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ
الْمُرْسَلُونَ (۵۲)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۵۳)

۵۲- گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این

همان وعده خداوند مهربان است و فرستادگان او همگی راست گفتند.

۵۳- و آن یک صیحه‌ای بیش نیست، که همه آنها به ناگاه در پیشگاه ما

حاضر می شوند.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا
مِنْ مَرْقَدِنَا﴾ فرمودند: مردم در قبرها هنگامی که از آن برخواستند گمان
می کنند که در خواب بوده اند و می گویند: ای وای بر ما چه کسی ما را از
جایگاهمان بیرون آورده است؟

ملائکه در پاسخشان می گویند: این همان وعده‌ای است که خدای رحمان
می داد، و فرستادگان خدا راست می گفتند.^۲

سپس نفخه دوم را ذکر کرده و می فرماید: ﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا
هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ و آن یک صیحه‌ای بیش نیست، که همه آنها به ناگاه
در پیشگاه ما حاضر می شوند.

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ (۵۵)

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۹۸

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۹۸

۵۵- همانا اهل بهشت امروز در نعمت‌های الهی مشغول هستند.

﴿إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهُونٌ﴾ یعنی اهل بهشت با زنان و حوریان ملاعبه و بازی می‌کنند.^۱

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونَ (۵۶)

۵۶- آنها و همسرانشان در سایه درختان بر تختهای (بهشتی) تکیه کرده‌اند.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونَ﴾ فرمودند: کلمه ﴿ارائک﴾ تختهایی است که روی آن حجله‌ها می‌باشد.^۲



سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (۵۸)
وَأَمَّا زُورُ الْيَوْمِ أَتَيْهَا الْمُجْرِمُونَ (۵۹)

۵۸- بر آنها سلام (الهی) باد، که این گفتاری از جانب پروردگار مهربان است.

۵۹- و (به گنهکاران گفته شود): ای مجرمان امروز شما جدا شوید.

﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾ سلام از ناحیه خدا همان امن و امان است. ﴿وَأَمَّا زُورُ الْيَوْمِ أَتَيْهَا الْمُجْرِمُونَ﴾ چون خدا خلق را در روز قیامت جمع کند، همه برپا خواهند ماند به حدی که عرق ایشان را فرا می‌گیرد، پس ندا می‌کنند: پروردگارا به حساب ما رسیدگی کن هر چند که جهنمی باشیم. آن گاه فرمود: خدای تعالی بادهایی می‌فرستد تا در بین آنان بوزد، و منادی ندا می‌کند: ای

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۹۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۶۰

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۶۱

مجرمین امروز از بهشتیان جدا شوید. پس از یکدیگر جدا می شوند، مجرمین در آتش می افتند، و کسی که در قلبش ایمان باشد به سوی بهشت می رود.^۱

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (۶۲)

۶۲- و به تحقیق گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا وقت آن نرسیده که

اندیشه کنید؟

﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا﴾ یعنی خلق زیادی که هلاک شدند.

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۶۵)

۶۵- امروز بر دهان آنها مهر می زنیم (که نمی توانند سخن بگویند)، و

دستهایشان با ما سخن می گوید، و پاهایشان به آنچه که انجام می دادند

شهادت می دهند.

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ - تا - بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ هنگامی که خداوند در

روز قیامت همه را در یک جا جمع کرد نامه هر کسی را به او می دهد پس آنها

بر آن نامه نگریسته و اعمالی را که در آن نوشته شده را منکر می شوند، پس

ملائکه شهادت داده و می گویند: پروردگارا ملائکه تو برایت شهادت می دهند،

سپس آنها سوگند می خورند که ما این اعمال را انجام نداده ایم و آن قول الهی

است که می فرماید: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ﴾^۲ پس

زمانی که چنین کنند خداوند بر زبان های آنها مهر می زند و اعضای بدنشان

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۰۳

۲. مجادله، آیه ۱۸؛ (بیاد بیاور) روزی که خداوند همه آنها را بر می انگیزد، آنها برای خداوند سوگند (دروغ) می خورند همچنانکه برای شما می خوردند.

سخن می‌گویند ﴿يَمَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ به آنچه که انجام می‌دادند.

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ (۶۶)

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (۶۷)

۶۶- و اگر بخواهیم چشم‌هایشان را محو می‌کنیم، پس چون برای عبور از

راه سبقت می‌گیرند اما چگونه می‌بینند؟

۶۷- و اگر بخواهیم آنها را در جای خودشان مسخ می‌کنیم، پس در این

صورت نمی‌توانند به راه خود ادامه دهند و یا برگردند.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ﴾ یعنی

چگونه می‌بینند.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ﴾ یعنی در دنیا.

﴿فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ﴾ پس در این صورت نمی‌توانند به راه

خود ادامه دهند و یا برگردند.

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (۶۸)

۶۸- و به هر کس عمر طولانی دهیم در آفرینش او دگرگونش می‌کنیم، پس

چرا اندیشه نمی‌کنند.

﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾

این آیه رد زنادقه است که توحید را باطل دانسته و می‌گویند: هنگامی که

مردی با زنی در آمیخت و نطفهٔ مرد در رحم زن قرار گرفت و بر اثر استعداد

آن نطفه و خوردن غذاها و چرخش فلک و گذشت شب و روز انسانی به دنیا

می‌آید؛ و خداوند سخنان آنها را با یک جمله باطل نموده و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ

نُعْمَرُهُ نُنْكِسُهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ به هر کسی که ما عمر بیشتری دهیم از خلقت و قدرت جسمانی او می‌کاهیم آیا اندیشه نمی‌کنید؟

اگر اینطور بود که می‌گویند مادامی که شب و روز برپاست و فلک می‌چرخد سزاوار است که انسان از زمان تولد رو به زیادی کند، پس چگونه رو به کاستی می‌کند، وقتی که از دوران طفولیت رو به بزرگی می‌کند قدرت شنوایی و بینائی، نیروی جسمانی، علم و سخن گفتن رو به ضعف می‌رود، لکن همه آنها از جانب خداوند عزیز و علیم بوده و در تقدیر اوست.^۱

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (۶۹)

۶۹- و ما به او (پیامبر) شعر نیاموخته‌ایم و (شاعری هم) برای او سزاوار

نیست، بلکه این (کتاب آسمانی) ذکر (الهی) و قرآن مبین است.

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ﴾

قریش می‌گفتند: آنچه محمد می‌گوید شعر است، خدای سبحان در همین آیه سخن ایشان را رد نموده و فرمود: ﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ﴾ ما به او شعر نیاموخته‌ایم، و او سزاوار شعرگویی نیست، و آنچه آورده به جز ذکر و قرآن مبین نمی‌باشد.

و بدون شک رسول خدا ﷺ در تمامی طول عمر شریفش حتی یک بار هم

شعر نگفت.

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰)

۷۰- تا افرادی را که زنده هستند انذار کند، و برای کافران (به عنوان اتمام

حجت) دستور عذاب حتمی شود.

﴿لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا﴾ یعنی مؤمن را که قلبش زنده است انذار کند.
 ﴿وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ یعنی عذاب برای کافران مسلم گردد.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (۷۱)
 وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۷۲)

۷۱- آیا ندیدند که برای آنها به دست قدرت خود چهارپایانی آفریدیم تا مالک آنها شوند؟

۷۲- و آنها را برایشان رام کردیم که هم بر آنها سوار می‌شوند و هم از گوشت آنها می‌خورند.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا﴾ یعنی آن چهارپایان را به قدرت خود آفریدیم.

﴿وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ﴾ یعنی شتر با آن همه قدرت و بزرگی، طفلی آن را می‌راند و به هر کجا که خواست می‌برد.

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

۷۳- و برای آنها در آن (چهارپایان) منافع و آشامیدنی‌هایی هست، آیا شکرگزاری نمی‌کنند؟

﴿وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ یعنی آنچه که به وسیله آن چهارپایان کسب می‌کنند و آنچه که بر آنها سوار می‌شوند.
 ﴿وَمَشَارِبُ﴾ یعنی از شیر آنها استفاده می‌کنند.^۱

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ (۷۴)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحَضَّرُونَ (۷۵)

فَلَا يَخْزُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (۷۶)

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (۷۷)

۷۴- وبه جای خداوند یگانه معبودانی را برگزیدند شاید که یاری شوند.

۷۵- آنها هرگز توانایی یاری آنها را ندارند، و اینها لشگری برای آنهاست که

همگی در آتش جهنم حاضر می‌شوند.

۷۶- پس سخنان آنها تو را محزون نکند، همانا ما آنچه را که پنهان می‌کنند و

آشکار می‌نمایند را می‌دانیم.

۷۷- آیا انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه آفریدیم؟ آنگاه او دشمن آشکار

ما شد.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در آیه ﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ﴾ * لا یستطیعون نصرهم و هم لهم جند محضرون * فرمودند: خدایان مشرکین توانایی یاری مشرکین را ندارند، و مشرکین قشونی هستند برای خدایانی که روزی احضار می‌شوند.^۱

سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿فَلَا يَخْزُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ﴾ پس سخنان آنها تو را محزون نکند، همانا ما آنچه را که پنهان می‌کنند و آشکار می‌نمایند را می‌دانیم.

﴿فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ﴾ یعنی زبان گویا دارد و عالم و سخنور است.

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۷۹)

۷۸- و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، گفت: چه کسی این

استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده‌اند؟

۷۹- بگو: آن کسی او را زنده می‌کند که اول بار او را ایجاد کرد، و او به هر

آفریده‌ای داناست.

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ و برای ما

مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، گفت: چه کسی این استخوانها را

زنده می‌کند در حالی که پوسیده‌اند؟

خداوند متعال می‌فرماید: ای محمد بگو: ﴿يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ

بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾ آن کسی او را زنده می‌کند که اول بار آنها را ایجاد کرد، و او

به هر آفریده‌ای داناست.

اگر انسان بر آفرینش خویش تفکری می‌کرد همان او را به سوی

پروردگارش راهنمایی می‌نمود، زیرا هر انسانی می‌داند که قدیم نیست چون

خود و دیگر مخلوقات را می‌بیند که حادث هستند و نیز می‌داند که خود

خودش را هم خلق نکرده است، زیرا هر خالقی قبل از مخلوقش هست و اگر

خودش را خلق کرده بود پس باید آفات و دردها و مرض‌ها و مرگ را باید از

خود دور می‌کرد پس در این هنگام ثابت می‌شود که خالقی مدبر دارد که همان

خداوند یکتا و قهار است.^۱

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ (۸۰)

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ
الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۱)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۸۲)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۳)

۸۰- همانا خدایی که از درخت سبز برای شما آتشی قرار داد که شما به
وسیله آن آتش می‌افروزید.

۸۱- آیا آن کسی که آسمانها و زمین را آفریده قادر نیست که همانند آن را
بیافریند؟ بلی (می‌تواند) که او آفریننده و داناست.

۸۲- همانا امر او چنین است که هر وقت اراده چیزی را کرد می‌گوید:
«موجود باش» آن چیز هم فوراً موجود می‌شود.

۸۳- پس پاک و منزّه است خدایی که ملکوت هر چیزی به دست اوست و
بازگشت شما همه به سوی او می‌باشد.

«الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ» که مراد از
درخت، درخت مزخ و عفار است که در سرزمین غرب می‌باشد پس هنگامی
که می‌خواهند آتشی روشن کنند از چوب آن دو درخت بر می‌دارند و به هم
می‌مالند و آتش از آن دو بوجود می‌آید سپس خداوند عز و جل می‌فرماید:
«أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ - تا - كُنْ فَيَكُونُ» خزائن الهی
در کاف و نون (که همان کُن است) می‌باشد «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ
شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» پس پاک و منزّه است خدایی که ملکوت هر چیزی به
دست اوست و بازگشت شما همه به سوی او می‌باشد.^۱



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورۃ صافات



۳۷ - سورۃ صافات در مکه

نازل شده و دارای ۱۸۲ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّافَاتِ صَفًّا (۱)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (۲)

۱- سوگند به (فرشته‌های) صف زده.

۲- (و سوگند) به نهی کنندگان.

﴿وَالصَّافَاتِ صَفًّا﴾ مراد ملائکه و انبیاء هستند که برای عبادت خدا صف

کشیده‌اند.

﴿فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا﴾ آنهایی که مردم را از گناه باز می‌دارند.

فَاللَّيَالِ ذِكْرًا (۳)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۴)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (۵)

إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶)

۳- سوگند به تلاوت کنندگان ذکر (آیات الهی).

۴- همانا که خداوند شما یگانه است.

۵- پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه که در میان آن دو است، و پروردگار

مشرق‌ها.

۶- همانا ما آسمان دنیا را با ستارگان آراستیم.

﴿فَالْتَالِيَاتِ ذِكْرًا﴾ آنهایی که قرآن را قرائت می‌کنند؛ این قسم است و جوابش ﴿إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ می‌باشد.^۱

امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت علی علیه السلام فرمودند: این ستارگان که در آسمان است، شهرهایی است مانند شهرهایی که در زمین می‌باشد که هر کدام به وسیله عمودی از نور به همدیگر مربوط است که طول آن عمود در آسمان دویست و پنجاه سال است.^۲



وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (۷)
لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَدَّرُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (۸)
دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹)
إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

۷- تا آن (آسمان) را از شرّ هر شیطان خبیثی محفوظ نمایم.

۸- که نتوانند از سخنان فرشتگان عالم بالا چیزی بشنوند، و از هر جانبی رانده می‌شوند.

۹- آنها به قهر رانده می‌شوند، و برای آنها عذابی دائمی است.

۱۰- مگر آنهایی که برای مدتی کوتاه برای شنیدن اخبار آسمانی نزدیک می‌شوند که شهاب ثاقب (فروزان) آنها را تعقیب می‌کند.

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۰۹؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۰۰

۲. بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۹۱

﴿وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ﴾ مراد یعنی خبیث.
 ﴿لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ﴾ دُحُوراً یعنی
 ستارگانی که به سوی شیاطین پرتاب می شوند.
 ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ﴾ که واصب به معنای واجب است.
 ﴿إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ﴾ یعنی کلمه را می شنوند و آن را حفظ می کنند.
 ﴿فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ شهاب هائی که پرتاب شده و شیاطین را
 می سوزانند.^۱

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿عَذَابٌ وَاصِبٌ﴾
 فرمود: یعنی عذاب دائم و دردناک که بر قلوب آنها می رسد.
 ﴿شِهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ یعنی ستارگان نورانی که هر گاه به آنها اصابت می کند
 دورشان می گرداند.^۲

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ (۱۱)
 بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (۱۲)
 وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (۱۳)
 وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (۱۴)

- ۱۱- پس از آنها پرس، آیا آفرینش آنها سخت تر است یا آفرینش موجوداتی
 که آفریده ایم؟ ما اینها را از گل چسبنده آفریدیم.
 ۱۲- بلکه تو (از انکار آنها) تعجب می کنی و آنها نیز تمسخر می کنند.
 ۱۳- و هنگامی که به آنها تذکر داده شود هرگز متذکر نمی شوند.

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۰۹

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۰۹

۱۴- و هنگامی که نشانه‌ای را ببینند، (دیگران را نیز) به تمسخر و

می‌دارند.

﴿فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ﴾ یعنی گلی

که به دست می‌چسبید.^۱

﴿بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ﴾ و إِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿ و إِذَا رَأَوْا آيَةً

يَسْتَسْخَرُونَ ﴾ یعنی قریش هنگامی که نشانه‌ای را ببینند.

إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۱۶)

أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۱۷)

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ ذَاخِرُونَ (۱۸)

۱۶- آیا هنگامی که مُردیم و به خاک و استخوان پوسیده مبدل شدیم باز

دوباره زنده شده و برانگیخته می‌شویم؟

۱۷- یا پدران گذشته ما (زنده می‌شوند)؟

۱۸- بگو: آری، همه شما (و پدرانتان) زنده می‌شوید، در حالی که خوار و

ذلیل هستید.

خداوند قول دهریون از قریش را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا

تُرَابًا وَعِظَامًا - تا - ذَاخِرُونَ﴾ یعنی در آتش جهنم انداخته می‌شوند.^۲

احْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (۲۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (۲۳)

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۱۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۷۷

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۱۰

وَقَفَّوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (۲۴)

۲۲- (و به فرشتگان خطاب شود): ستمکاران را با همسرانشان

(همکارانشان) و آنچه را که می پرستیدند را حاضر کنید،

۲۳- که به غیر از خدا را می پرستیدند، آنها را به راه دوزخ هدایتشان نماید.

۲۴- و آنها را نگه دارید که مورد سؤال واقع شوند.

﴿أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ﴾ محشور کنید آنهایی که در حق آل

محمد ﷺ ظلم و ستم کردند.

﴿وَأَزْوَاجَهُمْ﴾ یعنی کسانی که در ظلم و ستم شبیه به آنها بودند.^۱

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیّه السلام در ذیل آیه ﴿فَأَهْدُوهُمْ إِلَىٰ

صِرَاطِ الْجَحِيمِ﴾ فرمودند: آنها را به سوی مسیر دوزخ می خوانند.^۲

﴿وَقَفَّوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ یعنی از ولایت علی علیّه السلام بازخواست می شوند.

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (۲۶)

وَأَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۷)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (۲۸)

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲۹)

۲۶- بلکه آنها امروز تسلیم (قدرت خداوند) هستند.

۲۷- و در آن هنگام از یکدیگر سؤال می کنند،

۲۸- گروهی گویند: شما بودید که از سمت راست ما می آمدید.

۲۹- (آنها در جواب) گویند: بلکه شما خودتان ایمان نیاوردید.

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۰۱

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۰۱

﴿بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ﴾ یعنی برای عذاب همگی تسلیم می‌شوند.
 سپس خداوند قول آنها را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿یعنی فلانی و فلانی (اولی و
 دومی).﴾

﴿قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ آنها در جواب می‌گویند: بلکه شما خودتان
 ایمان نیاوردید.

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَانِقُونَ (۳۱)

فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (۳۲)

۳۱- پس امروز فرمان پروردگارمان بر ما حتمی است، همانا ما عذاب او را

خواهیم چشید.

۳۲- ما شما را گمراه کردیم که خودمان در گمراهی بودیم.

﴿فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَانِقُونَ﴾ یعنی وعده پروردگار به ما محقق گشته

و حال باید عذاب الهی را بچشیم.

﴿فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ﴾ ما شما را گمراه کردیم که خودمان در گمراهی

بودیم.

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۳)

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۳۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵)

۳۳- پس همانا آنها در آن روز در عذاب الهی مشترک هستند.

۳۴- که با مجرمین اینچنین برخورد می‌کنیم.

۳۵- همانا آنها بودند هنگامی که گفته می شد هیچ معبودی جز خدای

یگانه نیست، سرکشی می کردند.

﴿فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ - تَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ این آیات از محکمت

است.

و يَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (۳۷)

۳۶- و می گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه ای خدایان خود را ترک کنیم؟

۳۷- (چنین نیست که آنها پنداشتند) بلکه (پیامبر) با حق آمد و پیامبران

پیشین را نیز تصدیق می کند.

﴿وَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ.

پس خداوند آنها را رد کرده و می فرماید ﴿بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ

الْمُرْسَلِينَ﴾ بلکه پیامبر ﷺ به حق آمده همچنانکه قبل از او پیامبرانی به حق آمده بودند.

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (۴۱)

۴۱- برای آنها روزی معینی است.

خداوند آنچه را که برای مومنین آماده کرده را بیان می کند: ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ

رِزْقٌ مَّعْلُومٌ﴾ یعنی در بهشت.^۱

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ (۴۷)

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (۴۸)

كَانَتْهُنَّ بَيَاضٌ مَكْنُونٌ (۴۹)

۴۷ - شرابی که نه مایه تباهی عقل می شود و نه به وسیله آن مست می گردند.

۴۸ - و در نزد آنها حوریان زیبا چشمی است که فقط به شوهران خود عشق می ورزند.

۴۹ - که گویی (آن حوریان در سفیدی و لطافت) همانند تخم مرغ هایی هستند (که زیر پر و بال مرغ) پنهان مانده اند (تا گرد و غباری بر روی آنها ننشیند).

﴿لَا فِيهَا غَوْلٌ﴾ یعنی در بهشت هیچ فسادی نیست.

﴿وَلَا هُمْ عَنْهَا يُزْفُونَ﴾ یعنی در آن مست و لایعقل نمی شوند.

﴿وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ﴾ یعنی حور العین که نگاه کردن به آنها

آدمی را از مشغول شدن به دیگری باز می دارد.

﴿كَانَتْهُنَّ بَيَاضٌ مَكْنُونٌ﴾ که مکنون به معنای مخزون و پنهان است.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۵۰)

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (۵۱)

يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ (۵۲)

أِذَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (۵۳)

قَالَ هَلْ أَنتُمْ مُطَّلِعُونَ (۵۴)

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءٍ الْجَحِيمِ (۵۵)

قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدْتَ لَتُرْدِينِ (۵۶)

وَلَوْ لَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ (۵۷)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَبْيِّنٍ (۵۸)

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَلِّمِينَ (۵۹)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۰)

۵۰- (در بهشت که غرق نعمت‌های الهی هستند) از همدیگر می‌پرسند،

۵۱- یکی از آنها می‌گوید: برای من (در دنیا) همنشینی بود.

۵۲- که به من می‌گفت: آیا تو این سخنان را باور می‌کنی (که بهشت و قیامت و جهنمی هست)؟

۵۳- آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم دوباره زنده شده، پاداش و کیفری می‌بینیم؟

۵۴- (و آن‌گاه) می‌گوید: آیا می‌توانید از حال او خبری بگیرید؟

۵۵- پس نگاهی می‌کند و او را در میان دوزخ می‌بیند.

۵۶- (مومن به آن کافر) می‌گوید: به خدا سوگند نزدیک بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی.

۵۷- و اگر نعمت پروردگارم نبود من نیز از حاضر شدگان (به دوزخ) بودم.

۵۸- (و سپس از خوشحالی می‌گوید:) آیا ما هرگز نمی‌میریم؟

۵۹- مگر همان مرگ اول (که در دنیا مُردیم) و ما دیگر هرگز عذاب نمی‌شویم.

۶۰- این همان رستگاری بزرگ است.

﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۖ * قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ * يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ﴾ یعنی آنچه را برای تو می‌گوید آن را تصدیق کن زیرا هنگامی که مُردی زنده می‌شوی پس به همنشینش می‌گوید: ﴿هَلْ أَنتُمْ

مُطَّلَعُونَ ﴿۱﴾ آیا می‌توانید از حال او خبری بگیرید؟

﴿فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ﴾ پس نگاهی می‌کند و او را در میان دوزخ

می‌بیند.

به همنشینش می‌گوید: ﴿تَاللَّهِ إِن كُذِّبَتْ لَتُرْدِينَ﴾ ﴿وَلَوْ لَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾ به خدا سوگند نزدیک بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی. و اگر نعمت پروردگارم نبود من نیز از حاضر شدگان (به دوزخ) بودم.^۱

ابی‌الجارود رایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ﴾ فرمودند: یعنی در وسط جهنم.

سپس در بهشت می‌گویند: ﴿أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّينَ﴾ ﴿إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ﴾ ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ و سپس از خوشحالی می‌گوید: آیا ما هرگز نمی‌میریم؟ مگر همان مرگ اول (که در دنیا مُردیم) و ما دیگر هرگز عذاب نمی‌شویم. این همان رستگاری بزرگ است.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: وقتی اهل بهشت داخل بهشت می‌شوند، و اهل جهنم به آتش در می‌آیند، مرگ را به صورت گوسفندی می‌آورند و بین بهشت و دوزخ سر می‌برند و می‌گویند دیگر برای احدی مرگ نیست و هر کس تا ابد در جای خود هست، در این هنگام اهل بهشت می‌گویند: آیا دیگر ما نمی‌میریم، مرگ ما همان مرگ اول بود؟ و آیا ما عذاب نمی‌شویم؟ راستی این چه رستگاری عظیمی است و برای چنین مقامی شایسته است که تلاشگران تلاش کنند.

أَذِلَّكَ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزُّقُومِ (۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ (۶۳)

۶۲- آیا این (نعمت‌های بهشتی) بهتر است یا درخت زقوم جهنم؟

۶۳- همانا ما آن را عذاب ستمکاران قرار دادیم.

﴿أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزْلاً أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿﴾ که مراد از

فتنه در اینجا عذاب است.

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْباً مِنْ حَمِيمٍ (۶۷)

۶۷- سپس برای آنها بعد از خوردن زقوم دوزخ، آب داغ متعفن هست (که

می‌نوشند).

﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْباً مِنْ حَمِيمٍ﴾ یعنی عذاب بر روی عذاب.

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿۷۰﴾

۷۰- پس اینها به دنبال آثار آنها (پدرانشان) کشانده می‌شوند.

﴿فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ﴾ یعنی آنها به دنبال آثار پدران خود می‌روند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ (۷۲)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ (۷۳)

۷۲- و به تحقیق ما در میان آنها انذار کنندگانی فرستادیم.

۷۳- پس بنگر که عاقبت انذار شوندگان (تکذیب کنندگان و کافران) چگونه

بود.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ﴾ یعنی انبیاء را فرستادیم.

﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ﴾ یعنی بر عاقبت امت‌های هلاک شده نگاه کن.

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۷۵)

۷۵ - و به تحقیق نوح ما را خواند، و ما چه نیکو اجابت کننده‌ای هستیم.
خداوند عز و جل نداء انبیاء (خواندن آنها خدا) را ذکر کرده و می‌فرماید:
﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ﴾ و به تحقیق نوح ما را خواند، و ما چه نیکو
اجابت کننده‌ای هستیم.

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (۷۷)

۷۷ - و ما فرزندان او را بازماندگان زمین قرار دادیم.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علی‌ه السلام در ذیل آیه ﴿وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ
الْبَاقِينَ﴾ فرمودند: به حق نبوت و کتاب و ایمان را در اعقاب فرزندان نوح قرار
داد و تمام فرزندان آدم در روی زمین از نسل نوح نمی‌باشند که خداوند در
قرآن می‌فرماید: ﴿أَحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ
الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾^۱ از هر جفتی از حیوانات یک زوج را در
آن کشتی حمل کن، همچنین خاندانت را بر آن سوار کن، مگر آنهایی که قبلاً
وعدۀ هلاک آنها داده شده است، و نیز مومنان را سوار کن، اما جز عدۀ کمی به
او ایمان نیاوردند.

و همچنین می‌فرماید: ﴿ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ﴾^۲ از فرزندانش کسانی که
با نوح حمل کردیم.^۳

وَإِنْ مِنْ شَيْعَةٍ لِإِبْرَاهِيمَ (۸۳)

۱. هود، آیه ۴۰

۲. اسراء، آیه ۳

۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۸۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۱۸

إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴)

۸۳- و همانا از پیروان او (نوح) ابراهیم بود.

۸۴- هنگامی که با قلب سلیم (پاک) به سوی پروردگارش آمد.

اسم شیعه در قرآن

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: بزودی اسم شما را مورد اهانت قرار می دهند.

عرض کردم: فدایت گردم آن کدام اسم است؟

فرمود: اسم شیعه، گفته شده همانا مردم ما را بر آن اسم عیب و ایراد می گیرند، آیا فرمایش الهی را نشنیده ای؟ ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ﴾ و همانا از پیروان او (نوح) ابراهیم بود.^۱

و اینکه می فرماید: ﴿فَاسْتَعَاثُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ﴾^۲ که اسم شما را مورد اهانت قرار می دهند.^۳

﴿إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ می فرماید: قلب سلیم به دور از شک است؛^۴ که خبرش را در سورة انبیاء نوشته ایم.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲)
فَلَمَّا أَسْلَمْنَا وَتَلَّ لِلْجَبِينِ (۱۰۳)

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۹

۲. قصص، آیه ۱۵؛ آن که از پیروانش بود در برابر دشمنش از او درخواست کمک کرد.

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۸۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۰۵

۴. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۳۹

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴)

قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۱۰۶)

۱۰۲ - پس هنگامی که با او به مقام سعی رسید، (ابراهیم) گفت: ای فرزندم، در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: ای پدر، بدانچه که مامور شده‌ای عمل کن، بزودی مرا به خواست خداوند از صبر کنندگان خواهی یافت.

۱۰۳ - پس هنگامی که هر دو تسلیم شدند، (ابراهیم) جبین او را بر روی خاک گذاشت،

۱۰۴ - و ما او را ندا دادیم که ای ابراهیم،

۱۰۵ - به تحقیق رؤیانت را انجام دادی؛ این چنین ما نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

۱۰۶ - همانا این امتحان روشنی بود.

بجا آوردن ابراهیم مناسک حج را

﴿يَا بَنِيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: هنگام زوال خورشید در روز ترویہ جبرئیل نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمد و گفت: ای ابراهیم به مقدار کافی از برای خود و خانواده‌ات آب بردار که ما بین مکه و عرفات آبی نیست.

به خاطر همین هشتم ذی‌الحجه را روز ترویہ می‌گویند، ابراهیم حرکت

کرد تا اینکه به منی رسید، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا و صبح را در آنجا خواند تا اینکه آفتاب زد، از منی به سوی عرفات حرکت نمود و در نمره که وسط عرفات است وارد شد، چون ظهر شد غسل کرده و نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه بجا آورد و در مسجدی که در عرفات است و با سنگهای سفید مرمت شده بود نماز خواند سپس به سوی موقف رفت، جبرئیل گفت: ای ابراهیم به گناهایت اعتراف کن و اعمال حج را بشناس، که برای همین عرفه نامیده شده است. ابراهیم در موقف ماند تا خورشید غروب کرد، جبرئیل گفت: ای ابراهیم به مشعر نزدیک شو که به آن مزدلفه می‌گویند و او را به مشعرالحرام آورد که با یک اذان و دو اقامه نماز مغرب و عشاء را خواند و سپس تا صبح در آنجا ماند و بعد از خواندن نماز صبح به منی رفت و جبرئیل او را به رمی جمره عقبه دستور داد که ابلیس ملعون در پشت آن جمره عقبه قرار داشت.

ذبح اسحاق

سپس ، داود به ابراهیم امر نمود که قربانی کند. ابراهیم هنگامی که خواست از عرفات برگردد در مشعرالحرام ماند در خواب دید که فرزندش اسحاق را قربانی می‌کند که او نیز با مادرش ساره حج را به جا می‌آورد، هنگامی که به منی برای رمی جمره رسید، زنش را به خانه فرستاد و فرزندش را در نزد خود نگه داشت، چون به جمره وسطی رسید با او مشورت کرد و گفت: ﴿يَا بَنِيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى﴾ ای فرزندم در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم نظرت چیست؟

او گفت: ﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ فَلَمَّا

اَسْلَمًا* ای پدر بدانچه امر شده ای آن را بجا بیاور که ان شاء الله بزودی مرا از صابرین خواهی یافت. و تسلیم امر الهی شد.

پیرمردی جلو آمد و گفت: ای ابراهیم از این بچه چه می خواهی؟
فرمود: می خواهم او را قربانی کنم.

گفت: سبحان الله آیا می خواهی بچه ای را قربانی کنی که یک لحظه هم خدا را معصیت نکرده است؟

ابراهیم علیه السلام فرمود: خداوند مرا بدان امر نموده است.

گفت: پروردگارت تو را از آن نهی می کند، همانا این شیطان است که تو را به آن امر کرده است.

ابراهیم به او فرمود: وای بر تو این خداوند است که مرا بدان امر کرده است و گفتار او در گوشم طنین انداز گردیده است.

گفت: بخدا سوگند این شیطان است که تو را بدان امر کرده است.

ابراهیم فرمود: بخدا سوگند دیگر با تو سخنی نمی گویم، سپس ابراهیم علیه السلام عزم بر ذبح نمود.

شیطان گفت: ای ابراهیم تو پیشوائی هستی که مردم به تو اقتداء می کنند و اگر تو فرزنت را ذبح کنی مردم نیز فرزندانشان را ذبح خواهند کرد.

ولی ابراهیم علیه السلام با او سخنی نگفت، رو به فرزندش کرد و درباره ذبح با او مشورت نمود، چون تسلیم امر الهی شدند، فرزند گفت: ای پدر صورتم را بپوشان و آن را محکم ببند.

ابراهیم فرمود: ای فرزندم دست و پایت را نمی بندم پس مفرشی را که در روی الاغ بود روی زمین پهن کرد و چاقو را بر حلقوم او گذاشت و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و چاقو را کشید که در آن هنگام جبرئیل چاقو را به

پشت برگرداند و گوسفندی از کوه ثبیر بیرون آمد که جبرئیل فرزند را از زیر دست ابراهیم بیرون آورده و آن گوسفند را در زیر دست او خواباند و از مسجد خیف ندا داد: ﴿أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ و ما او را ندا دادیم که ای ابراهیم، به تحقیق رویانت را انجام دادی؛ این چنین ما نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. همانا این امتحان روشنی بود.

ابلیس خودش را به مادر آن جوان رساند که در وسط بیابان به کعبه نگاه می‌کرد گفت: پیرمرد کیست؟
گفت: شوهرم است.

گفت: آن نوجوانی که با او است چه کسی است؟
گفت: فرزندم است.

ابلیس گفت: آن پیرمرد را دیدم که او را خوابانده و چاقو در دست می‌خواهد او را ذبحش بکند.

زن گفت: دروغ می‌گوئی، ابراهیم مهربان‌ترین مردم است چگونه فرزندش را ذبح می‌کند؟

ابلیس گفت: به خدای آسمان و زمین و این خانه سوگند او را دیدم که چاقو در دست می‌خواست فرزندش را سر ببرد.

زن گفت: برای چه؟

ابلیس گفت: گمان می‌کند که پروردگارش او را بدان امر کرده است.

گفت: پس حق با اوست که مطیع پروردگارش است، در نفسش خطور کرد که مبدا امری از جانب خداوند برای فرزندش نازل شده است، چون اعمال حج را به جا آورد در حالی که دستانش را بر روی سرش گذاشته بود خودش

را به بیابانی که به سوی منی می‌رفت رساند و می‌گفت: پروردگارا مرا به خاطر آن رفتاری که با مادر اسماعیل کرده‌ام مواخذه مکن.
 راوی گوید: عرض کردم: ابراهیم در کجا اراده نمود که فرزندش را ذبح کند؟

فرمود: در جمره وُسطی. گوسفند از کوهی که در سمت راست مسجد منی است از آسمان نازل شد که در تاریکی می‌چرید و در تاریکی راه می‌رفت.
 راوی گوید، عرض کردم: آن گوسفند به چه رنگی بود؟
 فرمود: ابلق خاکستری بود.^۱

ابن سنان گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردیم که چه کسی صاحب ذبح بود؟
 فرمود: اسماعیل.^۲

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: من فرزند دو ذبیح هستم یعنی اسماعیل و عبد الله بن عبد المطلب.^۳ این دو خبر از خاصه است.
 درباره ذبیح اختلاف است که اسحاق بوده یا اسماعیل و عبدالله، که عامه دو خبر مختلف درباره اسحاق و اسماعیل نقل می‌کنند.
 پس خداوند عزوجل او را ندا داد و فرمود: ﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا﴾ به تحقیق رویات انجام دادی.

هنگامی که ابراهیم تصمیم بر ذبح فرزندش گرفت و تسلیم امر الهی شد، خداوند فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾^۴ همانا من تو را امام و پیشوای

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۲۶

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۷

۳. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۷

۴. بقره، آیه ۱۲۴

مردم قرار دادم.

ابراهیم عرض کرد: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾^۱ و از فرزندان من.
 خداوند فرمود: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۲ یعنی امام ظالم و ستمکاری به
 عهد من نمی‌رسد.^۳

وَلَقَدْ مَتَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱۱۴)

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۱۱۵)

وَنَصَّرْنَاهُمْ فكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۱۱۶)

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ (۱۱۷)

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۱۸)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (۱۱۹)

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱۲۰)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۲۱)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۲۲)

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

أَتَدْعُونَ بَغْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (۱۲۵)

۱۱۴- و به تحقیق بر موسی و هارون منت گذاشتیم.

۱۱۵- و آن دو با قومشان را از اندوه بزرگی نجات دادیم.

۱۱۶- و آن دو را یاری کردیم تا بر دشمنانشان پیروز شدند.

۱. بقره، آیه ۱۲۴

۲. بقره، آیه ۱۲۴؛ عهد من به ستمکاران نمی‌رسد.

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۴۰

۱۱۷- و به آن دو کتاب روشن گر (هدایتگر) عطا کردیم.

۱۱۸- و آن دو را به راه راست هدایت کردیم.

۱۱۹- و نام نیک آن دو را در میان آیندگان باقی گذاشتیم.

۱۲۰- سلام بر موسی و هارون.

۱۲۱- ما اینچنین نیکوکاران را پاداش می دهیم.

۱۲۲- همانا آن دو از بندگان مومن ما بودند.

۱۲۳- و همانا الیاس از رسولان بود.

۱۲۴- هنگامی که به قومش گفت: آیا از خداوند نمی ترسید؟

۱۲۵- آیا بت «بعل» را می خوانید و بهترین آفریننده را ترک می کنید؟

خداوند عز و جل منتش را بر موسی و هارون نقل کرده و می فرماید:

﴿وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ - تَا - أ

تَدْعُونَ بَعْلًا﴾ برای آنها بتی بود که به آن بعل می گفتند که مردی از شخصی

عرب بادیه نشین از شتری که ایستاده بود سوال کرد که مال چه کسی است؟

گفت: من بعل آن هستم و آن رب بعل نامیده شد.^۱

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۲۹)

سَلَامٌ عَلَى الْيَاسِينَ (۱۳۰)

۱۲۹- و ما نام نیک او را در میان آیندگان باقی گذاشتیم.

۱۳۰- سلام بر آل یاسین.

خداوند آل محمد ﷺ را ذکر کرده و می فرماید: ﴿وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

* سلام علی آل یس﴾ که مراد از «یس» محمد و آل محمد از ائمه ﷺ

می باشند.

وَإِنَّ لُوطًا لِّمَنِ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۳)

۱۳۳- و همانا لوط از رسولان بود.

خداوند عز و جل لوط را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَإِنَّ لُوطًا لِّمَنِ الْمُرْسَلِينَ﴾ که

خبرش را ذکر کردیم.

وَإِنَّ يُونُسَ لِمَنِ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹)

إِذْ أَتَى إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۴۰)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (۱۴۱)

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲)

۱۳۹- و همانا یونس از رسولان بود.

۱۴۰- هنگامی که به سوی کشتی (هر جمعیت و بار) فرار کرد.

۱۴۱- پس با آنها قرعه انداخت و مغلوب شد (قرعه به نامش افتاد).

۱۴۲- و ماهی بزرگی او را بلعید که او سزاوار سرزنش بود.

خداوند داستان یونس را ذکر کرده و می فرماید: ﴿وَإِنَّ يُونُسَ لِمَنِ

الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَتَى﴾ ابق یعنی هرب، فرار کرد.

﴿إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ * فساهم یعنی قرعه انداختند.

﴿فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾ یعنی او را در دریا انداختند.

﴿فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ﴾ که خبرش را در سورة یونس نوشتیم.

وَآتَيْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ (۱۴۶)

۱۴۶- و برای او بوتۀ کدوئی رویانندیم.

﴿وَأَبْتُنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ﴾ یقطین به معنای کدو است.

فَاسْتَقْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُتُونُ (۱۴۹)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (۱۵۰)

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ (۱۵۱)

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۵۲)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (۱۵۳)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۱۵۴)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۵۵)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ (۱۵۶)

۱۴۹- پس از آنها سوال کن آیا برای پروردگارت دخترانی هست و برای آنها

پسران؟

۱۵۰- یا ما فرشتگان را مونث آفریدیم و آنها نیز شاهد بودند؟

۱۵۱- آگاه باشید آنها با این تهمت بزرگشان می‌گویند:

۱۵۲- خداوند فرزند دارد؛ همانا آنها دروغ می‌گویند.

۱۵۳- (آیا خداوند) دختران را بر پسران برگزید؟

۱۵۴- شما را چه شده است؟ چگونه حکم می‌کنید؟

۱۵۵- آیا متذکر نمی‌شوید؟

۱۵۶- آیا برای شما دلیل روشنی است؟

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿فَاسْتَقْتِهِمُ الرِّبَّكَ

الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُتُونُ﴾ قریش می‌گفتند که ملائکه دختران الهی هستند.

خداوند آن را رد کرده و می فرماید: ﴿فَاسْتَفْتِهِمْ﴾ تا - سُلْطَانٌ مُّبِينٌ ﴿ یعنی بر آنچه که گمان می کنید برایش حجتی قوی بیاورید.

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸)

۱۵۸ - و آنها میان او (خداوند) و جن نسبت و خویشی قائل شدند، و به تحقیق جنیان می دانند که اینها (مشرکان) در پیشگاه الهی حاضر خواهند شد.

﴿وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا﴾ یعنی آنها می گفتند که جنیان دختران

خداوند هستند.

﴿وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾ یعنی بدرستی که آنها در آتش جهنم

هستند.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱۶۴)

۱۶۴ - هیچ کسی از ما نیست مگر آنکه برای او مقام معلومی است.

یحیی بن مسلم گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه ﴿وَمَا مِنَّا

إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ﴾ فرمودند: این آیه درباره ائمه و اوصیاء از آل محمد علیهم السلام نازل شده است.^۱

شهاب بن عبد ربّه گوید شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: ای شهاب ما

شجره نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد ملائکه هستیم و عهد و پیمان خدائیم، ما ودیعه های خدا و حجت اویم، ما صفوف نورانی در اطراف عرش بودیم و خدا را تسبیح می کردیم و اهل آسمان از تسبیح ما تسبیح می گفتند تا

اینکه به سوی زمین آمدم، تسبیح گفتیم و اهل زمین نیز با تسبیح ما تسبیح می‌گفتند، ما صافون و مسبحون هستیم. هر کس به عهد و پیمان ما وفا کند به عهد و پیمان خداوند وفا کرده است و هر کس با ما پیمان شکنی کند با خدا پیمان شکنی کرده است.^۱

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ (۱۶۵)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (۱۶۶)

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ (۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ (۱۶۸)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۹)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۱۷۰)

۱۶۵- و ما همه به صف ایستاده‌ایم.

۱۶۶- و ما همگی تسبیح‌گویی هستیم.

۱۶۷- و آنها می‌گفتند:

۱۶۸- اگر نزد ما کتابی از پیشینیان بود.

۱۶۹- ما هم از مخلص خدا می‌بودیم.

۱۷۰- و (دروغ می‌گفتند، هنگامی که این کتاب بزرگ برایشان آمد) به آن

کافر شدند و به زودی (کیفر خود را) خواهند دانست.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ * لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ﴾ فرمود: آنها کفار قریش بودند که می‌گفتند که خداوند یهود و نصاری را بکشد که چگونه بر

پیامبران‌شان دروغ بستند، بخدا سوگند اگر در نزد ما زکری از اولین بود از بنده‌های مخلص خداوند می‌شدیم، خداوند می‌فرماید: هنگامی که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به سوی آنها آمد به او کافر شدند که می‌فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ و به زودی (کیفر خود را) خواهند دانست.

جبرئیل گفت: ای محمد ﴿إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ﴾ و ما همه به صف ایستاده‌ایم و ما همگی تسبیح گوی هستیم.

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ (۱۷۷)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حَبِى (۱۷۸)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبُّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)

۱۷۷- پس هنگامی که عذاب در جلوی خانه‌هایشان فرود آید، پس انداز کنندگان چه صبح بدی خواهند داشت.

۱۷۸- و از آنها تا وقتی معین روی بگردان.

۱۷۹- و (نتیجه اعمال‌شان را) بنگر، که آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال تو را) خواهند دید.

۱۸۰- پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت، از آنچه که توصیف می‌کنند.

۱۸۱- و سلام بر رسولان.

۱۸۲- که حمد و سپاس برای پروردگار عالمیان است.

﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ﴾ یعنی هنگامی که عذاب در آخرالزمان بر بنی امیه و پیروان آنها نازل شود.

﴿وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۖ وَابْصُرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ﴾ هنگامی که عذاب بر آنها نازل شود به خود می آیند که در این هنگام هیچ نفعی به حالشان ندارد، این از برای اهل شبهات و گمراهان از اهل قبله است.^۱

﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ﴾ یعنی زمانی که عذاب در مکان و جایگاه آنها نازل شود ﴿فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ - تا - وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾



تفسیر سورۀ ص



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۳۸ - سورۀ ص در مکه نازل

شده و دارای ۸۸ آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (۲)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَا تَجِئْ مَنَاصِرَ (۳)

۱- ص ، سوگند به قرآن که صاحب ذکر است.

۲- بلکه کافران در مقام غرور و سرکشی هستند.

۳- ما چه بسیار اقوامی که پیش از اینها هلاکت کردیم و در آن هنگام فریاد

می‌زدند (و درخواست کمک می‌کردند) اما موقع نجاتشان گذشته بود.

﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾ این آیه قسم است و جوابش این آیه است ﴿بَلِ

الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ﴾ یعنی در کفر.^۱

﴿كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَا تَجِئْ مَنَاصِرَ﴾ یعنی در آن وقت

فراری نیست.

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۴)

أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (۵)

وَاطْلُقَ الْمَلَأَ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (۶)
ما سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ (۷)

۴- و آنها تعجب کردند که انذار کننده‌ای از میان خودشان آمد کافران گفتند:
او ساحری دروغگوست.

۵- آیا او این همه خدایان را یک خدا قرار داده است؟ همانا این چیز
اعجاب‌آوری است.

۶- و بزرگان آنها به راه افتاده و گفتند: بروید و خدایان را محکم بگیرید،
همانا این چیزی است خواسته‌اند (شما را از خدایان جدا کنند).

۷- ما این را در آئین ملت آخرین نشنیده‌ایم، این فقط یک آئین دروغینی
بیش نیست.

﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ﴾

وقتی رسول خدا ﷺ دعوت خود را ظاهر ساخت، قریش نزد ابو طالب
جمع شده، گفتند: ای ابو طالب برادرزاده‌ات عقاید ما را سفیهانه خواند، به
خدایان ما ناسزا گفت و جوانان ما را فاسد نمود و جمعیت ما را متفرق کرد،
اگر داعی او بر این کار این است که می‌خواهد از ناداری نجات یابد، ما برای او
آن قدر مال جمع می‌کنیم که از همه ما ثروتمندتر شود، و حتی او را پادشاه
خود می‌کنیم.

ابو طالب جریان را به رسول خدا ﷺ خبر داد، حضرت فرمود: اگر
خورشید را به دست راست من بگذارند، و ماه را به دست چپم، نمی‌پذیرم، و
لیکن یک کلمه به من بدهند تا (هم مرا راضی کرده باشند، و هم) به وسیله آن
سرور عرب گشته و غیر عرب هم به دین ایشان بگروند و نیز خود آنان
پادشاهانی در بهشت باشند.

ابو طالب پاسخ آن جناب را به اطلاع ایشان رسانید.

ایشان گفتند: یک کلمه چیزی نیست ده کلمه از ما بخواهد، رسول خدا ﷺ فرمود شهادت دهند به اینکه «لا اله الا الله و انی رسول الله».

مشرکین گفتند: شگفتا! آیا سیصد و شصت خدا را رها کنیم، و یک خدا را بگیریم؟

پس خدای سبحان این آیه را فرستاد: ﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ - تَا - إِلَّا اخْتَلَأُ﴾ یعنی به هم مخلوط شده اند.^۱

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ (۸)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (۹)

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ (۱۰)

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲)

۸- آیا در میان همه ما قرآن فقط بر او نازل شده است؟ بلکه آنها (کافران) در

قرآن من شک و تردید دارند، بلکه آنها هنوز عذاب مرا نچشیده اند.

۹- یا نزد آنها خزائن رحمت پروردگارت که توانا و بخشنده است می باشد؟

۱۰- یا حاکمیت آسمانها و زمین و هر آنچه که در میان آن دو است برای

آنهاست، پس به هر سبب (که می توانند از آسمانها) بالا بروند (تا جلوی

نازل شدن وحی را بگیرند).

۱۱- اینها لشکر شکست خورده ای از احزاب می باشند.

۱۲ - قبل از آنها قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند.

﴿أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي - تَا - مِنَ الْأَحْزَابِ﴾^۱
یعنی آنهایی که در روز احزاب (خندق) جمعیت تشکیل دادند.
سپس خداوند هلاک امت‌ها را ذکر می‌کند که در سوره هود خبرش را نقل کردیم ﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ﴾ قبل از آنها قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند.

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَأْلَهَا مِنْ فَوَاقٍ (۱۵)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶)

۱۵ - و اینها (با این اعمالشان) انتظار جز یک صیحه آسمانی انتظار دیگری را نمی‌کنند، و دیگر هیچ بازگشتی برای آنها نیست.

۱۶ - و گفتند: ای پروردگار ما، هر چه زودتر بهره ما را قبل از روز حساب به ما بده.

﴿وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَأْلَهَا مِنْ فَوَاقٍ﴾ یعنی از عذاب رهایی نمی‌یابند.

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ﴾ یعنی نصیب و سهم ما را از عذاب به ما بده.^۱

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱۷)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (۱۸)

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَابٌ (۱۹)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابَ (۲۰)

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (۲۱)

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى

بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲)

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي

فِي الْخِطَابِ (۲۳)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعِجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي

بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ

دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَازِلْفَنًى وَحُسْنَ مَآبٍ (۲۵)

۱۷- بر آنچه که می‌گویند صبر کن، و بنده ما داود صاحب قدرت را یاد کن،

که دائماً در حال توبه و انابه بود.

۱۸- ما کوه‌ها را برای او مسخر کردیم که شب و روز با او تمسیح می‌گفتند.

۱۹- و پرندگان را نیز همگی مسخر او کردیم، که همه آنها به سویش باز

گشت می‌کنند.

۲۰- و ملک و حکومتش را نیرومند ساختیم، و به او حکمت و داوری

عطاء کردیم.

۲۱- و آیا حکایت آن دو شاکی که از محراب بالا رفتند را شنیده‌ای؟

۲۲- هنگامی که بر داود وارد شدند، که از دیدن آنها ترسید، گفتند: مترس،

ما دو شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است، پس میان ما به

حق داوری کن، و ناعادلانه قضاوت مکن، و ما را به راه راست هدایت نما.

۲۳- همانا این برادر من است که نود و نه میس دارد و من فقط یک میس دارم. اما می‌گوید که این یکی را نیز به او بدهم. و در سخن نیز بر من غلبه کرده است.

۲۴- (داود) گفت: به تحقیق او با خواستن آن یک میس که می‌خواهد بر ایشان خودش اضافه کند بر تو ستم کرده، و همانا بسیاری از شریکان در حق همدیگر ستم می‌کنند مگر کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند که آنها نیز بسیار کم هستند. و داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده‌ایم، پس در آن حال از پروردگارش طلب آمرزش کرد و به سجده افتاد و توبه نمود.

۲۵- پس ما نیز او را آموزدیدیم، و همانا برای او در نزد ما مقامی والا و عاقبتی نیکو می‌باشد.



داستان خطیبه داود علی‌ه السلام

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ که او اب یعنی دعا. ﴿إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ یعنی هنگامی که خورشید طلوع می‌کند.

﴿وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ﴾ - تا - ﴿إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾ یعنی از محراب پائین آمد.^۱

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ﴾ - تا - ﴿وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾

هشام از امام صادق علی‌ه السلام روایت کرده هنگامی که خداوند عزوجل

داود عليه السلام را در روی زمین خلیفه قرار داد و زبور را بر او نازل فرمود به کوه‌ها و پرندگان وحی نمود که با او تسبیح بگویند و علتش آن بود که هر وقت با بنی اسرائیل نماز می‌خواند، بعد از نماز وزیرش بلند می‌شد خداوند را حمد و تسبیح و تکبیر و تهلیل می‌گفت و سپس پیامبران را یک به یک مدح و ستایش می‌کرد و فضایل و صبری که انبیا در بلاها و در امتحانات کرده بودند را ذکر می‌کرد و از داود عليه السلام یادی نمی‌کرد در این وقت داود با پروردگار خود مناجات کرد و گفت: ای پروردگار من، انبیاء گذشته را مورد ستایش قرار داده‌ای ولی هیچ مدحی از من نشده است.

خداوند وحی نمود ما رسولان خود را به انواع بلاها مبتلا کردیم و آنها در طریق اخلاص پایداری و استقامت ورزیده و شایسته ثنا و درود من شده‌اند. داود عرض کرد: پروردگارا مرا هم مبتلا کن تا صبور و بردبار بوده و شکیبیا باشم.

خطاب رسید: ای داود اینک که خود بلا را بر عافیت انتخاب و اختیار می‌کنی ما نیز تو را مبتلا خواهیم نمود، من هنگام رسیدن بلا را به انبیاء گذشته بیان نمی‌کردم ولی به تو می‌گویم که در فلان سال و فلان ماه و روز به بلائی گرفتار می‌شوی.

داود آماده نزول بلا و ابتلا گردید و پیوسته در محراب عبادت به راز و نیاز با پروردگار مشغول بود و در میان بنی اسرائیل نیز به قضاوت می‌پرداخت تا اینکه روز موعود رسید و داود برای رسیدن به آرزوی خود از خلائق دوری نموده و پنهان از مردم به نماز مشغول شد، ناگاه پرنده‌ای عجیب و زیبا بال‌زنان پیش روی او قرار گرفت، بالهای آن پرنده زیبا از زبرجد سبز و پاهایش از یاقوت سرخ و منقارش از لؤلؤ بود. داود چنان فریفته زیبائی آن

پرنده شد که مقام خود را فراموش نمود و از محراب عبادت به قصد گرفتن آن برخاست. پرنده زیبا پرواز نمود و بر بالای دیوار اوریا بن حنان نشست، داود به بام خانه رفت تا پرنده را از روی دیوار بگیرد ناگاه چشمش به منزل اوریا افتاد و زن اوریا را که لخت و مشغول استحمام بود دید و از جمال خیره کننده آن زن تعجب نمود و شیفته و فریفته او شد، زن اوریا سایه داود را دید فوراً با گیسوان انبوه خود خویشتن را پوشانید و داود شرمنده و خجل به محل خود بازگشت و به محراب عبادت پناه برد. و در آنچه که در آن بود را فراموش کرد، نامه‌ای را به سردار لشگری که اوریا همراه او بود نوشت که باید در روز جنگ چنان کنی که اوریا مقدم بر تابوت سکینه باشد نه تابوت مقدم بر اوریا، خداوند درباره تابوت بنی اسرائیل می‌فرماید: ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ﴾^۱ که بعد از موسی علیه السلام که بنی اسرائیل مرتکب معاصی شدند آن تابوت به سوی آسمان رفت. و چون جالوت بر بنی اسرائیل مسلط شده و آنها را مغلوب نمود بنی اسرائیل از پیغمبر آن زمان درخواست کردند که از خداوند درخواست کند پادشاهی بر آنها بفرستد تا آنها با آن پادشاه در راه خدا جهاد کنند، خداوند طالوت را به سوی آنان فرستاد و تابوت را نازل و در اختیار طالوت گذاشت، هر وقت تابوت را میان بنی اسرائیل و دشمنان آنها می‌گذاشتند اگر کسی از تابوت می‌گذشت کشته می‌شد.

داود دستوری به رفیق خود نوشت که تابوت را بین خودش و اوریا بن حنان قرار دهد و چون اوریا مقدم بر تابوت شد او را کشتند و چون اوریا

۱. بقره، آیه ۲۴۸؛ تابوتی که در آن سکینه خدا و الواح بازمانده از خانواده موسی و هارون است و فرشتگان آن را به دوش می‌کشند برای شما می‌آید، که در آن برای شما حجتی روشن است اگر اهل ایمان باشید.

کشته شد آن دو فرشته بر داود وارد شده و او را حکم خود قرار دادند و هنوز داود با زن اوریا ازدواج نکرده بود چون در عده بود، که دو فرشته از سقف خانه آمده و در مقابل او نشستند. داود از دیدن آنها ترسید، گفتند: ﴿لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَعِيَ بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ﴾ مترس، ما دو شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است، پس میان ما به حق داوری کن، و نا عادلانه قضاوت مکن، و ما را به راه راست هدایت نما.

که داود در این زمان ۹۹ زن دائمی و کنیز داشت که یکی از آنها به داود گفت: ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ﴾ یعنی به من ظلم و ستم کرده است.

داود گفت: ﴿لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَى زِغَابِهِ﴾ - تا - وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿ به تحقیق او با خواستن آن یک میش که می خواهد بر میشان خودش اضافه کند بر تو ستم کرده، و همانا بسیاری از شریکان در حق همدیگر ستم می کنند مگر کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند که آنها نیز بسیار کم هستند. و داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده ایم، پس در آن حال از پروردگار طلب آمرزش کرد و به سجده افتاد و توبه نمود.

آن فرشته ای که خود را مظلوم معرفی کرده بود خندید، داود گفت: معصیت کردی و می خندی می خواستم که دندانهای تو را بشکنم.

فرشته مدعی علیه در حین عروج به آسمان گفت: اگر داود به حقیقت حال مطلع می بود هر آینه می دانست که او اولی و احق بود از من به شکستن دندانش.

دیدار داود علیه السلام با حزقیل

داود بعد از این متوجه اعمال خود شد و چهل روز در سجده افتاد، و شب و روز گریه و زاری می کرد و به غیر از آنکه برای نماز برخیزد دیگر بر نمی خاست تا آنکه پیشانی او زخم برداشت و خون از چشمهای او جاری گردید و بعد از چهل روز که به این حال گذرانید، ندا به او رسید: ای داود تو را چه شده است؟ اگر گرسنه ای بگو تا تو را سیر گردانیم و اگر تشنه ای بگو تا سیرابت سازیم و اگر برهنه ای بدن تو را بپوشانیم و اگر ترسانی تو را ایمن گردانیم؟

داود گفت: ای پروردگار من، روزگارم به خوف و هراس می گذرد و چگونه خایف نباشم که به تحقیق می دانم آنچه را که من عمل کرده ام و تو حاکم عادل که اصلاً از ظلم ظالم نمی گذری.

در این وقت وحی به داود آمد: توبه کن.

داود گفت: چه نوع توبه کنم؟

ندا آمد: بر سر قبر اوریا بن حیان برو تا من او را زنده گردانم و از او درخواست مغفرت و آمرزش کن، اگر او تو را بیمارزد من نیز تو را بیمارزم.

داود گفت: اگر نیامرزد چه کنم؟

ندا آمد: من چنان خواهم کرد که او تو را به طیب خاطر بیمارزد.

پس داود پیاده بر سر قبر اوریا روانه شد و در راه زبور می خواند و هر سنگ و درخت و کلوخ و کوه و پرندگان و درندگان که آواز داود را می شنیدند با او بخواندن زبور مشغول می شدند تا آنکه در میان راه به کوهی رسید و در آن کوه پیغمبری عابد جا داشت که نام او حزقیل بود و چون حزقیل آواز کوه و صدای درندگان را شنید دانست که داود از این راه می گذرد، گفت: این آن

پیغمبر خطاکننده است. داود آواز داد: ای حزقیل اجازه می‌دهی که پیش تو بیایم؟

حزقیل گفت: نه زیرا که تو گناهکاری.

داود به گریه افتاد، حق تعالی وحی به حزقیل فرستاد که به گناه داود او را سرزنش مکن و در عوض آن از من عافیت بطلب.

پس حزقیل از بالای کوه پائین آمد و دست داود را گرفته بالای کوه برد. داود به او گفت: که هرگز اراده گناهی کرده‌ای؟
حزقیل گفت: نه.

داود گفت: این همه عبادت که می‌کنی هیچ وقت در مقام عجب و تکبر برآمدی؟
گفت: نه.

داود گفت: هرگز میل به دنیا کرده و دوست داشتی که از لذات و شهوات دنیا برخوردار شوی؟
گفت: آری.

داود گفت: در دفع آن چه چاره می‌کنی؟
گفت: داخل این غار که می‌بینی می‌شوم و از آن عبرت می‌گیرم و از خواهش دنیا و لذات آن می‌گذرم.

پس داود وارد غار گردید و در آنجا تختی از آهن دید که بر بالای آن کله آدمی و استخوان پوسیده بود و لوحی از آهن نیز در آنجا دید و در آن لوح نوشته شده بود که اسم من «اروی بن سلمه» است، هزار سال سلطنت دنیا کردم، و هزار شهر بنا کردم، و هزار دختر صاحب جمال را ازاله بکارت کردم و آخر کار من این است که خاک فرش من و سنگ بالش من است، ماران و

کرم‌ها همنشین من، پس هر که مرا ببیند به دنیا و لذات آن مغرور نگردد.

داود از آنجا گذشت تا آنکه بر سر قبر اوریا رسید و ندا کرد، جوابی نشنید تا سه مرتبه، و در مرتبه سوم اوریا جواب داد که چیست تو را ای پیغمبر خدا که مرا از سرور خود انداختی؟

داود گفت: می‌خواهم که غفران تو شامل حال من گردد و گناه مرا عفو کنی. وحی به داود آمد: آنچه کرده‌ای بتفصیل بیان کن تا اوریا بشنود. پس داود مانند گذشته سه مرتبه ندا کرد و در مرتبه سوم گفت: که ای اوریا در حق تو چنین و چنین کرده‌ام.

اوریا گفت: آیا انبیا مثل این اعمال را بجا می‌آورند که تو بجا آوردی؟ بعد از این چند مرتبه از اوریا طلب عفو خواست و جوابی نشنید و داود گریان بر روی زمین افتاد تا آنکه حق سبحانه به صاحب فردوس وحی کرد که درهای فردوس را بگشا، صاحب فردوس به حکم الهی درهای آن را گشود و چون اوریا آن را دید از صاحب فردوس پرسید: این از برای چه کسی آماده شده است؟

صاحب فردوس گفت: از برای کسی که گناه داود را ببخشد.

اوریا گفت: ای پروردگار من از گناه داود درگذشتم.

پس داود اکتفاء به همین نموده به طرف بنی اسرائیل برگشت و بعد از این واقعه چون از نماز فارغ می‌شد و وزیر او مدح و ثناء انبیاء گذشته را می‌نمود و می‌گفت: فضل داود پیش از بجا آوردن خطیئه چنان و چنین است. داود از این غمگین شد.

خداوند متعال وحی فرستاد: ای داود من نیز از گناه تو درگذشتم و عار گناه تو را بر بنی اسرائیل لازم گردانیدم.

داود گفت: ای پروردگار من چگونه می شود که عار گناه شخصی را کسی دیگر متحمل گردد با آنکه تو حاکمی که در حکم تو اصلاً ظلم نمی رود؟
حق تعالی فرمود: که وجه الزام این است که بنی اسرائیل چرا در دفع این خطیئه از تو تعجیل نکردند.

بعد از این داود زن اوریا را به عقد خود درآورد و از او سلیمان متولد گردید.

آن گاه پروردگار فرمود: ﴿فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ﴾^۱
ما از تقصیر او در گذشتیم و او را عفو نمودیم چه داود نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیهما السلام فرمودند: ﴿وَظَنَّ دَاوُدُ﴾ یعنی داود دانست. ﴿وَأَنَابَ﴾ یعنی توبه کرد. و داود به رفیقش نوشت که اجازه ندهد اوریا در جلوی تابوت برود و او نیز اوریا را به خانه برگرداند که بعد از هشت روز فوت کرد.^۲

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ
الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

كِتَابَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (۲۹)
۲۸- آیا کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند آنها را مانند
مفسدان روی زمین قرار می دهیم؟ یا افراد با تقوا و پرهیزگار را مانند
فاسقان و فاجران؟ (هرگز چنین نمی کنیم).

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۶۹؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۴۷

۲. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳؛ نور الثقلین، ص ۴۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۶۹

۲۹- این کتابی است که مبارک و پربرکت بر تو نازل کردیم، تا در آیاتش تدبیر

کنند و صاحبان عقل متذکر شوند.

عبد الرحمن بن کثیر گوید از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ سوال کردم، فرمودند: مراد امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش می باشند.

﴿كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ﴾ مراد خَبَر و زُرِيق^۱ و پیروان آن دو.

﴿أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ﴾ مراد امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروانش می باشند.

﴿كَالْفَجَّارِ﴾ که مراد خَبَر و دُلام و پیروان آن دو می باشند.^۲

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾ که مراد امیرالمؤمنین و ائمه صلوات الله علیه و علیهم اجمعین می باشند.

﴿وَلِيَسْذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ تا خداوندان عقلهای سالم پند پذیر شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام به این آیه افتخار می کرد و می فرمود: آنچه که به من اعطا شده به احدی قبل از من و بعد از من اعطا نشده است.^۳

وَهَبْنَا لِذَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰)

إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِنَادُ (۳۱)

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (۳۲)

رَدُّوَهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (۳۳)

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ (۳۴)

۱. خَبَر به معنی روباه، و زُرِيق به معنی کوردل است.

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۷۶

۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۳۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۵۳؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۷۷؛

تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۲۸

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ
الْوَهَّابُ (۳۵)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶)

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ (۳۷)

وَأَخْرَجَ مَقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۳۸)

۳۰- و به داود سلیمان را عطا کردیم، چه نیکو بنده ای بود، چرا که بسیار به درگاه خدا دعا می کرد.

۳۱- (بیاد بیاور) هنگامی که وقت عصر اسبهای بسیار تندرو و نیکو را بر او عرضه کردند،

۳۲- گفت: همانا من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم (که نماز مستحب پایان روز است) برگزیدم، (زیرا می خواهم از آنها در جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می گرد) تا (خورشید) پشت پرده افق پنهان شد.

۳۳- (اسبها چنان توجه او را جلب کرده بودند که گفت:) آنها را به من بازگردانید. پس (برای نوازش آنها) به دست کشیدن به ساقها و گردنهای آنها پرداخت.

۳۴- و همانا ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی را انداختیم، سپس او به سوی خداوند توبه کرد.

۳۵- عرض کرد: پروردگارا، مرا بیمارز، و به من ملک و سلطنتی عطا فرما که بعد از من سزاوار هیچ کسی نباشد، همانا تو بسیار بخشنده ای.

۳۶- پس ما هم باد را مسخر ساختیم تا به فرمان او به آرامی حرکت کرده و به هر کجا که او بخواهد برود.

۳۷- و شیاطین را (مسخر او کردیم) و هر بنا و غواصی از آنها را.

۳۸- و گروهی دیگر از شیاطین را در غل و زنجیر (تحت فرمان او) قرار

دادیم.

داستان حضرت سلیمان علیه السلام

﴿وَهَبْنَا لِذَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ - تا - حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿
 سلیمان اسبها را دوست می داشت. روزی آنها را بر او عرضه داشتند و
 سلیمان مشغول آنها شد تا خورشید غروب کرد و نماز عصرش قضا گردید،
 سلیمان از آن به شدت غمگین شد و از خداوند خواست که خورشید را برای او
 برگرداند تا نماز عصرش را بخواند و خداوند نیز خورشید را برای او تا وقت
 نماز عصر برگرداند تا او نمازش را بجا آورد و سپس با همه شمشیر اسبها
 را کشت که خداوند می فرماید: ﴿رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ
 وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ﴾ - تا - إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿
 چون سلیمان با یمانیه ازدواج نمود از او فرزندی متولد شد که سلیمان علاقه
 شدیدی به او داشت، روزی عزرائیل بر سلیمان نازل شد و چون عزرائیل زیاد
 نزد سلیمان می آمد اهمیت چندانی نداد این مرتبه متوجه شد که عزرائیل نگاه
 تندى به سوى پسرش نمود، سلیمان از نگاه عزرائیل غمگین و ناراحت شده به
 مادر طفل گفت: عزرائیل نگاه مخصوصی به فرزندم نمود می ترسم که مأمور
 قبض روح او باشد بجنیان و شیاطین که حضورش بودند گفت: آیا شما
 می توانید فرزند مرا به محلی ببرید که از چنگال مرگ نجات یابد.

یکی از آنها گفت: من او را به مشرق می برم.

سلیمان گفت: عزرائیل از میان مشرق و مغرب بیرون می آید.

دیگری گفت: من او را در طبقه هفتم زمین می گذارم.

گفت: عزرائیل آنجا هم می رود.

یکی دیگر گفت: من او را به هوا برده و در روی ابرها می گذارم. و همین کار را کرد او را برده و بر روی ابرها گذاشت.

عزرائیل او را در هوا قبض روح نمود جسد بی جان از هوا بر روی تخت سلیمان افتاد، متوجه شد که خطا کرده است چنانکه می فرماید: ﴿وَالْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۚ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۚ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ۚ﴾ یعنی نرم و سهل بود.

﴿وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ۚ﴾ یعنی در دریا.
 ﴿وَأَخْرَيْنَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۚ﴾ یعنی آنها را گرفته و به همدیگر بست و آنها جنیانی بودند که به سلیمان عصیان ورزیدند و خاتم او را به حيله بدست آورده مدتی در ملک سلیمان مُلک راتی کردند.

داستان از دست رفتن حکومت سلیمان علیه السلام

امام صادق علیہ السلام می فرماید: خداوند متعال ملک و سلطنت سلیمان را در انگشتر او قرار داده بود و هر گاه آن انگشتری را در انگشت می کرد تمام جن و انس و شیاطین و پرندگان و وحوش در نزد او حاضر شده و از او اطاعت می کردند و چون بر کرسی سلطنت نشسته قصد جایی می کرد، حق تعالی باد را می فرستاد که آن کرسی را با هر که در آنجا باشد از جن و پرنده و انس و چهارپا و اسب در میان هوا بردارد و به هر موضعی که سلیمان خواهد به آنجا برساند چنانچه سلیمان نماز صبح را در شام می خواند و نماز ظهر را در فارس بجای می آورد. شیاطین را می فرمود که سنگ از فارس بردارند و در شام

بفروشدند و چون سلیمان اسبان را به شمشیر گردن زد و پی کرد این معنی مقبول درگاه احدیت واقع نشد، سلب ملک و سلطنت از او نمود. عادت سلیمان چنین بود که هر گاه به بیت الخلا می‌رفت انگشتر را به خادمی می‌سپرد شیطان فرصت یافته آن انگشتر را از دست خادم با مکر و حیلۀ گرفت و در انگشت خود کرد، پس جمیع شیاطین و انس و جن و طیر و وحوش در برابر او به سجده افتادند و در مقام اطاعت درآمدند. چون سلیمان از بیت الخلا بیرون آمد و انگشتر را طلب کرد آن را نیافت از غایت خجالت به طرف دریا گریخت و بنی اسرائیل انکار آن شیطان که به صورت سلیمان برآمده بود کردند و دانستند که این سلیمان نیست پس به خدمت مادر سلیمان رفته و به او گفتند: که در این ایام از سلیمان امری که لایق به حال او نباشد دیدید؟

مادر سلیمان گفت: او قبل از این نیکوکارترین مردم بر من بود اما در این روزها بر من خشم کرده است.

بعد از این بنی اسرائیل پیش زنان و کنیزان سلیمان رفته و گفتند: آیا از سلیمان امر قبیحی در این روزها مشاهده کرده‌اید؟

ایشان گفتند: که سلیمان هرگز وقت حیض نزد ما نمی‌آمد و این زمان می‌آید پس از این گفتگوها شیطان ترسید که مبادا مقدمه من فاش گردد لذا از ترس آن انگشتر را در دریا انداخته و فرار کرد و حق تعالی ماهی را فرستاد که انگشتر سلیمان را فرو برد و از آن محافظت نماید. بنی اسرائیل بعد از این چهل روز در طلب سلیمان در اطراف و اکناف شهر می‌گشتند و سلیمان در ساحل دریا می‌رفت و گریه می‌کرد و به توبه و انابه متوجه درگاه کردگار عالم بود و بعد از چهل روز سلیمان صیادی را که ماهی می‌گرفت ملاقات کرد و به او گفت: من در صید ماهی به تو کمک می‌کنم مشروط به آنکه اجرت آن را ماهی

به من بدهی.

صیاد قبول نمود، در این وقت ماهی ای بدام صیاد افتاد و آن را به سلیمان داد چون شکم آن را شکافت انگشترش را در شکم آن ماهی یافت و همان ساعت در انگشت کرد و جمیع مخلوقات زمینی از شیاطین و جن و انس و طیر و وحش در برابر سلیمان به سجده افتادند. پس سلیمان آن شیطان را که به مکر و حيله انگشتر را به دست آورده بود بالشکر او حبس نمود و در قید آورد و به برکت اسماء حسنی الهی بعضی را در میان آب محبوس ساخت و برخی را در میان سنگ و تا روز قیامت آنها مقید و محبوس خواهند بود.

هنگامی که سلیمان به مملکت و سلطنت خود برگشت به آصف بن برخیا که داندۀ اسم اعظم بود گفت: من جاهلان را معذور می‌دارم که تبعیت شیطان کردند اما تو که عالمی چه نوع تو را معذور دارم؟

آصف گفت: من عذری ندارم که بیاورم چون از همان اول شناختم که او شیطان است و انگشتر تو را برداشته است. چنانچه روزی به من گفت که فلان مطلب را بنویس در جواب او گفتم که قلم من هرگز به جور و ظلم جاری نشده است. به من گفت: بشین و چیزی ننویس و من هم نشستم و چیزی ننوشتم. از سلیمان پرسید که شما به چه سبب هدهد را که بدبوترین مرغان و زبون‌ترین پرنده است از حیثیت مکان دوست می‌دارید؟

سلیمان فرمود: که چون قوت بینایی هدهد به مرتبه‌ایست که در زیر سنگ آب را می‌بیند.

آصف گفت: چگونه هدهد آب را در زیر سنگ می‌بیند چرا دامی را که صیادی به یک کف خاک مخفی می‌سازد آن را نمی‌بیند و به دام بلا می‌افتد؟ سلیمان فرمود: «قف یا واقف انه اذا جاء القدر حال دون البصر» یعنی توقف

کن در این سؤال ای توقف کننده در تحقیق امور که دام افتادن همداد از مقدرات قادر کن فیکون است و هر گاه امری مقدر شود آن امر مقدر چشم را از دیدن حایل و مانع می گردد.^۱

کیفیت سلطنت سلیمان علیہ السلام

اصبغ بن نباته روایت می کند که امیرالمؤمنین علی علیہ السلام فرمود: سلیمان بن داود از بیت المقدس بیرون آمد که در سمت راست او سیصد هزار کرسی از انسان ها و در سمت چپ او سیصد هزار کرسی از جنیان قرار گرفته بودند و به پرندگان امر نمود که بر آنها سایه بیندازند و به باد دستور داد که آنها را حمل کند تا اینکه به ایوان کسری در مدائن وارد شد، سپس برگشته و شب را خوابید و فردایش به شهر ترکاوان^۲ [برکاوان] رفت سپس به باد امر نمود که آنها را حمل کند و باد آنها را حمل کرد و برد بطوری که نزدیک بود پاهایشان به آب بخورد و سلیمان بر عمودی تکیه داده بود که یکی از همراهان به دیگری گفت: آیا سلطنتی بزرگتر از این دیده اید؟

گفتند: ما همانند آن را نه دیده ایم و نه شنیده ایم پس ملکی از آسمان ندا داد ثواب یک تسبیح گفتن در نزد خداوند بزرگتر است از آنچه که دیدید.^۳

ابو خالد قماط روایت می کند که امام صادق علیہ السلام فرمود: بنی اسرائیل از حضرت سلیمان درخواست نمودند که پسرش را جانشین خود سازد. سلیمان به آنها فرمود: فرزندانم لیاقت جانشینی مرا ندارد و فاقد صلاحیت

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۹۸؛ قصص الانبیاء جزائری، ص ۳۷۲؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۴۵۵؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۸۰

۲. «ترکاوان» ناحیه ای در فارس است. معجم البلدان ج ۱، ص ۳۹۹.

۳. قصص الانبیاء جزائری، ص ۳۶۱؛ قصص الانبیاء راوندی، ص ۲۰۸؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۷۲؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۴۵۹؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۸۳

می باشد بنی اسرائیل اصرار ورزیدند. فرمود: من او را مورد آزمایش قرار داده و مسائلی چند از او می پرسم اگر پاسخ کافی و صحیح داد او را جانشین خود تعیین می نمایم و اگر نتوانست و از عهده برنیامد معذور خواهم بود. از فرزندش پرسید: بگو بدانم طعم و مزه آب چیست؟ نان چه مزه ای دارد؟ صدای انسان به چه علت قوی و برای چه ضعیف می شود؟ منبع و محل عقل آدمی کجاست؟ اجزاء بدن از چه عناصری تشکیل شده است؟ قساوت و رقت چگونه ایجاد می شود؟ رنجوری بدن از چه حاصل می گردد؟ نیروی بدن چگونه کم و زیاد می شود؟ در برابر تمام این پرسش ها خاموش ماند و هیچیک از آنها را نتوانست جواب بدهد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: طعم آب مایه زندگانی و حیات است، طعم نان قوت است، ضعف و قوت صیدا از پیه کلیتین است، محل عقل از دماغ و بینی است بطوری که اگر کسی عقلش کم باشد می گویند فلانی سبک مغز است، قساوت و رقت از قلب و دل است چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: ﴿فَوَيْلٌ لِلنَّاسِ إِذْ قُتِلُوا مِنْ دَرَكٍ أَوْ فَتَنٍ أَوْ رِجْسٍ﴾^۱ و رنجوری بدن از قدم است چه هر وقت پای شخص بر اثر زیاد راه رفتن کوفته شود و آسیب بیند بدن به زحمت بیافتد، محل کسب کردن نیروی بدن از دست است و محرومیت آن نیز از دست پدید آید زیرا هر وقت دستها به فعالیت و کار مشغول شود برای بدن کسب نیروی کند و چون کاری نکند علاوه بر آنکه کسب قدرت نمی شود از میزان نیروی بدن کاسته خواهد شد.^۲

۱. زمر، آیه ۲۲؛ پس وای بر آنها که قلبهایی قساوت گرفته از ذکر خداوند دارند.

۲. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۴۱؛ قصص الانبیاء جزائری، ص ۳۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۸۲؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۶۳.

وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الشَّيْطَانُ يَنْصُبْ وَ عَذَابٍ (۴۱)

از کُض بر جلک هذا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٍ (۴۲)

وَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۴۳)

وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاصْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنُتْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ

أَوَّابٌ (۴۴)

وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارِ (۴۵)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (۴۶)

۴۱- و یادکن بنده ما ایوب را هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرض

کرد: پروردگارا) شیطان مرا به رنج و عذاب انداخته است.

۴۲- (به او گفتیم:) پایت را به زمین بزن، (چشمه‌ای بیرون آمد، گفتیم:) این

آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است.

۴۳- و ما خانواده‌اش را به او برگردانیدیم، و همانند آنها را به او عطا کردیم،

تا رحمتی از جانب ما باشد و تذکری برای صاحبان عقل و اندیشمندان.

۴۴- و (به او گفتیم:) بسته‌ای از چوبهای نازک را بگیر و با آن (بر همسرت)

بزن و سوگندت را مشکن، که ما او را شکیبایافتیم، چه نیکو بنده‌ای و اهل

دعا بود.

۴۵- و نیز یادکن از بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب که صاحب اقتدار

و بینا بود.

۴۶- ما آنها را خالص و پاک برای تذکر سرای آخرت گردانیدیم.

مبتلا گشتن ایوب علیه السلام

﴿وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الشَّيْطَانُ يَنْصُبْ وَ عَذَابٍ﴾

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که ایوب در دنیا به چه گناه و علتی گرفتار گشت؟

فرمود: به خاطر آن نعمتهائی که خداوند به او عنایت کرده بود، و او شکر آنها را بجای نمی آورد. در آن زمان ابلیس از آسمانها ممنوع نگشته بود و تا زیر عرش بالا می رفت. روزی شکر نعمتهای ایوب را دید و به آن حضرت حسد ورزید و گفت: خداوند! شکر کردن ایوب به خاطر آن نعمتهائی است که در دنیا به او ارزانی داشته ای و اگر نعمتهای دنیا را از او برگیری اصلاً شکر نعمتی را بجا نمی آورد، پس مرا بر دنیای او مسلط گردان تا دنیایش را از او بگیرم آنگاه متوجه شوی که اصلاً شکر نعمتی را بر زبان جاری نمی کند. به ابلیس خطاب شد: که من تو را بر مال و فرزندان او مسلط گردانیدم. پس ابلیس بر ایوب علیه السلام مسلط گشت و تمام مال و فرزندان او را از بین برد. نه تنها ایوب از شکر کردن زبان خویش را فرو نبست بلکه از زمان قبل نیز بیشتر به حمد و سپاس الهی پرداخت.

ابلیس گفت: مرا بر زراعتهای او مسلط گردان.

خطاب رسید: مسلط گردانیدم.

ابلیس با یاران خود به سوی زراعت ایوب علیه السلام رفته و بر آنها دمیدند پس همه زراعتها سوخته و از بین رفت. باز ایوب علیه السلام بر حمد و سپاس خویش افزود.

ابلیس گفت: مرا بر گوسفندان او مسلط گردان.

خطاب رسید: مسلط گردانیدم.

ابلیس پس از مسلط شدن همه گوسفندان را از بین برد باز ایوب علیه السلام بر شکر خویش افزود.

ابلیس گفت: خداوند! مرا بر بدن او مسلط گردان.

خداوند نیز او را بر بدن ایوب علیه السلام به غیر از عقل و چشمش مسلط گردانید. ابلیس بر بدن آن حضرت دمید و سراپای آن حضرت را زخم و جراحت فرا گرفت و مدت طولانی با آن حالات زخم و جراحت باقی ماند و حمد و سپاس خداوند را می گفت و شکرش را بجا می آورد تا اینکه بدنش کرم گذاشت و هرگاه کرمی از روی زخمهای بدنش بر زمین می افتاد آن را برمی داشت و دوباره بر روی زخم می گذاشت و می فرمود: به جاییت برگرد که خداوند تو را در آنجا آفریده است. بدنش بدبو گشت به حدی که اهل شهر او را از شهر بیرون کرده و در خرابه ای انداختند. زنش از آن خرابه بیرون آمد و از مردم طلب صدقه می کرد و برای ایوب علیه السلام می آورد. هنگامی که بلاء ایوب طولانی شد و ابلیس صبوری ایوب را مشاهده کرد به سوی اصحاب ایوب که در کوه به گوشه نشینی پرداخته بودند آمد و گفت: بیائید به نزد بنده مبتلا شده رفته و از او سؤال کنیم که به چه علت به آن همه بلا گرفتار گشته است؟

پس بر قاطرانی سفید سوار شده به نزد ایوب رفتند، هنگامی که به نزدیک او رسیدند قاطران از بوی بد بدن ایوب رم کردند. پس پیاده شده و قاطران را بسته و با پای پیاده به نزد ایوب رفتند و در بین آنها جوانی نورس نیز بود. همگی در نزد آن حضرت نشستند و گفتند: ای ایوب! کاش ما را از گناه خویش آگاه می کردی که به چه علت به آن مبتلا گشته ای و ما می ترسیم که از خداوند برای تو عافیت درخواست نمائیم که ما را نیز هلاک گرداند! و ما گمان می کنیم تو به این بلاء مبتلا گشته ای که احدی به آن مبتلا نگشته به خاطر گناهی است که آن را از ما پنهان داشته ای؟

ایوب علیه السلام فرمود: به عزت پروردگارم سوگند که او می داند من هیچ غذائی

نخورده‌ام مگر اینکه یتیمی و یا مهمانی با من سر سفره بوده است، و دو امر برای من پیش نیامد که هر دو اطاعت الهی بوده است مگر آنکه سخت‌ترین آن را برگزیدم.

آن جوان روبه بقیه کرد و گفت: وای بر شما به نزد پیامبر الهی آمده و او را سرزنش می‌کنید تا اینکه عبادت الهی را که انجام داده برایتان ظاهر نماید. ایوب علیه السلام به مناجات پرداخت و گفت: پروردگارا! اگر روزی در محکمه عدل تو برای پاسخگوئی بنشینیم که برای خودم دعوی حجت نمایم در آن وقت همه حرفهایم را در پیشگاه حضرتت خواهم گفت.

پس خداوند ابری را بر بالای سر او فرستاد و خطاب آمد ای ایوب! اکنون تو در محکمه عدل من هستی و هر حجتی که داری بیان کن که من از همه چیز بر تو نزدیکترم.

ایوب علیه السلام عرضه داشت: پروردگارا! تو آگاهی که دو امر که هر دو اطاعت تو بود برای من پیش نیامد مگر آنکه سخت‌ترین آنها را برای خود انتخاب کردم. آیا حمدت را بر زبان جاری نکردم؟ آیا شکرت را نگفتم؟ آیا تسبیح تو را بجا نیاوردم؟ که حال چنین گرفتار شده‌ام؟

پس به ده هزار زبان از ابر صدائی برخواست که ای ایوب چه کسی به تو توفیق داد که به عبادت خداوند پردازی در حالی که مردم از آن غافل بودند؟ و چه کسی توفیقت داد که به حمد و تسبیح و تکبیر الهی پردازی در حالی که مردم از آن غفلت می‌ورزیدند؟ آیا بر چیزی منت می‌گذاری که خداوند در آن چیز بر تو منت دارد؟

ایوب علیه السلام در این هنگام مشتی خاک برداشت و بر دهان خود ریخت و عرضه داشت: پروردگارا! همه منتها از آن تو ست و تو بودی که آن همه نعمت

را به من اعطاء فرمودی.

پس خداوند ملکی را فرستاد که با پاهایش بر زمین زد و آبی از آنجا جوشید و بیرون آمد، ایوب علیه السلام در آن آب غسل کرد و نیکوتر از اول شد و تمام زخم و جراحتهای بدنش برطرف گشت و خداوند در اطرافش باغ سبزی رویانید و تمام اهل، فرزندان، مال و زراعتش را به او برگردانید و ملکی با او نشسته و مشغول صحبت گردید در این هنگام زنش در حالی که به دستش نان خشکی بود برگشت، چون به آن موضع رسید آنجا را دگرگون دید و مشاهده نمود که دو مرد نشسته و با هم گفتگو می کنند پس ناله سرداد و گفت: ای ایوب چه بر سرت آمده است؟

ایوب او را به نزد خود فرا خواند، چون او را دید، شناخت و دید که خداوند بدن و نعمتش را به او برگردانده است سجده شکر الهی را بجا آورد. در حال سجده بود که نظر ایوب به گیسوان بریده زنش افتاد و جریان از این قرار بود در این مدت به نزد مردم می رفت و از آنها نان و غذائی طلب می کرد و چون گیسوان زیبایی داشت به او گفتند: تو موی سرت را بریده به ما بده تا ما نیز به تو غذا دهیم. آن زن از روی ناچاری و گرفتاری گیسوان خویش را بریده و در عوض آن طعامی برای همسرش ایوب گرفت تا گرسنه نماند.

ایوب علیه السلام با مشاهده گیسوان بریده زنش خشمگین شد و سوگند خورد که صد تازیانه به او بزند. ایوب علیه السلام بعد از شنیدن قضیه از سوگند خود پشیمان شد پس خداوند عزوجل وحی فرستاد: ﴿وَخُذْ بِذِكِّ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَتْ إِنَّهُ وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ یک بسته شاخه صد تائی بگیر و با آن یک بار بر بدن زنت بزن تا سوگند خود را نشکسته باشی.

او نیز یک مشت صدتائی چوب برداشت و یک ضربه بر زنش زد و از

سوگند خویش بیرون آمد و سپس خداوند فرزندان او را که قبل از بلاء و در هنگام بلاء مرده بودند را زنده کرد و با هم زندگی نمودند.

بعد از آنکه خداوند حضرت ایوب علیه السلام را از بلا عافیت داد از او سؤال کردند: در هنگام بلا چه چیزی بر تو خیلی سخت گذشت؟
فرمود: شتمات دشمنان.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند در خانه ایوب بارانی از طلا به خانه اش ریخت و آنها را جمع کرد، وقتی باد چیزی از آنها را می برد بدنبال آن می دوید جبرئیل گفت: ای ایوب آیا سیر نمی شوی؟

گفت: چه کسی از رزق پروردگارش سیر می شود.^۱
﴿وَ اذْكُرْ - اِی محمد - عِبَادَنَا اِیْرَاهِیْمَ وَ اِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ اُولِی الْاَیْدِی وَ الْاَبْصَارِ﴾ یعنی دارای قوت و نیرو بود.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: ﴿اُولِی الْاَیْدِی وَ الْاَبْصَارِ﴾ دارای نیرومندی در عبادت و ابصار داشتن بصیرت در عبادت است.^۲

﴿اِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِی الدَّارِ﴾ همانا خداوند آنها را به ذکر آخرت برگزیده و آنها را اختصاص به آن داده است.^۳

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (۴۹)

جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْاَبْوَابُ (۵۰)

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۲؛ قصص الانبیاء جزائری، ص ۱۹۹؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۶۳

؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۸۶

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۷

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۰

مُتَكِبِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (۵۱)

وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (۵۲)

هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (۵۳)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ (۵۴)

۴۹- این تذکری است، و برای پرهیزگاران عاقبت نیکونی است.

۵۰- درهای باغهای بهشت همیشگی به روی آنها باز است.

۵۱- در حالی که در آنجا بر تختها تکیه زده‌اند، میوه‌های بسیار و نوشیدنیها

می‌طلبند.

۵۲- و نزد آنها همسرانی است که چشم به شوهرانشان دوخته‌اند، جوان و

هم سال هستند.

۵۳- این همان وعده‌ای است که به شما برای روز حساب داده شده است.

۵۴- این همان رزق ماست که پایان‌پذیر نیست.

خداوند متقین و آنچه که در نزد پروردگار دارند را ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ - تَا - قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ﴾ یعنی

حورالعین که به خاطر نورانی بودنشان چشم‌ها عاجز از نگاه کردن به

آنهاست.

خداوند گفتار اهل بهشت را نقل می‌کند: ﴿إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ﴾ یعنی

پایان‌پذیر نیست و فانی نمی‌شود.

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (۵۵)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (۵۶)

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (۵۷)

۵۵- این (پاداش نیکوکاران است)، و همانا برای طغیان‌گران بدترین جایگاه است.

۵۶- (جایگاهشان) جهنم است، که به آن وارد می‌شوند، و چه بد جایگاهی است.

۵۷- این است حمیم (آب جوشان) و غساق (زرداب چرکین‌گندآلود) که باید از آن بجشند.

﴿هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ۖ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۖ هَذَا فَلْيَذوقُوا
حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ﴾

غساق وادی در جهنم است که در آن سیصد و سی قصر است که در هر قصری سیصد خانه است و هر خانه‌ای چهل گوشه دارد و در هر گوشه‌ای ماری بزرگ و ترسناک، و با هر ماری سیصد و سی عقرب، و در هر سر هر عقربی سیصد و سی نیش‌گزننده سرشار از زهر، که اگر یکی از آن عقربها زهرش را بر اهل دوزخ بریزد تمام آنها را مسموم می‌کند.

﴿هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ۖ﴾ که آنها زُرِيق و حَبْتَر و بنی امیه هستند.

وَ آخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجُ (۵۸)

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ ضَالُّوا النَّارِ (۵۹)

۵۸- و به غیر از این، عذابهای گوناگون دیگری نیز دارند.

۵۹- (به آنها گفته می‌شود:) اینها گروهی هستند که با شما وارد دوزخ می‌شوند، بر آنها خوش آمد مباد، همه آنها در عذاب آتش خواهند بود.

خداوند کسانی را که بعد از آنها که حق آل محمد ﷺ را غصب نموده‌اند را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿وَ آخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجُ هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ﴾

یعنی آنها بنی السباع^۱ هستند و می گویند بنی امیه می باشند.
 ﴿لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ ضَالُّوا النَّارِ﴾ می گویند مراد بنی فلان است.

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتَمُّوهُ لَنَا فَيَبْسُ الْقَرَارُ (۶۰)
 قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرَدُّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (۶۱)
 وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ (۶۲)
 أَخَذْنَا هُمُ سِخْرِيًا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ (۶۳)
 إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۶۴)

۶۰- (آنها به بزرگان خود) می گویند: بلکه خوش آمد بر شما مباد، چونکه این (عذاب را) شما برای ما پیش فرستادید (باعث آن شما شدید)، که بسیار جایگاه بدی است.

۶۱- (سپس به درگاه الهی) عرض می کنند: پروردگارا، هر کس این (عذاب) را برای ما پیش فرستاده، عذابش را در آتش جهنم چندین برابر بیفزای.

۶۲- و می گویند: چه شده که ما مردانی را که از اشرار می شمردیم نمی بینیم؟

۶۳- آیا ما آنها را مسخره می کردیم؟ یا چشمان ما آنها را نمی بینند؟

۶۴- این یک واقعیته است که اهل آتش با هم منازعه می کنند.

﴿بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتَمُّوهُ لَنَا﴾ یعنی شروع به ظلم به آل محمد ﷺ کردید. ﴿فَيَبْسُ الْقَرَارُ﴾ که بسیار جایگاه بدی است.

سپس بنی امیه می گوید: ﴿رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرَدُّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ﴾

۱. آیه الله جزائری در پاورقی تصحیح تفسیر قمی می گوید: بنی السباع مقلوب بنی العباس است.

که مراد اولی و دومی است.

سپس دشمنان آل محمد در آتش جهنم به یکدیگر می گویند: ﴿مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رَجُلًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ﴾ در دنیا و آنها شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند ﴿أَتَّخَذْنَاَهُمْ سَخِرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ﴾ آیا ما آنها را مسخره می کردیم؟ یا چشمان ما آنها را نمی بینند؟

﴿إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقُّ تَخَاصُّمِ أَهْلِ النَّارِ﴾ آنچه که در میان آنهاست.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: به خدا سوگند شماها در بهشت شاد و مسرور هستید ولی دشمنان شما را در جهنم طلب می کنند.^۱



قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸)

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۶۹)

إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۷۰)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِ لِكَيْ إِيَّيْ خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (۷۱)

۶۷- بگو: این خبری بزرگ است.

۶۸- که شما از (شنیدن آن) رویگردانید.

۶۹- من از عالم بالا (فرشتگان آسمان) که با هم (دربارهٔ آفرینش آدم)

مخاصمه می کردند آگاه نیستم.

۷۰- به من وحی می رسد به اینکه من انذار کننده آشکاری هستم.

۷۱- (بیاد بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من بشری از

۱. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۵۳ و ج ۶۵، ص ۱۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۰

گل خواهیم آفرید.

خلافت امیرالمومنین علیه السلام در شب معراج

خداوند عز و جل فرمود: ای محمد بگو: ﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ﴾ که
امیرالمومنین علیه السلام نبأ عظیم است.

﴿أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى - تَا - مُبِينٌ﴾

اسماعیل جعفری گوید در مسجد الحرام نشسته بودم و حضرت ابی
جعفر علیه السلام نیز در گوشه ای نشسته بود، سر بلند کرده نگاهی به آسمان و
نگاهی به کعبه کرد و فرمود: ﴿سَيَحْانَ الَّذِي اسْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
إِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَى﴾ سه بار این آیه را تکرار کرد، آنگاه متوجه من شد و
فرمود: اهل عراق درباره این آیه چه می گویند؟
عرض کردم: می گویند خداوند رسول خود را از مسجد الحرام به
بیت المقدس برد.

فرمود: اینطور نیست که آنان می گویند لیکن از اینجا به اینجا سیرش
دادند^۱ و با دست اشاره به آسمان کرد و فرمود: ما بین آن دو حرم است. آنگاه
فرمود: به سدره المنتهی رسید جبرئیل از همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله باز
ایستاد.

پرسید: آیا در چنین جائی مرا تنها می گذاری؟

گفت: تو پیش برو که به خدا سوگند به جایی رسیده ای که هیچ خلقی از
خلائق بدانجا نرسیده و نخواهد رسید؛ اینجا بود که پروردگار خود را دید^۲ و

۱. علامه طباطبائی می گوید: مقصود «از اینجا به اینجا سیرش دادند» یعنی آنجناب را از کعبه

به بیت المعمور سیر دادند. میزان، ج ۱۳، ص ۲۴

۲. و اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اینجا بود که پروردگار خود را دیدم» معنایش دیدن به چشم

تنها سبجه میان او و خداوند فاصله بود.^۱

پرسیدم: فدایت شوم سبجه چیست؟

حضرت با صورت خود اشاره به زمین و با دست خود اشاره به آسمان

کرد و سه بار گفت: «جلال ربی جلال ربی».

آنگاه خطاب شد: که ای محمد!

گفت: لبیک یا رب.

خطاب رسید: ساکنان آسمان در چه چیز مشاجره می‌کنند؟

پیامبر گفت: خداوندا تو منزهی، من علمی ندارم جز آنچه که تو به من

آموختی.

رسول خدا سپس فرمود: پس خدای تعالی دست در میان دو سینه‌ام

گذاشت^۲ و من برودت و خنکی آن را در میان دو کتفم احساس کردم، آنگاه

هیچ چیز از گذشته و آینده از من نپرسید مگر آنکه پاسخ آن را دانستم، در

پایان پرسید: ای محمد! ساکنان آسمانها در چه چیز مخاصمه و نزاع دارند؟

گفتم: در درجات، کفارات و حسنات.

فرمود: ای محمد نبوتت به پایان رسید، و خوردنت تمام شد، چه کسی را

برای جانشینی خود در نظر گرفته‌ای؟

عرض کردم: پروردگارا من همه خلقت را آزمایش کرده‌ام کسی را مطیع‌تر

از علی برای خود نیافتم.

فرمود: ای محمد! همچنین مطیع‌تر از همه خلق نسبت به دستورات من است.

قلب است نه به چشم سر. همان، ص ۲۵

۱. و اینکه فرمود: «تنها سبجه میان پیامبر و خدا فاصله بود» معنایش این است که در نزدیکی

به خدا به جایی رسید که میان خدا و پیامبر جز جلال او فاصله‌ای نماند. همان

۲. و اینکه فرمود: «خدای تعالی دست در میان سینه‌ام گذاشت» کنایه از رحمت الهی است، و

حاصل معنایش این است که علمی از ناحیه او به قلبم وارد شد که هر شک و ریبی را از میان برد.

عرض کردم: پروردگارا همه خلقت را آزمودم کسی را نسبت بخودم علاقمندتر از علی نیافتم.

فرمود: و همچنین نسبت به من، پس ای محمد! او را بشارت بده به اینکه آیات هدایت و پیشوای اولیای من و نور برای فرمانبران من و کلمه باقیه‌ایست که من متقین را ملزم به پذیرفتن آن کرده‌ام، هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته، علاوه بر این، من او را به خصائص اختصاص داده‌ام که احدی را به آن اختصاص نداده‌ام. عرض کردم: پروردگارا آخر او برادر من و صاحب و وزیر و وارث من است.

فرمود: این امری است که قضایش مقدر شده که او باید مبتلا شود و مردم هم به وسیله او امتحان شوند، علاوه بر این من او را ارث داده‌ام و ارث داده‌ام و ارث داده‌ام و ارث داده‌ام، چهار چیز را که گره آنها به دست اوست و او هرگز فاش نمی‌کند.^۱

سپس خداوند خبر ابلیس را حکایت کرده و فرمود: ﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ﴾ که ما داستان آدم و ابلیس را در محل خودش نوشته‌ایم.^۲

قَالَ يَا ابْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَتَكْبَرُ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ (۷۵)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۷۶)

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۷۲

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۶۹؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۴

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۷۷)

وَإِنْ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۷۸)

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۷۹)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۸۰)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۸۱)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (۸۳)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ (۸۴)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبَعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۵)

۷۵- (خداوند) فرمود: ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد برای آن موجودی

که با دست خود آفریدم سجده نکنی؟ آیا تکبر ورزیدی یا از بزرگان بودی؟

۷۶- (ابلیس) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از گل آفریده‌ای.

۷۷- (خداوند) فرمود: از جایگاهت (آسمان‌ها) بیرون شو که تو از رانده

شدگان هستی.

۷۸- و همانا لعنت من تا روز قیامت بر تو باد.

۷۹- گفت: پروردگارا، پس به من تا روز قیامت مهلت بده (زنده مانم).

۸۰- فرمود: تو از مهلت یافتگانی،

۸۱- تا روز معین و زمان مشخص.

۸۲- گفت: به عزّت و جلال تو سوگند که همه آنها (انسان‌ها) را گمراه

خواهم کرد.

۸۳- مگر بندگان خالص تو از آنها.

۸۴- فرمود: به حق سوگند، که حق می‌گویم،

۸۵- که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی کرده‌اند پُر خواهم کرد.

ابوبصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند همه آفریده‌هایش را به دست خویش آفرید، به آدم محتاج نشد در حالی که آدم را نیز به دست خودش آفریده است و می‌فرماید: ﴿مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيدَيَّ﴾ آیا نمی‌بینی که خداوند همه اشیاء را به دست خویش مبعوث می‌کند.^۱
﴿خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾

اسحاق بن حریر گوید امام صادق علیه السلام فرمود: اصحاب شما درباره گفتار شیطان که گفت مرا از آتش و آدم را از گل آفریدی چه عقیده دارند؟
گفتم: فدایت گردم می‌گویند که او از آتش خلق شده همانطور که از مضمون آیه استنباط می‌شود.

فرمودند: بلی ملعون دروغ گفته، ای اسحاق خداوند او را از گل آفریده است آن‌گاه گفت: خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ﴾^۲ بدین طریق که او را از آتشی که از درخت سبز اقتباس شده بود آفرید و اصل درخت نیز از گل است.^۳

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ فرمود: مراد از ﴿يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ روزی

۱. بحار الانوار، ج ۴، ص ۱؛ ج ۱۱، ص ۱۵۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۷۲؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۵

۲. یس، آیه ۸۰؛ همانا خدایی که از درخت سبز برای شما آتشی قرار داد که شما به وسیله آن آتش می‌افروزید.

۳. قصص الانبیاء جزائری، ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۴ و ج ۶۰، ص ۲۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۹؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۷۲

است که رسول خدا ﷺ او را بر روی صخره‌ای در بیت المقدس ذبح می‌کند.^۱
 سپس ابلیس گفت: ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ
 الْمُخْلِصِينَ﴾ به عزّت و جلال تو سوگند که همه آنها (انسان‌ها) را گمراه خواهم
 کرد، مگر بندگان خالص تو از آنها.

پس خداوند فرمود: ﴿فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ * لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ
 مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ به حق سوگند، که حق می‌گویم، که جهنم را از تو و از همه
 کسانی که از تو پیروی کرده‌اند پُر خواهم کرد.^۲

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۸۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۸۷)

وَلِتَعْلَمَنَّ نَبَأُ بَعْدِ حِينٍ (۸۸)

۸۶- (ای پیامبر) بگو: من از شما به خاطر دعوت نبوتم هیچ اجری
 نمی‌خواهم، و من از متکلفین نیستم. (سخنان بی‌پایه و بدون برهان
 نمی‌گویم).

۸۷- این قرآن نیست مگر اندازی از برای عالمان.

۸۸- و شما خبر آن را بعد از زمانی خواهید شنید.

ابن عباس در تفسیر این آیه گوید: ای محمد بگو: ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ﴾
 یعنی بر آنچه که شما را دعوت می‌کنم هیچ مالی نمی‌خواهم.
 ﴿وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ یعنی آنچه را که می‌گویم از خودم نیست.
 ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ﴾ که اراده موعظه می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۴؛ قصص الانبیاء جزائری، ص ۳۷؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۷۲

۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۴

﴿لِلْغَالِمِينَ﴾ که اراده همه خلق را می کند.
 ﴿وَلِتَعْلَمَنَّ﴾ ای گروه مشرکین.
 ﴿نَبَأُهُ بُعْدَ حِينٍ﴾ یعنی هنگام مرگ و بعد از مرگ که روز قیامت باشد.^۱



تفسیر سورة زمر



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۳۹ - سورة زمر در مکه نازل

شده و دارای ۷۵ آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)
إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (۲)
أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا
إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ
كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)

۱- این کتابی است که از جانب خداوند قادر و حکیم نازل شده است.

۲- همانا ما این کتاب را بر توبه حق نازل کردیم، پس خداوند را عبادت کن
و دینت را برای او خالص گردان.

۳- آگاه باشید که دین خالص از برای خداست، و کسانی که غیر خدا را
اولیاء خود گرفتند، (دلیل می آورند که:) ما اینها (بتان) را نمی پرستیم مگر
برای اینکه ما را به پیشگاه الهی نزدیک کنند. همانا خداوند درباره آنچه که
اختلاف داشتند میانشان داوری می کند، خداوند کسی را که دروغگو و
کفران کننده است را هدایت نمی کند.

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ این کتابی است که از جانب خداوند
قادر و حکیم نازل شده است. سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار

داده و فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ * أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ که این آیات لفظش خبر و معنایش حکایت می باشد و آن اینکه قریش می گفتند: ما برای تقرب به خداوند و نزدیکی به او بت ها را عبادت می کنیم چرا که ما نمی توانیم مستقیماً حق عبادت خداوند را به جا آوریم که خداوند گفته آنها را بر لفظ خبر حکایت کرده ولی معنایش حکایت حال آنهاست پس خداوند فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ همانا خداوند درباره آنچه که اختلاف داشتند میانشان داوری می کند.^۱

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۴)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ فِي بَطْنٍ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُصْرَفُونَ (۶)

۴- اگر خداوند می خواست فرزندی اختیار کند، آنچه را که می خواست از میان مخلوقاتش برمیگزید، پاک و منزّه است، او خداوند یگانه و قهار است.

۵- آسمانها و زمین را به حق آفرید، شب را با روز و روز را با شب

می پوشاند، و خورشید و ماه را مسخر کرده است، هر کدام تا وقت معینی در حرکت هستند، آگاه باشید که او قادر و آمرزنده است.

۶- او شما را از یک نفس (آدم) آفرید، سپس از آن همسرش (حوّا) را قرار داد، و برای (استفاده) شما از چهارپایان هشت زوج را ایجاد کرد، و شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر در میان تاریکی های سه گانه (مشیمه و رحم و بطن) آفرید، این است خداوند، پروردگار شما که حکومت از برای اوست، هیچ معبودی جز او نیست، پس چرا از راه راست منحرف می شوید.

خداوند کسانی را که گفتند، خداوند برای خود بچه ای گرفته است را رد کرده و فرمود: ﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ - تا - ﴿يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ﴾^۱ یعنی شب را با روز و روز را با شب می پوشاند.

سپس خداوند خلق را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ یعنی آدم و همسرش حواء. ﴿وَأَنْزَلَ لَكُمْ﴾ یعنی برای شما آفرید.

﴿مِنَ الْإِنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ﴾ این آیه را در سورة انعام تفسیر کرده ایم.^۱ ﴿يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ﴾^۲ مراد از ظلمات سه گانه شکم و رحم و تخمدان است.

﴿ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُصْرَفُونَ﴾ این است خداوند، پروردگار شما که حکومت از برای اوست، هیچ معبودی جز او نیست، پس

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۲۳

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۵۶؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۲۴

چرا از راه راست منحرف می‌شوید.

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نِسِيَ مَا كَانَ يُدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (۸)

۷- اگر کفران کنید، همانا خداوند از شما بی‌نیاز است، و برای بندگان کفر را نمی‌پسندد، و اگر شکرش را به جای آورید آن را برای شما می‌پسندد. هیچ گناهکاری بازگناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد، سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان است، پس شما را بدانچه که عمل می‌کردید آگاه می‌کند، چرا که او به آنچه که در سینه‌هاست آگاه است.

۸- و هنگامی که به انسان زیانی می‌رسد پروردگارش را می‌خواند و به سوی او برمی‌گردد، سپس هنگامی که نعمتی به او روی می‌آورد آنچه را که قبلاً خداوند را به خاطر آن می‌خواند را فراموش می‌کند، و برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد تا (مردم را) از راه خدا گمراه سازد، بگو: چند روزی به خاطر کفرت بهره‌ای بردار، همانا که تو از اهل دوزخ جهنم هستی.

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾ این ناسپاسی نعمت‌هاست.

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ - تا - وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ یعنی

برای خدا شریک قرار می‌دهد.

﴿قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾ این آیه درباره‌ی ابی فلان نازل شده است.

أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آثَاءُ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ (۹)
 ۹- (آیا کسی که همیشه در حال عصیان است بهتر می‌باشد) یا کسی که ساعات شب را به اطاعت خداوند در حال سجود و قیام است، از عذاب آخرت می‌ترسد، و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟ بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند مساوی هستند؟ همانا فقط صاحبان عقل و اندیشه متذکر می‌شوند.

﴿قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾ این آیه درباره‌ی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام نازل شده است.
 ﴿وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ - اِی محمد - هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ یعنی صاحبان عقل‌ها و اندیشه‌ها.^۱

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵)

۱۵- پس شما هر چه را که می‌خواهید به غیر از او (خداوند) را بپرستید.
 بگو: همانا زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت خودشان و بستگانشان در خسران و زیان هستند، آگاه باشید که این زیان آشکاری است.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فرمودند: ﴿قُلْ إِنَّ

الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ یعنی در نفس خود و اهلشان مغبون شدند ﴿وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ بستگانشان در خسران و زیان هستند، آگاه باشید که این زیان آشکاری است.

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

۱۶- برای آنها از بالا سایه‌هایی از آتش، و از زیر پاهایشان هم سایه‌هایی از آتش می‌باشد، این چیزی است که خداوند به وسیله آن بندگانش را می‌ترساند، ای بنده‌گان من از (عذاب من) بترسید.

﴿لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ﴾ یعنی آتش از بالای سرشان و از زیر پاهایشان سایه می‌اندازد.^۱

مرکز تحقیقات پژوهش‌های اسلامی

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفَ اللَّهُ الْمِعَادَ (۲۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لَأُولِي الْأَلْبَابِ (۲۱)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۲)

۲۰- لکن کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، برای آنها غرفه‌هایی در بهشت است که بر بالای آن غرفه‌ها، غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آنها

نهرها جاری است، این وعده الهی است، خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند.

۲۱- آیا ندیدی که خداوند از آسمان آب نازل کرد و آن را در روی زمین به صورت چشمه‌هایی قرار داد، سپس به وسیله آن زراعتی با رنگ‌های گوناگون خارج می‌سازد، سپس آن گیاهان را می‌خشکاند که آن را زرد رنگ می‌بینی، سپس آن را به صورت چوب خشکی شکننده در می‌آورد، همانا در اینها برای صاحبان عقل و اندیشه تذکری است.

۲۲- آیا کسی که خداوند سینه‌اش را به وسیله اسلام گشاده است، که او بر نوری از پروردگارش می‌باشد (با اشخاص کافر بی نور و تنگ سینه یکسان است)؟ پس وای بر کسانی که قلب‌هایشان در برابر ذکر الهی سخت شده است، همانا آنها در گمراهی آشکاری هستند.

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

آنچه که خداوند در بهشت بر ولی‌اش عطا می‌کند

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ تَالْمِيعَادِ﴾

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه سؤال کرد: ای پیامبر خدا! این غرفه‌ها را با چه چیز و برای چه کسانی ساخته‌اند؟

فرمود: ای علی این غرفه‌هایی است که خدا آنها را برای اولیاء خود با در و یاقوت و زبرجد ساخته است، سقف‌هایش از طلاست، و با نقره محکم شده و به هم پیوسته، هر غرفه‌ای را هزار در زرین است و بر هر دری فرشته‌ای گماشته است، و در آن فرشهای گرانبها بر روی یکدیگر، از ابریشم و دیبا به رنگهای گوناگون، درون آنها انباشته از مشک و عنبر و کافور، و این گفته خداست:

﴿وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ﴾^۱ و فرشهای گرانبها.

چون مؤمن در بهشت به منزلهای خود وارد شود بر سر او تاج ملک و بزرگواری نهند و آرایه‌های زر و سیم و یاقوت و درّ به رشته کشیده شده در نیم تاجی زیر تاج بر او بیاویزند و هفتاد جامه حریر به رنگهای گوناگون، بافته شده از زر و سیم و دانه‌نشان به مروارید و یاقوت سرخ بر او بپوشانند، و این گفته اوست: ﴿يُحَلُّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾^۲ در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته شوند و لباسشان از حریر باشد.

چون مؤمن بر تخت خود نشیند تختش از شادی به جنبش درآید، و چون دوستدار خدا در منازل خود در بهشت استقرار یابد، فرشته گماشته بر باغ بهشتی او را به بزرگداشتی از جانب خدا شادباش گوید و خدمتگزاران و کنیزان مؤمن به او خوش آمد گویند و دوستدار خدا بر تخت خود تکیه زند و همسر حوریّه زیبایش نزد او رود و چندان برای دوستدار خدا درنگ کند تا او از کار خود فارغ شود.

امام علیه السلام فرمود: همسر حوریّه‌اش از خیمه بیرون می‌آید و با مهربانی به استقبال او می‌رود که به هفتاد حله از یاقوت و لولو و زبرجد آراسته شده و به مُشک و عنبر عطر آگین شده و بر سرش تاج کرامت و کفش‌هایی از طلا بر پاهایش پوشیده که با یاقوت و لولو زینت داده شده و بند آن کفش‌ها از یاقوت احمر می‌باشد. چون با شوق و علاقه نزدیک ولی خدا می‌رسد به او می‌گوید: ای ولی خدا این روز روزِ تعب و سختی و رنج نیست، من برای تو و تو برای

۱. واقعه، آیه ۳۴

۲. فاطر، آیه ۳۳

من هستی و همدیگر را به مدت پانصد سال از سال‌های دنیا با عشق و علاقه در آغوش می‌گیرند و دست در گردن هم می‌اندازند.

امام علیه السلام فرمود: پس آن ولی خدا در گردن آن حوریه گردنبندی از تارهای نازک از یاقوت احمر می‌بیند که در وسط آن نوشته شده، تو ای ولی خدا حبیب من هستی و من حوریه نیز حبیب تو می‌باشم، نفسم را به تو هبه کرده‌ام و تو نیز نفست را به من هبه کن.

سپس خداوند هزار ملک مبعوث می‌کند که تا ورود او را به بهشت تهنیت گویند و حوریه را به ازدواج او در آورند. چون آنها به اول در بهشت می‌رسند و به ملک موکل درهای بهشت می‌گویند: به ما اجازه دهید که به نزد ولی خدا برویم که خداوند ما را برای تهنیت گفتن به او فرستاده است.

آن ملک می‌گوید: به حاجب بگویم و جایگاه شما را به او بگویم.

پس آن ملک به نزد حاجب که بین او و حاجب فاصله سه بهشت است می‌رود تا اینکه به در اول می‌رسد و به حاجب می‌گوید: در باب بهشت هزار ملک است که خداوند آنها را فرستاده است، آمده‌اند ولی خدا را تهنیت بگویند و درخواست دارند که به آنها اجازه ورود داده شود.

حاجب می‌گوید: مقام او بزرگتر از این است که به کسی اجازه دهم نزد او برود و او با همسرش است.

امام علیه السلام فرمود: بین حاجب و ولی خدا دو بهشت فاصله است، حاجب به نزد قیم می‌رود و به او می‌گوید: در باب غرفه هزار ملک است که خداوند عالَمین آنها را فرستاده تا بر ولی خدا تهنیت بگویند، اجازه ورود به آنها بده.

قیم به نزد خادمان ولی خدا می‌رود و به آنها می‌گوید: فرستاده‌های خداوند جبار در باب غرفه است که هزار ملک می‌باشند تا بر ولی خدا تهنیت

بگویند. جایگاه او را به آنها نشان بده.

خادمان به ملائکه اجازه می‌دهند و آنها وارد بر ولی خدا می‌شوند که در غرفه‌ای است که دارای هزار در و هر دری دارای ملک موکلی می‌باشد، چون به ملائکه اذن ورود بر ولی خدا می‌دهند هر ملکی در مخصوص به خودش که موکل بر آن است را باز می‌کند که هر ملکی از یکی از آن درها وارد می‌شود و پیام خداوند جبار را به او می‌رسانند، و آن فرمایش خداوند است که می‌فرماید: ﴿وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾^۱ یعنی از درهای غرفه ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾^۲ و به آنان گویند: سلام بر شما به پاس استقامت و صبرتان در برابر عبادت، معصیت و مصیبت، پس نیکوست فرجام این سرای.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلُكًا كَبِيرًا﴾^۳ و چون آن جایگاه نیکو را مشاهده کنی عالمی پر نعمت و کشوری بی‌نهایت بزرگ خواهی دید.

یعنی هر چه که از کرامت و نعمت‌ها و ملک عظیم که در آن می‌بینی همه برای ولی خداست. همانا ملائکه فرستاده شده از جانب خداوند جبار اجازه ورود بر او را می‌گیرند زیرا کسی بدون اجازه آن ولی خدا نمی‌تواند بر او وارد شود که در آن ملک عظیم است که در زیرش نهرها جاری می‌باشد.^۴

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ﴾ درباره

۱. رعد، آیه ۲۳؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان درآیند.

۲. رعد، آیه ۲۴

۳. انسان، آیه ۲۰

۴. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۸؛ تاویل الآيات الظاهرة، ص ۷۲۱؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۸۲؛

تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۳۴

امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.^۱

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ﴾ که مراد از «ینابیع» یعنی آب چشمه‌ها و چاه‌هاست از آن چیزهائی که خداوند از آسمان نازل فرموده و در دل زمین جای گرفته است.

﴿ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ﴾ یعنی خشک شده تا اینکه زرد می‌شوند.

﴿ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً﴾ «حطام» یعنی زمانی که خشک شد و ریزه ریزه گردید.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)

۲۹ - خداوند مثلی زده است: مردی که شریکانی دارد و دائماً با هم در حال مشجره هستند با مردی که تسلیم امر یک نفر است، آیا این دو با هم یکسان هستند؟ حمد و سپاس از برای خداست، بلکه بیشتر مردم نمی‌دانند.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ﴾ این مثلی است که خداوند برای امیرالمؤمنین علیه السلام و کسانی که به آن حضرت ظلم کرده و حقش را غصب نموده‌اند زده است.

﴿مُتَشَاكِسُونَ﴾ یعنی کسانی که در ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اختلاف کرده و او را دشمن می‌داشتند.

﴿وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام که تسلیم و خالص از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، سپس فرمود: ﴿هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۳۶؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۸۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۶۴

لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾ آیا این دو با هم یکسان هستند؟ حمد و سپاس از برای خداست، بلکه بیشتر مردم نمی دانند.

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (۳۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (۳۱)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۳۲)

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳)

۳۰- همانا تو می میری و آنها نیز خواهند مُرد.

۳۱- پس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاطمه (دادخواهی) می کنید.

۳۲- پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خداوند دروغ بسته و سخن راست را هنگامی که به نزد او آمد را دروغ خواند؟ آیا در جهنم جایگاهی از برای کافران نیست؟

۳۳- و آن کسی که سخن راست آورد و کسی که آن را تصدیق کرد، از پرهیزگاران هستند.

خداوند پیامبرش را تعزیت گفته و فرمود: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و کسی که حق او را غصب نمود.

سپس خداوند دشمنان آل محمد علیهم السلام و کسی که بر خدا و رسولش دروغ بست و ادعای آن چیزی را کرد که برای او نبود را ذکر کرده و فرمود: ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ﴾ یعنی به آنچه که از حق و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.

سپس رسول خدا ﷺ و امیر المؤمنین علیؑ را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ﴾ یعنی امیر المؤمنین علیؑ ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ آنها از پرهیزگاران هستند.

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

۳۶ - آیا خداوند برای بنده‌اش کفایت نمی‌کند؟ و آنها تو را از غیر او می‌ترسانند، و کسی را که خداوند گمراه کند برای او هدایت کننده‌ای نیست.

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾ یعنی جمعی از منافقان امت تو می‌گویند: قبول ولایت علی را از ما مخواه و ما را از طلب این معنی معاف دار و می‌ترسانند تو را که اگر ما را در این باب معاف نداری از دین تو گذشته ملحق به کفار خواهیم شد.^۱

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۴۲)

۴۲ - خداوند هنگام مرگ ارواح را می‌گیرد، و ارواحی که نمرده‌اند را در هنگام خواب می‌گیرد، پس ارواح کسانی را که مرگشان فرا رسیده را نگه می‌دارد و بقیه (ارواحی که مرگشان فرا نرسیده) را (به بدن‌ها) بر می‌گرداند تا وقت معین آنها، همانا در این نشانه‌ای است برای کسانی که تفکر می‌کنند.

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا﴾

امام جواد علیه السلام می فرماید: روزی امیر المؤمنین علیه السلام با حضرت امام حسن علیه السلام نشستند و آن حضرت بر دست سلمان فارسی تکیه داده بودند که شخص نیکو منظر و پاکیزه لباسی وارد شد و سلام کرد، امیر المؤمنین علیه السلام پاسخ او را داد، او نشست و عرض کرد: ای امیر المؤمنین علیه السلام سه سوال از حضرتت می نمایم چنانچه جواب آن را بفرمائید یقین دارم که بر شما ظلم شده و این مردم خلافت و حقوق شما را غصب نموده اند، و از دین خارج شده اند در دنیا جز مومنین شمرده نمی شوند و در آخرت هم بهره ای ندارند.

فرمود: هر چه می خواهی سؤال کن.

گفت: شخصی که در خواب است روح او کجا می رود؟

امیر المؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: ای ابامحمد جواب سؤال این مرد را بده.

آن حضرت در جواب سؤال او چنین فرمود: چون شخص به خواب می رود روح او متعلق به باد است و آن باد هم تعلق در هوا گیرد تا وقتی که صاحبش حرکت کند اگر پروردگار اذن و اجازه به برگشتن آن روح بفرماید باد هوا را جذب نموده و آن روح در بدن صاحبش آرام و قرار می گیرد و چنانچه به برگشتن روح اجازه نفرماید هوا باد را و باد روح را جذب و خارج می کند و به بدن صاحبش بر نمی گردد تا وقتی که برانگیخته شود. که این سوالات سه گانه گذشت.^۱

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا
وَلَا يَعْلَمُونَ (۴۳)

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴)
وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ
الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۵)

۴۳ - آیا آنها (مشرکان) به غیر از خداوند شفیعی برای خود گرفته‌اند؟ (به
آنها) بگو: اگر چه مالک چیزی نباشند و هیچ عقل و شعوری برای آنها
نباشد (باز آنها را شفیع خود قرار می‌دهید؟).

۴۴ - بگو: شفاعت همه از برای خداست، که حکومت آسمانها و زمین از
برای اوست، سپس همگی به سوی او باز گردانده می‌شوید.

۴۵ - و هنگامی که خداوند (در نزد آنها) به یگانگی یاد می‌شود قلب‌های
کسانی که به آخرت ایمان نیاورده‌اند (از آن) متنفر می‌گردند، و هنگامی که
غیر از خداوند (در نزد آنها) یاد می‌شود خوشحال می‌گردند.

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ﴾ یعنی بت‌ها را شفیعیان خود گرفته‌اند تا
روز قیامت از آنها شفاعت کند و گفتند که فلانی و فلانی روز قیامت در
پیشگاه خداوند از ما شفاعت می‌کنند.^۱

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾ هیچ کسی بدون اذن خداوند شفاعت نمی‌کند.^۲
﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ - تا - إِذَا هُمْ
يَسْتَبْشِرُونَ﴾ این آیه درباره فلانی و فلانی و فلانی نازل شده است.

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۴

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۳

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳)

۵۳- بگو: ای بندگان من که بر خویشتن اسراف نموده‌اید از رحمت الهی
ناامید نباشید، که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا که او آمرزنده و
مهربان است.

﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ
الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ این آیه مخصوص درباره شیعیان
امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.^۱

ابوحمره گوید امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند در روز قیامت عذر کسی را که
بگوید: ای پروردگار من، ندانستم که والی امر مردم فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام
است را نمی‌پذیرد و او را به عذاب ابد مبتلا می‌گرداند، و درباره شیعیان
بچه‌های فاطمه علیها السلام این آیه مخصوص نازل شده است: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ
أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾ ای بندگان من که بر خویشتن
اسراف نموده‌اید از رحمت الهی ناامید نباشید.^۲

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا
تُنصَرُونَ (۵۴)

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ
لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۶

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۶

السَّخِرِينَ (۵۶)

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷)

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

بَلَىٰ قَدْ جَاءَ نَكَآئِي فَكَذَّبْتُ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتُ وَكُنْتُ مِنَ الْكَافِرِينَ (۵۹)

۵۴- و به سوی پروردگارتان باز گردید، و در برابرش تسلیم شوید، قبل از اینکه عذاب الهی به سوی شما بیاید، که در آن هنگام هیچ یآوری نداشته باشید.

۵۵- و از بهترین دستورهایی که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل شده پیروی کنید، قبل از اینکه عذاب الهی ناگهان شما را در بر بگیرد، و شما از آن خبر ندارید.

۵۶- (تا اینکه روز قیامت) کسی نگویید: وا حسرتا که من از فرمان الهی کوتاهی کردم و از مستخره کنندگان بودم.

۵۷- یا اینکه بگویید: اگر خداوند مرا هدایت می فرمود، من نیز از پرهیزگاران می بودم.

۵۸- یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: ای کاش اگر بار دیگر (به دنیا) باز می گشتم از نیکوکاران می شدم.

۵۹- آری! به تحقیق آیات من به سویت آمد، پس تو آن را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران بودی.

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾ یعنی به سوی پروردگارتان توبه کنید.

﴿وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾ و اَتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا

أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ یعنی از قرآن و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) پیروی کنید.

و دلیل بر آن این آیه است: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾ مراد از «جنب الله» امام است زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: ما «جنب الله» هستیم.

سپس فرمود: ﴿أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: ای کاش اگر بار دیگر (به دنیا) باز می گشتم از نیکوکاران می شدم.

پس خداوند آنها را رد کرده و فرمود: ﴿بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا﴾ که مراد از آیات ائمه علیهم السلام می باشند.

﴿وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ یعنی به خداوند تکبر ورزیدی.

و يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۶۰)

۶۰- و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ می بستند را می بینی که

صورت هایشان سیاه است، آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟

﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ﴾

ابوالمعزی گوید امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ادعای امام بکند و امام نباشد، روز قیامت می بینی که بر خداوند دروغ بسته اند و صورت هایشان سیاه است.

راوی گوید: عرض کردم: اگر چه آن شخص از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام باشد؟

امام علیه السلام فرمود: اگر چه علوی و از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام

باشد.^۱

﴿الْأَنسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾

عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: در جهنم وادی برای متکبرین است که به آن سقر می گویند که از شدت گرما به خداوند شکایت کرد و خواست که نفسی بکشد، چون نفس کشید جهنم از نفس او روشن گردیده و شعله ور شد.^۲

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ
الْخَاسِرُونَ (۶۳)

قُلْ أَفَغَيَّرُ اللَّهَ تَأْمُرُونَنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)
وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ
وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵)

۶۳- کلیدهای آسمانها و زمین برای اوست، و کسانی که به آیات الهی کافر شدند، آنها از زیانکاران می باشند.

۶۴- بگو: ای جاهلان! آیا به من دستور می دهید که غیر خدا را بپرستم؟

۶۵- و به تحقیق به تو و انبیانی که قبل از تو بوده اند وحی شده که اگر مشرک شوی تمام اعمالت نابود می گردد، و از زیانکاران خواهی بود.

﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ یعنی کلیدهای آسمانها و زمین.

سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۵۴؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۹
۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۴؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۵۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۹؛
نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۶

الْخَاسِرِينَ ﴿۶۵﴾ خطاب این آیه پیامبر ﷺ است و مراد از امت، آن حضرت می باشد.

ابوحمزه گوید از امام باقر علیه السلام درباره این آیه خداوند بر پیامبرش ﴿لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ سؤال کردم.

فرمود: تفسیر آیه این است که اگر بعد از خودت با ولایت علی به ولایت دیگری نیز دستور دهی عمل تو از بین می رود و از زیانکاران خواهی شد.^۱

بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶)

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ

مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷)

۶۶- بلکه فقط خدا را عبادت کن و از شکر گزاران باش.

۶۷- و آنها آنطور که شایسته خداوند است او را نشناختند، و روز قیامت

تمام زمین در قبضه قدرت اوست، و آسمانها پیچیده در دستانش می باشد،

پاک و منزّه و برتر است از آنچه که برای او شریک قرار می دهند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند متعال پیغمبر خود را به روش «دخترم

به تو می گویم عروسم تو بشنو» مبعوث فرموده است. و دلیل بر آن این آیه

است: ﴿بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾

پیامبر ﷺ خداوند را عبادت می کند و شکر می نماید و لکن خداوند هم

پیامبرش را به دعا به سوی خویش فرا می خواند تا امتش تادیب شوند.^۲

﴿وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾ درباره خوار نازل شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۸۴

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۹۸

﴿وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ﴾ یعنی در قدرت اوست.^۱

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ
ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (۶۸)

۶۸- و در صور دمیده می شود، پس کسانی که در آسمان ها و زمین هستند همه می میرند مگر کسانی را که خداوند بخواهد، سپس برای بار دیگر در آن دمیده می شود، پس ناگهان همه خلایق بر می خیزند و نظاره گر (حساب و جزا) می شوند.



چگونگی نفخ صور

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ
ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾

ثویر بن ابی فاخته از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده که شخصی از آن جناب از فاصله بین دو نفخه پرسید که چقدر است؟
فرمود: هر قدر که خدا بخواهد.

عرض شد: ای فرزند رسول خدا به من خبر بده چگونه در صور دمیده می شود؟

فرمود: اما دمیدن اول چنین است که خدای تعالی به اسرافیل امر می کند که به زمین بیاید، در حالی که صور همراه اوست، صور یک سر و دو طرف دارد، فاصله بین سر و هر طرف تا طرف دیگر همانند ما بین آسمان و زمین است،

پس وقتی ملائکه دیدند اسرافیل با صور به دنیا می آید می گویند: خداوند اذن داده که اهل زمین و آسمان بمیرند.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: پس اسرافیل به حظیره بیت المقدس هبوط می کند در حالی که او روبه روی کعبه است، وقتی اهل زمین او را ببینند می گویند: خداوند به مرگ اهل زمین اجازه داده، پس اسرافیل یک بار در صور می دمَد، صدا از طرفی بیرون می آید که روبه زمین است، پس در زمین صاحب روحی باقی نمی ماند مگر آن که صیحه کشیده و می میرند، بار دیگر صدا از طرفی بیرون می آید که رو به آسمان هاست، پس در آسمان ها صاحب روحی نمی ماند مگر آن که صیحه کشیده و می میرند، فقط اسرافیل زنده می ماند.

امام سجّاد علیه السلام ادامه داد: پس خداوند به اسرافیل می فرماید: ای اسرافیل بمیر، پس اسرافیل می میرد، همه در همین حالت مرگ به مقداری که خدا بخواهد می مانند، سپس خداوند به آسمانها امر می کند که به جریان بیافتند، به کوهها امر می کند که حرکت کنند، این است معنای قول خدا که فرمود: يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا^۱ یعنی زمین گسترش پیدا می کند و تبدیل به زمینی غیر از این زمین می شود، یعنی زمینی می شود که بر روی آن گناه نشده است، کوه و گیاه در آن نیست، همانطور که زمین را بار اول گسترش داد، عرش خود را بر آب برمی گرداند همانطور که بار اول چنان بود در حالی که خدای تعالی مستقل به عظمت و قدرت خویش است.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: در این هنگام جبار تبارک و تعالی با صدای بلندی از جانب خودش ندا می کند به طوری که همه اقطار آسمانها و زمینها

می شنوند: ﴿لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ﴾^۱ امروز ملک و پادشاهی از آن کیست؟

پس هیچ کس جواب نمی دهد، در این هنگام جبار عز و جل به خودش جواب می دهد و می گوید: ﴿لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾^۲ و من بر همه خلایق غالب هستم و همه را من میراندم، به درستی که من خدا هستم و جز من هیچ پرستیده و خدایی نیست، من دارای شریک و وزیر نیستم، خلقم را با دست خود آفریدم، آنان را با مشیت خود میراندم، آنان را با قدرت خود زنده می کنم.

امام سجاده علیه السلام فرمود: پس جبار تبارک و تعالی بار دیگر در صور می دمد، از آن طرف که رو به آسمان هاست صدایی بیرون می آید، پس در آسمانها کسی نمی ماند جز این که زنده شده و می ایستند همانطور که پیش از آن بوده است، حاملین عرش برمی گردند، بهشت و جهنم حاضر می شود، خلایق برای حساب فراهم می آیند. راوی می گوید: در آن هنگام امام سجاده علیه السلام گریه شدیدی کردند.^۳

جمیل بن دراج گوید امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامیکه پروردگار اراده می فرماید که خلایق را زنده کند چهل روز باران می بارد و بر اثر آن استخوانهای پوسیده بهم اتصال پیدا می نماید و گوشتها روئیده می شود آن گاه فرمود: روزی جبرئیل نازل شد پیغمبر را بطرف بقیع برد، به گوری رسیدند، جبرئیل صاحب آن را صدا زد و گفت: به اذن خدا به پا خیز.

ناگاه مرد سفید موئی از قبر بیرون آمد خاکها را از سر و صورت خود پاک می کرد و می گفت: «الحمد لله والله اکبر».

۱. غافر، آیه ۱۶

۲. غافر، آیه ۱۶

۳. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۲۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۲؛

تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۰

جبرئیل به او گفت: بر گرد به جایگاه خود و او هم برگشت. از آنجا آن حضرت را بر سر قبر دیگری برد صدا زد: ای صاحب قبر به اذن پروردگار بپا خیز. مرد سیاه منظری از قبر خارج شد و می گفت: «واحسرتا و اوایلا».

جبرئیل به او نیز گفت: به محل خود برگرد. پس از آن گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله روز قیامت به این کیفیت مردم از قبر بیرون می آیند مؤمنان می گویند «الحمد لله والله اکبر»، فاسقان و کفار ناله و فریاد و احسرتای آنها بلند می شود.^۱

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹)

۶۹- و زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه های اعمال در پیشگاه گذاشته می شود، و انبیاء و شهداء (گواهان) را حاضر می کنند. و بین آنها به حق داوری می شود، و به آنها ستم نخواهد شد.

زمین با نور امام علیه السلام نورانی می شود

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾

مفضل بن عمر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره آیه ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ فرمود: پروردگار زمین یعنی امام و پیشوای زمین. عرض کردم: آن گاه که خروج کند چه می شود؟ فرمود: آن وقت مردم از نور آفتاب و نور ماه بی نیاز می شوند، به نور امام اکتفا می کنند.^۲

﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ﴾ مراد از شهداء ائمه علیهم السلام

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۱.
 ۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۵.

هستند و دلیل بر آن این آیه سوره حج ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا -
شما ای گروه ائمه - شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾^۱ می باشد.^۲

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا
وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۷۳)
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ
نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۷۴)

۷۳- و کسانی که پرهیزگار بوده اند گروه گروه به سوی بهشت برده
می شوند، تا اینکه به بهشت می رسند و همه درهای بهشت (به رویشان) باز
می شود، و نگهبانان (بهشتی) به آنها می گویند: سلام بر شما، این نعمت ها
بر شما گوارا باد، داخل شوید و در آن همیشگی بمانید.

۷۴- و آنها می گویند: حمد و سپاس خداوندی که وعده اش به ما راست بود
(و بدان وفا کرد)، و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد تا هر کجا که
بخواهیم منزگاه خویش قرار دهیم، پس اجر عمل کنندگان چه نیکوست.

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا﴾ یعنی جماعت.
﴿حَتَّى إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ﴾ یعنی
موالید شما پاک است زیرا کسانی وارد بهشت می شوند که ولادتش پاک باشد
﴿فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: فلانی و فلانی حق ما را غصب کردند و به
وسیله آن کنیزان را خریدند و با زنان ازدواج نمودند، آگاه باشید که ما
شیعیانمان را در حلال قرار دادیم تا ولادتشان پاک باشد.^۳

۱. حج، آیه ۷۸

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۷ و ج ۹۳، ص ۱۸۶؛ تاویل

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ** * فرمودند: یعنی زمین بهشت.^۱

اسماعیل بن همام گوید که امام ابوالحسن علیه السلام فرمود: هنگامی که وفات علی بن الحسین علیه السلام فرا رسید سه بار بیهوش شد، در مرتبه آخر گفت: همه ستایش‌ها و یژه خداست که درباره ما به وعده‌اش وفا کرد، و زمین [بهشت] را به ما میراث داد که هر جای از بهشت را بخواهیم، جای خود قرار می‌دهیم. و پاداش عمل کنندگان چه نیکوست؛ آن‌گاه وفات کرد.^۲

و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۵)

۷۵- و (در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که برگرد عرش (الهی) حلقه زده و با ستایش پروردگارشان به تسبیح مشغولند، و در میان بندگان (اهل بهشت و دوزخ) به حق داوری می‌شود، و می‌گویند: حمد و سپاس از برای پروردگار عالمیان است.

و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ * یعنی در اطراف عرش حلقه زده‌اند. **يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ** * که کنایه از بهشت و جهنم است و این لفظش ماضی (گذشته) و معنایش مستقبل (آینده) می‌باشد. **وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** * و می‌گویند: حمد و سپاس از برای پروردگار عالمیان است.^۳

الآیات الظاهره، ص ۵۱۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۷

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

تفسیر سورة مؤمن



مرکز تحقیق و تفسیر قرآن و حدیث

۴۰ - سورة مؤمن (غافر) در

مکه نازل شده و دارای ۸۵

آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۲)

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ

الْمَصِيرُ (۳)

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۱- حم .

۲- این کتاب از جانب خداوند قادر و دانا نازل شده است.

۳- (خداوندی که) آمرزنده گناه، و پذیرنده توبه، و به شدت مجازات کننده

و صاحب نعمت فراوان است، هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست،

بازگشت همه به سوی اوست.

﴿حم﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ﴾ که

مخصوص برای شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

﴿ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ و صاحب نعمت فراوان است، هیچ

معبودی جز خدای یگانه نیست، بازگشت همه به سوی اوست.

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُزُكَ تَقْلِبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (۴)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَخْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵)

۴- و کسی در آیات ما مجادله نمی کند مگر آنهایی که کافر شدند، پس رفت و آمد آنها در شهرها تو را فریب ندهد.

۵- قبل از آنها قوم نوح و گروه های بعد از آنها بوده اند (که پیامبران را) تکذیب کردند، و هر امتی همتش بر آن بود که پیامبرش را بگیرد، و برای از بین بردن حق با گفتاری باطل مجادله کنند، پس آنها را (به کیفر کفرشان) گرفتم، و (بین که) چگونه آنها را عقاب کردم!

﴿مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ﴾ که مراد از ﴿آيَاتِ اللَّهِ﴾ ائمه علیهم السلام می باشند.
﴿إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَعُزُّكَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْبِلَادِ﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَخْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ یعنی بعد از آنها نیز قوم پیامبران بر علیه آنها اجتماع می کردند و توطئه چینی می نمودند.
﴿وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ﴾ یعنی می خواستند پیامبر خودشان را بکشند.

﴿وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ﴾ یعنی با او دشمنی می کردند.
﴿لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ﴾ یعنی برهان حق او را به زعم خودشان باطل می کردند و آن را دفع می نمودند.
﴿فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ پس آنها را (به کیفر کفرشان) گرفتم، و (بین که) چگونه آنها را عقاب کردم!^۱

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (٦)
 الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ
 وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ
 تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (٧)
 رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ
 وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٨)
 وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
 الْعَظِيمُ (٩)

۶- و اینچنین وعده پروردگارت بر کسانی که کافر شدند محقق گردید.
 همانا که آنها اهل دوزخ هستند.

۷- فرشتگانی که عرش را حمل می کنند، و آنهایی که در اطراف آن تسبیح و
 ستایش پروردگارشان را می گویند، و به او ایمان آورده اند، و برای کسانی که
 ایمان آورده اند استغفار می کنند، (و می گویند): پروردگارا که علم و رحمت
 بی متناهیست همه چیز را فرا گرفته است، (گناهان) کسانی که توبه کرده و از
 راه تو پیروی می کنند را بیا مرز، و آنها را از عذاب دوزخ حفظ نما.

۸- پروردگارا، آنها را به بهشت همیشگی وارد کن که به آنها وعده فرمودی،
 و نیز پدران (و مادران) و همسران و فرزندان شان هر کدام که صالح بودند،
 همانا که تو قادر و حکیم هستی.

۹- و آنها را از بدی ها نکه دار، و هر کسی را که در آن روز از بدی ها
 نکه داری به تحقیق او را مورد رحمت خود قرار داده ای، و این همان
 رستگاری بزرگ است.

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ - تَا - وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

حماد روایت می‌کند که از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا تعداد ملائکه زیاد است یا تعداد فرزندان آدم؟

امام علیه السلام فرمودند: به حق آن خدائی که جانم بدست قدرت اوست فرشتگان خدا از عدد ذرات خاک زمین بیشتر هستند، در آسمان جائی نیست مگر آنکه ملکی در آنجا بوده و خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کند و در روی زمین هیچ درخت و گلی نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است و هر روز عمل آنها را به پیشگاه مقدس پروردگار عرضه می‌دارند و خدا به آنها دانایتر است.

و فرشته‌ای از فرشتگان نیست مگر آنکه برای دوستان ما اهل بیت و کسانی که به ولایت ما رو می‌کنند استغفار نماید و دشمنان ما را لعنت کند و از خداوند درخواست نماید که به سوی دشمنان ما اهل بیت عذاب بفرستد.^۱

جابر گوید امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَكَذَلِكَ حَقُّ كَلِمَةِ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾ فرمودند: مراد از ﴿أَصْحَابُ النَّارِ﴾ بنی‌امیه هستند.

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعُرَشَ﴾ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و اوصیاء آن حضرت که علم الهی را حمل می‌کنند.

﴿وَمَنْ حَوْلَهُ﴾ یعنی ملائکه.

﴿يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی شیعه آل محمد علیهم السلام.

﴿رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا﴾ یعنی از ولایت فلانی و فلانی و بنی‌امیه.

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۰ و ج ۲۶، ص ۳۳۹ و ج ۵۶، ص ۱۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۲

﴿وَاتَّبِعُوا سَبِيلَكَ﴾ یعنی ولایت علی ولی خدا.
 ﴿وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ
 مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ یعنی کسی که
 علی علیه السلام را دوست بدارد که آن به صلاح آنهاست.
 ﴿وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ﴾ یعنی روز قیامت.
 ﴿وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ یعنی کسی که خداوند او را از ولایت فلانی و
 فلانی نجات داد.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى
 الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (۱۰)

۱۰ - کسانی که کافر شدند روز قیامت به آنها خطاب شود که خشم و
 دشمنی خداوند نسبت به شما از خشم و دشمنی شما بر خودتان بیشتر
 است، زیرا به سوی ایمان دعوت می‌شدید ولی کفر ورزیدید.

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ یعنی بنی امیه.
 ﴿يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ﴾ یعنی به
 سوی ولایت علی علیه السلام دعوت می‌شدید ﴿فَتَكْفُرُونَ﴾ ولی کفر ورزیدید.

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا ائْتِنِیْ وَ اَحْیِیْنَا اِئْتِنِیْ فَاَعْرِفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَیْ خُرُوجٍ مِنْ
 سَبِیْلِ (۱۱)

ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ
 الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ

يُنِيبُ (۱۳)

۱۱- آنها (کافران) می‌گویند: پروردگارا، تو ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی، پس به گناهان خویش اعتراف می‌کنیم، آیا راه خروجی برای ما (از آتش جهنم) هست؟

۱۲- (به آنها گفته می‌شود): این به خاطر آن است هنگامی که به سوی خداوند یگانه خوانده می‌شدید، کفر ورزیدید و اگر برای او شریکی می‌گرفتند ایمان می‌آوردید، پس اکنون داوری برای خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

۱۳- اوست خدایی که آیاتش را به شما نشان می‌دهد، و برای شما از آسمان رزق‌تان را نازل می‌کند، و از این واقعیت متذکر نمی‌شوند مگر آنهایی که به سوی هدایت باز گشته‌اند.

﴿رَبَّنَا اٰمَنَّا اٰثْنَيْنِ وَاٰخِیْنَتَا اٰثْنَيْنِ - تَا - مِنْ سَبِيلٍ﴾

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه درباره رجعت است.^۱

﴿ذٰلِكُمْ بِاَنَّهُ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ﴾ یعنی انکار کردید.

﴿وَ اِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوْا﴾ کفر در اینجا به معنای انکار کردن است.

هنگامی که گفته می‌شود خداوند یکی است کفر می‌ورزید و زمانی که برای خداوند شریکی قرار داده می‌شود ایمان می‌آوردید.^۲

محمد بن حمدان گوید امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ﴿اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَ اِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوْا فَالْحُكْمُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيْرِ﴾ فرمود: اگر ذکر کرده می‌شد خدای تعالی یگانه و یکتا با ولایت کسی که خدای تعالی امر به ولایت او

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ۱۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۹۵؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۱۳

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵

کرده آن را انکار می‌کردید و اگر برای خدا شریکی قرار داده می‌شد در حکم کسی که نیست او را ولایتی از جانب خدای تعالی ایمان می‌آوردید به اینکه او را ولایت از جانب الله هست.^۱

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ﴾ یعنی ائمه‌ای که خداوند آن را بر رسولش خبر داده است.

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (۱۵)

۱۵- او دارای درجات رفیع و صاحب عرش است، روح را به فرمانش بر هر کدام از بندگان که بخواهد القاء می‌کند تا از روز ملاقات بترسانند.

﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾
روح القدس مخصوص برای رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم‌السلام می‌باشد.^۲

﴿لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ یعنی روزی که اهل آسمان و زمین با هم تلاقی بکنند،^۳
و روز تناد روزی است که اهل آتش اهل بهشت را ندا می‌دهند از آن آب و یا چیزی که خداوند بر شما روزی کرده به ما هم بدهید؛ و روز تغابن روزی است که اهل بهشت اهل جهنم را سرزنش می‌کنند؛ و روز حسرت روزی است که مرگ را آورده و آن را ذبح می‌کنند.^۴

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۵۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۳؛

تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۹۵

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵

۳. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۹۶

۴. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶

الْقَهَّارِ (۱۶)

۱۶- روزی که همه آنها پدیدار می‌شوند، و چیزی از آنها بر خداوند پنهان نمی‌ماند، امروز حکومت از برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است.

چگونگی مُردن اهل آسمان و زمین

﴿لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾

عبید بن زراره گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: چون خداوند اهل زمین را بمیراند دو برابر مدتی که آنها را خلق نموده درنگ فرماید و پس از آن اهل آسمان دوم را بمیراند باز به اندازه‌ای که اهل دنیا و آسمان دنیا را خلق فرموده درنگ نماید، آنگاه اهل آسمان سوم را بمیراند بهمین ترتیب دو برابر درنگ هر آسمان صبر می‌کند و اهل آسمان بعدی را قبض می‌فرماید پس میکائیل را بمیراند و مدتی صبر کند تا جبرائیل را بمیراند باز دو برابر درنگ می‌نماید سپس عزرائیل را بمیراند آن وقت می‌فرماید امروز ملک و مملکت از برای کیست؟ خودش جواب خویش را می‌فرماید از برای خدای قادر و تواناست، پس بفرماید ستمکاران و جبارانی که غیر از من خدایان دیگری را می‌پرستیدند کجا هستند؟ کجا هستند مردمان متکبر و گردنکش و مانند آنها سپس بحشر خلاق امر فرموده و همه را زنده کند.

عبید بن زراره گفت از حضرت پرسیدم: آیا واقع می‌شود؟

فرمود: آنچه که بوده آیا تو آن را دیده و یا علم به آنها پیدا کرده‌ای؟

عرض کردم: نه!

فرمود: همانطوریکه چیزهائی بوده و هست که تو نمی‌دانی البته قیامت هم

بپا خواهد شد اگر چه تو ندانی.^۱

وَأَنذَرُهم يَوْمَ الْأَرْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينَ مَا لِي لأَعْلَمِينَ مِنْ
حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (۱۸)

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۱۹)
وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۲۰)

أَوْ لَمْ يَسْبِرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ
كَانُوا هُمْ أَشدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ يَذْنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ
لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (۲۱)

۱۸- و آنها را از روز نزدیک (قیامت) بترسان، از آن هنگام که دل‌ها از
شدت وحشت به گلو می‌رسد و وجودشان را حزن و اندوه در بر می‌گیرد،
و برای ستمکاران هیچ دوستی نیست و نه شفاعت کننده‌ای که شفاعتش
مورد پذیرش واقع شود.

۱۹- و او چشم‌های خیانت‌نگر و آنچه که در سینه‌ها پنهان است را می‌داند.

۲۰- و خداوند به حق داوری می‌کند، و معبودانی که به غیر از او را
می‌خوانند هیچ داوری نمی‌توانند بکنند، همانا خداوند شنوا و بیناست.

۲۱- آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا عاقبت کسانی که قبل از اینها بوده‌اند
را ببینند، که آنها از اینها قوی‌تر و آثارشان در روی زمین بیشتر بود، سرانجام
خداوند آنها را به خاطر گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب الهی مانعی
نداشتند.

﴿وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ﴾ یعنی روز قیامت.

﴿إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ﴾ غمگین و گرفتار.

﴿مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ یعنی دوست شفاعت کننده‌ای که

شفاعتش در نزد خداوند مورد قبول باشد برای او نیست.

سپس خداوند از خودش نام برده و فرمود: ﴿يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

الصُّدُورُ﴾ وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ و او چشم‌های خیانت‌نگر و آنچه که در

سینه‌ها پنهان است را می‌داند. و خداوند به حق داور می‌کند.

سپس فرمود: ﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا

مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً تَا - مِنْ وَاقٍ﴾ که «واق» به معنای دفاع کننده

است.^۱



وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّي

اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ

صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ

كَذَّابٌ (۲۸)

۲۸ - و مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت گفت: آیا

مردی را می‌خواهید بکشید به خاطر اینکه می‌گوید: پروردگار من

خداست، و در صورتی که با دلالتی روشن از جانب پروردگارتان برای شما

آمده است؟! اگر او دروغ‌گوست دروغش بر خود اوست، و اگر راستگو

باشد بعضی از وعده‌های (عذابش) به شما خواهد رسید؛ همانا خداوند

اسراف کننده دروغگو را هدایت نمی‌کند.

سپس از موسی ذکر کرده که داستانش را نوشته‌ایم.

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ﴾ مومن آل فرعون شناسد سال ایمانش را پنهان کرد، و بر اثر جذام انگشتانش افتاده بود و با همان دست قطع شده خود به مردم اشاره می‌کرد و می‌گفت: ﴿يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾^۱ ای قوم از من پیروی کنید که شما را به راه راست و صحیح هدایت می‌کنم.^۲

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَ خَاقٍ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (۴۵)

۴۵- پس خداوند او را از شر و مکر (نقشه‌های) بد آنها نگه داشت، و

عذاب سخت بر آل فرعون وارد شد.

﴿فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا﴾ یعنی مؤمن آل فرعون.

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که هر آینه به تحقیق مؤمن آل فرعون را فرعونیان پاره پاره کردند، لکن وقایه (نگه داشتن) خداوند متعال درباره او این بود که دین او را از مکاید قبطیان نگاه داشت.^۳

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (۴۶)

۴۶- هر صبح و شام آتش دوزخ بر آنها عرضه می‌شود، و روزی که قیامت بر پا می‌شود (خطاب آید): آل فرعون را به سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید.

۱. غافر، آیه ۳۸

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۰۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۱

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾ آن در دنیا قبل از قیامت است، زیرا در قیامت شب و روزی نیست، چونکه شب و روز به خاطر وجود خورشید و ماه می باشد و در بهشت دائمی روشنائی خورشید و ماهی نیست.^۱

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: درباره ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾ چه می فرمائید؟

امام علیه السلام فرمودند: مردم درباره آن چه می گویند؟

گفت: می گویند که این عذاب در آتش دائمی است و آنها در بین آن عذاب نمی شوند.

امام علیه السلام فرمود: پس آنها از سعادت‌مندان هستند که تا روز قیامت از عذاب خداوند راحت می باشند.

سوال شد: فدایت گردم! پس معنای آیه چیست؟

فرمود: در واقع این (عذاب) در دنیا است، اما درباره آتش جاودان خداوند می فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ و روزی که قیامت بر پا می شود (خطاب آید): آل فرعون را به سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید.^۲

وَإِذْ يَتَخَفَتُونَ فِي النَّارِ قِيْلَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنَوْنَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ (۴۷)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (۴۸)

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنْ

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۰

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۰؛

نورالقلین، ج ۴، ص ۵۲۲

العذاب (۴۹)

قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۵۰)

۴۷- و (بیاد بیاور) هنگامی که در آتش دوزخ با هم مجادله می‌کنند، پس ضعیفان به مستکبران می‌گویند: ما (در دنیا) از شما پیروی کردیم آیا شما امروز می‌توانید سهمی از آتش عذاب ما را بر عهده بگیرید؟
۴۸- مستکبران می‌گویند: همه ما در آتش دوزخ هستیم، همانا خداوند در میان بندگانش داوری کرده است.

۴۹- و کسانی که در آتش جهنم هستند به ماموران دوزخ می‌گویند: از پروردگارتان بخواهید که یک روز عذاب را از ما بردارد.
۵۰- (آنها) می‌گویند: آیا پیامبران شما با دلایلی روشن برای (هدایت) شما نیامدند؟ (دوزخیان) می‌گویند: آری! آمدند؛ آنها می‌گویند: پس (خدا را) بخوانید؛ که دعای کافران جز بر گمراهی آنها نمی‌افزاید.

خداوند گفتار اهل آتش را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَتَخَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا - تَا - مِنْ النَّارِ﴾ و (بیاد بیاور) هنگامی که در آتش دوزخ با هم مجادله می‌کنند، پس ضعیفان به مستکبران می‌گویند: ما (در دنیا) از شما پیروی کردیم آیا شما امروز می‌توانید سهمی از آتش عذاب ما را بر عهده بگیرید؟

پس آنها را رد کرده و می‌گویند: ﴿إِنَّا كُلُّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ - تَا - وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾ یعنی دعای کافران در بطلان است.^۱

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (۵۱)

۵۱- همانا ما رسولان خود و کسانی که ایمان آورده‌اند را در زندگی دنیا و

روزی که گواهان برای شهادت به پا می‌خیزند را یاری می‌کنیم.

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ و آن در رجعت است

زمانی که رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام بر می‌گردند.^۱

جمیل گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ سوال کردم.

فرمود: به خدا سوگند این نصرت و یاری در رجعت است، آیا نمی‌دانی که

بیشتر انبیا در دنیا یاری نشدند و کشته شدند و ائمه و اوصیا بعد از آنها نیز

کشته شدند و کسی آنها را یاری نکرد و آن نصرت در هنگام رجعت است.^۲

﴿وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ یعنی ائمه علیهم السلام.^۳

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّاكِبْرٌ

مَا هُمْ بِبَالِغِهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶)

۵۶- همانا کسانی که بدون دلیلی درباره آیاتی که برای آنها آمده مجادله

می‌کنند، در سینه‌هایشان چیزی جز تکبر و غرور نیست، که به خواسته‌های

خود نیز نمی‌رسند، پس به خداوند پناه ببر، همانا که او شنوا و بیناست.

﴿الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ﴾ یعنی بدون حجت و دلیلی

مخاصمه می‌کنند.

﴿إِنَّ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّاكِبْرٌ﴾ - تا - السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۴۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶.

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۰.

منصور بن یونس گوید امام صادق علیه السلام فرمود: در آتش جهنم آتشی است که بعضی از آنها یکدیگر را می‌خورند و آن آتش‌ها را نیافریده مگر برای متکبرین ستمکار و کسانی که به روز قیامت ایمان ندارند و برای ناصبین و دشمنان ما آل محمد علیهم السلام.

فرمود: در روز قیامت سبکترین مردمان از نظر عذاب مردی است که بر پای او دو نعلین با بندی از آتش بسته باشند و شعله آتش و جوشش آن مانند جوشیدن دیگ بر سر آتش از پائین به بالا صعود می‌کند تا به بینی او می‌رسد و آن شخص تصور می‌کند که عذاب و آتشی سخت‌تر از آن نیست و حال آنکه عذاب او سبکتر و کمتر از دیگران است.^۱

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۶۰)

۶۰- و پروردگار شما فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، همانا کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند بزودی با ذلت و خواری وارد جهنم می‌شوند.

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

ابن عیینة از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: خداوند متعال در روز قیامت بر بنده مومن منت می‌گذارد و به او می‌فرماید که نزدیک رحمتش شود، و آن بنده نزدیک رحمت الهی می‌شود و می‌شناسد که خداوند چه نعمتی بر او عنایت فرموده است و خداوند به او می‌فرماید: آیا در فلان روز

مرا نخواندی و فلان درخواست را از من نداشتی و من دعایت را اجابت نکردم؟ آیا در فلان روز از من نخواستی و من آن را برآورده نکردم؟ آیا در فلان روز از گرفتاری به من پناه نیاوردی و آن را از تو برطرف ننمودم؟ آیا در فلان روز از من نخواستی که سختی‌ها را از تو دور نمایم و من سختی‌هایت را از روی تو برداشتم و بر ناله‌ات رحم نکردم؟ آیا از من مالی درخواست نکردی که آن را به تو دادم؟ آیا به من خدمت نکردی که من نیز آن را جبران ننمودم؟ آیا از من نخواستی که فلانی را به ازدواج تو در آورم که پاک دامن است و من او را به ازدواج تو در آوردم؟

پس آن عبد می‌گوید: ای پروردگار من! بله هر چه که از تو خواستم به من اعطا کردی و من بهشت را از تو درخواست می‌کنم.

خداوند به او می‌فرماید: من آن را به تو می‌دهم آیا راضی می‌شوی؟ مومن می‌گوید: ای پروردگار من! بله من از تو راضی هستم آیا شما هم از من راضی هستی؟

خداوند به او می‌فرماید: بنده من، از اعمال تو راضی بودم و همانا برای تو بهترین جزا و پاداش را پسندیدم و بهترین جزا این است که تو را در بهشت جای دهم و آن قول خداوند است که می‌فرماید: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...﴾^۱

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ (۶۵)

۶۵- او زنده همیشگی است، نیست خدایی جز او، پس تنها او را بخوانید و دینتان را برای او خالص کنید، که حمد و سپاس برای خداوندی است که

پروردگار عالمیان است.

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

داود بن رفعه روایت کرده که مردی حضور امام زین العابدین علیه السلام آمده و مسائلی از آن حضرت پرسید و رفت، بار دیگر شرفیاب شد تا سؤالاتی مانند مسائل پیش بنماید، حضرت علیه السلام فرمودند: در انجیل نوشته شده در پی علمی که به آن عمل نمی‌کنید نروید و چرا به آنچه می‌دانید عمل نمی‌کنید، زیرا اگر عالم به آنچه می‌داند عمل نکند خداوند علمش را زیاد نمی‌نماید و از خدا دور می‌شود^۱ و سپس فرمود: بر شما باد به عمل کردن به قرآن، زیرا خداوند به دست قدرتش با خشتی از طلا و خشتی از نقره قصری بنا و خلق فرمود و ملاط آن را از مشک و خاکش را از زعفران و سنگهایش را از لؤلؤ و درجات آن را به قدر آیات قرآن قرار داد، پس هر کس قرآن قرائت کند به او خطاب نموده و می‌فرماید با رقت و تأتی قرائت کن زیرا چون قاری قرآن داخل بهشت شود کسی به بلندی رتبه او نمی‌رسد مگر پیغمبران و صدیقین.^۲

آن مرد سؤال کرد: زهد چیست؟

فرمود: زهد راده درجه است و پائین‌ترین درجه آن رضاست و در یک آیه از قرآن زهد بیان شده و آن این است که می‌فرماید: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۳ این به خاطر آن است که برای آنچه که از دست داده‌اید تاسف نخورید، و به آنچه به شما داده شده دل نبسته و خوشحال نشوید.^۴

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۸

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۳

۳. حدید، آیه ۲۳

۴. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۱

پس آن مرد گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

امام زین العابدین علیه السلام نیز فرمودند: من نیز می گویم: «لا اله الا الله» پس هرگاه یکی از شما گفت «لا اله الا الله» بعد از آن بگوید «الحمد لله رب العالمین» خداوند می فرماید: ﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَادِعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ او زنده همیشگی است، نیست خدایی جز او، پس تنها او را بخوانید و دینتان را برای او خالص کنید، که حمد و سپاس برای خداوندی است که پروردگار عالمیان است.^۱

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۷۰)

إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ (۷۱)

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (۷۲)

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ (۷۳)

مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (۷۴)

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (۷۵)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُسْكِبِينَ (۷۶)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَأِمَّا نُرَبِّتْكَ بِبَعْضِ الذَّبْيِ نَعِدْهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ (۷۷)

۷۰- کسانی که کتاب و رسولانی که فرستادیم را تکذیب کردند، به زودی (نتیجه اعمالشان را) می دانند.

۷۱- هنگامی که در گردن های آنها غل و زنجیر بسته و آنها را می کشند،

۱. دعوات راوندی، ص ۱۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۴

۷۲- و در آب جوشان و متعفن (وارد می‌کنند)، سپس در آتش دوزخ افروخته می‌شوند.

۷۳- سپس به آنها گفته می‌شود: کجا رفتند آنچه را که شریک خداوند قرار داده بودید،

۷۴- و به غیر از خداوند (آنها را) می‌پرستیدید؟ (آن مشرکان) می‌گویند: از نظر ما گمراه (محو و نابود) شدند، بلکه ما از قبل چیزی را (پرستش نمی‌کردیم) نمی‌خواندیم. اینچنین خداوند کافران را گمراه می‌کند.

۷۵- این عذاب به خاطر آن است که شما در روی زمین به ناحق خوشحالی می‌کردید، و به غرور و مستی خود شادمانی می‌نمودید.

۷۶- از درهای جهنم وارد شوید که در آن همیشگی هستید، پس چه جایگاه بدی است جایگاه متکبران.

۷۷- پس صبر کن، همانا که وعده الهی حق است، پس اگر بعضی از وعده‌های عذابی که به آنها داده‌ایم در زمان حیات تو نشانت دهیم، یا (قبل از آن) تو را بمیرانیم، که همه آنها به سوی ما بازگشت می‌کنند.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه **«الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا»** تا **«كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ»** فرمود: به تحقیق خداوند کافران را مشرک نامیده چون قرآن را تکذیب کردند، خداوند پیامبرش را با کتاب و علم تاویل به آن فرستاده است، پس هر کس قرآن یا به آنچه که خداوند به وسیله رسولش از تاویل کتاب فرستاده را تکذیب کند پس او مشرک کافر است.^۱

هر کس بمیرد و امامش را نشناسد

﴿ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ﴾ یعنی فرح

و شادی ظاهری.

ضریرس کنانی گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت کردم مسلمانانی که اقرار به نبوت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده و قبل از درک امام مرده و ضمناً گناهکار هم بوده اند چه حالی خواهند داشت زیرا آنها امامی نشناخته و ولایت شما را نداشته اند؟

فرمودند: این قبیل مسلمین را چون در قبر گذارند از آن بیرون نمی کنند پس کسی که عمل صالحی داشته باشد و دشمنی اش را اظهار نکرده باشد بهشتی که خداوند در مغرب زمین آفریده است دری به قبرش می گشایند و تا روز قیامت روحانیت آن بهشت در قبر او خواهد بود و در قیامت او را برای حساب حاضر نموده و حسنات و سیئاتش را می سنجند آن گاه یا به سوی بهشت می رود و یا جهنم، و اینها برای امر خداوند تا روز قیامت متوقف خواهند بود و همینطور است حال ضعیفان و ابلهان و اطفال و اولاد مسلمین که پیش از بلوغ بمیرند، اما ناصبین از اهل قبله را چون داخل قبر کنند از جهنمی که خداوند در مشرق زمین آفریده است شکافی و دری به قبر او باز شود و شعله و دودی به قبر او داخل گردیده تا روز قیامت به حسابش رسیدگی شده و با ذلت و خواری وارد جهنم خواهد شد ﴿فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ﴾ * ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ إِنَّ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ * مِنْ دُونِ اللَّهِ * یعنی آن امامی که به غیر از امامی که خداوند برای مردم قرار داده بود را به عنوان امام برگزیدید کجاست؟^۱

پس از آن پروردگار پیغمبرش را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّيكَ بِعُصَّ الَّذِي نَعِدُهُمْ﴾ یعنی از عذاب ﴿أَوْ نَتَوَقَّيْكَ﴾ فَاَلَيْنَا يُرْجَعُونَ﴾ یا (قبل از آن) تو را بمیرانیم، که همه آنها به سوی ما باز گشت می‌کنند.^۱

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: همانا فرح (هوای نفس)، و مرح (خوش برخوردی فریبناک)، و خیلاء (خود پسند و گردنکش) همه در شرک هستند چون عمل به آنها در روی زمین معصیت است.^۲

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱)
أَفَلَمْ يَسْبِرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)
۸۱- و او آیاتش را به شما نشان می‌دهد، پس کدام یک از آیات الهی را منکر می‌شوید؟

۸۲- آیا در روی زمین گردش نکردند تا عاقبت کسانی که قبل از آنها بوده‌اند را ببینند، که تعدادشان از اینها بیشتر، و نیرومندتر و آثارشان در زمین فراوان بود، اما آنچه را که به دست می‌آوردند نتوانست آنها را بی‌نیاز کند (از آنها حفاظت نماید)؟

﴿وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ﴾ یعنی در روی زمین عمارت‌ها داشتند.
﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ﴾ یعنی امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام را در هنگام رجعت می‌بینید.^۳

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۳۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸
۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۳۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۳۶
۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۸

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴)
 فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ
 خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (۸۵)

۸۴- پس هنگامی که عذاب ما را دیدند گفتند: به خدای یگانه ایمان آوردیم
 و به معبودانی که شریک او قرار داده بودیم کافر شدیم.

۸۵- اما هنگامی که عذاب ما را دیدند ایمانشان هیچ نفعی به حال آنها
 نبخشید، این سنت خداوند در میان بندگان حکمفرما بوده، و آنجا کافران
 زیانکار شدند.

﴿قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ﴾ یعنی منکر شدیم به آنچه
 که ما بدان مشرک شده بودیم.
 ﴿فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ
 وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ﴾ اما هنگامی که عذاب ما را دیدند ایمانشان هیچ نفعی
 به حال آنها نمی بخشید، این سنت خداوند در میان بندگان حکمفرما بوده، و
 آنجا کافران زیانکار شدند.

تفسیر سورة حم سجده



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۴۱ - سورة حم سجده

(فصلت) در مکه نازل شده و

دارای ۵۴ آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۴)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ

حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّا غَامِلُونَ (۵)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ

وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ (۶)

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸)

قُلْ أَنتَ كُمْ لَتَكْفُرُونَ بِاللَّهِ خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَتْدَادًا ذَلِكَ

رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹)

۱- حم .

۲- این کتابی است که از جانب خداوند رحمان و رحیم نازل شده است.

۳- کتابی است که آیاتش هر مطلبی را به تفصیل بیان می‌کند، قرآنی که به

زبان عربی فصیح است برای گروهی که می‌دانند (عالم هستند).

۴- که بشارت دهنده و انداز کننده است، اما بیشتر آنها روی گردان شدند پس نمی‌شنوند.

۵- و گفتند: دل‌های ما نسبت به آنچه که ما را دعوت می‌کنی در پرده واقع شده و در گوش‌های ما سنگینی است، و میان ما و تو هم حجابی است، پس تو (به دین خود) عمل کن، ما نیز (به آئین خود) عمل می‌کنیم.

۶- بگو: همانا من نیز مانند شما بشری هستم، به من وحی می‌شود که معبود شما خدای یگانه است، پس به سوی راه مستقیم او بروید، و از او طلب آمرزش کنید، و وای به حال مشرکان.

۷- کسانی که زکات نمی‌پردازند، آنها نسبت به آخرت کافر هستند.

۸- کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، برای آنها پاداشی دائمی است.

۹- بگو: آیا شما به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کافر می‌شوید و برای او شریکانی قرار می‌دهید؟! او پروردگار عالمیان است.

﴿حَمْدٌ مِّنْ تَنْزِيلِ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ که آیه ﴿تَنْزِيلُ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ مبتدا و جمله ﴿فُصِّلَتْ آيَاتُهُ﴾ خبرش می‌باشد، یعنی قرآن را خداوندی که رحمان و رحیم است فرستاده است.

﴿فُصِّلَتْ آيَاتُهُ﴾ یعنی بیان کننده حلال و حرام و احکام و سنتهاست.

﴿بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾ یعنی به مومنین بشارت می‌دهد و ظالمین را انداز می‌کند.

﴿فَاعْرَضْ أَكْثَرَهُمْ﴾ یعنی بیشترشان از قرآن روی گردانیدند.

﴿فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ و قَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ که ﴿اکنه﴾ به معنای غشاوه

یعنی قلب‌های ما از شنیدن سخنان حق در پرده است.

﴿مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ فَاَعْمَلْ إِنَّنَا غَامِلُونَ﴾ یعنی ما را به سوی چیزی دعوت می کند که نه آن را می فهمیم و نه عقل ما بدان می رسد، پس خداوند فرمود: به آنها بگو: ﴿إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ - تَا - فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ﴾ یعنی او را اجابت کنید.^۱

﴿وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾ که مراد از مشرکین کسانی هستند که اقرار به اسلام و مسلمانی کرده ولی در عمل شرک ورزیدند و آن مطابق با این آیه است که خداوند می فرماید: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾^۲ یعنی به وسیله اعمال، زیرا هنگامی که به چیزی امر می شدند به خلاف آنچه خداوند فرموده عمل می کردند پس خداوند آنها را مشرک نامید و سپس فرمود: ﴿الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ یعنی کسی که زکات ندهد او کافر است.^۳

ابان بن تغلب گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابان آیا دیده ای که خداوند عز و جل از مشرکین زکات اموالشان را طلب کند با آنکه ایشان در شرک خود باقی باشند؟ آنجا که می فرماید: ﴿وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ * الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾

عرض کردم: فدایت گردم آن چگونه است برایم تفسیر فرما؟

فرمود: وای بر حال مشرکان آنهایی که بر امام اول مشرک و بر ائمه دیگر کافر گشتند؛ ای ابان همانا خداوند بندگان را به سوی ایمان دعوت می کند پس چون به خدا و رسولش ایمان آوردند واجبات بر آنها واجب می شود.^۴

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۲۵

۲. یوسف، آیه ۱۰۶؛ و بیشتر آنهایی که ادعای ایمان به خداوند دارند مشرک هستند.

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۳

۴. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۳۸؛ تفسیر

صافی، ج ۶، ص ۳۲۶

سپس خداوند مومنین را ذکر کرده و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ یعنی پاداشی که خداوند بدون منت به آنها می‌دهد.

سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ای محمد به آنها بگو: ﴿إِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ﴾ که معنی «یومین» یعنی دو وقت که یکی ابتداء خلقت و دیگری انقضاء آن است.

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ لَيْنٍ (۱۰)

۱۰ - (خداوند) در روی زمین کوه‌هایی قرار داد، و برکاتی در آن آفرید، طعام و ارزاق را به مدت چهار روز مقدر فرمود، که برای درخواست کنندگان مساوی بود.

﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا﴾ یعنی از بین نمی‌رود و باقی می‌ماند.

﴿فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ لَيْنٍ﴾ یعنی چهار فصل است که در آن فصول ارزاق اهل عالم از انسان و حیوان و پرندگان و حشرات چه در خشکی‌ها و زمین و چه در دریا و قعر اقیانوس‌ها بالاخره معاش تمام جنبندگان را فراهم می‌سازد و آن چهار فصل بهار و تابستان و پاییز و زمستان است که خداوند بادها و باران و رعد و برق را در زمستان به زمین می‌فرستد تا زمین سیراب گردد و آن فصل سرماست، بعد از آن بهار می‌رسد که فصل معتدل گرم و سرد است و در آن نباتات و درختان به سیر طبیعی شروع به رشد و نمو می‌نماید، سپس تابستان می‌شود که فصل گرماست و درختان و میوه‌ها و

دانه‌ها محکم شده و قوت تمام مردم و حیوانات می‌گردند، سپس پائیز فرا می‌رسد که میوه‌ها و غلات را از فساد مانع گشته و آنها را پاکیزه می‌سازد و اگر تمام دوران سال یکنواخت بود مثلاً بهار پیش نمی‌آمد نباتات از زمین نمی‌روید و درختان سبز و بارور و با ثمر نمی‌شد و میوه و سایر حبوبات و غلات بدست نمی‌آمد و یا اگر همیشه تابستان بود تمام رویدنی‌ها می‌سوخت و معاش انسان و حیوان مختل می‌گردید و چنانچه همواره پاییز بود، درختان و نباتات نیرو نمی‌گرفتند و نتیجه مفید عاید نمی‌شد، لذا خداوند این اوقات چهارگانه و فصول گوناگون را برای تأمین آسایش عموم خلق کرد و قوام هستی عالمیان را بر آن مقرر داشت و این اوقات را ﴿سَوَاءٌ لِّلسَّائِلِينَ﴾^۱ نامید یعنی بر قرار فرمود برای محتاجان زیرا، هر محتاجی سائل است و در عالم مخلوقاتی وجود دارد که توانائی سؤال ندارند و سؤال نمی‌کنند اما محتاجند مانند بیشتر حیوانات که برای ادامه زندگی محتاج به قوت می‌باشند ولی قدرت سؤال ندارند و خداوند روزی و قوت آنها را در این دنیا مهیا و آماده فرمود است.^۱

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱)

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَضَابِيعٍ وَحِفْظٍ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

۱۱ - سپس به آفرینش آسمان پرداخت که به صورت دودی بود، پس به آسمان و زمین فرمود: از روی رغبت یا از روی کراهت به وجود آید. آن دو

گفتند: ما از روی اطاعت به وجود می‌آییم.

۱۲- پس آسمان‌ها را در مدت دو روز آفرید، و برای هر آسمانی امور آن را

وحی نمود، و آسمان دنیا را با چراغهایی زینت بخشیدیم، و (از ورود

شیاطین) حفظ نمودیم که این از تقدیر خداوند قادر و داناست.

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ ۖ يَعْنَىٰ سَبَسَ آسْمَانَ رَا خَلَقَ كَرْدَ.

از ابوالحسن امام رضا علیه السلام از گفتگوی خداوند با موجودی که نه از جن

بود و نه از انس سؤال شد.

فرمود: آن آسمان‌ها و زمین بود که به آنها فرمود: ﴿اَتَيْنَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَا

اَتَيْنَا طَائِعِينَ ۖ فَقَضَاهُنَّ﴾ یعنی آنها را آفرید.

﴿سَبَسَ سَمَآوَاتٍ فِی یَوْمَیْنِ﴾ یعنی در دو وقت که ابتداء خلقت و انقضاء آن

است.

﴿وَاَوْحٰی فِی كُلِّ سَمَآءٍ اَمْرَهَا﴾ یعنی تقدیرات و تدبیرات را به آسمان‌ها

وحی نمود.

﴿وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ﴾ یعنی آسمان دنیا را به وسیله ستارگان

زینت داد.

﴿وَحَفِظْنَاهَا﴾ یعنی آسمان‌ها را از شر شیاطین که آنها را از بین ببرند

محفوظ داشت.^۱

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ ضَاعِقَةً مِثْلَ ضَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ (۱۳)

إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ

رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَأِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۱۴)

۱۳- پس اگر اعراض کنند به آنها بگو: من شما را از صاعقه‌ای مانند صاعقه عاد و ثمود ترسانیدم.

۱۴- هنگامی که رسولان از هر جانب به سوی آنها آمدند (و به آنها گفتند): جز خداوند را نپرستید؛ (آنها در جواب) گفتند: اگر پروردگار ما می‌خواست فرشتگان را نازل می‌کرد، (چون نفرستاده) پس ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده‌اید کافر هستیم.

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا - اِی محمد - فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ﴾ که مراد قریش است و آن عطف بر آیه ﴿فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ می‌باشد.

﴿إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ﴾ یعنی نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و پیامبران علیهم‌السلام می‌باشد.

﴿وَمِنْ خَلْفِهِمْ﴾ تو، پس گفتند: ﴿لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً﴾ یعنی بشری مثل ما را مبعوث نمی‌کرد.

﴿فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ پس ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده‌اید کافر هستیم^۱

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَابٍ لِنَذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ (۱۶)

۱۶- پس ما بر آنها تند بادی شدید و وحشت‌انگیز و سرد در روزهایی نحس و شوم بر آنها فرستادیم تا عذاب ذلت و خواری را در دنیا به آنها بچشانیم، در حالی که عذاب آخرت از آن خوار کننده‌تر است، و آنها یاری

نمی‌شوند.

ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که درباره آیه ذیل فرمودند:
 ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا﴾ صرصر یعنی باد سرد ﴿فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ﴾
 یعنی روزهای شوم.^۱

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ
 الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۷)

۱۷- و اما (قوم) ثمود را هدایت کردیم، لکن آنها کوری را بر هدایت ترجیح
 دادند، پس آنها را صاعقه عذاب خوار کننده به خاطر آنچه که عمل
 می‌کردند فراگرفت.

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ﴾ و خداوند نفرمود
 ﴿استحب الله﴾ چنانچه جبریون خیال می‌کنند که کارهای ما را خداوند برای
 ما بوجود می‌آورد.

﴿فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ یعنی آنچه انجام
 دادند.

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۹)

۱۹- و روزی که دشمنان خدا در آتش جهنم محشور می‌شوند و در آنجا
 نگه‌شان می‌دارند.

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ یعنی از هر گوشه و

۱. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۵۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۴۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۱؛
 تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۶

ناحیه ای می آیند.

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۰)

وَقَالُوا لَجُلُودُهُمْ لِمَ شَهِدَتْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۱)

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَ لَكِنْ ظَنْنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲)

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنْنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

۲۰- هنگامی که به آنجا می رسید، گوش و چشمها و پوست بدنهایشان بر آنچه که انجام می دادند گواهی می دهند.

۲۱- و آنها به پوست های بدنشان می گویند: چرا بر علیه ما شهادت دادید؟ آن اعضاء می گویند: خداوندی که همه موجودات را به سخن گفتن و می دارد ما را به سخن آورد، و او شما را اولین بار آفرید و به سوی او بازگشت می کنید.

۲۲- و شما که گناهانتان را پنهان می کردید نه به خاطر این بود که گوش و چشمها و پوست بدنهایتان شهادت نمی دهند، و لکن پنداشتید که خداوند بیشتر آنچه که انجام می دهید را نمی داند.

۲۳- و این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید که باعث هلاکت شما شد و از زیانکاران شدید.

شهادت دادن اعضاء بدن در روز قیامت

﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

این آیه درباره گروهی نازل شده است که در روز قیامت اعمال بدشان بر آنها عرضه می شود و آنها منکر آن شده و می گویند: ما این کارها را انجام نداده ایم، پس ملائکه ای که اعمال آنها را نوشته اند شهادت بر آن می دهند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: به خداوند می گویند: پروردگارا اینها ملائکه تو هستند که شهادت بر ما می دهند سپس سوگند می خورند که ما این اعمال را انجام نداده ایم که خداوند در این باره می فرماید: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ﴾^۱ و آنها کسانی هستند که حق امیرالمومنین علیه السلام را غصب کرده اند که در آن هنگام خداوند بر زبان های آنها مهر می زند و اعضای بدنشان به سخن در می آید پس گوش بر آنچه از محرمات را شنیده بر آن شهادت می دهد و چشم بر آنچه که خداوند حرام کرده بود و آن نگاه کرده شهادت می دهد و دست ها بر آن کارهای حرامی که کرده و پاها به جاهای حرامی که رفته و آلت به کار حرامی که انجام داده شهادت می دهند سپس خداوند زبان را به سخن در می آورد، و آنها گفتند: ﴿لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ و ما کُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ یعنی از خداوند است.

﴿أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ﴾ منظور از جلود آلت تناسلی و ران آدمی است.

۱. مجادله، آیه ۱۸؛ روزی که خداوند همه آنها را بر می انگیزد و آنها برای خداوند نیز سوگند دروغ می خورند همچنانکه برای شما می خوردند.

﴿وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ * وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۱

عبدالرحمن بن حجاج گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم حدیثی روایت می کنند که در آن ذکر شده تمام مردم باید به سوی آتش جهنم بروند. فرمود: اینطور که مردم می گویند نیست رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آخر مردی را که امر می شود که او را به سوی آتش ببرند به سوی خداوند رو می کند، خداوند امر می فرماید او را برگردانید، و چون برمی گردانند از او می پرسد: برای چه به من متوجه شدی؟

در جواب می گوید: من چنین گمانی به پروردگار خود نداشتم. سؤال می شود تو چه گمانی به پروردگار داشتی؟ جواب می دهد من تصور می کردم که گناهان مرا به عظمت عفو خود بیامرزی و در بهشت منزلت دهی! خداوند به فرشتگان می فرماید: به عزت و جلال و بزرگی و نعمت ها و جایگاه خودم سوگند این شخص جز در این لحظه گمان خیر به من نبرده و اگر پیش از این ساعت چنین حسن ظنی به من برده بود امر نمی کردم که او را به آتش ببرند اینک دروغ او را راست فرض کنید و او را به بهشت ببرید، سپس رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نیست بنده ای که گمان خیر به خدا پیدا کند مگر آنکه بر طبق گمان او با او رفتار کنند چنانچه خداوند در این آیه بیان فرموده است ﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ و این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید که باعث هلاکت شما شد و از زیانکاران شدید.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۸
 ۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۸۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۴۳

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعِثُّوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَصِينَ (۲۴)

۲۴- پس اگر صبر کنند آتش جهنم جایگاه آنهاست، و اگر عفو و بخشش

بخوانند مورد عفو و بخشش قرار نمی‌گیرند.

﴿فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ یعنی هلاک می‌شوند و از رحمت الهی دور

می‌گردند.

﴿وَإِنْ يَسْتَعِثُّوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَصِينَ﴾ یعنی اگر طلب رضا و خشنودی کنند

هیچ اعتنایی به آن طلبشان نمی‌شود.

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوَا بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ (۲۶)

۲۵- و ما برای آنها همشینی قرار دادیم که از روبرو و از پشت سر

زشتیهایشان را در نظرشان جلوه دادند، و وعده الهی بر آنها محقق شد و به

سرنوشت امت‌هایی که قبل از آنها بوده‌اند از جن و انس گرفتار شدند،

همانا که آنها از زیان دیدگان بودند.

۲۶- و کافران گفتند: گوش به این قرآن ندهید، و در هنگام شنیدنش هیاهو

نمائید شاید که غلبه پیدا کنید.

﴿وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ﴾ یعنی شیاطینی از جن و انس یاوران او خواهند بود.

﴿فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ﴾ یعنی آنچه که انجام داده بودند آن را شیاطین

برای آنها زینت دادند.

﴿وَمَا خَلَفَهُمْ﴾ یعنی به آنها گفتند که عقب شما همه دروغ و باطل است.

﴿وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾ یعنی عذاب الهی بر آنها محقق شد.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾ یعنی قرآن را به سُخره و مسخره بگیرید.^۱

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (۲۹)

۲۹- و کافران گفتند: پروردگارا، آنهایی که از جن و انس ما را گمراه کردند بر

ما نشان بده، که زیر پایمان قرار دهیم، تا از پست‌ترین مردم باشند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ﴾ امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: مراد از جن ابلیس است که در دارالندوه مشرکین را ترغیب بر کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله نمود و مردم را با معاصی گمراه کرد و بعد از وفات آن حضرت نیز به نزد فلانی آمد و با او بیعت کرد و مراد از انس هم دومی می‌باشد ﴿نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ﴾ که زیر پایمان قرار دهیم، تا از پست‌ترین مردم باشند.^۲

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰)
نَحْنُ أَوْلَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ (۳۱)
نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ (۳۲)

۳۰- کسانی که گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست، سپس استقامت

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۴

۲. بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۵۵

ورزیدند، فرشتگان (در هنگام مرگ) بر آنها نازل می‌شوند که: نترسید و اندوهگین مباشید و شما را بشارت بر بهشتی باد که به آن وعده داده شده بودید.

۳۱- ما در دنیا و آخرت از اولیاء شما هستیم، و برای شما در بهشت هر چه که بخواهید آماده است، و در آنجا هر چه که بخواهید به شما داده می‌شود.
۳۲- (که این نعمت‌های الهی) از سوی خداوند آمرزنده و مهربان است.

حضور معصومین علیهم‌السلام در هنگام مرگ

خداوند مؤمنین از شیعیان امیرالمومنین علیه‌السلام را ذکر کرده و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾ بر ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام.
﴿تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾ هنگام مرگ.
﴿أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ * نحن أولياؤكم في الحياة الدنيا * ما شما را از شر شیاطین نگره می‌داریم.
﴿وَفِي الْآخِرَةِ﴾ یعنی هنگام مرگ.
﴿وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾ یعنی در بهشت.
﴿نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ﴾ (که این نعمت‌های الهی) از سوی خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (۳۴)

وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۳۵)
وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۶)

۳۴- و هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، همیشه بدی را با نیکی از بین ببر، پس هنگامی که میان تو و او دشمنی بود (یک دفعه متوجه می شوی که میانتان دوستی و صمیمیت برقرار است.

۳۵- و لکن جز صابران کسی به این مقام نمی رسد، و جز کسانی که صاحب حظ و بهره بزرگی هستند به آن نایل نمی شوند.

۳۶- و هرگاه از جانب شیطان گرفتار و سوسه ای شدی، به خداوند پناه ببر، که او شنوا داناست.

ابن سنان روایت می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی از دوستان ما که دشمنان ما را دشمن داشته باشد نمی میرد مگر آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در بالین و بستر مرگ او حاضر می شوند و او را بشارت دهند و اگر آن شخص از دوستان ما نباشد او را به وضع بدی خبر می دهند.

و دلیل بر آن فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام به حارث همدانی است که فرمود: ای حارث هر کس چه مومن باشد و چه منافق در هنگام مرگ مرا می بیند.^۱ سپس خداوند پیامبرش را تادیب نموده و فرمود: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ هر کسی به تو بدی نمود، تو با نیکی کردن جوابش را بده تا در نتیجه، آن کسی که بین تو و او دشمنی است به دوستی مهربان مبدل شود. سپس فرمود: ﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾^۲

﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ﴾ یعنی اگر شیطان بر قلب تو و سوسه ای

۱. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۸۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۲

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۷

کرد.

﴿فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾ که خطاب به پیامبر ﷺ است ولی معنایش مردم

می باشند.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابًا عَزِيزٌ (۴۱)
لَا يَأْتِيهِمُ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲)

مَا يَقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قَبِلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)

۳۹- و از آیات او این است که زمین را خاشع (خشک و بی روح) می بینی، پس هنگامی که بر آن باران نازل کنیم به حرکت در آمده و رشد و نمو می کند، همانا آن کسی که آن (زمین) را زنده کرد مُردگان را نیز زنده می کند، که او بر هر چیزی قادر است.

۴۰- کسانی که آیات ما را تحریف می کنند بر ما پوشیده نیست، آیا کسی که در آتش دوزخ افکنده شود بهتر است یا آن کسی که روز قیامت با امنیت به محشر وارد می شود؟ هر کاری که می توانید انجام دهید، که او به آنچه که

انجام می‌دهید بیناست.

۴۱- کسانی که به ذکر (قرآن) هنگامی که به سویشان آمد کافر شدند. (بازیر ما مخفی نمی‌ماند)، که این کتابی عزیز است.

۴۲- که هرگز باطل از پیش رو و از پشت سر به آن راه نمی‌یابد، زیرا که از جانب خداوند حکیم و مورد ستایش نازل شده است.

۴۳- آنچه که دربارهٔ تو می‌گویند همان است که دربارهٔ رسولان قبل از تو نیز می‌گفتند، همانا که پروردگارت دارای آمرزش و صاحب عذابی دردناک است.

۴۴- و اگر ما قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم، می‌گفتند: چرا آیاتش مفصل و روشن نیست؟ (قرآن) عجمی (از پیامبری) عربی؟ بگو: این قرآن برای کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت و شفاست، و اما کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشه‌هایشان سنگینی است و مانند این است که نابینا هستند و نمی‌بینند، آنها کسانی هستند که گویی از جایی دور صدا زده می‌شوند.

خداوند با دهریون احتجاج کرده و فرمود: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكُ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً﴾ یعنی زمین را خشک و بی‌زراعت می‌بینی.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا﴾ یعنی آنهایی که آیات ما را منکر می‌شوند. ﴿لَا يَخْشَوْنَ عَلَيْنَا﴾ بر ما پوشیده نمی‌ماند.

سپس خداوند بنابر مجاز استفهام کرده و فرمود: ﴿أَفَمَنْ يُتْلَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ آیا کسی که در آتش دوزخ افکنده شود بهتر است یا آن کسی که روز قیامت با امنیت به محشر وارد می‌شود؟ هر کاری که می‌توانید انجام دهید، که او به آنچه که انجام می‌دهید بیناست.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ﴾ یعنی کسانی که به قرآن کافر شدند .
 سپس فرمود: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ﴾ یعنی اگر این قرآن بر زبان اعجمی نازل می شد می گفتند اگر قرآن عربی نازل می شد ایمان می آوردیم . پس خداوند فرمود: ﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ﴾ یعنی آشکار و روشن گر است .

﴿وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْ﴾ یعنی گوش هایشان سنگین است .
 ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام درباره آیه ذیل فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ﴾ یعنی قرآن آنچنانی که ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ﴾ نه تورات و انجیل و زبور آن را باطل دانسته اند و نه بعد از آن کتابی خواهد آمد که آن را باطل نماید .

﴿لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ﴾ اگر قرآن بر زبان اعجمی نازل می شد می گفتند ما چگونه آن را یاد بگیریم که زبان ما عربی است و پیامبر قرآن را اعجمی برای ما آورده است پس خداوند دوست داشت که قرآن را به زبان آنها نازل فرماید به تحقیق که خداوند فرمود: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ﴾^۱ ما هیچ رسولی نفرستادیم مگر به زبان قومش .^۲

إِلَيْهِ يَرْدُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْثَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أَثْنٍ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَتَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذْنَاكَ مَا مَسْنَا مِنْ شَيْءٍ
 شهید (۴۷)

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (۴۸)

۱. ابراهیم، آیه ۴

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۹

لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَوْسُقَنْوْطُ (۴۹)

۴۷ - خداوند علم به قیامت دارد، و هیچ میوه‌ای از غنچه خود بیرون نمی‌آید، و هیچ ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند، مگر به علم او. و روزی که آنها را ندا می‌دهد (و می‌گوید): کجا هستند شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟ می‌گویند: (بار الها)، ما عرضه داشتیم که هیچ گواهی نداریم.

۴۸ - و همه معبودان باطلی که از قبل می‌خواندند محو و نابود می‌شوند، (در آن هنگام) می‌دانند که هیچ راه فراری ندارند.

۴۹ - انسان هرگز از نیکی خواستن خسته نمی‌گردد، و اگر شری به او برسد مأیوس و ناامید می‌گردد.

﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ﴾ یعنی آنهایی که به غیر از خداوند را می‌پرستیدند.

﴿قَالُوا أَذْنَاكَ﴾ یعنی تو را آگاه کردیم.

﴿مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ﴾ - تا - وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ

مَحِيصٍ﴾ یعنی دانستند که برای آنها هیچ راه گریز و پناهگاه و فراری نیست.

﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ﴾ یعنی از اینکه برای خودش درخواست

خیر و نیکی کند هیچ ملول و خسته نمی‌شود.

﴿وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَوْسُقَنْوْطُ﴾ یعنی راحتی از جانب خداوند و فرج و

گشایش مأیوس و ناامید می‌گردد.

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ

عَرِضٍ (۵۱)

۵۱- و هرگاه به انسان نعمتی عطا کنیم روی می گرداند، و با حال غرور (از

شکر الهی) دوری می جوید، و هرگاه به سر و بلایی مبتلا می گردد همیشه

زبان به دعا می گشاید.

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ﴾ یعنی با کبر و غرور راه

می رود و افراد پایین تر از خودش را تحقیر می کند.

﴿وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ﴾ یعنی فقر و مرض و شدت و سختی.

﴿فَدُودُ دُعَاءٍ عَرِيضٍ﴾ یعنی زیاد دعا می کند.^۱

سُرِّبِهِمْ آیاتنا فی الآفاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكُنْ

بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۳)

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ (۵۴)

۵۳- به زودی آیاتمان را در اطراف جهان و در اندورنشان به آنها نشان

می دهیم، تا برای آنها روشن گردد که او حق است، آیا برای پروردگارت

کفایت نمی کند که بر هر چیزی گواه باشد؟

۵۴- آگاه باشید که آنها در لقاء پروردگارشان در شک و تردید هستند، آگاه

باشید که او به همه چیز احاطه دارد.

﴿سُرِّبِهِمْ آیاتنا فی الآفاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ پس معنی

﴿فِي الْآفَاقِ﴾ کسوف و زلزله و آنچه از آیات در آسمان اتفاق می افتد، و

معنای ﴿فِي أَنْفُسِهِمْ﴾ این است که یک بار گرسنه است و بار دیگر سیر

می گردد و یک بار تشنه است و بار دیگر سیراب می شود، یک بار مریض است

و یک بار در صحت و سلامتی، یک بار در آسایش و غناست و یک بار در فقر،

یک بار راضی است و یک بار خشمگین، یک بار می‌ترسد و یک بار نیز در امنیت می‌باشد پس این از بزرگترین دلایل بر توحید خداوند است. که شاعر می‌گوید:

و في كل شيء له آية تدل على أنه واحد

یعنی: در هر چیزی برای او آیت و نشانه‌ای است، دلالت می‌کند که او واحد و یکتاست.

سپس بندگان را با لطف عظمتش ترسانید و فرمود: ﴿أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ ای محمد آیا برای پروردگارت کفایت نمی‌کند که او بر همه چیز شاهد و گواه است؟

سپس فرمود: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِئَةٍ﴾ یعنی آنها در شک و تردید هستند. ﴿مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ﴾ کنایه از خداوند است. ﴿بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ﴾ که خداوند به همه چیز احاطه کامل دارد.^۱



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تفسیر سورۃ شوری



مؤسسه تحقیقاتی کلامی و فقهی

۴۲ - سورۃ شوری در مکه

نازل شده و دارای ۵۳ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

عسق (۲)

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

۱- حم .

۲- عسق .

۳- اینچنین خداوند عزیز و حکیم بر تو و نیز پیامبرانی که قبل از تو بوده‌اند

وحی می‌کند.

﴿حم * عسق﴾ این حروف مقطعه از اسم اعظم خداوند است که رسول خدا ﷺ یا امام علیؑ آنها را با هم ترکیب می‌کند. که هر وقت خداوند را با آن اسم اعظم بخوانند اجابت می‌کند.^۱

﴿كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

یحیی بن مسیره [میسره] خثعمی گوید از امام باقرؑ شنیدم که فرمود: ﴿حم عسق﴾ عدد سالهای حضرت قائمؑ می‌باشد، و قاف کوهی از زمرد سبز است که احاطه بر دنیا دارد و سبزی آسمان انعکاس از سبزی آن

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۳؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۵۷

کوه است و هر چیزی در «عسق» است.^۱

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْقَطِرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ
وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵)
وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِظَهُ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۶)
وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ
الْجَمْعِ لَا رَبَّ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

۵- نزدیک است که آسمانها از بالا متلاشی گردند، و فرشتگان به حمد و تسبیح پروردگارشان مشغول هستند، و برای اهل زمین طلب مغفرت و آمرزش می‌کنند، آگاه باشید که خداوند آمرزنده و مهربان است.
۶- و کسانی که غیر خدا را ولی خود گرفته‌اند، خداوند نگهبان (مراقب اعمال) آنهاست، و تو وکیل (اعمال) آنها نیستی.

۷- و این چنین قرآن را بر تو عربی (فصیح) وحی نمودیم تا (مردمان) امّ القری (شهر مکه) و هر کسی که در اطراف آن است را اذار کنی، و آنها را از آن روزی که همه جمع می‌شوند (روز قیامت) که هیچ شک و تردیدی در آن نیست بترسانی، که گروهی از آنها در بهشت و گروهی در آتش سوزان می‌باشند.

﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْقَطِرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ
وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ﴾ یعنی ملائکه از برای مؤمنین از شیعیان خاص توبه می‌کنند، که لفظ آیه عام و معنایش خاص می‌باشد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۴

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۵

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ مراد از ﴿أُمَّ الْقُرَى﴾ مکه است بدین خاطر به مکه، ام القرى می گویند چون اول بقعه ای بود که خداوند در زمین آفرید که می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾^۱ همانا اول خانه ای برای مردم بنا گذاشته شد همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت می باشد.^۲

ابی الجارود گوید امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ذیل فرمود: ﴿يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ﴾ یعنی پاره پاره می شوند.^۳
﴿لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى﴾ یعنی مکه.

﴿وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ یعنی سایر زمین.^۴
﴿وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾ و آنها را از آن روزی که همه جمع می شوند (روز قیامت) که هیچ شک و تردیدی در آن نیست بترسانی، که گروهی از آنها در بهشت و گروهی در آتش سوزان می باشند.

امام حسن علیه السلام و یزید ملعون در نزد پادشاه روم

عبد الملك بن هارون از امام صادق علیه السلام که از پدران گرامی اش روایت می کند که فرمودند: چون به امیرالمومنین علیه السلام خبر رسید که معاویه با صد هزار سپاهی برای جنگ می آید، فرمود: همراهان او از چه قومی هستند؟ عرض کردند: از اهل شام می باشند.

۱. آل عمران، آیه ۹۶

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۵

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۴

۴. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۵۷

فرمود: نگوئید از اهل شام بلکه بگوئید از مردمان شوم از نسل مضرند که به زبان داود پیغمبر لعن و نفرین شدند و به غضب خداوند مبتلا و به صورت بوزینه و خنزیر مسخ گردیدند؛ سپس امیرالمؤمنین علیه السلام نامه‌ای نوشته و برای معاویه ارسال داشتند که چرا بی سبب باعث کشتار جمعی مردم بی گناه می‌شوی، اگر تو با من سر پیکار داری شخصا به میدان نبرد حاضر شو تا من و تو با یکدیگر به قتال پردازیم چنانچه تو بدست من کشته شوی به جهنم واصل شوی و مردم از شر گمراهی تو رهائی می‌یابند و اگر من کشته شوم به بهشت می‌روم و از شمشیرهایی که برای رفع مکر و حیل‌های تو باید به زخم آسوده خواهم شد، من کسی هستم که خداوند نام مرا در تورات و انجیل به مساوات و برادری با رسول اکرم صلی الله علیه و آله یاد فرموده و من همان شخصی هستم که در زیر درخت به طوری که خداوند در قرآن بیان فرموده: **لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ**^۱ با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت نموده‌ام.

معاویه چون نامه حضرت را دریافت کرد و قرائت نمود عده‌ای که پیرامونش بودند گفتند: ای معاویه به خدا قسم علی علیه السلام با تو از در انصاف در آمده است.

معاویه گفت: هرگز راه انصاف نپیموده زیرا من هم مبارز با علی نیستم چونکه خودم از رسول خدا شنیدم که می‌گفت یا علی! اگر اهل مشرق و مغرب با تو مبارزه کنند از عهده همگی شخاص بر می‌آیی و همه را به قتل می‌رسانی. مردی گفت: پس چه چیز باعث شد که تو با او به مخالفت و ستیز

۱. فتح، آیه ۱۸؛ به تحقیق خداوند از مومنین راضی شد هنگامی که در زیر درخت با تو بیعت کردند.

برخاسته‌ای و با صد هزار مرد به پیکار او می‌روی زیرا هر کس با علی جنگ و پیکار کند از دین خدا و رسولش خارج و به ضلالت و گمراهی داخل خواهد شد.

معاویه گفت: خدا و رسولش خبر داده‌اند که هر که با علی جنگ کند از دین حق بیرون و از طریق هدایت و نجات منحرف و خارج است، به خدا قسم من و پیروانم نمی‌توانیم این ضلالت را از خود دور کنیم زیرا در علم خدا گذشته است که ما از گمراهان و مضلین باشیم.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خبر جنگ معاویه با امیر المؤمنین علیه السلام به امپراطور روم رسید و به او گفتند: برای امر خلافت مسلمین بین دو نفر از مدعیان پیکار سختی در گرفته است.

پرسید: این دو نفر از چه محل هستند؟
جواب دادند: یکی از شام و دیگری از کوفه قیام نموده است.

پرسید: هم اکنون زمام امور مسلمین در دست کیست؟
گفتند: بدست علی علیه السلام که در کوفه است.

به وزیر خود دستور داد تحقیق و تجسس به عمل آورد تا از مردم شام و عراق کسی در روم ساکن هست یا خبر. بر اثر تحقیق دو نفر تاجر یکی از تاجر عراق و دیگری از شام بدست آورده حضور پادشاه آوردند او از هر دو نفر پرسشهایی بعمل آورد و آنها شمه‌ای از اوصاف امیر المؤمنین علی علیه السلام و معاویه را به او گفتند، سپس دستور داد که از خزائن دربار مجسمه‌هایی حاضر نمودند و پس از مشاهده و دقت نظر در آنها پادشاه روم گفت: شامی گمراه و باطل و کوفی هادی و برحق است؛ آن‌گاه نامه‌ای به معاویه نوشت که داناترین فرد خانواده‌ات را به نزد من بفرست و به علی علیه السلام نیز نوشت که

برای من مشکلی روی داده خواهش دارم داناترین افراد خانواده و اهل بیت خود را به نزد من بفرست تا مسائلی چند طرح کنم و سخنان و پاسخ او را بشنوم و با مندرجات انجیل تطبیق کرده و حق را تشخیص دهم.

معاویه یزید و علی علیه السلام حضرت امام حسن علیه السلام را به روم فرستادند یزید چون به دربار امپراطور روم وارد شد دست پادشاه را بوسه داده و سر او را نیز بوسید، اما همینکه امام حسن علیه السلام داخل محفل پادشاه شد با صدایی رسا و بلند فرمود: خدایی را سپاس و ستایش می‌کنم که مرا نه یهودی و نه نصرانی و نه مجوس و آفتاب و ماه پرست و نه مشرک و نه گاوپرست نفرموده بلکه مرا به نور هدایت اسلام رهبری کرد و مسلمان و پاک و پاکیزه قرار داد، ستایش و تکریم و عظمت شایسته پروردگار بزرگ و صاحب عرش اعظم است. پس جلوس فرمود بدون آنکه به اطراف خود نظری افکند و سر مبارک را به زیر انداخت. پادشاه دستور داد امام حسن را به محلی بردند و یزید را در حضور خویش نگاه داشت و دستور داد از خزانه سیصد و سیزده صندوق که محتوی تمثال و تصویر انبیاء و اوصیاء بود حاضر نموده و یکایک آنها را به یزید ارائه داد و نام صاحب آنها را پرسید، یزید هیچ یک از آنها را نشناخت و پاسخ مثبت نداد سپس پرسید ارزاق خلائق چگونه به آنها می‌رسد و ارواح مؤمنین و کفار بعد از مرگ در کجا جمع می‌شوند یزید اظهار بی‌اطلاعی نمود.

پادشاه حضرت امام حسن علیه السلام را خواست و به او گفت: قبل از تو آنچه می‌خواستم از یزید فرستاده معاویه سؤال کردم تا اینکه بر خودش ثابت شود چیزی نمی‌داند، تو آنچه او نمی‌داند را می‌دانی همانطوری که پدرش آنچه پدرت می‌داند نمی‌داند من وقتی که اوصاف پدر تو و پدر او را شنیدم و

با مراجعه به انجیل و آثاری که در دست داشتم دانستم که محمد ﷺ رسول خدا و پدرت علی وزیر و وصی و جانشین محمد ﷺ است.

حضرت امام حسن علیّه السلام فرمود: ای پادشاه هر چه می خواهی از من سؤال کن خواه از مندرجات تورات و انجیل و یا آنچه که در قرآن کتاب آسمانی ماست و بخواست خداوند جواب شایسته و کافی بشنوی.

پادشاه شروع به ارائه مجسمه ها و تمثال ها و تصاویر انبیاء و اوصیا نمود اول صورت آدم ابوالبشر و سپس تمثال حوا مادر بشر را ارائه داد. حضرت امام حسن آنها را شناخته و نام هر یک را گفت بعد تصویر شیث پسر آدم و بعد صورت نوح نبی را ارائه داد و حضرت امام حسن علیّه السلام فرمود این صورت شیث است که عمرش یک هزار و چهل سال بود و این تصویر از نوح پیغمبر صاحب کشتی است عمر او دو هزار و چهار صد سال بود و مدت نهصد و پنجاه سال با سمت پیغمبری به ارشاد قوم خود پرداخت.

پادشاه تمثال دیگری را نشان داد فرمود این تصویر خلیل الرحمن حضرت ابراهیم است که سینه اش پهن و پیشانی اش گشاد بود پس صورت دیگری را ارائه نمود که فرمود این تصویر موسی بن عمران است که دویست و چهل سال عمر کرد و فاصله بین او و حضرت ابراهیم پانصد سال بود پس صورت دیگری را نشان داد که حضرت فرمود این تصویر اسرائیل الله یعقوب است بعد تصاویر اسماعیل و یوسف را آوردند بعد تمثال داود نبی صاحب محراب و شعیب و زکریا و یحیی را آوردند که آن جناب یکی یکی را معرفی فرمود آن گاه صورتی آوردند که حضرت امام حسن علیّه السلام فرمود این تصویر عیسی بن مریم روح الله و کلمه الله است که عمرش در دنیا سی و سه سال بود و خداوند بنا به مشیت ازلی او را به آسمان برد و در آخر زمان به شهر دمشق

فرود آید و دجال را می‌کشد.

همچنین پادشاه یکایک تمثال‌ها و صورت‌ها را ارائه داده و حضرت امام حسن علیه السلام نام صاحبان صورت‌ها را به اسم وصی و وزیر آنها می‌فرمود پادشاه دستور داد تصاویر دیگری از خزانه آوردند و نشان دادند. حضرت فرمود این صورت‌ها مربوط به انبیاء و اوصیاء و اولیاء نیست و در زبور و تورات و انجیل نامی از ایشان برده نشده و یقیناً تصویر سلاطین و پادشاهان گذشته است.

پادشاه گفت: شهادت می‌دهم که شما خاندان محمد صلی الله علیه و آله وارثان علم آن پیغمبر محترم هستید و خداوند علوم اولین و آخرین را به شما اعطا فرموده و شما زبور و تورات و انجیل را از صاحبان آن ادیان بهتر می‌دانید.

آن‌گاه پادشاه روم صورت دیگری را خواسته و ارائه نمود چون امام حسن علیه السلام تصویر را دید گریه بر او مستولی گردید و در پاسخ پرسش پادشاه فرمود این شمایل جدم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که نیکو منظر و بدیع شمایل و نیکو کلام و فصیح زبان و همواره معطر و خوشبو بود عمر شریفش شصت و سه سال بود و در پیشرفت امر دین خدا از هیچ فداکاری دریغ نکرد و پیوسته امر بمعروف و نهی از منکر می‌فرمود و چون از این جهان رخت بر بست مالی به جا نگذاشت مگر انگشتری که بر او کلمه طیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله» نقش شده بود و آن را در دست راست خود می‌کرد و شمشیر ذوالفقار و جبه و عبائی.

پادشاه گفت: از اخبار و آیات انجیل چنین دریافته‌ایم که آن بزرگوار املاک خود را در زمان زندگانی به یگانه دختر خود بخشیده است آیا چنین بوده است؟

حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: بله چنین بوده است.
 پادشاه گفت: آیا آن املاک برای شما باقی مانده است؟
 فرمود: نه!

پادشاه گفت: بطوری که من می دانم ظاهراً اول فتنه ای که در اسلام و امت
 جدت حادث گشته همان است که دو نفر به نام ابوبکر و عمر بر پدرت ستم
 نموده آن املاک را که پیغمبر به شما عطا کرده بود غصب و پدرت را
 خانه نشین کردند و خلافت امت را هم غاصبانه بدست می گیرند در صورتیکه
 حق رهبری و پیشوایی امت بعد از جدّت به دست ذریه و اهل بیت او باید داده
 می شد؟ که قیام کننده به حق و امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر از
 شما خاندان است.



مرکز تحقیقات اسلامی
 اسلام

سوالات پادشاه روم از امام حسن علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: سپس پادشاه از آن حضرت پرسید: آن هفت
 موجودی که بدون قرار گرفتن در رحم بوجود آمده اند کدامند؟
 حضرت فرمود: اول: آدم؛

دوم: حوا؛

سوم: گوسفندی که جبرئیل فدای اسماعیل و نزد حضرت ابراهیم خلیل
 آورد؛

چهارم: ناقه صالح پیغمبر؛

پنجم: شیطان؛

ششم: مار؛

هفتم: کلاغی است که خداوند او را فرستاد تا نعش کلاغ دیگری را در زمین

دفن کرد و پسر آدم درباره دفن برادر مقتول خود از او تعلیم گرفت.

آن‌گاه پادشاه از ارزاق خلائق پرسید.

حضرت علیه السلام فرمود: ارزاق خلائق در آسمان چهارم است که باندازه و مقداری که خداوند مقرر و مقدر فرموده نازل و بین افراد بشر تقسیم می‌شود.

پادشاه پرسید: ارواح مومنین هنگامی که مُردند در کجا جمع می‌شوند؟
فرمود: ارواح مؤمنین در صخره بیت المقدس در هر شب جمعه جمع می‌شوند که آن عرش کوچک خداست که خداوند از آنجا زمین را گسترش داد و ارواح مومنین از آن محل محشور می‌شوند و پروردگار ما بیت المقدس را به سوی آسمان راست گردانید.

پادشاه سپس از ارواح کافرین پرسید که در کجا جمع هستند؟
حضرت علیه السلام فرمود: ولی ارواح کفار در وادی حُرموت که در پشت شهر یمن متمرکز گشته است سپس خداوند آتشی را از جانب مشرق و آتشی را نیز از جانب مغرب با بدترین بو می‌فرستد پس مردم از صخره بیت المقدس محشور می‌شوند و مؤمنین از طرف راست صخره بیت المقدس به سوی بهشت و کفار از جانب چپ به جهنم می‌روند و این است معنای آیه شریفه:
﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾

چون گفتار پادشاه روم و حضرت امام حسن پایان پذیرفت پادشاه رو به یزید نموده و گفت: آیا فهمیدی که نمی‌دانی، ولی آنچه را که این شخص گفت نمی‌داند آنها را مگر پیغمبر یا وصی و وزیرش که خداوند او را گرامی فرموده و به خلعت خلافت و وصایت آراسته و به افتخار برادری پیغمبر مفتخر گشته هر کس بر علیه او قیام نماید و دست به جدال و پیکار گشاید دنیا را بر آخرت

ترجیح داده و مغلوب هوای نفس گشته و در دنیا و آخرت مورد غضب خداوند و مستحق کیفر و عذاب است و او از ستمکاران می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: یزید ساکت ماند و در کمال شرمندگی از حضور پادشاه خارج شد و پادشاه حضرت امام حسن علیه السلام را گرمی داشت و هدایا و تحفه هایی تقدیمش نموده از حضرتش تقاضا کرد تا درباره او دعا کند تا داخل دین اسلام گردد زیرا حب دنیا و مقام سلطنت مانع آن است که رسماً و علناً قبول اسلام نماید.

یزید به سوی معاویه برگشت. پادشاه روم نامه ای به معاویه نوشت و در طی آن تشریح کرد که بعد از پیغمبر اسلام هر کس بتواند بر طبق مندرجات و محتویات زبور و تورات حکم نموده و به علوم صحف آسمانی و انجیل و قرآن آگاه باشد حق خلافت و ولایت و پیشوائی مسلمین را دارد و در نامه دیگری که به امیرالمؤمنین نوشت، تصدیق کرده بود که خلافت و ولایت امور مسلمین حق شماست و بعد از پیغمبر اسلام شما خاندان رسالت و وارثان آن پیغمبر خاتم هستید و باید با هر کس که به جنگ تو آید جنگ کنی و ما از آثار پیشینیان خود چنین درک نموده ایم که هر کس در صدد پیکار و ستیزه با تو باشد خداوند او و یارانش را عذاب می فرماید و در جهنم مخلد در آتش مانده و به لعنت پروردگار و فرشتگان و تمام اهل زمین و آسمان تا روز قیامت گرفتار شود.^۱

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ
وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۸)

۸- و اگر خداوند می‌خواست آنها را (تمام مردم را) امت واحدی قرار

می‌داد، و لکن هر کسی را که می‌خواهد در رحمت خودش وارد می‌کند، و

برای ستمکاران هیچ ولی و یابوری نیست.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ اگر خداوند می‌خواست که همه آنها را

معصوم قرار دهد همانند ملائکه بدون غرائز شهوانی قادر بر آن بودند.

﴿وَلَكِنْ يَدْخُلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ﴾ یعنی ظالمین در حق

آل محمد ﷺ

﴿مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ که برای آنها هیچ ولی و یابوری نیست.^۱

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكِّمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ

أُنِيبُ (۱۰)

فَاطَرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ

أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ لِيَتَّسِ كَيْفَ شَاءَ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱)

۱۰- و درباره هر چیزی اختلاف کنید- قضاوتش با خداوند است، این است

خداوند، پروردگار من، بر او توکل می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم.

۱۱- خداوندی که آفریننده آسمانها و زمین است، از جنس‌تان برای شما

همسرانی قرار داد، و چهارپایان را نیز جفت آفرید، و به این وسیله شما را

زیاد می‌کند، هیچ چیزی مانند او نیست، که او شنوا و بیناست.

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ﴾ یعنی از مذاهب و برای خودتان دین‌هایی

برگزیدید که حکم همه آنها روز قیامت بر خداوند است.

﴿جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾ یعنی زنان را آفرید.

﴿وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَرْوَاجًا﴾ یعنی چهارپایان را نر و ماده قرار داد.

﴿يَذُرُكُمْ فِيهِ﴾ یعنی نسلی که از مذکر و مؤنث می باشد.

سپس خداوند کسانی را که خدا را توصیف می کنند رد کرده و فرمود:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ هیچ چیزی مانند او نیست، او شنوا و

بیناست.^۱

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ
إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى
الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنِيبُ (۱۳)

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ
رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّي بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ
لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴)

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ
اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ
أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶)

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ
قَرِيبٌ (۱۷)

۱۳ - آئینی را برای شما تشریع نمود که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه که بر

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۵۶؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۵۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۷۱

تو وحی کردیم آن چیزی است که به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم که: دین را به پا دارید و در آن پراکنده نشوید، و بر مشرکین سنگین است آنچه که آنها را به سوی آن می خوانید، خداوند هر کسی را که بخواهد برمیگزیند و هر کسی که به سوی او باز می گردد را هدایت می کند.

۱۴- و متفرق نشدند مگر بعد از آن که علم به سراغشان آمد، (که این تفرقه) به خاطر بغی و ستم بینشان اتفاق افتاد، و اگر کلمه (دستوری) از پروردگار سبقت نگرفته بود تا وقت معینی در میانشان قضاوت می شد، و کسانی که بعد از آنها وارث کتاب شدند در شک و تردید می باشند.

۱۵- پس برای همین دعوت کن، و همچنان که مأمور شده ای استقامت بورز، و از هوا و هوس آنها پیروی مکن، و بگو: به هر کتابی که خداوند نازل کرده ایمان آورده ام و مأمور شده ام که در میان شما به عدالت حکم کنم، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، (نتیجه) اعمال ما از برای ماست و (نتیجه) اعمال شما نیز از برای شماست، هیچ حجتی میان ما و شما نیست. خداوند همه ما و شما را در یک جا جمع می کند، و بازگشت همه به سوی اوست.

۱۶- و کسانی که درباره خداوند بعد از ایمان آوردن احتجاج می کنند، حجت شان نزد پروردگارشان لغو و باطل است، و خشم و غضب برای آنهاست، و عذاب سختی دارند.

۱۷- خداوند آن کسی است که کتاب (آسمانی) و میزان را به حق نازل کرد، و تو نمی دانی شاید که ساعت (روز قیامت) نزدیک باشد.

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ﴾ که خطاب به حضرت محمد ﷺ است.

﴿مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ﴾ ای محمد - وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ

وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ ﴿۱۰﴾ که مراد از ﴿اقیموا الدین﴾ یعنی دین را یاد بگیرید، یعنی توحید و به پا داشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و سنت‌ها و احکامی که در کتاب‌ها نوشته شده و اقرار به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را یاد بگیرید.

﴿وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ یعنی و در آن اختلافی نداشته باشید.

﴿كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ﴾ یعنی از گفتن این شرایع.

سپس فرمود: ﴿اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ یعنی خدا هر کسی را که بخواهد برای این دین انتخاب می‌کند.

﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ و آنها ائمه علیهم السلام هستند که خداوند آنها را برگزیده و انتخاب کرده است.

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنَهُمْ﴾ اختلاف اهل نفاق به ولایت و امامت علی مرتضی از روی جهل و نادانی نبوده بلکه چون فضیلت آن حضرت را دانستند پس از روی تعجب و حسد انکار آن نمودند و اختیار آراء مختلف و مذاهب باطل کردند.

سپس خداوند عزوجل فرمود: ﴿وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّي بَيْنَهُمْ﴾ اگر خداوند آن را از اول مقدر نکرده بود هنگامی که اختلاف انداختند در بینشان قضاوت کرده و هلاکشان می‌فرمود و لکن آن را تا مدت معین و تقدیر شده به تاخیر انداخته است.

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ﴾ کنایه از کسانی است که امر رسول خدا صلی الله علیه و آله را نقض کردند.

سپس فرمود: ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ﴾ یعنی برای این امور و دینی که ذکرش گذشت و دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام ﴿وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ﴾ همچنانکه مامور

شده‌ای استقامت بورز.^۱

امام صادق علیه السلام درباره «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» فرمود: یعنی امام.

«وَلَا تَتَقَرَّقُوا فِيهِ» کنایه از امیرالمومنین علیه السلام می‌باشد.

سپس فرمود: «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» یعنی از امر ولایت

علی علیه السلام.

«اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ» کنایه از علی علیه السلام است «وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ

يُتِيبُ» هدایت می‌کند کسی که به سوی او باز گشت نماید.

سپس فرمود: «فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» یعنی به سوی

امیرالمومنین.

«وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» یعنی درباره آن حضرت از هوا و هوس‌هایتان

پیروی نکن و بگو: «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ

رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ - تَا - وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» به هر کتابی که خداوند نازل کرده ایمان

آورده‌ام و مامور شده‌ام که در میان شما به عدالت حکم کنم، خداوند

پروردگار من و پروردگار شماست، (نتیجه) اعمال ما از برای ماست و

(نتیجه) اعمال شما نیز از برای شماست، هیچ حجتی میان ما و شما نیست.

خداوند همه ما و شما را در یک جا جمع می‌کند، و بازگشت همه به سوی

اوست.^۲

سپس خداوند عز و جل فرمود: «الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ» یعنی بعد از آنکه

خداوند رسول و کتاب برای آنها فرستاد با خداوند احتجاج کرده و احکام خدا

را تغییر و تبدیل می‌دهند و سپس در روز قیامت بر خداوند احتجاج می‌کنند

۱. نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۷۴

۲. نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۷۵

که ﴿فَحُجَّتْهُمْ دَاحِضَةٌ﴾ یعنی احتجاجشان باطل است ﴿عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ حجتشان نزد خدا لغو و باطل است، و خشم و غضب برای آنهاست، و عذاب سختی دارند.

سپس فرمود: ﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ﴾ مراد از ﴿الْمِيزَانَ﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام است و دلیل بر آن آیه هفت سورة رحمن می باشد ﴿وَالسَّامَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ که میزان یعنی امام.

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۱۸)

۱۸- کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن عجله می کنند، و کسانی که به آن ایمان دارند از آن می ترسند و می دانند که آن حق است. آگاه باشید کسانی که درباره روز قیامت در شک و تردید هستند در گمراهی دور و عمیقی گرفتار هستند.

﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا﴾ کنایه از قیامت است زیرا مشرکان به رسول خدا صلی الله علیه و آله می گفتند اگر راستگو هستی قیامت را برای ما برپا نما و آن عذابی را که به ما وعده داده ای بیاور پس خداوند فرمود: ﴿أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ﴾ یعنی مخاصمه می کنند.^۱

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (۲۰)

۲۰- کسی که زراعت آخرت را بخواهد برکشت او می افزاییم، و کسی که

زراعت دنیا را اراده کند بهره‌ای از آن را به او می‌دهیم و برای او در آخرت هیچ بهره و نصیبی نیست.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ یعنی ثواب آخرت.
 ﴿وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾
 امام صادق (ع) فرمود: مال و فرزند کشتگاه دنیا هستند و عمل صالح کشتگاه آخرت و به تحقیق خداوند آن دو را برای گروهی نیز با هم قرار داده است.^۱

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ
 لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاؤُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ
 الْكَبِيرُ (۲۲)

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ
 عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ
 الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۴)

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا
 تَفْعَلُونَ (۲۵)

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۲۶)

۲۱- آیا برای آنها معبودانی است که برایشان بدون اذن خداوند آنیانی درست کرده‌اند؟ و اگر کلمه فصل (مهلت مشخصی) نبود میان آنها قضاوت می‌شد، و همانا برای ستمکاران عذاب دردناکی است.

۲۲- (در آن روز) ظالمان را می‌بینی که به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند سخت هراسان هستند، ولی (عذاب) آنها را در بر می‌گیرد، و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند در باغ‌های بهشتی هستند، و برای آنها نزد پروردگارشان هر چه که بخواهند مهیاست، این همان فضل بزرگ است.

۲۳- این همان چیزی است که خداوند به بندگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند بشارت می‌دهد. بگو: من هیچ اجری به خاطر رسالتم از شما نمی‌خواهم مگر دوستی خویشاوندانم، و هر کس کار نیکی انجام دهد ما نیز بر نیکیش می‌افزاییم، همانا که خداوند آمرزنده سپاس‌گزار است.

۲۴- یا می‌گویند: او (پیامبر) بر خداوند دروغ بسته است، پس اگر خداوند بخواهد بر قلب تو مهر می‌زند، و خداوند باطل را محو می‌کند و حق را به فرمانش ثابت می‌دارد، همانا او از دورن سینه‌ها آگاه است.

۲۵- و او کسی است که توبه بندگانش را می‌پذیرد، و گناهان را می‌آمرزد، و هر آنچه که انجام می‌دهید را می‌داند.

۲۶- و دعای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند را اجابت می‌کند، و از فضل خود بر آنها می‌افزاید، و برای کافران عذاب سخت شدیدی است.

﴿وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ﴾ مراد از کلمه امام است و دلیل بر آن آیه ذیل می باشد: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۱ یعنی امامت. ﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ﴾ یعنی آنهایی که بر این کلمه (امام) ظلم کردند. ﴿لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ برای آنها عذاب دردناکی است. ﴿تَرَى الظَّالِمِينَ﴾ یعنی می بینی تو کسانی که بر حق آل محمد علیهم السلام ظلم کردند.

﴿مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا﴾ یعنی از آنچه مرتکب شده و انجام داده اند ترسان هستند.

﴿وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ﴾ یعنی از آنچه می ترسیدند واقع می شود. سپس خداوند کسانی را که بر کلمه (امام) ایمان آورده اند و از او پیروی کرده اند را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ - تَأْتِيهِمْ فِيهَا الْوُجُوهُ الْمُنَوَّرَةُ وَالْأَنْفُسُ أَرَادَتْ تَوَلَّى الْوُجُوهُ الْمُنَوَّرَةُ﴾ بشارت خداوند بر کسانی که به این کلمه ایمان آورده اند.

﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی این کلمه بدانچه امر نموده عمل می کنند.

آیه مودت

سپس فرمود: ای محمد به آنها بگو: ﴿لَا لَسْتُ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾ یعنی بر نبوت و پیامبری خویش اجری نمی خواهم ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ مگر مودت و دوستی اهل بیت را.

محمد بن مسلم گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: منظور از قریبی در آیه ﴿قُلْ لَا لَسْتُ لَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

آن گاه می فرماید: انصار (مسلمانان اهل مدینه) نزد رسول خدا ﷺ رفته، و عرضه داشتند: ما شما را منزل دادیم و یاری کردیم، اینک مقداری از اموال ما را بگیر، و در رفع گرفتاریهای مصرف کن، خدای تعالی در پاسخشان این آیه را فرستاد که: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ یعنی مودت و دوستی به اهل بیتم.

و سپس می فرماید: مگر نمی بینی که ممکن است مردی دوستی داشته باشد که در عین دوستیش با وی در دل کینه ای نسبت به اهل بیت او داشته باشد، در نتیجه دل او سلامت نخواهد داشت. خدای تعالی در این آیه خواسته است در دل رسول خدا ﷺ چیزی علیه امتش نباشد، لا جرم مودت در قربی را بر امت واجب کرد، حال اگر به آن عمل کنند واجبی را انجام داده اند، و اگر ترکش کنند واجبی را ترک کرده اند.

سپس فرمود: انصار از حضور رسول خدا ﷺ برگشتند در حالی که به یکدیگر می گفتند: ما اموال خود را در اختیار آن جناب گذاشتیم و او نپذیرفت، و دستور داد در دفاع از اهل بیتش با دشمنانشان بجنگیم. و طایفه ای از ایشان گفتند: نه رسول خدا ﷺ چیزی نگفت. طایفه ای هم کلام آن جناب را تکذیب نموده و آن را افتراء بر خدا خواندند و خدا تکذیبشان را در جمله ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ حکایت کرده، و سپس فرموده: ﴿فَإِنْ يَشَأْ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ﴾ یعنی: بگو اگر من بر خدا افتراء ببندم خدا مهر بر دلم می زند.

﴿وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ﴾ یعنی خدا باطل را هر چه هم صورت حق به جانبی داشته باشد باطل نشان می دهد، و حق را با کلماتش احقاق و اثبات می کند.

و منظور از ﴿کلماته﴾ ائمه و قائم آل محمد ﷺ هستند، ﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ همانا خداوند آنچه که درون سینه هاست آگاه است.

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ - تَا - وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾ یعنی کسانی که گفتند آنچه را که رسول خدا ﷺ فرموده بود. سپس فرمود: ﴿وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ و برای کافران عذاب سخت و شدیدی است.

و همچنین فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ اجر نبوت این بود که اهل بیت را اذیت و آزار و حق آنها را غصب نکنید به آنها بیبوندید و عهد و پیمان با آنها را نقض نکنید که خداوند فرمود: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾^۱ انصار نزد رسول خدا ﷺ آمده و گفتند: همانا ما شما را یاری کردیم و هر چه از اموال هم می‌خواهی از ما بردار پس خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ یعنی در اهل بیتش

سپس رسول خدا ﷺ بعد از آن فرمود: هر کس اجرت اجیری را نپردازد لعنت خداوند و همه ملائکه و مردم بر او باد، و خداوند در روز قیامت از او هیچ مستحب و واجبی را قبول نمی‌کند و آن اجر محبت آل محمد ﷺ است. سپس فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ و آن اقرار به امامت آنها و احسان و نیکی و پیوستن به آنهاست.

﴿تَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾ یعنی ما نیز با احسان بر او جبران می‌کنیم.

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (۲۷)

۱. رعد، آیه ۲۱؛ و آنهایی که پیوندهایی را که خداوند دستور به برقراری آن داده، برقرار می‌داند.

۲۷- و اگر خداوند روزی بندگانش را وسعت بخشد، در زمین طغیان و سرکشی می کنند، و لکن به اندازه ای که می خواهد نازل می کند، همانا که به حال بندگانش آگاه و بیناست.

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ﴾

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خدا رزق را بسط می داد مردم طغیان می کردند، و لیکن مردم را محتاج یکدیگر کرد تا یکی کارفرمای دیگری باشد، چون اگر همه را ثروتمند می کرد بغی و ستم می کردند، ﴿وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرِ مَا يَشَاءُ﴾ و لیکن هر چه بخواد نازل کند به اندازه نازل می کند، آن مقداری که می داند صلاح به حال ایشان، و به دین و دنیای ایشان است ﴿إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ چون او از حال بندگان خود با خبر و بصیر است.^۱

وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ
الْحَمِيدُ (۲۸)

۲۸- و او آن کسی است که باران را پس از مایوس شدن می فرستد، و رحمتش را می گستراند، و او ولی و پسندیده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا﴾ یعنی مایوس می شوند ﴿وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾

حارث اعور گوید از امیرالمؤمنین علیه السلام از ابر سوال شد که کجا می باشد؟ فرمود: بر بالای درختی کثیف در کنار ساحل دریا و خودش را در پناه آن قرار می دهد پس هنگامی که خداوند اراده می فرماید که ابر را بفرستد باد را مامور می کند تا آن را به حرکت در بیاورد و ملائکه را به آن موکل می کند تا

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۸۸؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۷۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۷۰.

آن ابر را با برق بزنند پس بالا می رود.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ (۳۰)

۳۰- و هر مصیبتی که به شما می رسد به خاطر اعمالی است که انجام

داده اید، و (خداوند) بسیاری را عفو می کند.

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾

اصبغ بن نباته از امیر المؤمنین علیه السلام گوید: از آن جناب شنیدم که می فرمود: من برایتان حدیثی می گویم که بر هر مسلمانی سزاوار است آن را حفظ کند.

آن گاه رو کرد به ما و فرمود: خدای تعالی هیچ بنده مؤمنی را در این دنیا عقاب نمی کند، مگر آنکه از عقوبتش در آخرت می گذرد، چون خدای تعالی حکیم تر و جوادتر و بزرگوارتر از آن است که در قیامت عقوبت دنیایی کسی را از سر بگیرد.

آن گاه فرمود گاه می شود که خدای عز و جل مؤمن را به بلایی در بدنش و یا مالش و یا فرزندان و یا خانواده اش مبتلا می کند، آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ و سپس با دستش سه بار خاک پاشید.

علی بن رئاب گوید از امام صادق علیه السلام درباره این آیه ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...﴾ سوال نمودم چه می فرمائید درباره ابتلاءات امیر المؤمنین و خاندان رسالت و عصمت و طهارت، آیا آنها هم معصیت و نافرمانی می نمودند و بر اثر آن به عقوبت و مؤاخذة مبتلا می شدند؟

فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هر روز صد مرتبه توبه و استغفار می نمود بدون

داشتن گناهی، همانا خداوند اولیائش را به مصیبتی گرفتار می‌کند تا بدون هیچ گناهی اجر و ثواب ببرند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که حضرت زین العابدین علیه السلام به مجلس یزید وارد شد و یزد آن حضرت را دید گفت: ای علی بن الحسین هر مصیبت و رنجی که به شما می‌رسد نتیجه رفتار و کردار ناشایسته خود شما است!

امام سجاده علیه السلام فرمودند: حاشا! ما اهل بیت مصداق این آیه نیستیم و درباره ما نازل نشده بلکه آیه ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ^۲ در حق ما نازل شده است؛ و ما اشخاصی هستیم که هرگز بر آنچه از دست ما رفته و یا بر ما وارد شده تأسف نمی‌خوریم و به آنچه به ما عطا شده مغرور و فرحناک نشویم^۳ چون خداوند هیچ متکبر و خودخواهی را دوست ندارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس خشمش را بخورد در حالی که توان ابراز خشم خویش را دارد خداوند قلبش را در روز قیامت در امن و ایمان دارد. و باز فرمود: هر کس در هنگام رغبت و واهمه و خشم مالک نفسش شود

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۵۰؛ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۰؛ معانی الاخبار، ص ۳۸۳.
 ۲. حدید، آیات ۲۲ و ۲۳؛ هیچ‌گزیند و آسیبی در زمین (چون زلزله، سيل، توفان و قحطی) و در وجود خودتان (چون بیماری، رنج، تعب و از دست رفتن مال و ثروت) روی نمی‌دهد مگر پیش از آنکه آن را به وجود آورديم در کتابی (چون لوح محفوظ) ثبت است، بی‌تردید این (تقدیر حوادث و فرمان قطعی به پدید آمدنش) بر خدا آسان است. تا (با یقین به اینکه هرگزیند و آسیبی و هر عطا و منعی فقط به اراده خداست و شما را در آن اختیاری نیست) بر آنچه از دست شما رفت، تأسف نخورید، و بر آنچه به شما عطا کرده است، شادمان و دلخوش نشوید، و خدا هیچ گردنکش خودستا را (که به نعمت‌ها مغرور شده است) دوست ندارد.
 ۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۸ و ج ۷۸، ص ۱۸۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۹۱

خداوند بدنش را بر آتش جهنم حرام می‌کند.^۱

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸)

۳۸- و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، و نماز به پا داشتند، و کارهایشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند، و از آنچه که به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ پروردگارتان را در اقامه امام اجابت کنید.
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ یعنی هر چه امام بدان امر می‌کند آن را قبول می‌کنند و در امور دینشان به هر چه احتیاج دارند با امام مشورت می‌کنند همچنانکه خداوند فرمود: *وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ*^۲ و اگر آن را به رسول و پیشوایانش برگردانند.

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (۳۹)
 وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۴۰)

۳۹- و کسانی که چون ستمی بر آنها می‌رسد یاری می‌طلبند.
 ۴۰- و کیفر بدی، مجازاتی همانند آن است، پس کسی که ببخشد و اصلاح نماید پس اجرش بر خداوند است، همانا که خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۰؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۹۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۳؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۷۳.
 ۲. نساء، آیه ۸۳.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾ یعنی هنگامی که بر آنها ستمی می‌شود انتقام می‌گیرند و این اجازه بر ستم دیده است که اختیار دارد اگر خواست انتقام بگیرد و اگر خواست ببخشد و اگر خواست بر آن جزا داده می‌شود چنانکه خداوند فرمود: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾ یعنی بیش از حد ستمی که بر تو وارد شده انتقام مگیر؛ سپس فرمود: ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾ پس کسی که ببخشد و اصلاح نماید پس اجرش بر خداوند است.^۱

وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (۴۱)
 إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ
 أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)
 وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)
 وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ
 يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ (۴۴)
 وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ
 الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ
 الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ (۴۵)
 وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ
 سَبِيلٍ (۴۶)

۴۱- و کسی که بعد از مظلوم واقع شدن کمک بطلبد، هیچ گناهی بر او نیست.

۴۲- همانا گناه برای کسانی است که بر مردم ستم می‌کنند، و در روی زمین

به ناحق ستم روا می‌دارند، برای اینها عذاب دردناکی است.

۴۳- و کسی که صبر کند و ببخشد، همانا این تصمیمی بجاست.

۴۴- و کسی را که خداوند گمراه کند بعد از خداوند وئی و یآوری برای او

نیست، و ستمکاران را می‌بینی هنگامی که عذاب را می‌بینند می‌گویند: آیا

راهی برای بازگشت (به دنیا) هست؟

۴۵- و آنها را می‌بینی که بر آتش جهنم عرضه می‌شوند و از روی ذلت و

خواری خاشع هستند و زیر چشمی (بر آتش دوزخ) نگاه می‌کنند؛ و

کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت

خود و خانواده‌شان را در عذاب انداخته‌اند، آگاه باشید همانا ستمکاران در

عذاب همیشگی گرفتار هستند.

۴۶- و آنها به غیر از خداوند یآوری ندارند که یاریشان نماید، و کسی را که

خداوند گمراه نماید هیچ راه نجاتی برای او نمی‌باشد.

﴿وَتَرَى الظَّالِمِينَ سَتْمَكَارَانَ﴾ ستمکاران را می‌بینی که بر حق آل محمد ﷺ ستم

کرده‌اند.

﴿لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ یعنی آیا راهی برای

برگشت به سوی دنیا هست.

ابوحمره ثمالی گوید شنیدم که امام باقر علیّه دربارۀ آیه ﴿وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ

ظُلْمِهِ﴾ فرمود: مراد حضرت قائم علیّه و اصحاب آن حضرت می‌باشد.

﴿فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ یعنی حضرت قائم زمانی که قیام کند از

بنی‌امیه و از دروغگویان و ناصبین و یاران آنها انتقام می‌گیرد^۱ و آن قول

خداوند است که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي

الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱﴾ همانا گناه برای کسانی است که بر مردم ستم می‌کنند، و در روی زمین به ناحق ستم روا می‌دارند، برای اینها عذاب دردناکی است.^۱

﴿تَرَى الظَّالِمِينَ﴾ آیا ستم‌کنندگان در حق آل محمد را می‌بینی.
﴿لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ﴾ یعنی هنگامی که علی علیه السلام که باعث عذاب آنهاست چون در دنیا از او پیروی نکردند می‌باشد.

﴿يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ﴾ یعنی آیا راهی وجود دارد که ما علی علیه السلام را دوست بداریم.

﴿وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ﴾ یعنی برای حضرت علی علیه السلام از جهت ذلت و خواری فروتن باشند.
﴿يَنْظُرُونَ﴾ یعنی به علی علیه السلام نگاه می‌کنند.

﴿مِنْ طَرَفٍ خَفِيِّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی آل محمد و شیعیان آنها.
﴿إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ﴾
یعنی ستم‌کنندگان به حق آل محمد.

﴿فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ﴾ به خدا سوگند یعنی ناصبین آنهایی که دشمنی با علی علیه السلام و ذریه آن حضرت را بر پا نمودند و دروغگویان در عذاب دائمی و جاودان هستند.

﴿وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ﴾ و آنها به غیر از خداوند یآوری ندارند که یاریشان نمایند، و کسی را که خداوند گمراه نماید هیچ راه نجاتی برای او نمی‌باشد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۷۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۹۴

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (۴۹)

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰)

۴۹ - مالکیت آسمانها و زمین از برای خداوند است، هر چه را بخواهد می آفریند، به هر کس که بخواهد فرزندی دختر می بخشد و به هر کس که بخواهد فرزندی پسر عطا می کند.

۵۰ - یا (اگر بخواهد) دختر و پسر را (دو قلو) برای آنها قرار می دهد، و هر کسی را که بخواهد عقیم می کند، همانا او دانا و قادر است.

ابی الجارود گوید که امام باقر علیه السلام درباره آیه ذیل فرمود: ﴿يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا﴾ یعنی به هر کس بخواهد دختر می دهد بدون پسر ﴿وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾ یعنی به هر کس بخواهد پسر می دهد بدون دختر ﴿أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا﴾ یا هر دو را اعم از پسر و دختر به یک زوج عنایت می دهند.

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ - تَا - وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا﴾ محمد بن سعید گوید یحیی بن اکثم از موسی بن محمد درباره مسائلی سوال کرد و گفت: درباره آیه ﴿أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا﴾ بگو که آیا خداوند پسران را به بندگان تزویج می کند و حال اینکه قوم لوط را به خاطر همین عملشان عذاب و هلاک نمود؟

پس موسی از برادرش ابا الحسن العسکری علیه السلام سوال کرد و آن حضرت جواب داد: اما آیه ﴿أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا﴾ این است که خداوند تبارک و تعالی برای پسران مطیع، زنانی از حور العین را به ازدواج آنها در می آورد و برای زنان مطیع خودش نیز مردان مومن را به ازدواج آنها در می آورد و معاذ الله که خدای تعالی خواسته باشد آنچه را که تو تبلیغ کرده ای بر نفس

خود از جهت طلب رخصت از ارتکاب این نوع حرامی، پس این آیه را خوانند که ﴿مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا﴾ اگر توبه نکند.^۱

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِأُذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ (۵۱)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۲)

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (۵۳)

۵۱- و برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند با او سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پشت پرده‌ای یا اینکه رسولی می‌فرستد و آنچه را که می‌خواهد به اذنش بر او وحی می‌کند، همانا او بلند مرتبه و حکیم است.

۵۲- و اینچنین به تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم، پیش از این نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست، و لکن آن را نوری قرار دادیم و هر کسی از بندگانش را که بخواهیم به وسیله آن هدایت می‌کنیم، و همانا توبه سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند.

۵۳- راه خداوندی که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از برای اوست، آگاه باشید که بازگشت تمام کارها به سوی خداوند است.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۴۷؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۶۶ و ج ۱۰۱، ص ۱۳۵؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۸۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۹۵

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ﴾ وحی مستقیم و مشافهه است و وحی الهام؛ و وحی الهام آن است که در قلب واقع می شود یا از پشت پرده و حجابی است همچنانکه خداوند با پیامبرش محمد ﷺ و نیز با موسی ﷺ از آتش سخن گفت ﴿أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ﴾ وحی مشافهه یعنی به سوی مردم.^۱

سپس به پیامبرش ﷺ فرمود: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾ روح القدس، که امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾^۲ فرمود: روح القدس ملکی بزرگتر از جبرئیل و میکائیل است که با رسول خدا ﷺ بوده و با ائمه علیهم السلام نیز هست.^۳

سپس کنایه از امیرالمؤمنین علی ﷺ آورده و فرمود: ﴿وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا﴾ و دلیل بر اینکه مراد از نور حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ می باشد آیه ﴿وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ...﴾^۴ می باشد. ابو حمزه از امام باقر علیه السلام درباره قول خداوند به پیامبرش ﷺ ﴿مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا﴾ فرمود: یعنی علی ﷺ که حضرت علی ﷺ همان نور است.

﴿نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا﴾ یعنی حضرت علی ﷺ که مخلوقات به وسیله آن حضرت هدایت می یابند و خداوند به پیامبرش ﷺ فرمود: ﴿وَا

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۷۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۰۰؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۸۷.

۲. اسراء، آیه ۸۵؛ درباره روح از تو سؤال می کنند، بگو: روح از امر پروردگار است.

۳. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۴ و ج ۲۵، ص ۴۷؛ تاویل الآیات الظاهره، ص ۵۵۰.

۴. اعراف، آیه ۱۵۷؛ از نوری که با او نازل شده پیروی کنید.

إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۱﴾ یعنی بدرستی که تو امر به ولایت علی علیه السلام کرده و مردم را دعوت به سوی آن می کنی، که علی علیه السلام همان صراط مستقیم است.

﴿صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ یعنی خداوند علی علیه السلام را خازن آنچه در آسمان ها و زمین است قرار داده است و آن حضرت را امین بر آنها نموده است.

﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ آگاه باشید که بازگشت تمام کارها به سوی خداوند است.^۱

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ یعنی همیشه به سوی امامت دعوت بکن. سپس فرمود: ﴿صِرَاطِ اللَّهِ﴾ یعنی حجت خداوندی که آنچه در آسمان ها و زمین است برای اوست. ﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ آگاه باشید که بازگشت تمام کارها به سوی خداوند است.

صلت بن حره گوید با زید بن علی علیه السلام نشسته بودم که آیه ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ را تلاوت کرده و گفت: به خدای کعبه سوگند مردم به سوی علی علیه السلام هدایت یافتند، هر کس که گمراه شد که شد و هر کس که هدایت یافت که یافت.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۸۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۰۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۹۰.
۲. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۶۹؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۴۰۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۰۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورة زخرف



۴۳ - سورة زخرف در مکه

نازل شده و دارای ۸۹ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

۱- حم .

۲- سوگند به کتاب مبین.

﴿حم﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿که﴾ ﴿حم﴾ حرفی از اسم اعظم الهی است.
﴿وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ یعنی قرآن واضح و روشن است.

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ (۴)

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (۵)

۴- و همانا آن در ام کتاب نزد ما بلند پایه و محکم است.

۵- آیا این ذکر را از شما بگیریم چون قومی اسرافکار هستید؟

﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾ یعنی امیرالمومنین علیه السلام در سوره
حمد در آیه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ نوشته شده است که امام صادق علیه السلام
می فرماید: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ همان امیرالمومنین علیه السلام است.^۱

﴿أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا﴾ که استفهام است یعنی شما را بیهوده دعوت می‌کنیم و آیا شما را بدون هیچ پیامبری یا امامی و یا حجتی رها کنیم.

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (۶)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ (۷)

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (۸)

۶- و چه بسیار پیامبرانی که در میان گذشتگان فرستادیم.

۷- و هیچ پیامبری برای آنها نمی‌آمد مگر آنکه او را مسخره می‌کردند.

۸- پس ما کسانی را که قوی‌تر از آنها بودند را هلاک کردیم، که داستان پیشینیان گذشت.

﴿وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ﴾ - تا - أَشَدَّ مِنْهُمْ * یعنی

از قریش.

﴿بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ﴾ نیرومندتر از آنها بودند که داستان پیشینیان

گذشت.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰)

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ

تُخْرِجُونَ (۱۱)

۱۰- همان خدایی که زمین را برای شما محل آرامش قرار داد، و برای شما

در آن راههایی قرار داد، شاید که هدایت شوید.

۱۱- و همان خدایی که از آسمان آبی را به اندازه نازل کرد، پس به وسیله آن

زمین مُرده را زنده گردانیدیم. همین گونه نیز (از قبرها) بیرون آورده

می شوید.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا﴾ که مراد از ﴿مهد﴾ مستقر است.

﴿وَجَعَلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا﴾ یعنی طرق، راه‌هایی است.

﴿لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ یعنی شاید که هدایت یابید.

سپس بر دهریون احتجاج کرده و فرمود: ﴿وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ﴾ و همان خدایی که از آسمان آبی را به اندازه نازل کرد، پس به وسیله آن زمین مُرده را زنده گردانیدیم. همین گونه (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید.

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)

لَتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۱۳)

۱۲- همان خدایی که همه موجودات را زوج آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان مرکب‌هایی قرار داد که بر آنها سوار می‌شوید.

۱۳- تا بر پشت آنها سوار شوید، سپس هنگامی که بر آنها سوار شدید (و آرام گرفتید) نعمت پروردگارتان را متذکر شوید و بگوئید: پاک و منزّه است خدایی که اینها را مسخر ما ساخت، و مگر نه ما قادر بر مسخر کردن آنها نبودیم.

﴿وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ﴾ این آیه عطف بر آیه ﴿وَالْأَنْعَامِ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾^۱ می‌باشد.

۱. نحل، آیه ۵؛ و چهارپایان را که برای شما در آنها (وسیله) گرمی و سودهاست آفرید، و از

﴿لَتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾

اصبغ بن نباته گوید: رکاب مرکب امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفتم تا آن حضرت سوار شود، در هنگام سوار شدن سرش را بلند کرده و تبسمی نمودند. به آن حضرت عرض کردم: ای امیرالمؤمنین دیدم که سرتان را بلند نموده و تبسم نمودید؟

فرمودند: بله! ای اصبغ من نیز روزی رکاب مرکب رسول خدا را گرفته بودم همانطور که شما گرفتید که آن حضرت سرش را بلند کرده و تبسمی نمودند، از علت تبسم آن بزرگوار سوال کردم همچنانکه شما سوال کردید، که آنچه پیامبر به من فرمودند الان به شما خواهم گفت، روزی مرکب آن حضرت را نگه داشته بودم تا سوار شود که هنگام سوار شدن سرش را به سوی آسمان بلند کرده و تبسمی نمود.

عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله برای چه سرت را به سوی آسمان بلند کرده و تبسم نمودید؟

فرمودند: ای علی! هر کس هنگام سوار شدن بر مرکب آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» خداوند کریم می فرماید: ای ملائکه من بنده من می داند که غیر از من کسی گناهان را نمی آمرزد، شاهد باشید که من گناهان او را آمرزیدم.^۱

(محصولات لبنی و گوشتی) شان می خورید.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۷۲؛ امالی شیخ صدوق، ص ۵۰۷؛ الامان، ص ۱۰۸؛ محاسن برفی، ج ۲، ص ۳۵۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۴۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۹۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۱۰

آیه‌ای برای سوار شدن بر چهارپایان و کشتی‌ها در بیابان و دریا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾

علی بن اسباط گوید: کالایی را برای فروش به مدینه بردم که کسی آنها را نخرید و کلاً رو دست من ماند، به مدینه آمده نزد امام رضا علیه السلام رفته و عرض کردم: فدایت گردم کالایی را برای فروش به مکه بردم که کسی آنها را نخرید، حال قصد مصر را کرده‌ام آیا از مسیر دریا بروم یا از مسیر خشکی؟

فرمود: مصر مرگبار است، چشم‌ها در آن اشک ریزان و عمرها کوتاه است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سرهایتان را با گل مصر نشوئید و از کوزه‌های آن آب ننوشید چون که آن ذلت می‌آورد و غیرت را از بین می‌برد، سپس فرمود: برای تو زیانی ندارد اینکه به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بروی و دو رکعت نماز بخوانی و صد و یک بار از خداوند طلب خیر کنی و چون تصمیم بر حرکت گرفتی و خواستی سوار کشتی و یا مرکب شوی، بگو: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾ هر کس سوار مرکبی شود و این دعا را بخواند و از پشت آن مرکب بیفتد هیچ آسیبی به او نمی‌رسد.

و اگر سوار کشتی شدی در هنگام سوار شدن بگو: ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا﴾، هنگامی که دریا طوفانی شد و امواج زد، به سمت چپ کشتی رفته و با دستت به موج اشاره کرده و بگو: «اسکن بسکينة الله و اقر بقرار الله و لا حول و لا قوة الا بالله».

علی بن اسباط گوید سوار بر کشتی شدم چون دریا موج شد آنچه را که حضرت علیه السلام فرموده بود را گفتم موج آرام گرفت و هیچ گرفتاری به ما نرسید.

عرض کردم: فدایت گردم! سکینه چیست؟
فرمود: بادی از بهشت است که صورتی طیب مانند صورت انسان دارد که
با پیامبران بوده و با مومنین نیز می‌باشد.^۱

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ (۱۵)

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ (۱۶)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ

كَظِيمٌ (۱۷)

۱۵- و برای خداوند از میان بندگانش جزئی قرار دادند، همانا انسان کفران
کننده آشکاری است.

۱۶- آیا خداوند از میان آفریده‌هایش دختران را برای خود برگزیده، و
پسران را برای شما برگزیده؟

۱۷- و هنگامی که به هر کدام آنها به آنچه که برای خداوند رحمان نسبت
می‌دهند بشارت می‌دادند، صورتش از فرط ناراحتی سیاه می‌شد و
خشمگین می‌گردید.

﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا﴾ قریش گفتند که ملائکه دختران خداوند
هستند.

سپس خداوند در مقام سؤال می‌فرماید: ﴿أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ
بِالْبَنِينَ﴾ * و إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا﴾ یعنی زمانی که برای آنها
دخترانی به دنیا می‌آمد.

﴿ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ که این آیه عطف بر آیه ﴿وَيَجْعَلُونَ لِرَبِّهِ

الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿١٨﴾ می باشد.

أَوْ مَنْ يُنشِئُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (۱۸)
وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ
شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ (۱۹)
وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا
يَخْرُصُونَ (۲۰)

۱۸- آیا کسی را که با زیورات پرورش می یابد (یعنی دختران) و در هنگام
جدال (از گرفتن حقوق خود) عاجز است (را فرزند خداوند می خوانید؟)
۱۹- و فرشتگان را که بندگان خداوند رحمان هستند را دختر پنداشتند، آیا
شاهد آفرینش آنها بوده اند؟ که بزودی شهادت آنها نوشته می شود و مورد
باز خواست قرار می گیرند.
۲۰- و آنها (مشرکان) گفتند: اگر خداوند رحمان می خواست ما آنها را
نمی پرستیدیم. گفتار اینها از روی علم و دانش نیست، آنها جز دروغ چیز
دیگری نمی گویند.

﴿أَوْ مَنْ يُنشِئُ فِي الْحِلْيَةِ﴾ یعنی در طلا پرورده می شود.
﴿وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ همانا خداوند به موسی عَلَيْهِ السَّلَام قدرتی اعطا
نمود که فرعون صورت و لباس های او را از طلا دید و گفت: ﴿أَوْ مَنْ يُنشِئُ فِي
الْحِلْيَةِ﴾ یعنی با طلا پرورده می شود.
﴿وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ کلام آشکار نیست و از برای مردم نیز

۱. نحل، آیه ۵۷؛ و دختران را (به عنوان فرزند) برای خدا قرار می دهند، او منزّه (از توالد و تناسل) است ولی برای خودشان آنچه را که (از پسران) میل دارند (به عنوان فرزند قرار می دهند).

روشن نمی‌شود و اگر پیامبر بود به خلاف مردم بود.

﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنِثَاءً﴾ عطف بر آن چیزی است که قریش گفتند ملائکه دختران خداوند هستند در آیه ﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا﴾ که خداوند آن را رد کرده و فرمود: ﴿أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْئَلُونَ﴾ آیا شاهد آفرینش آنها بوده‌اند؟ که بزودی شهادت آنها نوشته می‌شود و مورد باز خواست قرار می‌گیرند.

﴿إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ یعنی بدون علم محتاج هستند.

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ (۲۲)

۲۲ - بلکه گفتند: ما پدران خود را به آئینی یافتیم و ما نیز بر پیروی آنها

هدایت یافته‌ایم.

﴿بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ﴾ یعنی بر مذهبی هستند که امت به معنای مذهب است.

﴿وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ﴾ و ما نیز بر پیروی آنها هدایت یافته‌ایم.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲۷)

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۸)

۲۶ - و (بیاد بیاور) هنگامی که ابراهیم به پدر و قومش گفت: من از آنچه که

شما می‌پرستید بیزار هستم.

۲۷ - مگر کسی که مرا آفریده و مرا هدایت خواهد کرد.

۲۸ - کلمه باقیه (توحید) را در نسل‌های بعد از خود قرار داد شاید که به

سوی خداوند باز گردند.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ۖ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي﴾

یعنی مرا خلق کرد که ﴿فطرنی﴾ به معنای «خلقنی» است.

﴿فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ﴾ یعنی بزودی برای من روشن می شود.

سپس ائمه علیهم السلام را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ

يَرْجِعُونَ﴾ یعنی ائمه علیهم السلام به دنیا بر می گردند.^۱

وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمِ (۳۱)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ

رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

۳۱- و گفتند: چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو قریه (مکه و طائف) نازل

نشده است؟

۳۲- آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما معیشت آنها را در

زندگانی دنیا تقسیم کرده ایم، و بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده ایم تا

بعضی از آنها بعضی دیگر را مسخر کنند، و رحمت پروردگارت از آنچه که

آنها جمع می کنند بهتر است.

خداوند گفتار قریش را نقل کرده و فرمود: ﴿وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ﴾

یعنی چرا این قرآن نازل نشد.

﴿عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمِ﴾ بر مرد ثروتمند دو شهر مکه و طائف

عروه بن مسعود.

و مراد از «قریتین» مکه و طائف می باشد. عروه غرامت و جریمه ها را از مال خود پرداخت می کرد و عموی مغیره بن شعبه بود، پس خداوند قریش را رد کرده و فرمود: **﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ﴾** یعنی نبوت و قرآن.

هنگامی که گفتند برای چه بر عروه بن مسعود نازل نمی شود سپس خداوند فرمود: **﴿نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ﴾** یعنی در مال و فرزندان.

﴿لِيَسْخِذَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سَخِرِيًّا وَرَحْمَتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ این بزرگترین دلیل خداوند بر توحید است زیرا میان هیات و تشابهات و تصمیمات و خواسته هایشان اختلاف است تا همدیگر را یاری کنند زیرا هیچ کسی نمی تواند روی پای خودش بایستد و پادشاهان و رهبران بی نیاز از مردم نیستند و به خاطر همین دنیا می چرخد و مخلوقات هم مامور هستند و هم نهی شده و هم مکلف به اموری و اگر هر انسانی خودش تمام کارها و خواسته هایش را انجام می داد و تمام حرفه ها را می دانست عالم یک چشم بر هم زدنی پایدار نمی ماند و لکن خداوند عزوجل بین آنها هیات گوناگون قرار داد که آن از بزرگترین دلالت بر توحید است.^۱

وَلَوْ لَا أَنَّ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُفْهًا
مِنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)
وَلِيُوتِيَهُمُ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكُونُونَ (۳۴)
وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ
لِلْمُتَّقِينَ (۳۵)

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۳۶)

۳۳- و اگر نه این بود که همه مردم یک امت می شدند، برای کسانی که به خداوند رحمان کافر شده اند سقف خانه هایشان را از نقره قرار می دادیم که با نردبانهایی از سقف آن بالا می رفتند.

۳۴- و برای خانه هایشان درها و تخت هایی قرار می دادیم که بر آن تکیه می زدند.

۳۵- و با انواع زینت ها، و همه اینها بهره زندگانی دنیوی است، و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزگاران است.

۳۶- و هر کس از یاد خداوند روی گردان شود، شیطان را به سراغ او می فرستیم که همیشه هم نشین او باشد.

﴿وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ یعنی بر یک مذهب.

﴿لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِنْ فِصَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾ و نردبان هایشان را از نقره قرار می دادیم تا با آن نردبانهای نقره ای به بالای پشت بامها بروند.

﴿وَلِيُوتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكُونَ﴾ * وَ زُخْرُفًا * خانه ای که آراسته به طلا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند آن را انجام می داد احدی ایمان نمی آورد و لکن در میان مومنین ثروتمندان و در میان کافران فقراء قرار داد و نیز در میان کافران ثروتمندان و در میان مومنان فقراء قرار داد و سپس آنها را به وسیله امر و نهی و صبر و رضا امتحان نمود.

﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ﴾ یعنی کسی که خود را از ذکر خداوند به

کور دلی بزند.

﴿نَقِیْضُ لَهُ شَیْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِیْنٌ﴾ شیطان را به سراغ او می فرستیم که همیشه همنشین او باشد.^۱

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَنِيَّ وَنِیْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِیْنُ (۳۸)

وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْیَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِی الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۹)

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِی الْعُمْیَ وَمَنْ كَانَ فِی ضَلَالٍ مُّبِیْنٍ (۴۰)

فَأَمَّا نَذْرٌ إِنَّكَ بِنَا مِنْهُمْ مُتَّقِمُونَ (۴۱)

أَوْ نُرِیتُكَ الَّذِی وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَیْهِمْ مُقْتَدِرُونَ (۴۲)

فَأَسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أَوْحِیَ إِلَیْكَ إِنَّكَ عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ (۴۳)

۳۸- تا هنگامی که نزد ما بیاید می گوید: ای کاش میان من و تو فاصله ای به

اندازه مشرق و مغرب بود که چه باد همنشینی بودی.

۳۹- و (این پشیمانی) هرگز امروز (روز قیامت) نفعی به حال شما ندارد.

چرا که ستم کردید، (و امروز) در عذاب دوزخ شریک هستید.

۴۰- آیا تو می توانی سخنت را به گوش کران برسانی یا کوران و کسانی که در

گمراهی آشکاری هستند را هدایت کنی.

۴۱- پس هنگامی که تو را از میان آنها ببریم از آنها انتقام می گیریم.

۴۲- یا آنچه را که بر آنها وعده داده ایم به تو نشان می دهیم، که ما بر آنها

تسلط داریم.

۴۳- پس به آنچه که بر تو وحی می شود را محکم بگیر، همانا که تو در

صراط مستقیم هستی.

﴿فَأَسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أَوْحِیَ إِلَیْكَ إِنَّكَ عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ﴾

ابی حمزه ثمالی روایت کند که امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه این چنین نازل شده است. «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا» یعنی فلانی و فلانی که یکی از آنها به دیگری هنگامی که می‌بیند گوید: «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيُشْسَ الْقَرِينُ» ای کاش میان من و تو فاصله‌ای به اندازه مشرق و مغرب بود که چه بد همنشینی بودی. پس خداوند به پیامبرش فرمود: به فلانی و فلانی و پیروان آنها بگو: «لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ» یعنی کسانی که بر حق آل محمد ستم کردند «أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» و امروز در عذاب دوزخ شریک هستید.

خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» «فَأَمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ» یعنی از فلانی و فلانی. سپس خداوند به پیامبرش وحی نمود: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ» - در علی علیه السلام إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» یعنی بدرستی که تو بر ولایت علی هستی و علی همان صراط مستقیم است.

«فَأَمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ»

امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه «فَأَمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ» فرمود: اگر تو را از مکه به مدینه هم ببریم، اراده کرده‌ایم که دوباره به مکه برگردانیم، و به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام از اهل مکه انتقام بگیریم.^۱

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (۴۴)

۴۴ - و همانا آن ذکر (یادآوری) برای تو و قومت است، و بزودی مورد

سؤال خواهید شد.

عبد الرحمن بن کثیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ

لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿۴۵﴾ سوال کردم، فرمود: ماییم که خدای تعالی امر کرده
 جمیع خلایق را که سؤال کنند از ما مسائل دینی خود را که ندانسته باشند.

وَسُئِلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً
 يُعْبَدُونَ ﴿۴۵﴾

۴۵- و از رسولانی که قبل از تو فرستادیم پرس: که آیا معبودانی به غیر از
 خداوند رحمان برای پرستش قرار دادیم؟

سوالات غلام آزاد شده عمر از امام باقر علیه السلام

﴿وَسُئِلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً
 يُعْبَدُونَ﴾

ابی ربیع گوید با امام باقر علیه السلام در سالی که هشام بن عبدالملک نیز در آن
 سال به حج آمده بود حج بجا آوردیم که با هشام، نافع بن ازرق غلام آزاد شده
 عمر بن خطاب بود. در مقام رکن کعبه نافع نظرش به امام باقر علیه السلام افتاد که
 مردم اطراف آن حضرت را گرفته بودند و به هشام گفت: ای امیرالمومنین این
 مرد کیست که مردم اطراف او را گرفته اند؟

هشام از روی تمسخر گفت: او پیامبر اهل کوفه محمد بن علی بن حسین بن
 علی بن ابیطالب علیه السلام است.

نافع گفت: الان می روم مسائلی چند از او سوال می کنم که پاسخ آنها را جز
 پیغمبر و وصی او یا فرزند وصی اش کسی دیگر نمی تواند جواب بدهد.

هشام گفت: برو سؤال کن شاید او را در میان مردم خجل و شرمنده نمایی.
 نافع پیش رفت گفت: ای محمد بن علی علیه السلام من تورات و انجیل و زبور و

فرقان را خوانده و حلال و حرام آنها را شناخته‌ام از تو سؤالاتی می‌کنم که جز پیغمبر و وصی او کسی دیگر نمی‌تواند جواب سؤالات مرا بدهد.

حضرت باقر علیه السلام سر مبارک را بلند نمود و فرمود: هر چه می‌خواهی سؤال کن.

عرض کرد: فاصله میان عیسی و محمد صلی الله علیه و آله چند سال بوده است؟

فرمود: به اعتقاد خودم جواب بدهم یا به عقیده تو؟

عرض کرد: به هر دو.

فرمود: به اعتقاد من پانصد سال و به عقیده تو ششصد سال.

عرض کرد: بفرمایید معنای آیه ﴿وَسُئِلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ﴾ چیست؟ محمد صلی الله علیه و آله کدام یک از پیغمبران را مشاهده نمود تا از آنها سؤال و پرسش کند آیا فاصله میان عیسی و او که آخر پیغمبران است پانصد سال نبود پس چگونه پیغمبران را دیده تا بتواند از آنها سؤالی نماید؟

حضرت باقر علیه السلام در جواب او ابتدا آیه ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا﴾^۱ را تلاوت نمود پس از آن فرمود از آیاتیکه پروردگار به پیغمبرش در شب معراج نشان داد آن بود که تمام پیغمبران را محشور و جمع نمود، جبرئیل آنها را صف‌بندی کرده سپس اذان و اقامه گفت هر فصلی دو مرتبه و «حی علی خیر العمل» را نیز گفت آن‌گاه محمد صلی الله علیه و آله را مقدم داشت تا بر تمام پیغمبران امامت کرد و نماز خواند چون از نماز فارغ شد آیه ﴿وَسُئِلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ

۱. اسراء، آیه ۱؛ منزّه و پاک است آن خدایی که شبی بنده‌اش (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) را از مسجد الحرام به مسجد اقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر (و حرکت) داد، تا (بخشی) از نشانه‌های (عظمت و قدرت) خود را به او نشان دهیم.

رُسُلِنَا أَجْعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهَةً يُعْبَدُونَ* نازل شد، خطاب نمود به پیغمبر و فرمود از جمیع پیغمبران که در عقب تو حضور دارند سؤال کن چه چیز را پرستش می‌کنید و بر چه کسی شهادت و گواهی می‌دهید، تمام آنها گفتند شهادت می‌دهیم که پروردگاری جز خدای یکتا و یگانه نیست و برای او شریک و مانندی نمی‌باشد و گواهی می‌دهیم بر تو ای محمد ﷺ که فرستاده خداوند هستی، و اقرار و اعتراف داریم بر نبوت تو و ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) پروردگار از ما جمیع پیغمبران عهد و پیمان گرفته بر نبوت تو و بر ولایت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و فرزندان گرامیش.

نافع گفت: راست فرمودید ای محمد بن علی (علیه السلام) سوگند به خدا شما ائمه اوصیاء پیغمبر اکرم ﷺ و خلفاء او هستید، در تورات و انجیل و زبور و فرقان اسامی شما نوشته شده است و شما سزاوارتر از غیر خودتان می‌باشید.^۱

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاجِدُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (۴۹)
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ (۵۰)
وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۵۱)
أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (۵۲)
فَلَوْ لَا أَلْقَيْ عَلَيْهِ أَسُورَةً مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳)
فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴)

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۶۱؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۰۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۹۸؛ کافی، ج ۸، ص ۱۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۳۴

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۵)

۴۹- و گفتند: ای ساحر، پروردگارت را به آن عهد که با تو کرده بخواه (تا

عذاب را از ما برطرف نماید) که ما نیز هدایت می یابیم.

۵۰- پس هنگامی که عذاب را از آنها برداشتیم عهد و پیمانشان را

می شکستند.

۵۱- و فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم، آیا حکومت مصر

از برای من نیست؟ و این رودها به فرمان من در جریان نیستند؟ آیا

نمی بینید؟

۵۲- آیا من از این کسی که از خانواده فقیر و پستی است و زبان گویایی نیز

ندارد برتر نیستم؟

۵۳- (و اگر راستگو است) چرا دستبندهایی از طلا ندارد یا فرشتگان با او

نیامده اند؟

۵۴- پس قومش را خوار و ذلیل شمرد تا همه فرمانبردار او شدند، همانا که

آنها قومی فاسق بودند.

۵۵- پس هنگامی که ما را به خشم آوردند، ما نیز از آنها انتقام کشیدیم و

همه را غرق نمودیم.

خداوند گفته فرعون و اصحابش را به موسی عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده و فرمود:

﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ﴾ یعنی ای عالم ﴿ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا

لَمُهْتَدُونَ﴾ پروردگارت را به آن عهد که با تو کرده بخواه (تا عذاب را از ما

برطرف نماید) که ما نیز هدایت می یابیم.

سپس فرعون گفت: ﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ﴾ یعنی موسی.

﴿وَلَا يَكَادُ يَبِينُ﴾ یعنی کلامش را روشن اداء نمی کند.

سپس فرمود: ﴿فَلَوْ لَا أَلْقِي عَلَيْهِ أَسُورَةٌ﴾ یعنی چرا دستبندهای طلا بر او آویزان نیست.

﴿مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ﴾ یعنی یا ملائکه به همراه او نیستند.

﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ﴾ پس هنگامی که آنها را فرا خواند.
﴿فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ فلما آسفونا﴾ یعنی ما را عصیان کردند.

﴿اتَّقَمْنَا مِنْهُمْ﴾ زیرا خداوند عزوجل مانند مردم تاسف نمی خورد.

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (۵۷)
وَقَالُوا أَلِهْتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ
خَصِمُونَ (۵۸)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)
وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ (۶۰)
وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنْ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱)
۵۷- و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد قوم تراز آن به فریاد در آمدند.

۵۸- و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او (عیسی بن مریم؟) آنها این سخن را به خاطر جدل به تو گفتند، که آنها قومی کینه توز هستند.

۵۹- او (عیسی) نبود مگر بنده ای که به او نعمت دادیم، و او را برای بنی اسرائیل الگو قرار دادیم.

۶۰- و اگر بخواهیم، در روی زمین به جای شما فرشتگان را جانشین (شما) می‌گردانیم.

۶۱- و همانا او (عیسی) علم و نشانه‌ای برای روز قیامت است، پس در آن شک و تردید نکنید، و از من پیروی کنید که این صراط مستقیم است.

علی علیه السلام شبیه عیسی بن مریم

﴿وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ﴾

سلمان فارسی گوید روزی رسول خدا ﷺ در میان اصحابش نشسته بودند که فرمودند: الان کسی بر شما وارد می‌شود که شبیه عیسی بن مریم است، پس افرادی که در نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودند از نزد آن حضرت بلند شده و بیرون رفتند تا دوباره وارد شوند که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد. شخصی گفت: آیا محمد راضی می‌شود که علی را بر ما فضیلت بخشد به حدی که او را شبیه به عیسی بن مریم بکند، به خدا سوگند خدایانی که ما در دوران جاهلیت عبادت می‌کردیم افضل از اوست، پس خداوند در همان مجلس نازل فرمود: ﴿وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ﴾ یعنی هنگامی که علی را شبیه عیسی کردی قوم تو از آن ناراحت شدند و تحریفش نمودند.

﴿وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ﴾ * إن علی إلا عبد أتعنا علیه و جعلناه مثلاً لابی اسرائیل * که اسم حضرت علی علیه السلام را از این موضع پاک کردند.^۱

سپس خداوند عظمت شأنش را در نزد خداوند متعال ذکر کرده و فرمود:

﴿هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام ^۱.

وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۶۲)

۶۲- و شیطان شما را (از راه حق) باز ندارد، همانا که او دشمن آشکار

شماست.

﴿وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ﴾ یعنی فلانی تو را از امیرالمؤمنین علیه السلام باز

ندارد.

﴿إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ که او دشمن آشکار شماست.

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۶۷)

۶۷- دوستان در آن روز دشمن همدیگر هستند مگر پرهیزگاران.



گفتگوی اغنیاء و فقراء

﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ یعنی دوستان که با همدیگر

دشمنی می‌ورزند.

امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باشید هر دوستی که در دنیا غیر الهی باشد

در روز قیامت به دشمنی تبدیل می‌شود. ^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فردا برای ستمگر گزیدن دو دستش کفایت

می‌کند، کوچ کردن نزدیک است و برای دوستان پشیمانی است جز برای

۱. نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۱۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۴۵؛

بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۳۶ و ج ۳۵، ص ۳۱۹

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۷۷

پرهیزگاران.^۱

حضرت علی علیه السلام فرمودند: دوستی بر چند قسم است یکی دوستی دو مومن، و دیگر دوستی دو کافر، و دوستی مومن بی نیاز و مومن فقیر، و دوستی کافر بی نیاز و کافر فقیر، اما آن دو مؤمنی که در دنیا برای رضای خدا دوست باشند چون یکی از آنها پیش از رفیقش فوت نماید خداوند جایگاهش را در بهشت به او نشان می دهد و او برای دوست مؤمن خود شفاعت می کند و می گوید خدایا دوست من مرا به فرمانبرداری تو امر کرد و مرا از گناه و نافرمانی تو بازداشت او را هم به جایگاه من منزل بده تا اینکه او را ببینم همان جایگاه من در بهشت هستم. خداوند دعای او را مستجاب گرداند و هر دو با هم پروردگار را ملاقات کنند و به رفیقش می گوید خدا جزای خیر به تو بدهد تو بودی که مرا به اطاعت خداوند وادار نموده و از معصیت بازداشتی.

و اما آن دو کافر که هر دو به مخالفت با خداوند رفاقت نمودند هرگاه یکی از آنها پیش از رفیقش بمیرد منزل خود را در آتش جهنم مشاهده کند و گوید پروردگارا دوست من مرا به نافرمانی تو امر کرد و مرا از اطاعت تو باز داشت، خدایا او را نیز در آتش جهنم جای بده تا آنکه ببیند من در چه عذابی می باشم، پس ملاقات کنند همدیگر را حضور پروردگار و به رفیقش بگویند چنانچه مرا واداشتی به معصیت و بازداشتی از اطاعت خداوند اکنون از خدا می خواهم تو را به کیفر و مجازات برساند پس از آن امیرالمؤمنین علیه السلام آیه ﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ﴾ را تلاوت فرمود.

پس از آن فرمود روز قیامت مؤمن غنی و ثروتمند را برای حساب حاضر کنند پروردگار به او بفرماید ای بنده من آیا تو را بینا و شنوا ننموده و مال

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۴۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۱۲

بسیاری بتو عطا نکردم گوید، خطاب رسد چه چیز آماده کردی برای ملاقات ما؟

گوید: پروردگارا به تو ایمان آورده و پیغمبرت را تصدیق نمودم و در راه دین جهاد کردم.

به او خطاب می شود مالی که به تو عطا نمودم در چه راهی صرف نمودی جواب دهد در راه تو انفاق کردم خطاب شود چرا برای فرزندان به ارث گذاشتی گوید خدایا تو مرا خلق نموده و روزی دادی آنها را نیز تو خلق کرده و روزی دهنده ایشان نیز تو بودی و توانایی داری که آنها را روزی بدهی چنانکه مرا روزی دادی من ایشان را واگذار به تو نمودم از مصدر اعلی ندایی می رسد که ای بنده من تو راست می گویی و اکنون به سوی بهشت برو اگر می دانستی چه اجر و پاداشی نزد ما داری با خلوص بیشتری عبادت می کردی.

و چون مؤمن فقیر را بیاورند خطاب می رسد که ای بنده من در دنیا چه کاری کردی، می گوید خدایا مرا به سوی دین خود راهنمایی نموده و نعمت ها عطا فرمودی و مرا از ثروت بی حساب بازداشتی و اگر مرحمت می نمودی ترسناک بودم که آن مال مرا از پرستش و عبادت محروم نماید زیرا که من آفریده شده ام برای آنکه عبادت ذات پاکت نمایم. خطاب برسد راست گفت بنده من او را به بهشت برید.

سپس کافر غنی را می آورند به او گفته شود برای ذخیره ملاقات امروزت چه فراهم نموده ای معطل می ماند که چه جواب بدهد، به او بفرماید آن اموالی که بتو دادیم در چه راهی مصرف رسانیدی؟ گوید برای فرزندان خود به ارث گذاردم خطاب رسد چه کسی تو و ایشان را خلق نموده؟

عرض کند: پروردگارا ما همه مخلوق تو هستیم.

می فرماید: آیا من قادر نبودم که بفرزندانت بعد از تو روزی بدهم همچنانکه بخودت روزی دادم؟ اگر بگوید فراموش کردم یا نمی دانستم هلاک شود آن وقت خطاب رسد اگر می دانستی آنچه از کیفر و مجازات برای تو نزد ما فراهم شده همانا گریه بسیار می نمودی.

آنگاه فقیر کافر را حاضر کنند به او خطاب کنند ای پسر آدم چه بجا آوردی در آنچه به تو امر نمودیم؟ گوید پروردگارا مرا مبتلا به دنیا نمودی بطوری که از یاد تو غافل شدم و ابتلائات دنیا و فقر مرا از آنچه برای آن آفریده شدم بازداشت، به او خطاب رسد چرا مرا نخواندی و از من درخواست ننمودی تا بتو روزی بدهم؟ اگر گوید فراموش کردم و یا ندانستم هلاک شود آنگاه به او گفته شود اگر بدانی عذابی که برای تو مهیا نموده ایم چه اندازه است همانا گریه شدیدی می نمودی.

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ (۶۹)

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ (۷۰)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصُحُفٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ

الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۷۱)

وَبَلَدِكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷۲)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۳)

۶۹- کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم امر ما بودند.

۷۰- (به آنها خطاب می شود:) شما و همسرانتان با سرور و شادمانی وارد

بهشت شوید.

۷۱- که بر اطراف آنها ظرف‌ها و جام‌های طلائی (از غذا و نوشیدنی پاک و طهور) می‌گردانند، و در آنجا (بهشت) هر چه که دل بخواهد و چشم‌ها از دیدنش لذت می‌برند موجود است، و شماها (ایمان آورندگان) در آنجا همیشگی خواهید بود.

۷۲- این بهشتی است که شما وارث آن می‌شوید به خاطر اعمال (نیکی) که انجام می‌دادید.

۷۳- برای شما در آنجا انواع میوه‌هاست که از آن می‌خورید.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا﴾ یعنی کسانی که به ائمه ایمان آوردند.
 ﴿وَكَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ ادخلوا الجنة انتم و ازواجکم تحبرون ﴿ یعنی گرامی می‌دارند.

﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِخَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ﴾ یعنی کاسه و همه نوع ظروف.
 ﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ - تا - مِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ که این آیات از محکمت است.^۱

ابن یسار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: همانا شخصی در بهشت به اندازه روزهای دنیا سر سفره بهشتی می‌نشیند و در هر خوردنی به اندازه آنچه در دنیا خورده غذا می‌خورد.^۲

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ خَالِدُونَ (۷۴)
 لَا يُفْتَرُّ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۵)

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۴۷

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۸۲

۷۴- همانا مجرمین همیشه در عذاب جهنم هستند.

۷۵- و هرگز از عذاب آنها کاسته نمی شود و در آنجا از همه چیز (از یاری و

نجات) ناامید و مایوس می باشند.

خداوند آنچه را که از برای دشمنان آل محمد آماده کرده را ذکر نموده و فرمود: ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّهِينٍ خَالِدُونَ * لَا يُفْتَرُّ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾ یعنی مایوس از خیر هستند.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اهل معصیت در آتش دوزخ دائمی هستند و دستهای آنها را محکم به گردنشان بسته و لباسی از مس گداخته بر آنها بیوشانند و در عذابی باشند که حرارت آن بسیار شدید است؛ آتش ایشان را احاطه نموده و بادی بر آنها نوزد و غمیشان برطرف نگردد، عذاب آنان پیوسته شدیدتر شده و هر دم تازه گردد، نه آن خانه ویران گردد و نه مرگ آنها را دریابد تا خلاص شوند.

وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ

لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۸)

أَمْ أَمْرًا فَأَنَا مُبْرَمُونَ (۷۹)

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (۸۰)

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (۸۱)

۷۷- و آنها فریاد می زنند: ای مالک (دوزخ)، (ای کاش) پروردگارت ما را

می میراند (تا از عذاب جهنم نجات یابیم). جواب می دهند: شما (در این

عذاب) همیشه خواهید ماند.

۷۸- به تحقیق ما حق را برای شما آوردیم و لکن بیشتر شما از حق کراهت داشتید.

۷۹- بلکه آنها (کافران) تصمیم محکمی برای کفر و عصیان‌شان گرفته‌اند، ما نیز تصمیم محکمی (برای انتقام آنها) داریم.

۸۰- آیا گمان می‌کنند که ما سخنان سَری و درگوشی آنها را نمی‌شنویم؟ آری، رسولان ما (فرشتگان) پیش آنها هستند و (اعمال و رفتارشان را) می‌نویسند.

۸۱- بگو: اگر برای خداوند رحمان فرزندی بود، من اول کسی بودم که او را می‌پرستیدم.

خداوند نداء اهل آتش را حکایت کرده و فرمود: ﴿وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رِبِّكَ قَالٌ﴾ یعنی بمیریم.
و مالک دوزخ می‌گوید: ﴿إِنَّكُمْ مَا كُثُونَ﴾ شما (در این عذاب) همیشه خواهید ماند.^۱

سپس خداوند فرمود: ﴿لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ﴾ یعنی به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

﴿وَلَكِنْ أَكْثَرُكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾ و دلیل بر اینکه مراد از حق ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است این آیه می‌باشد: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ - یعنی ولایت علی علیه السلام - فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ - ستم‌کنندگان به حق آل محمد - ناراً^۲ ۳

سپس آثار این خبر را ذکر کرده به اینکه منافقان در کعبه عهد و پیمان

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۲

۲. کهف، آیه ۲۹

۳. نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۴۸

بستند که نگذارند خلافت به اهل بیت رسول خدا ﷺ برسد پس خداوند فرمود: ﴿أَمْ أَمْرُؤَا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ - تَا - لَدَيْهِمْ يَكْتُوبُونَ﴾ بلکه آنان کار توطئه و نیرنگ بر ضد حق را محکم کردند، پس ما هم کار عذاب را بر آنان محکم می‌کنیم. آیا آنان گمان می‌کنند که ما رازشان و سخنان در گوشه آنان را نمی‌شنویم؟ چرا می‌شنویم و فرستادگان ما که فرشتگان نویسنده اعمال اند نزد آنان حاضرند و اعمالشان و رازهایشان را می‌نویسند.^۱

﴿قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَاذِينَ﴾ یعنی در این صورت من اول کسی بودم که می‌گفتم از برای خداوند فرزندی است.^۲

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴)

۸۴- و اوست خدایی که در آسمان و زمین معبود (تمام موجودات) است، و اوست حکیم و دانا.

﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ﴾ او خدای آسمان‌ها و زمین است.

ابی اسامه گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ﴾ سوال کردم، دیدم آن حضرت تواضع نموده و سر مبارک را فرو آورد و فرمود: خدای عزوجل همان خدای من است و خدای آسمان‌ها و زمین همان خداوند عزوجل است.^۳

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۱۰؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۱۵

۲. نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۱۰

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵۲؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۱۷

يَعْلَمُونَ (۸۶)

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۸۷)

وَقِيلَ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹)

۸۶- و کسانی که غیر از او (خداوند) را می خوانند قادر بر شفاعت کسی نیستند، مگر کسانی که شهادت به حق داده اند، و آنها می دانند.

۸۷- و اگر از آنها بپرسی چه کسی شما را آفرید می گویند: خداوند، پس چرا از عبادت او منحرف می شوند؟

۸۸- و رسولش که می گویند: پروردگارا اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند.

۸۹- پس از آنها روی برگردان و بگو: سلام بر شما باد، پس بزودی می دانند.

﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ﴾ منظور کسانیست که مردمی

در دنیا آنها را می پرستیدند و در قیامت نمی توانند پرستندگان خود را شفاعت کنند.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: ﴿يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

پروردگارا اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند.

و خداوند فرمود: ﴿فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ پس از آنها

روی برگردان و بگو: سلام بر شما باد، پس بزودی می دانند.^۱

تفسیر سورة دخان



از تحقیق پیرامون

۴۴ - سورة دخان در مکه

نازل شده و دارای ۵۹ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ (۳)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴)

أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۵)

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنُتُمْ مُوقِنِينَ (۷)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُخَيِّئُ وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۸)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (۹)

۱- حم .

۲- سوگند به کتاب مبین.

۳- همانا ما آن را در شبی مبارک (شب قدر) نازل کردیم، که ما از

انذارکنندگان هستیم.

۴- در آن شب هر امر حکمت‌داری جدا شده و مشخص می‌گردد.

۵- امری از جانب ماست، همانا ما رسولان را فرستادیم.

۶- رحمتی از پروردگار توسست که او شنوا و داناست.

۷- پروردگار آسمانها و زمین و هر آنچه که میان آن دو است، اگر یقین داشته باشید.

۸- خدایی جز او نیست، او زنده می‌کند و می‌میراند، پروردگار شما و پروردگار پدران اولین شماست.

۹- بلکه آنها در شک و ریب به بازی مشغولند.

شب قدر

﴿حَمْدٌ لِلَّهِ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ یعنی قرآن.

﴿فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ﴾ و آن لایله القدر است که خداوند در آن قرآن را یک دفعه به بیت المعمور نازل فرمود و سپس از بیت المعمور در مدت بیست و سه سال بر رسولش نازل کرد.

﴿فِيهَا يُفْرَقُ﴾ یعنی در لایله القدر.

﴿كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٌ﴾ یعنی در شب قدر هر امری از حق و باطل و هر چه در آن سال رخ دهد یا بدائی یا مشیتی و یا تقدیمی و تأخیری از اجلها و روزیها و بلا و اعراض و امراض که باید روی دهد و آنچه که باید کم و زیاد شود در آن شب مقدر می‌شود و به عرض رسول اکرم و بعد از آن حضرت به امیرالمؤمنین و بعد از آن جناب به ائمه طاهرین علیهم‌السلام می‌رسانند تا حضرت حجت علیه‌السلام و از برای آن بزرگواران مشیت و بدا و تقدیم و تأخیر را شرط می‌کنند.^۱

ابومهاجر گوید امام باقر علیه‌السلام فرمود: ای ابومهاجر شب قدر بر ما پنهان و

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۱۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶۱؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۶۲۰

پوشیده نیست چون فرشتگان در آن شب به زمین آمده و در اطراف ما طواف می‌کنند.^۱

﴿بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ﴾ یعنی در آنچه که درباره شب قدر گفتیم شک دارند.^۲

فَازْتَقِيبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ (۱۰)

يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱)

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲)

أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ (۱۳)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ (۱۴)

إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (۱۵)

۱۰- پس منتظر روزی باش که آسمان دودی آشکار پدید آورد،

۱۱- همه مردم را در بر می‌گیرد، این عذاب دردناکی است.

۱۲- (می‌گویند): پروردگارا، این عذاب را از ما بر دار که ایمان می‌آوریم.

۱۳- آنها کجا و چگونه متذکر می‌شوند (و ایمان می‌آورند) در حالی که

رسول ما با آیاتی آشکار به سویشان آمد.

۱۴- سپس از او اعراض کرده و گفتند: او یاد گیرنده‌ای دیوانه است.

۱۵- همانا ما مدت کمی عذاب را برمی‌داریم، باز به اعمال خودتان بر

می‌گردید.

﴿فَازْتَقِيبْ﴾ یعنی صبر کن.

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۳؛ بصائر الدرجات، ص ۲۲۱

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶۱

﴿يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ﴾ این زمانی است که اهل رجعت از قبرها بیرون بیایند.

﴿يَغْشَى النَّاسَ﴾ در آن روز تمامی مردم در ظلمت فرو می‌روند، و می‌گویند: ﴿هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾ این عذاب دردناکی است، پروردگارا این عذاب را از ما برطرف کن که ما دارای ایمانیم. خداوند در رد آنها فرمود: ﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى﴾ در آن روز.

﴿وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ﴾ یعنی رسولی که برای آنها روشن‌گر است. ﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ﴾ هنگامی که بر رسول خدا ﷺ وحی نازل می‌شد و بیهوشی به آن حضرت دست می‌داد کافران گفتند: او مجنون (جن زده) است.

﴿إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ﴾ یعنی تا روز قیامت. و اگر خداوند بگوید: ﴿يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ﴾ در روز قیامت، نمی‌فرمود: ﴿إِنَّكُمْ عَائِدُونَ﴾ چون بعد از آخرت برگشتی نیست و در قیامت است که بر می‌گردند.

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ (۱۶)

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (۱۷)

أَن أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۸)

۱۶- در آن روزی که آنها را با قدرت بگیریم، که ما انتقام گیرنده هستیم.

۱۷- و به تحقیق ما قبل از اینها قوم فرعون را آزمودیم، و رسولی بزرگوار به سوی آنها آمد.

۱۸- (او به آنها گفت:) امور بندگان خدا را به من واگذارید، که من برای شما

رسولی امین هستم.

﴿يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى﴾ یعنی در قیامت.

﴿إِنَّا مُنْتَقِمُونَ﴾ که ما انتقام گیرنده هستیم.

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ﴾ یعنی آنها را امتحان کردیم.

﴿وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ﴾ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ﴾ یعنی آنچه خداوند از نماز

و زکات و روزه حج و سنت و احکام واجب نمود.

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ (۲۳)

وَ اتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ (۲۴)

۲۳ - (خداوند به او فرمود:) بندگان مرا شبانه بیرون ببر، که شما را تعقیب

می کنند.

۲۴ - و دریا را آرام و خشک بگذار و بگذر که آنها (فرعون و لشگریانش) از

غرق شدگان هستند.

خداوند به موسی وحی نمود: ﴿فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾ یعنی

فرعون و لشگریانش شما را تعقیب می کنند.

﴿وَ اتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا﴾ یعنی از دریای پست و هموار بگذر.

﴿إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ﴾ که آنها (فرعون و لشگریانش) از غرق شدگان هستند.

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶)

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (۲۷)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۲۸)

۲۶ - و زراعتها و منزلهای عالی و گران قیمت (را رها کردند و رفتند).

۲۷- و نعمت‌های فراوان دیگری که در آن غرق بودند.

۲۸- و اینچنین ما اینها را میراث قوم‌های دیگر قرار دادیم.

﴿وَمَقَامٍ كَرِيمٍ﴾ یعنی نیکو.

﴿وَنِعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ﴾ نعمت در بدن‌ها.

﴿فَاكِهِينَ﴾ یعنی با زنان مزاح و ملاعبه می‌کردند.

﴿كَذَلِكَ وَأَوْزَنَّا هَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ یعنی بنی اسرائیل.

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ (۲۹)

۲۹- پس نه آسمان بر آنها گریه کرد و نه زمین، و نه به آنها مهلتی داده شد.

گریه آسمان و زمین بر امام حسین علیه السلام

﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت است آنگاه که دشمن خدا و رسولش از پیش

او گذشت فرمود: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾ اینان

کسانی هستند که آسمان و زمین بر ایشان نگریستند و در عذاب مهلت داده نمی‌شوند.

سپس امام حسین علیه السلام فرزندش، بر او گذشت، فرمود: و لیکن او آن کسی

است که آسمان و زمین بر وی خواهند گریست.

علی علیه السلام فرمود: آسمان و زمین نگریست، مگر بر یحیی بن زکریا علیه السلام و بر

حسین بن علی علیه السلام.^۱

ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام

محمد بن مسلم گوید امام باقر علیه السلام فرمودند: علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: هر مومنی به خاطر شهادت حسین علیه السلام از چشمش اشک بریزد بطوری که به صورتش جاری شود خداوند در بهشت خانه‌ای به او می‌دهد که در آن ساکن شود.

هر مومنی که به خاطر اذیت و آزار دشمنان در دنیا بر ما از چشمش اشک جاری شود تا بر گونه‌هایش بریزد خداوند متعال در بهشت جایگاه صدیقین را به او اعطاء می‌کند.

هر مومنی به خاطر ما اذیت و آزاری به او برسد و اشک بر صورتش جاری شود خداوند عزیز اذیت و آزار را از او برطرف می‌نماید و در روز قیامت او را از غضب و آتش جهنم در امان دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس ما را یاد کند یا در نزد او از ما یادی شود و از چشمانش اشکی به اندازهٔ بال مگسی بیرون بیاید خداوند گناهان او را می‌آمرزد اگر چه به اندازهٔ کف دریاها باشد.^۲

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۳۰)

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ غَالِيًا مِنَ الْمُشْرَفِينَ (۳۱)

وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ (۳۲)

۳۰- و به تحقیق ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلت و خواری نجات دادیم.

۱. ثواب الاعمال، ص ۸۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۰؛ مثیر الاحزان، ص ۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶۳

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۲۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴؛ لهوف، ص ۱۰؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۳

۳۱- از شر فرعون، که شخصی متکبر و از اسرافکاران بود.

۳۲- و ما آنها را به علم بر عالمیان برگزیدیم و برتری دادیم.

﴿وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ - تَا - عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ که لفظ آیه عام و معنایش خاص است. یعنی موسی و بنی اسرائیل را برگزید و بر عالمیان زمان خودشان فضیلت داد.^۱

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱)

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۴۲)

إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ (۴۳)

طَعَامُ الْأَثِيمِ (۴۴)

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (۴۵)

كَغَلِي الْحَمِيمِ (۴۶)

۴۱- روزی که هیچ دوستی دوست خود را یاری نمی‌کند، و از جانب هیچ کسی یاری نمی‌شوند.

۴۲- مگر کسی که خداوند به او رحم کند، که او قادر و مهربان است.

۴۳- همانا درخت زقوم جهنم،

۴۴- غذای گناهکاران است.

۴۵- که (آن غذا) مانند مسی گداخته شده در شکم‌ها به غلیان می‌آید.

۴۶- همچون آبی سوزان به جوشش می‌آید.

﴿يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا﴾ هر کس غیر از اولیاء الهی را دوست

بدارد نمی‌تواند همدیگر را از عذاب الهی نجات دهند، سپس استثنا کرده است

هر کس که آل محمد را دوست بدارد و فرمود: ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ مگر کسی که خداوند به او رحم کند، که او قادر و مهربان است.
 ﴿إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ﴾ طَعَامُ الْأَيْمِ ﴿این آیه درباره ابوجهل نازل شده است.
 ﴿كَالْمُهْلِ﴾ یعنی مس ذوب شده.
 ﴿يَغْلِي فِي الْبُطُونِ﴾ كَغْلِي الْحَمِيمِ ﴿یعنی مانند آبی که در نهایت درجه جوشش و غلیان است.

- خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۴۷)
 ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (۴۸)
 ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمِ (۴۹)
 إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ (۵۰)
 إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ (۵۱)
 فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۲)
 يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ (۵۳)
 كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۵۴)
 يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ (۵۵)
 لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۶)
 فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵۷)
 فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۸)
 فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ (۵۹)

۴۷- (به مامور جهنم خطاب شود): این گمکار را بگیرد و به میان دوزخ

بیافکنید.

۴۸- سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید.

۴۹- (و به او گفته شود:) بچش (عذاب را) که تو (می‌پنداشتی) بسیار قدرتمند و گرامی هستی.

۵۰- این همان عذابی است که همواره نسبت به آن در شک و تردید بودید.

۵۱- همانا پرهیزگاران در جایگاهی با امنیت هستند.

۵۲- در میان باغها و چشمه‌سارها (می‌باشند).

۵۳- لباس‌هایی از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند و رو به روی هم می‌نشینند.

۵۴- بهشتیان اینچنین هستند و آنها را با حورالعین تزویج می‌کنیم.

۵۵- آنها در بهشت هر میوه‌ای که بخواهند در اختیارشان گذاشته می‌شود، و در امنیت کامل هستند.

۵۶- در بهشت هیچ مرگی به سراغ آنها نمی‌آید مگر همان مرگ اول (که در دنیا چشیده‌اند)، و خداوند آنها را از عذاب دوزخ محفوظ می‌دارد.

۵۷- این فضلی از جانب پروردگارت است، که این همان رستگاری بزرگ است.

۵۸- و ما آن (قرآن) را به زبان تو آسان ساختیم شاید که متذکر شوند.

۵۹- پس منتظر باش که آنها نیز منتظرند.

﴿خُدُوهُ فَاعْتَلُوهُ﴾ یعنی پس بفشريد او را از همه جانب مانند ضغطة قبر

پس آنها را در میان جهنم بیندازید.

﴿إِلَىٰ سَوَاءٍ الْجَحِيمِ﴾ سپس از آن حمیم بر روی آنها بریزید در آن هنگام به

او گفته می‌شود: ﴿ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ﴾ که لفظ آیه خبر و معنایش حکایت از قول کسی است که به او آن را می‌گوید، ابوجهل می‌گوید: من عزیز و

کریم هستم، پس در جهنم او را با همین کلمه سرزنش می‌کنند.^۱
 سپس خداوند آنچه را که برای متقین از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام آماده کرده را توصیف نموده و فرمود: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ - تا - إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ﴾ یعنی در بهشت طعم سختی مرگ را که در دنیا چشیده‌اند را نمی‌چشند و به سختی و گرفتاری نمی‌افتند.

﴿وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ - تا - فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ﴾ یعنی منتظر باش که آنها نیز در انتظار هستند.^۲

ابن عباس درباره آیه ﴿فَإِنَّمَا يَسْرُنَا فِلْسَانُكَ﴾ گفت: خداوند به قولش اراده نموده آنچه را که از نعمت‌های بهشت و عذاب آتش جهنم را تا مردم پند و اندرز بگیرند.

ای محمد ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ اراده می‌کند که شاید مشرکین پند و اندرز بگیرند.

﴿فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ﴾ که تهدید و وعده از جانب خداوند است. منتظر باش که آنها نیز در انتظار هستند.^۳

۱. نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۳۰

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۲

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۲



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورۃ جائیه



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۴۵ - سورۃ جائیه در مکه

نازل شده و دارای ۳۷ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)
إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ (۳)

۱- حم.

۲- این کتاب از جانب خداوند قادر و حکیم نازل شده است.

۳- همانا در آسمانها و زمین آیات و نشانه‌ای برای مومنین است.

﴿حم﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿﴾ که در آسمان‌ها ستارگان و خورشید و ماه و در زمین آنچه
که در آن می‌روید از انواع گیاهان و نباتات برای مردم و چهارپایان، آیات الهی
هستند برای قومی که اندیشه می‌کنند.^۱

وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا وَ تَضَرُّعِ الرِّيحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۵)

۵- و نیز در رفت و آمد شب و روز، و رزقی (بارانی) که خداوند از آسمان

نازل کرده و زمین مرده را به وسیله آن زنده می‌کند، و نیز در وزش بادهای، آیات و نشانه‌ای است برای قومی که اندیشه می‌کنند.

﴿وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ یعنی از هر طرف می‌آید گاهی بادهای گرم و گاهی نیز بادهای سرد که گاهی ابرها را به حرکت در می‌آورند و گاهی رزق را در روی زمین می‌گسترانند و گاهی نیز درختان را بارور می‌کنند.^۱

وَيَلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۷)

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرُهُ بِعَذَابِ
الَّهِمْ (۸)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹)

۷- وای بر هر دروغگوی گنهکار.

۸- آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود می‌شنود، اما از روی تکبر بر مخالفت آن اصرار می‌ورزد، که گویی اصلاً آن را نشنیده است، چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده.

۹- و هنگامی که از بعضی از آیات ما آگاه می‌گردد آن را به تمسخر می‌گیرد، که برای اینها عذاب ذلت باری است.

﴿وَيَلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ﴾ اثیم یعنی دروغگو.

﴿يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا﴾ یعنی اصرار می‌کنند که

آیات الهی دروغ است و بر خودشان تکبر می‌ورزند.

﴿كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا﴾ گویی که اصلاً آن را نشنیده است.

﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا﴾ که ﴿اذا علم﴾ یعنی زمانی که ببینند؛ که علم در اینجا به معنای دیدن است.

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ (۱۱)
 اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ
 لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۳)

۱۱- این قرآن مایه هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، برای آنها عذابی سخت و دردناک است.

۱۲- خداوند است که دریا را برای شما مسخر گردانید تا کشتی‌ها به فرمان او در آن حرکت کنید و از فضلش بهره‌مند گردید، شاید که سپاس‌گزار باشید.

۱۳- و آنچه که در آسمانها و زمین است همه را از جانب خودش مسخر شما گردانید، همانا در این نشانه‌هایی است برای قومی که متفکر هستند.

﴿هَذَا هُدًى﴾ یعنی قرآن که روشن‌گر است.
 ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ﴾ سختی و بدی.
 سپس فرمود: ﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ﴾ یعنی کشتی در دریا.

سپس فرمود: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ﴾
 یعنی آنچه در آسمان‌ها از خورشید و ماه و ستارگان و باران است.^۱

﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ مراد بارانی است که در وقت خودش می آید و به کشت زارها و دیگر چیزها نفع می رساند.^۱

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

۱۴ - به کسانی که ایمان آورده اند بگو: کسانی را که به «ایام الله» (روز قیامت) امیدی ندارند را ببخشند تا خداوند هر قومی را به خاطر اعمالی که انجام می دادند جزا بدهد.

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾ به ائمه حق می گوید بر علیه ائمه جور و ستم نفرین نکنید تا روزی که خداوند آنها را عقاب می کند. ﴿لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ تا خداوند هر قومی را به خاطر اعمالی که انجام می دادند جزا بدهد.

داود بن کثیر گوید: امام صادق (علیه السلام) درباره آیه ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾ فرمود: به آن کسانی که با معرفت و شناخت بر آنان منت گذاشتیم بگو آنان را که عمل نمی کنند بشناسند، پس آنگاه که آنان را شناختند مورد بخشش قرار داده و از ایشان در گذرند.^۲

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۵)

۱۵ - هر کس عمل صالحی انجام بدهد برای خودش به جا آورده است، و هر کس عمل بدی انجام دهد به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۸

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵ و ج ۲۳، ص ۳۸۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳

ابن عباس درباره آیه ذیل گفت: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ﴾ که خداوند اراده مؤمنین کرده است.

﴿وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا﴾ اراده منافقین و مشرکین را نموده است.

﴿ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ که اراده کسانی که به سوی او بر می گردند را کرده است.^۱

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)

إِنَّهُمْ لَنُ يُعْثِرُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (۱۹)

۱۸ - سپس تو را بر شریعت و آئینی قرار دادیم، پس از آن پیروی کن، و از

کسانی که چیزی نمی دانند پیروی مکن.

۱۹ - همانا آنها هرگز نمی توانند تو را نسبت به چیزی از خداوند بی نیاز

کنند، که ستمکاران کمک کار یکدیگر هستند، و خداوند یاور پرهیزگاران است.

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا - تا - لَنُ يُعْثِرُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا﴾

این آیه تأدیب رسول خدا ﷺ است و معنایش امت می باشد.^۲

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ
وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عَشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ
بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴)

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۸

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۳

وَإِذَا تَنَلَّی عَلَیْهِمْ آيَاتُنَا بَيَّنَّا مَا كَانَ حُجَّتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اإِنَّا بَانِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۶)

۲۳- آیا دیدی کسی را که معبودش را هوای نفس خودش قرار داده بود و خداوند او را با آگاهی گمراه ساخته و برگوش و قلبش مهر زده و بر چشمانش پرده ای افکنده است؟ پس آیا کسی می تواند بعد از خداوند او را هدایت کند؟ آیا متذکر نمی شوید؟

۲۴- و آنها گفتند: زندگی ما جز همین دنیا چیز دیگری نیست، گروهی از ما می میرند و گروهی دیگر جای آنها را می گیرد، و جز روزگار و طبیعت کسی ما را هلاک نمی کند، و این سخنان آنها از روی علم و آگاهی نیست بلکه آنها فقط گمان می کنند.

۲۵- و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود دلیلی در برابر آن ندارند مگر آنکه می گویند: اگر راست می گویند پدران ما را بیاورید (زنده کنید).

۲۶- بگو: خداوند شما را زنده می کند سپس می میراند، سپس شما را در روز قیامت که هیچ شک و تردیدی در آن نیست جمع می کند، و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾ این آیه در باره قریش نازل شده که هر چه را دلشان می خواست می پرستیدند.

﴿وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾ خداوند عذاب می کند ایشان را به آنچه در حق امیرالمومنین علی علیه السلام مرتکب شدند. این آیه بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جاریست، در حق کسانی که به امیر المؤمنین و اهل بیت پیغمبر ظلم و ستم

نمودند به طوری که از روی هوای نفس هر چه خواستند کردند و برگردانیدند خلافت را از امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام بعد از آنکه به امر پروردگار چند مرتبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آنها عهد و پیمان گرفت بر ولایت و خلافت وصی و جانشین خود امیر المؤمنین علیه السلام.

﴿اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾ درباره قریش نازل شده است و درباره اصحاب پیغمبر جاریست همانهایی که حق امیر المؤمنین علیه السلام را غصب کردند و امام منصوب از طرف خدا را رها کرده و به هوای نفس امام برای خود معین کردند و شاهد بر این معنا آیه ﴿وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ﴾^۱ می باشد و هر کس گمان کند و بگوید من امام هستم غیر از آن امامی که خداوند معین کرده کیفر او آتش دوزخ است.

پس هر کس غیر علی علیه السلام امامی اختیار کند و او را بر علی مقدم بدارد مثل آن است که غیر خدا را به خدائی گرفته و به هوای نفس عمل کرده است.

پس از آن گفتار دهری و طبیعی مسلکان را بیان می کند که گفتند بعد از مرگ زنده نمی شویم ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ و این مقدم است و موخر این است که دهریون اعتقاد به نشور و بعث بعد از مُردن را ندارند و گفتند: زندگی می کنیم و می میریم.

﴿وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ - تَا - يَظُنُّونَ﴾ که ﴿ظَن﴾ در این آیه به معنای شک است و در حق دهریه نازل شده و درباره کسانی که به امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان او بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ظلم و ستم نمودند جاریست چون ایمان آنها اقرار به زبان و صورتی و بدون تصدیق قلبی، از جهت ترس شمشیر اسلام بود.

سپس خداوند گفتار دهریون را حکایت کرده و فرمود: ﴿وَإِذَا تَلَّيْ عَلَيْهِمْ

۱. انبیا، آیه ۲۹؛ و هر کس از آنها بگوید: من جز خدا معبودی دیگر هستم.

آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * یعنی بدروستی که شما بعد از مُردن مبعوث می شوید، پس خداوند فرمود: ﴿قُلِ اللَّهُ يُخَيِّبُكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ بگو: خداوند شما را زنده می کند سپس می میراند، سپس شما را در روز قیامت که هیچ شک و تردیدی در آن نیست جمع می کند، و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ (۲۷)

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةٍ كُلِّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

هَذَا كِتَابُنَا يُنْطَقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)

۲۷- و حاکمیت آسمانها و زمین همه از برای خداست، و در آن روزی که قیامت برپا می شود اهل باطل زیان می بینند.

۲۸- و (در آن روز) هر امتی را می بینی که به زانو در آمده است، هر امتی به سوی کتابش خوانده می شود، امروز جزای آنچه که انجام می دادید به شما داده می شود.

۲۹- این کتاب ماست که به حق با شما سخن می گوید، که ما هر آنچه را که انجام می دادید را نوشته ایم.

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ﴾ یعنی آنهایی که دین الهی را باطل کردند.

﴿وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةٍ﴾ یعنی می بینی هر گروهی را که از غایت دهشت و هیبت آن روز بر زانوهای خود نشسته اند.

﴿كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا﴾ هر امتی به سوی اعمالی که بر آنها واجب کرده بودیم فرا خوانده می شوند سپس فرمود: ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾ این دو آیه از محکمت هستند.^۱

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾ سوال کردم.

فرمود: قرآن حرف نمی زند لکن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او ناطق به قرآن هستند؛ پروردگار می فرماید: این پیغمبر به کتاب ما برای شما براستی و درستی سخن می گوید، و نزول آیه چنین است: ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾

عرض کردم: ما اینطور قرائت نمی کنیم.
فرمود: بخدا قسم جبرئیل آیه را این طور بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است و از آیاتی است که نزول آن تحریف شده است.^۲

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ (۳۴)

ذَلِكُمْ بِأَنكُم اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶)

وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)

۳۴- و به آنها گفته می شود: امروز ما شما را فراموش می کنیم همچنان که شما دیدار این روز را فراموش کردید. و جایگاهتان آتش جهنم است، و شما هیچ یار و یابوری ندارید.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۱

۲. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۸؛ کافی، ج ۸، ص ۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۱

۳۵- این به خاطر آن است که آیات خداوند را به تمسخر گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد، پس امروز آنها را از آتش جهنم بیرون نمی آورند و هیچ گونه عذری از آنها پذیرفته نمی شود.

۳۶- پس حمد و سپاس برای خداوند است، پروردگار آسمانها، و پروردگار زمین و پروردگار عالمیان.

۳۷- و برای اوست کبریا و عظمت در آسمانها و زمین، و اوست عزیز و حکیم.

﴿وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ﴾ یعنی شما را ترک کردیم پس «نسیان» به معنای ترک است.

﴿كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ﴾ * ذَلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا ﴿وَأَنهَا أئِمَّةٌ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ﴾ هستند یعنی آنها را تکذیب

کردید و استهزائشان نمودید. *کپی از تفسیر علامه مجلسی*

﴿فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا﴾ یعنی از آتش جهنم.

﴿وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾ یعنی نه به آنها جواب داده می شود و نه عذرشان مورد قبول واقع می گردد.

﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ * وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ ﴿

یعنی قدرت.

﴿فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ در آسمانها و زمین، و

اوست عزیز و حکیم.^۱

تفسیر سورۂ احقاف



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی
۴۶ - سورۂ احقاف در مکه

نازل شده و دارای ۳۵ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ
كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ (۳)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ
شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ اتَّخَذُوا مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْثَارًا مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ
ضَادِّقِينَ (۴)

۱- حم .

۲- این کتاب از جانب خداوند عزیز و حکیم نازل شده است.

۳- ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنهاست جز به حق برای مدت
معینی نیافریدیم، و کسانی که کافر شدند از آنچه که انذار می‌شوند
روی‌گردان هستند.

۴- (به آنها) بگو: آن معبودان غیر خدایی را که می‌خوانید را به من نشان
دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا آنها شرکتي در آفرینش
آسمان‌ها دارند؟ کتابی آسمانی قبل از این یا اثری علمی (برای اثبات

دلیل تان) برای من بیاورید اگر راستگو هستید.

﴿حَمَّ﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ - تا - وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ ﴿یعنی قریش هنگامی که رسول خدا ﷺ آنها را به سوی آن فرا می خواند و این آیه عطف به آیه﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿است.

سپس خداوند با آنها احتجاج نموده و فرمود: ای محمد به آنها بگو: ﴿رَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ یعنی بت هائی که می پرستید ﴿أُرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَتُنُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا آنها شرکئی در آفرینش آسمان ها دارند؟ کتابی آسمانی قبل از این یا اثری علمی (برای اثبات دلیل تان) برای من بیاورید اگر راستگو هستید.^۲

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (۶)

۴- و چه کسی گمراه تر است از آن کسی که غیر خدا را می خواند که تا روز قیامت او را اجابت نمی کند، و اینها (بت ها و غیر خدایان) از خواندن آنها (مشرکان) بی خبر هستند (و چیزی نمی شنوند)؟

۶- و هنگامی که مردم محشور می شوند معبودانشان دشمنان آنها بوده و از عبادت آنها اظهار بیزار می کنند.

۱. فصلت، آیه ۱۳؛ پس اگر اعراض کنند به آنها بگو: من شما را از صاعقه ای مانند صاعقه عاد و ثمود ترسانیدم.

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۵

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - تَا -
بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ﴾ کسی که خورشید و ماه و ستارگان و چهارپایان و درخت
و سنگ را می پرستد، هنگامی که مردم در روز قیامت محشور می شوند این
پرستش شدگان با آنها دشمنی نموده و از آنها روی گردان می باشند.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً هُوَ أَعْلَمُ بِمَا
تُقْبِضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)
قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا
يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۹)

۸- یا می گویند: این آیات را بر خدا دروغ بسته است، بگو: اگر من این قرآن
را بر خدا دروغ بسته بودم شما قدرت نجات من در برابر خداوند را ندارید.
او به کارهایی که وارد می شوید داناتر است، کفایت می کند که او شاهد میان
من و شماست، و او آمرزنده و مهربان است.

۹- بگو: من از اولین رسولان نیستم، و نمی دانم که عاقبت من با شما چه
می شود؟ من از چیزی پیروی نمی کنم مگر آنچه که بر من وحی می شود، و
من انذار کننده آشکاری هستم.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ﴾ ای محمد می گویند قرآن از افتراهای توست که به خدا
نسبت می دهی، به آنها بگو: ﴿إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً﴾ اگر
خداوند به من ثواب بدهد و یا عقاب نماید شما قادر به دفع آن نیستید.
﴿هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُقْبِضُونَ فِيهِ﴾ یعنی تکذیب می کنند.

﴿كَفَى بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ کفایت می کند که او شاهد

میان من و شماست، و او آمرزنده و مهربان است.^۱
ای محمد به آنها بگو: ﴿مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ﴾ فقط من یک پیامبر نیستم،
پیامبران زیادی نیز قبل از من بوده‌اند.^۲

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى
مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ أَلَّا اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

۱۰- بگو: اگر دیدید که این قرآن از جانب خداست و شما به آن کافر شدید،
و شاهدی از میان بنی اسرائیل به (حق بودن) آن شهادت دهد و ایمان
بیاورد و شما استکبار بورزید (آن موقع چه می‌کنید)؟ همانا که خداوند
گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ - تا - عَلَى مِثْلِهِ﴾ بگو: اگر قرآن از
جانب خداوند است.

﴿وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَأَمَنْ وَاسْتَكْبَرْتُمْ﴾ منظور از شاهد
امیرالمومنین علیه السلام است و دلیل بر آن آیه ۱۷ سوره هود می‌باشد ﴿أَفَمَنْ كَانَ
عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾^۳ یعنی امیرالمومنین علیه السلام.^۴

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳)

۱۳- همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس (بر سخن خود)
ثابت قدم ماندند، پس ترسی بر آنها نیست و آنها نیز اندوهگین نمی‌شوند.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۶

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۷

۳. هود، آیه ۱۷؛ آیا آن کسی که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهدی از
سوی او می‌باشد.

۴. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۷

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ یعنی
بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام استقامت کنید.^۱

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ
وَفِضَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي
أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱۵)

۱۵- و به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش احسان کند، مادرش او را
با سختی و زحمت حمل نمود، و با درد و ناراحتی بر زمین گذاشت، و
مدت حمل و شیردانش سی ماه شد، تا هنگامی که به حد نیرومندی و
رشد رسید، و چهل ساله شد و گفت: پروردگارا، به من عنایت کن تا شکر
نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی را بجا بیاورم و عمل صالحی
انجام دهم که مورد رضای تو باشد، و فرزندانم را صالح بگردان، که من به
درگاه تو باز می‌گردم و از تسلیم شدگان هستم.

مدت حمل امام حسین علیه السلام

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾ که مراد از احسان رسول خداست.
﴿بِوَالِدَيْهِ﴾ یعنی حسن و حسین علیهما السلام سپس ثم عطف بر حسین علیه السلام کرده
و فرمود: ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾ خداوند وجود حسین علیه السلام را قبل از
حمل آن بزرگوار به رسولش خبر داد به اینکه امامت تا روز قیامت در فرزندان
آن حضرت است، سپس کشته شدن و مصیبت‌هایی که به آن حضرت و

بچه‌هایش می‌رسد را نیز خبر داد و عوض آن امامت را در نسل‌های او قرار داد و به رسولش خبر داد که حسین کشته می‌شود و بعد در هنگام رجعت به دنیا بر می‌گردد و دشمنانش را می‌کشد و مالک زمین می‌گردد و آن قول الهی است که فرمود: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ﴾^۱ و ما اراده کردیم که بر آن مردم ضعیف شده در روی زمین منت گذاریم.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲ و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که: زمین را بندگان شایسته ما به میراث می‌برند.

خداوند به پیامبرش بشارت داد که اهل بیت تو مالک زمین می‌گردند و به دنیا برگشته و دشمنان را می‌کشند. و رسول خدا ﷺ خبر حسین علیّه السلام و چگونه کشته شدن او را برای حضرت فاطمه علیّه السلام فرمود و آن حضرت از روی اکراه به حسین علیّه السلام حامله گشت.

سپس امام صادق علیّه السلام فرمود: آیا دیده‌اید که به کسی بشارت فرزند زکور داده شود و او از حمل آن کراهت داشته باشد.

یعنی حضرت فاطمه علیّه السلام هنگامی که خبر کشته شدن حسین علیّه السلام را شنید غمگین و ناراحت شد، و او را از روی کراهت به دنیا آورد. و فاصله میان امام حسن علیّه السلام و امام حسین علیّه السلام یک طهر بود. حسین علیّه السلام شش ماه در شکم مادر بود و بیست و چهار ماه نیز از شیر گرفتنش بود و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾^۳.

۱. قصص، آیه ۵

۲. انبیاء، آیه ۱۰۵

۳. نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۱

وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهُيَ أَفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي
وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَبِكَ آمِنٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ (۱۷)

۱۷- و کسی که به پدر و مادرش بگوید: اَف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که روز قیامت از قبر بیرون می‌آیم، در صورتی که پیش از من گروه‌های زیادی بودند (که زنده نشدند)؟ آن دو به درگاه خداوند استغاثه می‌کنند: وای بر تو، ایمان بیاور، همانا که وعده الهی حق است، پس می‌گوید: اینها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

﴿وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهُيَ أَفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ - تا - مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ فرمود: درباره عبد الرحمن بن ابی بکر نازل شده است.
جابر بن عبد الله گوید: سپس خداوند با دم عبد الرحمن بن ابی بکر به مدح حسین علیه السلام پرداخت.

جابر بن یزید جعفری گوید: این حدیث را برای امام باقر علیه السلام نقل کردم، آن حضرت فرمود: ای جابر به خدا سوگند اگر دعای حضرت امام حسین سبقت می‌گرفت و اول مرتبه به زبان مبارک جاری می‌شد که: ﴿وَأَصْلَحَ لِي ذُرِّيَّتِي﴾ بدون کلمه ﴿فِي﴾ تمام ذریه آن حضرت از ائمه می‌بودند و لکن دعای آن حضرت اینچنین به زبان او پیشی گرفت که: ﴿أَصْلَحَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي﴾ با کلمه ﴿فِي﴾ بنابراین معنی کلام اینست که و به اصلاح آور برای من در میان فرزندان من و بعضی از آنها، پس بعضی از ایشان یکی پس از دیگری امام شدند و خدای تعالی به سبب ایشان حجت خود را ثابت گردانیده است.^۱

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا
وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ
بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (۲۰)

۲۰- و روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه می‌کنند (به آنها گفته می‌شود): شما طیبات زندگانی دنیا را از بین بردید و از آن بهره بردید پس امروز کیفر شما عذاب خوار کننده است به خاطر آنچه که در زمین به غیر حق استکبار می‌ورزیدید و به فسق و فجور می‌پرداختید.

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا
وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا﴾ یعنی در دنیا خوردید و نوشیدید و سواری کردید، و این آیه
در باره بنی فلان نازل شد.
و در باره جمله ﴿فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ﴾ فرمود: مقصود از آن عطش
است.

﴿بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ﴾ به خاطر
آنچه که در زمین به غیر حق استکبار می‌ورزیدید و به فسق و فجور
می‌پرداختید.^۱

وَإِذْ كُنَّا نَاخَا عَادَ إِذْ أَنْذَرَهُمْ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّدْرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ
خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱)
قَالُوا أَجِئْنَا لِنُؤْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۲)
قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا
تَجْهَلُونَ (۲۳)

فَلَمَّا رَأَوْهُ غَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا غَارِضٌ مُسْطِرٌّ بَلْ هُوَ مَا
اشْتَعَجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۴)

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ
الْمُجْرِمِينَ (۲۵)

وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِيهَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَ أَفْنِدَةً فَمَا
أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْنِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ
بِآيَاتِ اللَّهِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۲۶)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيِ وَ صَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۷)
فَلَوْ لَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَ ذَلِكَ
إِفْكُهُمْ وَ مَا كَانُوا يَفْقَهُونَ (۲۸)

۲۱- و یادکن برادر قوم عاد را که چون در سرزمین احقاف امتش را بیم داد
در حالی که پیامبران زیادی قبل از او و نزدیک زمانش آمده بودند، (که
گفت:) جز خدای یگانه نپرستید، همانا من بر شما از عذاب روز بزرگ
می ترسم.

۲۲- آنها گفتند: آیا آمده ای که ما را از عبادت خدایانمان باز داری؟ اگر
راست می گویی عذابی را که به ما وعده می دهی را بیاور.

۲۳- گفت: علم آن نزد خداست، به آنچه که فرستاده شده ام را به شما
می رسانم، ولیکن شما را گروه نادان می بینم.

۲۴- پس هنگامی که عذاب را به صورت ابری دیدند که به سوی دژه ها و
رودخانه هایشان در حرکت هستند گفتند: این ابری باران زاست، (هود به
آنها گفت: چنین نیست) بلکه این آن چیزی است که برای آمدنش عجله
داشتید، تند بادی است که عذاب دردناکی دارد.

۲۵- این بادی است که به فرمان پروردگارش همه چیز را دگرگون می‌کند. پس صبح کردند در حالی که چیزی در خانه‌هایشان دیده نمی‌شد. (آری) اینچنین گروه مجرمین را کیفر می‌دهیم.

۲۶- و به تحقیق به آنها قدرتی دادیم که آن را به شما ندادیم. و برای آنها گوش و چشم و قلب قرار دادیم (اما هنگام نزول عذاب) گوش و چشم و قلبشان هیچ سودی به حالشان نداشت، چونکه آیات خدا را انکار می‌کردند، و عاقبت آنچه را که استهزا می‌کردند دامنگیر آنها شد.

۲۷- و به تحقیق آبادی‌هایی را که در اطراف شما بودند را هلاک کردیم، و آیات خود را (برای عبرت مردم) به گونه‌های مختلف بیان نمودیم شاید که باز گردند.

۲۸- پس چرا معبودانی را که به غیر از خدا برگزیدند برای اینکه به خداوند نزدیکشان سازد یاریشان نکردند؟ بلکه از میانشان گم شدند؟ و این بود نتیجه دروغشان و آنچه را که به خداوند دروغ می‌بستند.

سرزمین احقاف

﴿وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ﴾ احقاف از سرزمین عاد است که ابتدای آن از شُعُوق (که منزلی در راه کوفه به مکه پس از واقصه می‌باشد) و انتهای آن تا اجفر (جایی میان فید و خزیمه) است و مجموع آن چهار منزل است.^۱

روایت است که معتصم دستور داد که در بطنایه چاهی را حفر کنند. سیصد قامت زمین را کردند، آبی از آن بیرون نیامد لذا از پیدا کردن آب ناامید

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۹۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۵۶

شده و از آن چاه دست برداشتند و دیگر آن را نکردند. هنگامی که متوکل امور مملکت را بدست گرفت دستور داد آن چاه را دوباره بکنند تا به آب برسند، حفر کنندگان چاه در هر صد قامت تسمه قرقره‌ای قرار می‌دادند تا اینکه به صخره‌ای رسیدند، آن صخره را شکستند از آن باد سردی بیرون آمد که هر کسی در اطراف آن بود را هلاک نمود. جریان را به متوکل اطلاع دادند، ولی او علت آن را نفهمید؛ گفتند که درباره آن از امام هادی علیه السلام سؤال شود؛ و لذا جریان را برای امام علیه السلام نوشتند.

امام علیه السلام در جواب آنها فرمود: آنجا محل سکونت قوم عاد «احقاف» است که خداوند آنها را به وسیله باد «صرصر» یعنی گردبادی بسیار سرد و شتابنده هلاک نمود.^۱

سپس خداوند حال قوم عاد را حکایت کرده و فرمود: ﴿قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتُفِكَنَا﴾ یعنی باد روغ ما را از چیزهائی که پدرانمان پرستش می‌کردند دور کنی.

﴿فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا﴾ یعنی از عذاب.

﴿إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ اگر از راستگویان هستی.

و هود علیه السلام پیامبر آنها بود و سرزمینی پربرکت داشتند پس خداوند در هنگام عذاب آنها هفت سال باران را بر آنها نفرستاد تا اینکه خشکسالی آن سر زمین را از بین برد و خیر برکت از آنجا رخت بر بست. هود علیه السلام به آنها فرمود: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ - تَابَ - وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ﴾^۲ توبه کنید و به سوی

۱. نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۷

۲. هود، آیه ۵۲؛ ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید و سپس به سوی او توبه کنید تا آسمان باران را پی در پی برایتان نازل کند و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، بنا بر این در حالی که گنهکارید، روی برگردانید.

آنها برگردید.

ولی آنها ایمان نیاورده و طغیان‌گری نمودند، خداوند به هود علیه السلام وحی فرستاد که آنها در فلان وقت با عذاب دردناک باد هلاک خواهند شد.

در وقت موعود ابری در آسمان ظاهر گشت که به سوی آنها می‌آمد، با دیدن آن ابر خوشحال شدند و به همدیگر گفتند: ﴿هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا﴾ این ابر برای ما باران می‌آورد.

هود علیه السلام به آنها فرمود: ﴿بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ﴾ آن ابر باران نیست بلکه عذاب الهی است که ظاهر گشته است.

﴿فَاتِنَانِمَا تَعِدُّنَا إِن كُنتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ رِیْحٌ فِیْهَا عَذَابٌ اَلِیْمٌ تَدْمِرُ كُلَّ شَیْءٍ بِاَمْرِ رَبِّهَا﴾ که ﴿تدمر کل شیء﴾ لفظش عام و معنایش خاص است زیرا که آن باد چیزهای زیادی را ترک کرده و آنها را از بین نبرده و فقط تمام اموال و اشیاء و خود اینها را نابود کرده و از بین برده است همچنانکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَصَّبَحُوا لَا یُرِیْ اِلَّا مَسَاكِیْنُهُمْ﴾ و همه این اخبار از هلاکت امت‌های گذشته جهت ترساندن و اخطار به امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.^۱

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاھُمْ فِیْمَا اِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِیْهِ وَجَعَلْنَا لَھُمْ سَمْعًا وَاَبْصَارًا وَاَفْتَدَہُ﴾ یعنی به تحقیق ما به آنها اعطا کردیم و آنها کفران نمودند پس عذاب بر آنها نازل شد پس بر حذر باشید از آنچه که بر آنها نازل شده بر شما نیز نازل شود سپس خداوند قریش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿وَلَقَدْ اَھْلَكْنَا مَا حَوْلَکُمْ مِنَ الْقُرٰی وَصَرَّفْنَا الْاٰیٰتِ﴾ یعنی چگونه هلاکت آنها را بیان نمودیم. و مراد از شهرهای اطراف سرزمین‌های قوم عاد و قوم صالح و قوم لوط می‌باشد.

سپس خداوند با آنها احتجاج کرده و فرمود: ﴿فَلَوْ لَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ﴾ یعنی باطل کردند. ﴿وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ﴾ یعنی دروغ آنها. ﴿وَمَا كَانُوا يَفْقَهُونَ﴾ و آنچه را که به خداوند دروغ می‌بستند.

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ (۲۹)
قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ (۳۰)
يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجْزِكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۳۱)
وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۳۲)
أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزِ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۳)
وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبُّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۴)

۲۹- و (بیاد بیاور) هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه نمودیم تا آیات قرآن را بشنوند، پس هنگامی که حاضر شدند گفتند: ساکت باشید و گوش کنید، پس چون تلاوت تمام شده به سوی قومشان رفتند و آنها را انذار نمودند.

۳۰- گفتند: ای قوم ما، همانا ما (آیات) کتابی را شنیدیم که بعد از موسی

نازل شده، تصدیق کننده کتاب‌های پیشین است، به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند.

۳۱- ای قوم ما، دعوت کننده به سوی الهی را اجابت کنید و به او ایمان بیاورید که خداوند گناهانتان را می‌آمرزد و از عذاب دردناک پناhtان می‌دهد.

۳۲- و کسی که دعوت کننده الهی را اجابت نکند پس نمی‌تواند در زمین از عذاب الهی فرار کند، و به غیر از خدا هیچ یآوری برای او نمی‌باشد، و چنین کسی در گمراهی آشکاری است.

۳۳- آیا آنها نمی‌دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان نشد، قادر است که مردگان را نیز زنده کند؟ آری او بر هر چیزی قادر و تواناست.

۳۴- و روزی که کافران را بر آتش جهنم عرضه کنند (به آنها گفته شود): آیا این حق نیست؟ می‌گویند: بلی به پروردگارمان سوگند که حق است؛ (خداوند) می‌فرماید: پس بجشید عذاب را به خاطر آنچه که کفر ورزیدید.

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ - تَا - أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

تمام آیات حکایت از جن است و سبب نزول این آیات این بود که رسول خدا ﷺ از مکه بیرون شد و به بازار عکاظ رفت، زید بن حارثه هم با آن جناب بود، و آن حضرت مردم را به اسلام دعوت می‌کرد، ولی حتی یک نفر هم دعوتش را اجابت نکرد، و احدی را نیافت که دین او را بپذیرد، ناچار به مکه برگشت.

همین که به محلی به نام «وادی مجنه» رسید عبادت شبانه خود را تلاوت قرآن قرار داد، چند نفر از طائفه جن از کنارش می‌گذشتند، همین که صدای

قرائت رسول خدا ﷺ را شنیدند گوش دادند، و چون قرآن او را شنیدند به یکدیگر گفتند: ساکت، ببینیم چه می خواند. همین که تلاوت قرآن حضرت تمام شد به سوی قوم خود برگشتند و به انذار آنان پرداخته، گفتند: ﴿وَلَوْ اِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ قَالُوا يَا قَوْمَنَا اِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا اُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسٰى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي اِلَى الْحَقِّ وَ اِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ يَا قَوْمَنَا اٰجِبُوْا دَاْعِيَ اللّٰهِ وَ اٰمِنُوْا بِهِ - تا - اُولٰٓئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِيْنٍ﴾ به سوی قومشان رفتند و آنها را انذار نمودند. گفتند: ای قوم ما، همانا ما (آیات) کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، تصدیق کننده کتاب های پیشین است، به سوی حق و راه راست هدایت می کند. ای قوم ما، دعوت کننده به سوی الهی را اجابت کنید و به او ایمان بیاورید که خداوند گناهانتان را می آمرزد و از عذاب دردناک پناهتان می دهد. و کسی که دعوت کننده الهی را اجابت نکند پس نمی تواند در زمین از عذاب الهی فرار کند، و به غیر از خدا هیچ یابوری برای او نمی باشد، و چنین کسی در گمراهی آشکاری است.

آن گاه نزد رسول خدا ﷺ آمده اسلام و ایمان آوردند، و رسول خدا ﷺ آن گاه نازل فرمود: ﴿قُلْ اُوْحِيْ اِلَيَّ اَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ...﴾ تا آخر سوره و در آن، کلام جنیان را حکایت کرده است. رسول خدا ﷺ یک نفر از آنان را امیر ایشان کرد و همواره نزد آن جناب بر می گشتند و رسول خدا ﷺ امیر المؤمنین را مامور کرد تا معالم دین را به ایشان بیاموزد، پس جنیان هم (مانند انسانها) مؤمن و کافر دارند، ناصبی و یهودی و نصاری و مجوسی دارند، و همانطور که انسانها فرزند آدمند آنها هم فرزند جان هستند.^۱

از عالم علیّه سوال شد آیا مؤمنین جنی هم داخل بهشت می شوند؟
فرمود: نه، لیکن برای خدای تعالی حظیره هایی بین بهشت و دوزخ هست
که مؤمنین از جن و فساق از شیعه در آنجا قرار داده می شوند.^۱
سپس خداوند با دهریون احتجاج کرده و فرمود: ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَغْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ آیا آنها نمی دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده
و از آفرینش آنها ناتوان نشد، قادر است که مردگان را نیز زنده کند؟ آری او
بر هر چیزی قادر و تواناست.

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا
يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ
الْفَاسِقُونَ (۳۵)

۳۵- پس صبر کن همچنانکه پیامبران اولوالعزم صبر کردند، و برای
(عذاب) آنها عجله مکن، تا هنگامی که وعده هایی که به آنها داده می شود با
چشم خود ببینند (که در آن روز) گمان می کنند که ساعتی از روز (در دنیا)
درنگ کرده اند، این ابلاغ و اتمام حجتی برای همه است، پس آیا جز قوم
فاسق هلاک می شوند؟

سپس خداوند پیامبرش را به صبر ادب نموده و فرمود: ﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ
أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾ که آنها عبارتند از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن
مریم علیهم السلام و محمد ﷺ، و معنی اولوالعزم این است که در اقرار به وحدانیت
خدا و به نبوت انبیای قبل و بعد از خود از دیگران پیشی گرفته، و تصمیم

گرفتند در برابر تکذیب و آزار قوم خود صبر کنند.^۱

سپس فرمود: ﴿وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ﴾ یعنی شتاب مکن برای کفار قریش در عذاب.

﴿كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ﴾ در روز قیامت می بینند که در دنیا جز ساعتی از روز درنگ نداشته اند.

﴿بَلَاغٌ﴾ یعنی آن را به آنها برسان ﴿فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ﴾ پس آیا جز قوم فاسق هلاک می شوند؟^۲



۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۶۳

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۲



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورۃ محمد ﷺ



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

۴۷ - سورۃ محمد ﷺ در

مدینه نازل شده و دارای ۳۸

آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)

۱- کسانی که کافر شده و از راه خدا باز می‌دارند، خداوند اعمال آنها را از

بین می‌برد.

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ درباره کسانی که بعد از رسول خدا ﷺ مرتد شدند و حق اهل بیت آن حضرت را غصب نمودند و راه امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت ائمه علیهم السلام را بستند نازل شده است. ﴿أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ یعنی آن اعمالی که با رسول خدا ﷺ داشتند از جهاد و یاری نمودن آن حضرت را باطل کردند.^۱

حسن بن عباس حریشی گوید امام باقر علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از وفات رسول خدا ﷺ که مردم در مسجد جمع شده بودند با صدای بلندی آیه ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ را خواندند، ابن عباس به آن حضرت گفت: ای ابوالحسن برای چه این آیه را خواندی؟

فرمود: آیه‌ای از قرآن را خواندم.

گفت: به خاطر امری آن را خواندی؟

فرمود: بله! همانا خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱ آیا شهادت می‌دهی که رسول خدا ﷺ فلانی را خلیفه خود قرار داد؟

ابن عباس گفت: من از رسول خدا ﷺ نشنیدم کسی را خلیفه بعد از خود قرار دهد جز شما را.

فرمود: پس چرا با من بیعت نکردی؟

گفت: مردم با ابوبکر بیعت کردند و من هم از آنها پیروی کردم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همچنانکه مردم بعد از حضرت موسی در اطراف گوساله جمع شدند و آن را پرستیدند؛ که خداوند شما را اینجا آزمایش نمود و مثل شما ﴿كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾^۲ صُمُّ بَكْمُ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ^۳ همانند کسی هست که آتشی افروخته تا در بیابان تاریک راه خود را پیدا کند ولی هنگامی که آتش اطراف خود را روشن ساخت خداوند طوفانی می‌فرستد و آن را خاموش می‌کند، و در تاریکی وحشتناکی که چشم کار نمی‌کند آنها را رها می‌سازد؛ آنها کر، گنگ و کورند بنابراین از راه خطا باز نمی‌گردند!^۴

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ

مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ

۱. حشر، آیه ۷؛ آنچه که رسول خدا برای شما آورده را بپذیرید و از آنچه که نهی کرده خودداری نمایید.

۲. بقره، آیه ۱۷ و ۱۸

۳. بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۶۷؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۴

كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳)

۲- و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و به آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده ایمان آوردند، که آن حق از جانب پروردگارشان است که خداوند از گناهان آنها درگذشت و امورشان را اصلاح نمود.

۳- این به خاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و کسانی که ایمان آوردند و از حق که از جانب پروردگارشان بود پیروی نمودند، اینچنین خداوند برای مردم مثل هایی می زند.

اسحاق بن عمار روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ - فِیْ عَلٰی - وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾ اینچنین نازل شده است.^۱

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ این آیه درباره ابودر و سلمان و عمار و مقداد نازل شده است که عهد و پیمانشان را نقض نکردند.

﴿وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ﴾ یعنی بر ولایتی که خداوند آن را نازل فرمود ثابت قدم ماندند.

﴿وَهُوَ الْحَقُّ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام.

﴿مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾ یعنی حالشان را اصلاح نمود.

سپس اعمال آنها را ذکر کرده و فرمود: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ﴾ یعنی آنها کسانی هستند که از دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام پیروی کردند ﴿وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ و کسانی که ایمان آوردند و از حق که از جانب پروردگارشان بود پیروی

نمودند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سوره محمد نصفش درباره ما و نصف دیگرش درباره دشمنان ماست و دلیل بر آن این آیه است ﴿كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ﴾ اینچنین خداوند برای مردم مثل‌هایی می‌زند.^۲

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَتَخْتَمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ
فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ
لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّسَلْطَانِ بَغْضِكُمْ بِيْغُضِ الْوَالِدِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ
يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴)
سَيَهْدِيهِمْ وَيُضِلِّجُ بِاللَّهُم (۵)
وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا اللَّهُم (۶)
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۷)
وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۸)
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطُوا أَعْمَالَهُمْ (۹)

۴- و هنگامی که با کافران (در میدان جنگ) روبه رو شدید گردن‌هایشان را
بزنید، تا وقتی که دشمنان زیادی را از بین ببرید، پس از آن اسیران جنگ را
محکم ببندید، بعد یا بر آنها منت بگذارید و (آزادشان کنید) یا فدیهِ
بگیرید، تا جنگ سختیهای خود را فرو گذارد. برنامه این است، و اگر خدا
می‌خواست خودش از کافران انتقام می‌گرفت و لکن می‌خواهد شما را به

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۶۸؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۵

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۶؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۷

وسيلة يكديگر امتحان کند، و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را ضایع نمی‌گرداند.

۵- بزودی آنها را به سعادت هدایت کرده و امورشان را اصلاح می‌فرماید.

۶- و آنها را در بهشتی که به ایشان شناسانده بود وارد می‌کند.

۷- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید خداوند نیز شما را یاری می‌کند و قدم‌هایتان را ثابت و استوار می‌گرداند.

۸- و کسانی که کافر شدند، مرگ و هلاکت بر آنها و اعمالشان نابود باد.

۹- این به خاطر آن است که بدانچه خداوند نازل کرده بود کراهِت داشتند، پس خداوند اعمالشان را نابود کرد.

﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ﴾ تا - لَمْ تَنْتَصِرْ مِنْهُمْ ﴿ پس این حکم شمشیر از برای مشرکان عجم از زناذه و کسانی که اهل کتاب نیستند و از آتش پرستان و ستاره پرستان می‌باشند، جاری است.

﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ﴾ خطاب به جماعتی است و معنایش برای رسول خدا ﷺ و امام بعد از آن حضرت می‌باشد.

﴿وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ * سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ * وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿ یعنی بهشت را برای آنها وعده داده و برایشان ذخیره نموده است.

﴿لِيَبْلُوَ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ﴾ یعنی شما را امتحان می‌کند.^۱

سپس امیر المؤمنین علیاً را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید خداوند نیز شما را یاری می‌کند و قدم‌هایتان را ثابت و

استوار می گرداند.^۱

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالُهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ -
در باره علی (علیه السلام) - فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾^۲

امام باقر (علیه السلام) فرمود: جبرئیل با این آیه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فِي
علی (علیه السلام) كَشَطَ الْأَسْمَ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ بر محمد نازل شد یعنی آیه را این
چنین آورد.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (۱۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)
إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى
لَهُمْ (۱۲)

۱۰- آیا در روی زمین سیر و سفر نمی کنند تا ببینند که عاقبت پیشینیان
چگونه بود؟ خداوند آنها را هلاک کرد، و برای کافران امثال اینگونه عواقب
خواهد بود.

۱۱- این به خاطر آن است که خداوند مولی و سرپرست کسانی است که
ایمان آورده اند و برای کافران مولی و سرپرستی نیست.

۱۲- همانا خداوند کسانی را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند را
در باغ هایی وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاریست، و کسانی که

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۷

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۷

کافر شدند از متاع دنیوی بهره کمی می‌برند و همچون چهارپایان می‌خورند، و آتش جهنم جایگاه آنهاست.

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ یعنی آیا در حالات امت‌های گذشته نگاه نمی‌کنند.

﴿دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ یعنی آنها را هلاک کرده و عذاب نمود؛ سپس فرمود: ﴿وَاللَّكَافِرِينَ﴾ یعنی آنهایی که کافر شدند و آنچه را که خداوند درباره حضرت علی علیه السلام نازل فرمود آن را خوش نداشتند.

﴿أَمْثَالُهَا﴾ یعنی برای آنها از عذاب و هلاکت امت‌های گذشته مثلی زدیم. سپس مومنینی را که بر امامت امیر المؤمنین علیه السلام ثابت قدم بودند را ذکر کرده و فرمود: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ این به خاطر آن است که خداوند مولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند و برای کافران مولی و سرپرستی نیست.

سپس مومنین را ذکر کرده و فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی به ولایت علی علیه السلام.

﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا﴾ از دشمنانش.
﴿يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ﴾ یعنی زیاد می‌خورند.
﴿وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ و آتش جهنم جایگاه آنهاست.

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳)

۱۳- چه شهرهای بسیار که نیرومندتر از شهری (مکه) بودند که تو را از آن بیرون کردند، که ما همه اهلش را هلاک کردیم و آنها هیچ یابوری نداشتند.

﴿وَكَأَيُّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلُكُنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ﴾ چه بسا از امت‌های گذشته را هلاک نمودیم که قریه‌های آنها محکم‌تر از قریه تو یعنی مکه که تو را از آن بیرون کردند بود و آنها هیچ یاورى نداشتند.

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۴)
مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءُهُمْ (۱۵)

۱۴- آیا کسی که از جانب پروردگارش دلیل روشنی دارد همانند کسی است که عمل زشتش برای او زیبا جلوه داده شده و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند.

۱۵- توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است که در آن نه‌رهایى از آب زلال و صاف غیر متغیر می‌باشد، و نه‌رهایى از شیر که هرگز طعمش تغییر نمی‌کند، و نه‌رهایى از شراب ناب (طهور) که برای نوشندگانش باعث لذت است، و نه‌رهایى از عسل مصفاست، و برای آنها در آنجا از تمام میوه‌هاست، و آمرزشی از جانب پروردگارشان می‌باشد، آیا اینها همانند کسانی هستند که در آتش جهنم همیشگی هستند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند و اندرونشان را پاره پاره می‌کند؟

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام.

﴿كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ﴾ یعنی آنهایی که حق حضرت علی علیه السلام را غصب کردند ﴿وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند.

سپس برای دوستان و دشمنان آن حضرت مثلی می زند و برای دوستانش می فرماید: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ - تا - مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾ و خمر یعنی ظرف های نوشیدنی که هر وقت ولی خدا از آن میل می کند بوی مشک و عنبر از آن احساس می کند.

﴿وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای شما در آنجا از تمام میوه هاست، و آمرزشی از جانب پروردگارشان می باشد.^۱

سپس برای دشمنان مثلی زده و فرمود: ﴿كَمْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءُهُمْ﴾ به پیامبرش فرمود: آیا کسی که در این بهشت توصیف شده است مانند کسی است که در آتش جهنم می باشد، همانا دشمن خدا مانند ولی او نیست.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

و مِنْهُمْ مَنْ يَسْمَعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶)
وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (۱۷)

۱۶ - و گروهی از آنها به سخنان گوش می دهند تا هنگامی که از نزد تو بیرون می روند به کسانی که علم و دانش داده شده (با تمسخر) می گویند: دوباره (پیامبر) چه گفت؟ اینها کسانی هستند که خداوند بر قلب هایشان مهر زده است و از هوای نفسشان پیروی می کنند.

۱۷ - و کسانی که هدایت یافته اند، (خداوند) بر هدایتشان می افزاید، و تقوا و پرهیزگاری به آنها عطا می فرماید.

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا﴾ این آیه درباره منافقین از اصحاب رسول خدا ﷺ نازل شده است آنها وقتی آیه‌ای از قرآن را از پیامبر ﷺ می‌شنیدند به آن ایمان نمی‌آوردند و هنگامی که از نزد پیامبر بیرون می‌آمدند به مومنین می‌گفتند محمد چه می‌گفت؟ پس خداوند فرمود: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ آنها کسانی بودند که خداوند بر قلب‌هایشان مهر زده و از هوا و هوس‌هایشان پیروی می‌کردند.^۱

ابوبصیر گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: همانا رسول خدا ﷺ اصحابش را دعوت می‌کرد، پس هر کس از آنها که خداوند برایش خیری را اراده کرده بود دعوت پیامبر را می‌شنید و آن را درک می‌کرد و هر کسی که خداوند برایش شرّ اراده کرده بود بر قلبش مهر می‌زد و آن را نمی‌شنید و درکش نمی‌کرد و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا﴾ تا هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند به کسانی که علم و دانش داده شده (با تمسخر) می‌گویند: دوباره (پیامبر) و چه گفت؟^۲

سپس هدایت یافتگان را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ و این آیه رد کسی است که گمان می‌کند ایمان کم و زیاد نمی‌شود.^۳

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۷۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۰

۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۸۷؛ تاویل الآیات الظاهره، ص ۵۷۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۷۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۰

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا
جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (۱۸)

۱۸- پس آیا آنها (کافران) انتظاری جز این دارند که قیامت ناگهانه فرا برسد؟
که به تحقیق شروط و علائم آن آمده است، پس هنگامی که بیاید در آن حال
تذکر و یادآوری آنها فایده‌ای نمی‌بخشد؟

شرایط قیامت

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ﴾ که مراد از «السَّاعَةُ» قیامت است ﴿أَنْ تَأْتِيَهُمْ
بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾^۱

سلیمان بن مسلم خشاب از عبد الله بن جریح مکی از عطاء بن ابی ریحاح از
عبد الله بن عباس نقل کرده که گفت: با رسول خدا به زیارت حج رفتیم، همان
حجی که بعد از آن رسول خدا ﷺ از دنیا رفت، و یا به عبارت دیگر
حجة الوداع، رسول خدا ﷺ در کعبه را گرفت و سپس روی نازنین خود را به
طرف ما کرد و فرمود: می‌خواهید شما را خبر دهم از علامات قیامت؟

و در آن روز سلمان رضی الله عنه از هر کس دیگر به آن جناب نزدیک‌تر بود، لذا او در
پاسخ رسول خدا ﷺ عرضه داشت: بلیه یا رسول الله.

حضرت فرمود: یکی از علامت‌های قیامت این است که نماز ضایع می‌شود
یعنی از میان مسلمین می‌رود و از شهوات پیروی می‌شود و مردم به سوی
هواها میل می‌کنند، مال و ثروت مقامی عظیم پیدا می‌کند و مردم آن را تعظیم
می‌کنند، دین به دنیا فروخته می‌شود، در آن زمان است که دل افراد با ایمان
در جوفشان، برای منکرات بسیاری که می‌بینند و نمی‌توانند آن را تغییر دهند

آب می شود آن چنان که نمک در آب حل می گردد.

سلمان با تعجب عرضه داشت: یا رسول الله: به راستی چنین روزی خواهد رسید؟

فرمود: آری، به آن خدایی که جانم به دست اوست، ای سلمان در آن هنگام سرپرستی و ولایت مسلمانان را امرای جور به دست می گیرند امرایی که وزرای فاسق و سرشناسانی ستمگر و امنایی خائن دارند.

سلمان پرسید: براستی چنین وضعی پیش خواهد آمد یا رسول الله؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این موقع منکر، معروف، و معروف، منکر می شود، خائن امین قلمداد می گردد و امین خیانت می کند، دروغگو تصدیق می شود و راستگو تکذیب می گردد.

سلمان با حالت تعجب پرسید: یا رسول الله به راستی چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در آن روزگار زنان به امارت می رسند و کنیزان طرف مشورت قرار می گیرند و کودکان بر فراز منبر می روند و دروغ نوعی زرنگی و زکات خسارت، و خوردن بیت المال نوعی غنیمت شمرده شود، مرد به پدر و مادرش جفا ولی به دوستش نیکی می نماید و ستاره دنباله دار طلوع می کند.

سلمان باز پرسید: یا رسول الله آیا چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان! در این موقع زن با شوهرش در تجارت شرکت می کند و باران در فصلش نیامده بلکه در گرمای تابستان می بارد و افراد کریم سخت خشمگین می گردند، مرد فقیر تحقیر می شود، در این هنگام بازارها به هم نزدیک می شوند وقتی یکی

می‌گوید: من چیزی نفروختم؛ و آن دیگری می‌گوید: من سودی نبرده‌ام،
طوری می‌گویند که هر شنونده می‌فهمد دارد به خدا بد و بیراه می‌گوید.

سلمان پرسید: آیا حتما چنین وضعی خواهد شد یا رسول الله؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست، ای سلمان در این هنگام
اقوامی بر آنان مسلط می‌شوند که اگر لب بجنبانند کشته می‌شوند و اگر
چیزی نگویند دشمنان همه چیزشان را مباح و برای خود حلال می‌کنند تا با
بیت المالشان کیسه‌های خود را پر کنند و به ناموسشان تجاوز نموده،
خونشان را بریزند و دلهایشان را پراز وحشت و رعب کنند و در آن روز
مؤمنین را جز در حال ترس و وحشت و رعب و رهبت نمی‌بینی.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین روزگاری بر مؤمنین خواهد

گذشت؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این هنگام
چیزی از مشرق می‌آورند و چیزی از مغرب تا امت اسلام را سرپرستی کنند،
در آن روز وای به حال ناتوانان امت من، از شر شرقی و غربی‌ها و وای به
حال آن شرابان و غریبان از عذاب خدا، آری نه کوچکی را رحم می‌کنند و نه
پاس حرمت بزرگی را نگه دارند و نه از هیچ مقصری عفو می‌کنند، اخبارشان
همه فحش و ناسزا است، جثه آنان جثه و بدن آدمیان است ولی دلهایشان
دلهای شیاطین.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین روزی خواهد رسید؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان، در این هنگام
مردان به مردان اکتفاء می‌کنند و زنان به زنان و همان طوری که پدر و اهل
خانواده نسبت به دختر غیرت به خرج می‌دهند، نسبت به پسر نیز غیرت به

خرج می دهند، مردان به زنان شبیه می شوند و زنان به مردان و زنان بر مرکبها سوار می شوند که از طرف امت من لعنت خدا بر آنان باد.

سلمان با تعجب پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می آید؟
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان، در این هنگام مساجد طلاکاری و زینت می شود آن چنان که کلیساها و معبد یهودیان زینت می شود، قرآنها به زیور آلات آرایش و مغازه ها بلند و صفاها طولانی می شود اما با دلهایی که نسبت به هم خشمگین است و زبان هایی که هر یک برای خود منطقی دارد.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این وضع پیش می آید؟
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن روز مردان و پسران امت من با طلا خود را می آریند و حریر و دیبا می پوشند و پوست پلنگ کالای خرید و فروش می گردد.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست، ای سلمان در آن روز ربا همه جا را می گیرد و یک عمل آشکار می شود و معاملات با غیبت و رشوه انجام می شود و دین خوار و دنیا بلند مرتبه می شود.

سلمان گفت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این هنگام طلاق زیاد می شود و هیچ حدی جاری نمی گردد و البته خدای تعالی از این بابت هرگز متضرر نمی شود.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این زمان

کنیزان آوازه‌خوان و نوازنده پیدا می‌شوند و اشرار امت بر امت من، ولایت و حکومت می‌کند.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این موقع اغنیای امت من صرفاً به منظور گردش و تفریح به حج می‌روند و طبقه متوسط برای تجارت و فقرا به منظور خودنمایی و ریا حج می‌روند، در این هنگام است که اقوامی قرآن را برای غیر خدا می‌آموزند و آن را نوعی مزمار و آلت موسیقی اتخاذ می‌کنند، اقوامی دیگر به تعلم فقه اسلامی می‌پردازند اما برای غیر خدا، در آن روزگار زن‌زادگان زیاد می‌شوند با قرآن آوازه‌خوانی می‌کنند و بر سر دنیا سر و دست می‌شکنند.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟

فرمود: آری به خدایی سوگند که جانم به دست اوست ای سلمان این وقتی است که حرمت‌ها و قرق‌ها شکسته شود و مردم عالما و عامدا در پی ارتکاب گناه باشند و اشرار بر اخیار مسلط شوند، دروغ فاش و بی‌پرده و لجاجت‌ها ظاهر گردد - فقرا فقر خود را علنی کنند، مردم در لباس به یکدیگر مباحثات کنند و باران در غیر فصل ببارد و مردم شطرنج و نرد و موسیقی را کاری پسندیده بشمارند و در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را عملی نکوهیده بدانند تا آنجا که یک فرد با ایمان ذلیل‌ترین و منفورترین فرد امت شود و قاریان عابدان را ملامت کنند و عابدان قاریان را، این مردمنده که در ملکوت آسمانها رجس و نجس نامیده می‌شوند.

سلمان از در تعجب پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می‌آید؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این هنگام

است که توانگر هیچ دلوپسی جز فقیر شدن ندارد، حتی یک سائل در طول یک هفته یعنی بین دو جمعه سؤال می‌کند و احدی نیست که چیزی در دست او بگذارد.

سلمان باز پرسید: یا رسول الله آیا چنین روزگاری خواهد رسید؟
فرمود: آری به آن خدایی که جانم در دست اوست ای سلمان در این زمان رویبضه تکلم می‌کنند، پرسید: یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو، رویبضه چیست؟ فرمود: چیزی و کسی به سخن در می‌آید و در امور عامه سخن می‌گوید که هرگز سخن نمی‌گفت، در این هنگام است که مردم، دیگر زیاد زنده نمی‌مانند ناگهان زمین نعره‌ای می‌کشد و هر قومی چنین می‌پندارد که زمین تنها در ناحیه او نعره کشید بعد تا هر زمانی که خدا بخواهد هم چنان می‌مانند و سپس واژگون می‌شوند و زمین هر چه در دل دارد بیرون می‌ریزد- و خود آن جناب فرمود: یعنی طلا و نقره را- آن گاه با دست خود به ستونهایی که در آنجا بود اشاره نموده و فرمود مثل این، ولی در آن روز دیگر نه طلایی فائده دارد و نه نقره‌ای، این است معنای آیه: ﴿فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾ علامت‌هایش بیامد.^۱

و يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ (۲۰)
طَاعَةٌ وَ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (۲۱)

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۷۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۱

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (۲۲)

۲۰- و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: چرا سوره‌ای (درباره جهاد با کفار) نازل نمی‌شود؟ پس هنگامی که سوره‌ای محکم نازل می‌شود و در آن درباره جنگ مطلبی بیان می‌گردد، کسانی (منافقین) را که در قلب‌هایشان مرضی است را می‌بینی که همچون محتضران بر تو نگاه می‌کنند، پس مرگ و هلاکت از برای آنها سزاوارتر است.

۲۱- (آری) اطاعت خداوند و گفتاری سنجیده (برای آنها بهتر است)، پس هنگامی که فرمان جهاد قطعی شد اگر به خداوند راست بگویند برای آنها بهتر خواهد بود.

۲۲- پس اگر (از این فرمان الهی) روی بگردانید انتظار این می‌رود که در

زمین به فساد بپردازید و قطع رحم کنید؟

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ - تَا - فَأُولَئِكَ لَهُمْ﴾ پس آنها منافقین

هستند.

﴿فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ﴾ یعنی جنگ.

﴿فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ * فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي

الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ درباره بنی امیه نازل شده است.^۱

ابو عباس مکی گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: عمر حضرت

علی علیه السلام را دید و عرض کرد: شما می‌فرمائید این آیه ﴿بِأَيْكُمُ الْمَفْتُونُ﴾^۲

درباره من و رفیقم ابوبکر نازل شده است؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا آیه‌ای که درباره بنی امیه نازل شده را به تو

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۳۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۷۹

۲. قلم، آیه ۶؛ کدام یک از شما مجنون هستید.

نگویم و این آیه را ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ تلاوت نمود.

عمر گفت: بنی امیه از شما بنی هاشم بیشتر صله رحم بجای آورند و لکن شما با بنی امیه و بنی عدی و بنی تیم دشمنی می کنید.^۱

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ
وَأَمَلَىٰ لَهُمْ (۲۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطْبِعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ
يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (۲۷)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَصْحَبَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۸)

۲۵- کسانی که بعد از روشن شدن هدایت پشت بر آن کردند، شیطان اعمال زشتشان را برای آنها زیبا جلوه داده و به آرزوهای دراز فریشان نموده است.

۲۶- این به خاطر آن است که آنها به کسانی که از نزول آیات الهی کراهت داشتند گفتند: بزودی در بعضی امور از شما پیروی می کنیم، و خداوند به اسرار پنهانی آنها آگاه است.

۲۷- پس حالشان چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشتشان می زنند؟

۲۸- این به خاطر آن است که آنها از آنچه که مورد خشم و غضب خداوند بود پیروی کردند و از آنچه که مورد رضایت الهی بود کراهت داشتند، پس

(خداوند) اعمالشان را محو و نابود کرد.

امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ﴾ فرمود: یعنی

به خاطر ترک کردن ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام از ایمان برگشتند.

﴿الشَّيْطَانُ﴾ یعنی فلانی ﴿سَوَّلَ لَهُمْ﴾ یعنی بنی فلان و بنی امیه.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ﴾ آن چیزی است که خداوند از

ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بر بندگان واجب نموده است.

﴿سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ﴾ در حق ابوبکر و عمر نازل شده چه آنها به

بنی امیه گفتند مگر شما با ما عهد و پیمان نبستید که بعد از پیغمبر اکرم

خلافت برای ما باشد و خمس را به بنی هاشم ندهیم و اگر خمس را به ایشان

بدهیم مستغنی و بی نیاز می شوند.

بنی امیه گفتند: ما بر عهد و پیمان خود باقی هستیم و از شما اطاعت

می کنیم و نمی گذاریم خمس به بنی هاشم برسد و خداوند بر پیامبرش نازل

فرمود: ﴿أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ

وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُمُونَ﴾^۱ بلکه آنان کار (توطئه و بیرنگ بر ضد حق) را محکم

کردند، پس ما هم کار (عذاب) را بر آنان محکم می کنیم. آیا آنان گمان می کنند

که ما رازشان و سخنان در گوشی آنان را نمی شنویم؟ چرا می شنویم و

فرستادگان ما (که فرشتگان نویسنده اعمال اند) نزد آنان حاضرند (و

اعمالشان و رازهایشان را) می نویسند.^۲

﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ﴾

درباره کسانی که عهد و پیمان خدا را درباره امیر المؤمنین نقض کردند

۱. زخرف، آیه ۷۹ و ۸۰

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۸۱؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۸

نازل شده است.

﴿الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ﴾ یعنی شیطان زشتی‌های آنها را برایشان آسان قرار داد که مراد از شیطان فلانی (دومی) است.

﴿وَأَمْلَى لَهُمْ﴾ یعنی آمال و آرزوهایشان را برایشان گستراند به اینکه آنچه محمد فرموده چیزی نیست.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ﴾ دربارهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده بود.

﴿سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ﴾ یعنی خمس را به بنی هاشم ندهید.

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ﴾ و خداوند به اسرار پنهانی آنها آگاه است.

خداوند فرمود: ﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَذْبَارَهُمْ﴾

به خاطر اینکه عهد و پیمان‌شان را شکستند و بر اهل بیت ستم نمودند و بعد از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله امر ولایت علی علیه السلام را محکم نمود از قبول آن سر باز زدند، پس هنگامی که مردند ملائکه آنها را به سوی آتش جهنم می‌برند و بر پشت و رویشان می‌زنند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَشْخَطَ اللَّهَ﴾ یعنی دوستی فلانی و فلانی که به

امیرالمؤمنین علیه السلام ستم نمودند.

﴿فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ یعنی آن اعمال خیری را که انجام دادند همه را از بین

بردند.^۱

إِنَّ الدِّينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ

الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالُهُمْ (۳۲)

۳۲- کسانی که کافر شدند و (مردم) را از راه الهی باز داشتند، و بعد از روشن شدن راه هدایت باز با رسول به مخالفت برخاستند، هرگز ذره‌ای بر خداوند زیان نمی‌رسانند، و بزودی (خداوند) اعمالشان را محو و نابود می‌گرداند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ که مراد از «سبیل الله» امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

﴿وَشَاقُّوا الرَّسُولَ﴾ یعنی از پیغمبر درباره اهل بیت آن حضرت بریدند بعد از آنکه اقرار گرفته بود عهده‌ای از ایشان برای اهل بیت خود و آن عهد این بود که خلافت و وصایت و امامت از آن حضرت امیرالمؤمنین باشد و بعد از او از آن اولاد معصومین او، و منافقین قطع این عهد کردند و اهل بیت را محروم گردانیدند.^۱

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَغْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَبْزِكَكُمْ أَعْمَالُكُمْ (۳۵)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ إِنْ تَوَمَّنُوا وَتَقَمَّوْا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۶)

إِنْ يَسْأَلُكُمْوهَا فَيُخْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَ يُخْرِجْ أَصْغَانَكُمْ (۳۷)

۳۵- پس سست نشوید، و (کافران را) به صلح دعوت مکنید، که شما برتر (از آنها) هستید، و خداوند با شماست، و هرگز چیزی از ثواب اعمالتان کاسته نمی‌شود.

۳۶- همانا زندگانی دنیا بازی و هوسرانی بیش نیست، و اگر ایمان بیاورید و

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۸۳؛ نورالقلین، ج ۵، ص ۴۵

پرهیزگار باشید پاداش اعمالتان به شما داده می‌شود و از اموال شما چیزی خواسته نمی‌شود،

۳۷- چون اگر هر زمانی از اموال شما خواسته شود و اصرار نماید، بخل می‌ورزید و غضب شما را آشکار می‌سازد.

﴿فَلَا تَهْنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾ یعنی از اعمالتان کم نمی‌شود.

﴿وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ﴾ * ﴿إِنْ يَسْأَلْكُمْوَهَا فَيُحَقِّقْكُمْ تَبَخَّلُوا﴾ یعنی اگر در نزد شما مالی ببینند و چیزی از آن درخواست کنند بخل می‌ورزید.

﴿وَيُخْرِجُ أَضْغَانَكُمْ﴾ دشمنی که در سینه‌هایتان دارید.

ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَخِلْ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)

۳۸- آری، شما همان گروهی هستید که برای اتفاق در راه خداوند فرا خوانده می‌شوید، پس بعضی از شما بخل می‌ورزند، و هر کس بخل بورزد همانا به خودش بخل ورزیده است، و خداوند بی‌نیاز است و شما فقیر و محتاج هستید، و اگر سربچی کنید (خداوند) گروه دیگری را بجای شما می‌آورد سپس آنها همانند شما نخواهند بود (و در راه خدا اتفاق خواهند کرد).

﴿ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ﴾ معنای «اَنْتُمْ یا هَؤُلَاءِ» شما یا آنها است.

﴿تَدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ - تا - و ﴿إِنْ تَوَلَّوْا﴾ یعنی از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام.

﴿يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ﴾ آنها را داخل در این امر ایمان که همان ولایت
 امیرالمومنین علی عليه السلام می کند.
 ﴿ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾ یعنی در دشمنی و اختلاف و ظلم و ستم شما با آل
 محمد عليه السلام ۱.

يعقوب بن قيس روايت می کند که امام صادق عليه السلام فرمود: ای فرزند قيس
 معنای آیه ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾ یعنی
 فرزندان موالی آزاد شده. ۲



۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۳
 ۲. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۷۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورۃ فتح



مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

۴۸ - سورۃ فتح در مدینه

نازل شده و دارای ۲۹ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (۱)

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ
صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲)

۱- همانا ما برای تو پیروزی آشکاری نمودیم.

۲- تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را (که به تو نسبت می‌دهند)

بیامرزد، و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم هدایت نماید.

صلح حدیبیه

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾

این سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: سبب نزول این آیه و این فتح چنان بود که خدای عزوجل رسول گرامی خود را در رؤیا دستور داده بود که داخل مسجد الحرام شود و در آنجا طواف کند، و با سر تراشان، سر بتراشد. و رسول خدا صلی الله علیه و آله این مطلب را به اصحاب خود خبر داد، و دستور داد تا با او خارج شوند.

همین که به ذو الحلیفه (مسجد شجره) رسیدند، احرام عمره بسته، و

قربانی با خود حرکت دادند، رسول خدا ﷺ هم شصت و شش قربانی با خود حرکت داد، در حالی که به احرام عمره تلبیه گفتند، و قربانیان خود را با جل و بی جل حرکت دادند.

از سوی دیگر وقتی قریش شنیدند که آن جناب به سوی مکه حرکت کرده، خالد بن ولید را با دویست سواره فرستادند، تا بر سر راه آن جناب کمین کند، و منتظر رسیدن آن جناب باشد. خالد بن ولید از راه کوهستان پا به پای لشکر آن جناب می آمد. در این بین رسول خدا ﷺ و اصحابش به نماز ظهر ایستادند، بلال اذان گفت، و رسول خدا ﷺ به نماز ایستاد. خالد بن ولید به همراهان خود گفت: اگر همین الان به ایشان که سرگرم نمازند حمله کنیم همه را از پای در خواهیم آورد. چون من می دانم که ایشان نماز را قطع نمی کنند، و لیکن بهتر است که در این نماز حمله نکنیم، صبر کنیم تا نماز دیگرشان برسد که از نور چشمشان بیشتر دوستش می دارند، همین که داخل آن نماز شدند حمله می کنیم در این بین جبرئیل بر رسول خدا ﷺ نازل شد، و دستور نماز خوف را آورد که می فرماید: ﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ...﴾ این آیه در سوره نساء است که خبر نماز خوف در آنجا ذکر شد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: فردای آن روز رسول خدا ﷺ به حدیبیه رسید، و آن جناب در بین راه اعرابی را که می دید دعوت می کرد تا به آن جناب بپیوندند، ولی احدی به وی نپیوست، و از در تعجب می گفتند: آیا محمد و اصحابش انتظار دارند داخل حرم شوند با اینکه قریش با ایشان در داخل شهرشان نبرد کرده و به قتلشان رساندند و ما یقین داریم که محمد و اصحابش هرگز به مدینه بر نمی گردند.

هنگامی که رسول خدا ﷺ در حدیبیه نزول فرمود قریش هم به دو بت

بزرگ خود لات و عزى قسم ياد نمودند که نگذارند پيغمبر و اصحابش داخل مکه شوند، آن حضرت مردى را به سوى قریش فرستاد که من برای جنگ نيامده‌ام، آمده‌ام که اعمال حج را به جا آورم و قربانى خود را ذبح نمايم شما را با اعتقاداتتان رها کرده‌ام.

آنها عروه بن مسعود ثقفى را که شخص عاقلی بود و همان کس است که مى‌گفتند چرا به او وحى نمى‌رسد چنانچه پروردگار حکايت قول آنها مى‌کند و مى‌فرمايد: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ﴾^۱ به سوى حضرتش فرستادند چون عروه حضور پيغمبر رسيد عرض کرد: اى محمد ﷺ قوم تو را رها کردم در حالتيکه آنها مسلح به اسلحه شدند و قسم ياد کردند به لات و عزى که نگذارند شما داخل مکه بشويد زيرا مکه شهر آنهاست نگهبانانى وا داشته‌اند هرگاه نزديک شويد به شما و اصحاب حمله نمايند.

رسول اکرم ﷺ فرمود: من برای جنگ نيامده‌ام مى‌خواهم اعمال حج را بجا آورم و برگردم و کارى به آنها ندارم.

عروه گ: ۳: به خدا قسم نديدم مثل امروز کسى را که قریش باز دارند از داخل شدن مکه چنانچه شما را باز داشته‌اند و به سوى آنها برگشت و قریش را از فرموده پيغمبر خبر داد، آنها گفتند اگر آن حضرت داخل مکه شود عربها مى‌شنوند و بر ما جرأت پيدا مى‌کنند و ما را خوار و ذليل مى‌شمارند؛ پس حفص بن احنف و سهيل بن عمرو را حضور پيغمبر فرستادند. چون نظر آن حضرت به آن دو نفر افتاد فرمود: اى قریش و اى بر شما، من همراهان خود را

۱. زحرف، آيه ۳۱؛ و گفتند: اين قرآن چرا بر مردمى بزرگ از ميان يکى از اين دو شهر (مکه و طائف) نازل نشد؟!

از جنگ کردن با شما بازداشتم، مرا با عرب واگذارید، اگر راستگو باشم ملک و پادشاهی را با پیغمبری می گیرم و چنانچه دروغگو باشم کفایت کند شما را شمانتیکه عربها به من می کنند، امروز خطای مرا کسی از قریش بازخواست نکند خداوند غضب خودش را بر قریش فرود آورد چرا به حرفهای من گوش نمی کنند و مانع من می شوند که داخل مکه بشوم.

آنها عرض کردند: امسال شما داخل نشوید تا بدانیم کار شما با عربها به کجا می کشد، زیرا عربها آمدن شما را به مکه شنیده اند اگر داخل شهر ما بشوید عربها بر ما جرئت پیدا کرده و ما را خوار و ذلیل می گردانند سال آینده در این ماه سه روز را برای شما خلوت می کنیم تا با اصحاب تشریف بیاوری و اعمال حج را انجام دهی و مراجعت نمائی مشروط بر اینکه هر کس از طرف ما حضور شما آمد آن را برگردانید و ما هم مسلمانانی که به جانب ما آیند آنها را برمی گردانیم.

پیغمبر فرمود: هر کس از مردان ما نزد شما آیند حاجتی نیست او را به ما برگردانید لکن مسلمین مکه را باید در اظهار کردن اسلام آزاد بگذارید و آنها را اذیت و آزار ننمائید و آنچه را از احکام و شریعت بجا می آورند ممانعت نکنید.

قریش با این شروط حاضر شدند با پیغمبر صلح کنند اصحاب آن حضرت راضی به صلح نشدند مخصوصا عمر که بسیار برای جنگ پافشاری می کرد، به پیغمبر گفت: ای رسول خدا ﷺ مگر ما بر حق و دشمنانمان بر باطل نیستند؟

آن حضرت فرمود: چرا!

عرض کرد: پس چگونه ما را در دین خود ذلیل و خوار می کنید؟ آیا

نفرمودید که ما داخل مسجد الحرام می شویم؟

پیامبر ﷺ فرمود: خداوند به من وعده داده و هرگز خلف وعده نمی فرماید اگر چهل نفر مرد مسلمان واقعی و از جان گذشته داشتیم با آنها جنگ می کردم.

سهیل بن عمرو و حفص بن احنف به سوی قریش برگشته و خبر صلح را به آنها گفتند.

عمر گفت: ای رسول خدا ﷺ آیا به ما نفرمودی وارد مسجد الحرام می شویم و با حاجیان اعمال را انجام می دهیم؟

پیامبر ﷺ فرمود: آیا امسال وعده آن را دادم؟ من به شما گفتم: همانا خداوند عزوجل به من وعده داده که مکه را فتح می کنم و با حاجیان طواف و سعی را به جا می آورم. چون بر آن حضرت زیاد انتقاد کردند فرمود: اگر صلح را قبول نمی کنید پس با آنها جنگ کنید.

چون برای جنگ حرکت کردند دیدند که قریش هم برای جنگ آماده است چون اصحاب پیش رفتند به یک حمله قریش مفتضحانه متواری شدند، اصحاب حضور پیغمبر برگشتند آن حضرت تبسمی نمود و به آنها فرمود: یا علی شمشیر را بردار و جلوی قریش را بگیر.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام مسلح شده و بر قریش حمله کرد، چون آن حضرت را مشاهده کردند فرار نموده و گفتند: یا علی مگر پیغمبر از پیمان بستن صلح پشیمان شده است؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: خیر اصحاب با حالت خجالت و شرمندگی حضور پیغمبر رسیده و عذر خواهی می نمودند پیغمبر به آنها فرمود: آیا در جنگ بدر مشاهده نکردید چگونه پروردگار فرشتگانی را از آسمان فرو

فرستاد تا به یاری شما آمدند ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفَلِيقِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ﴾^۱ آیا در جنگ احد شما را یاری نکرد.

﴿إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ﴾^۲ و شما را در فلان روز و فلان روز یاری نفرمود؟ آنها همچنان عذر می‌خواستند و از کرده خود پشیمان و نادم بودند. پیامبر ﷺ فرمود: فعلا پروردگار صلاح و مصلحت نمی‌بیند که شما با قریش جنگ کنید.

حفص بن احنف و سهیل بن عمرو به نزد رسول خدا ﷺ برگشته و عرض کردند: ای محمد قریش با شروطی که فرمودید موافقت نمودند که پیمان صلح ببندند.

پیغمبر اکرم ﷺ امیرالمؤمنین را طلب نمود و به او دستور داد تا نامه‌ای به طریق ذیل مرقوم بدارد «بسم الله الرحمن الرحيم» سهیل بن عمرو گفت: ما رحمن را نمی‌شناسیم آن چیزیکه پدرانت می‌نوشتند بنویس «باسمک اللهم» پیغمبر فرمود: یا علی این کلمه را بنویس که این نیز از اسماء خداوند است.

امیر المؤمنین پس از نام پروردگار مرقوم داشت: «این صلح نامه‌ای میان محمد رسول خدا ﷺ و قریش است».

سهیل گفت: اگر ما علم داشتیم که شما رسول خدا هستی با حضرت جنگ نمی‌کردیم آیا از نسبت ابا داری بنویس «این صلح نامه‌ای میان محمد بن عبد

۱. انفال، آیه ۹؛ (یاد کنید) هنگامی را که (در حال مشاهده دشمن تا دندان مسلح با دعا و زاری) از پروردگارتان یاری خواستید، و او درخواست شما را اجابت کرد که من مسلماً شما را با هزار فرشته که پی در پی نازل می‌شوند، یاری می‌دهم.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۳؛ (ای پیامبر!) پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آموزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

اللّٰهُ و...».

آن حضرت فرمود: من رسول خدا هستم اگر چه شما اقرار ندارید یا علی اسم رسول اللّٰه را پاک کن و محمد بن عبدالله را بنویس.
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای رسول گرامی من هرگز اسم شما را از نبوت پاک نمی‌کنم.

پس پیغمبر با دست مبارک خودش آن را پاک کرد.

امیر المؤمنین علیه السلام نوشت: این صلح‌نامه‌ای است که میان محمد بن عبد اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و طایفه‌ای از قریش و سهیل بن عمرو منعقد می‌شود شرط اول باید تا ده سال جنگ نکنند، و طرفین به یکدیگر ظلم و ستم ننمایند، و میان آنها دوری باشد تا از تعرض به هم مصون بمانند، و هر کس بخواهد داخل دین محمد بشود مجاز و مختار است و اگر بخواهد در طریقت قریش بماند مجاز است و هر کس از قریش بدون اجازه سرپرست خود وارد بر محمد بشود او را بطرف قریش برگرداند و هر کس از اصحاب محمد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم بجانب قریش برود او را برنگردانند و اسلام در شهر مکه ظاهر و آشکار و علنی باشد و مسلمانان را مجبور نکنند که از اسلام دست بکشند و متعرض هیچ مسلمانی نشوند، در اجراء احکام اسلام مسلمانان را اذیت و آزار نکنند، محمد و اصحابش این سال برگردند و سال آینده داخل مکه شوند و تا سه روز آنجا بمانند به شرط آنکه با خود سلاح حمل نکنند مگر سلاحی که مرسوم است عربها در مسافرت همراه خود بر می‌دارند. این صلح‌نامه را امیر المؤمنین مرقوم داشته و مهر کرد و مهاجر و انصار نیز مهر نمودند و به قریش دادند.

سپس رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود: یا علی تو ابا دشتی از اینکه اسم مرا از صدر عهدنامه محو نمائی به آن خدائی که مرا به حق فرستاده فرزندان همین

قریش در روز صفین با تو چنین معامله‌ای انجام دهند و تو آن روز مظلوم و ستم‌دیده باشی.

چون در جنگ صفین معاویه و یارانش راضی به حکم شدند صلح نمودند اصحاب امیر المؤمنین نوشتند «این صلح نامه‌ای است میان امیر المؤمنین و معاویه بن ابی سفیان».

عمرو عاص گفت: اگر ما تو را امیر المؤمنین می‌دانستیم با تو جنگ نمی‌کردیم بنویس «این صلح نامه‌ای است میان علی بن ابیطالب» آن حضرت فرمود راست فرمود رسول خدا خبر داد مرا به این موضوع در روز صلح حدیبیه با قریش.

چون صلح نامه را می‌نوشتند خراعه بلند شد و گفت: من در عهد و پیمان محمد رسول خدا ﷺ هستم. بنوبکر نیز بلند شد و گفت: من در عهد و پیمان قریش هستم.

صلح نامه را در دو نسخه نوشتند یکی را حضور پیغمبر تقدیم نمودند و دیگری را به سهیل و حفص دادند. آن دو به نزد قریش رفته و جریان را گفتند. رسول خدا ﷺ به اصحابش فرمود: قربانیهای خود را ذبح کنید و سرها را بتراشید و از احرام بیرون آئید.

بعضی از آنها امتناع کرده و گفتند چگونه قربانی کنیم و حال آنکه طواف و سعی بین صفا و مروه به جا نیاورده‌ایم.

رسول خدا ﷺ از سخنان آنها غمگین و ملول شد و به ام سلمه ناراحتی خویش را اظهار کرد.

ام سلمه گفت: یا رسول الله! شما خودت قربانی کن، و سر بتراش، رسول خدا ﷺ چنین کرد، مردم هم در بین یقین و شک و دودلی قربانی کردند.

آن حضرت به خاطر تعظیم نحر فرمود: خداوند رحمت کند سر تراشیدگان را، جمعی عرض کردند بعضی از ما قربانی همراه خود نیاورده‌اند، پیغمبر مجدداً فرمود: خداوند رحمت کند کسانی که سر بتراشند هر چند قربانی همراه نیاورده‌اند. حضورش عرض کردند بعضی تقصیر کرده‌اند. مرتبه سوم فرمود خداوند رحمت کند مقصرین را و پس از خارج شدن از احرام به طرف مدینه حرکت نمودند و در قریه تنعیم منزل کردند و زیر درختی فرود آمدند، آنهایی که منکر صلح و قربانی و سر تراشیدن بودند اظهار پشیمانی کرده و عذر خواستند و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تقاضا نمودند برای آنها استغفار و طلب آمرزش بفرماید در آن هنگام جبرئیل نازل شد و آیه رضوان را آورد ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾ بنام خداوند بخشنده و مهربان. همانا ما برای تو پیروزی آشکاری نمودیم. تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را (که به تو نسبت می‌دهند) بیامورزد، و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم هدایت نماید.^۱

عمر بن یزید بیاع سابری گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾ سوال کردم که چه معنا دارد؟ فرمود: ایشان گناهی نداشتند، حتی تصمیم بر گناهی را هم نگرفتند، و لیکن خدای تعالی گناهان شیعه‌اش را بر او حمل کرد، و آن گاه آمرزید.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۴۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۸۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۸
 ۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۹۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۴

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۴)

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ يُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (۵)

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظُنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۶)

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۷)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۸)

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۹)

۴- اوست کسی که سکینه و آرامش را بر دل‌های مؤمنان نازل می‌کند، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزاید، و برای خداوند لشگرهای آسمان‌ها و زمین است، و خداوند دانا و حکیم است.

۵- تا مردان و زنان مومن را در باغ‌هایی از بهشت وارد کند که از زیر درختانش نهرها جاریست، همیشگی در آن می‌مانند، گناهانشان را می‌آمرزد، و این نزد خداوند رستگاری بزرگ است.

۶- و (خداوند) مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک و کسانی که به خداوند گمان بد دارند را عذاب می‌کند، حوادث ناگوار از برای آنهاست، و خداوند بر آنها غضب می‌کند، و از رحمت خودش دور می‌گرداند، و جهنم را برای آنها آماده می‌کند که چه سرانجام بدی است.

۷- و برای خداوند لشگرهای آسمان‌ها و زمین است، و خداوند عزیز و حکیم است.

۸- همانا ما تو را گواه و بشارت دهنده و انذار کننده (به سوی مردم) فرستادیم.

۹- تا به خداوند و رسولش ایمان بیاورید، او را یاری کنید و بزرگش بدارید، و هر صبح و شام تسبیحش را بگوئید.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ - تا - وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ آنها کسانی هستند که با رسول خدا ﷺ مخالفت نورزیدند و منکر صلح هم نشدند. سپس فرمود: ﴿لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ - تا - الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوءِ﴾ اینها کسانی هستند که صلح را منکر شدند و رسول خدا ﷺ را متهم نمودند.

﴿وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ و خداوند بر آنها غضب می کند، و از رحمت خودش دور می گرداند، و جهنم را برای آنها آماده می کند که چه سرانجام بدی است. و برای خداوند لشکرهای آسمان ها و زمین است، و خداوند عزیز و حکیم است. همانا ما تو را گواه و بشارت دهنده و انذار کننده (به سوی مردم) فرستادیم.

سپس با خطاب عطف بر اصحاب آن حضرت نموده و فرمود: ﴿لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ﴾ تا به خداوند و رسولش ایمان بیاورید، او را یاری کنید و بزرگش بدارید.

سپس خداوند عطف بر خودش کرده و فرمود: ﴿وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ که عطف بر قول ﴿لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ﴾ است.

إِنَّ الَّذِينَ يُنَاصِبُونَكُمْ إِنَّمَا يُنَاصِبُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا

يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (١٠)
 سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا
 يَقُولُونَ بِالنِّسْبَةِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ
 أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (١١)

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِي
 قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوِّءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (١٢)

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (١٣)
 وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ
 اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (١٤)

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِنَاخِذُهَا ذُرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ
 يَبْدُلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ
 تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (١٥)

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ
 يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ
 يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (١٦)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرْبِطِ حَرَجٌ
 وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ
 يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا (١٧)

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ
 فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (١٨)

وَمَغَائِمٍ كَثِيرَةٍ بِأَخْذِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (١٩)
 وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَائِمَ كَثِيرَةٍ تَأْخُذُهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ

عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲۰)
وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرًا (۲۱)

۱۰- همانا کسانی که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت با خداوند بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند فقط برزبان خودش پیمان شکسته است، و هر کس به آنچه که با خدا عهد و پیمان بسته وفا نماید بزودی اجر بزرگی به او خواهد داد.

۱۱- بزودی اعراب بادیه‌نشین به تو می‌گویند: به اموال و خانواده‌مان مشغول شدیم (و نتوانستیم در سفر حدیبیه با تو باشیم)، برای ما طلب آمرزش کن، به زبان می‌گویند آنچه را که در دل‌هایشان نیست، (به آنها) بگو: پس چه کسی می‌تواند شما را در برابر خداوند حفظ نماید اگر خداوند بخواهد به شما ضرری برساند، یا اگر نفی برساند (مانع گردد)؟ بلکه خداوند به آنچه که انجام می‌دهید آگاه است.

۱۲- بلکه شما پنداشتید که پیامبر و مومنان هرگز به سوی خانواده‌شان برنمی‌گردند، و این خیال (باطل) در دل شما جلوه یافته بود، و شما گمان بدی کردید، و شما گروهی در خور هلاکت هستید.

۱۳- و هر کس به خدا و رسولش ایمان نیاورد، که ما برای کافران آتش دوزخ را آماده کرده‌ایم.

۱۴- و ملک آسمانها و زمین از برای خداست، هر کسی را که بخواهد می‌آمرزد و هر کسی را که بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱۵- هنگامی که شما برای بدست آوردن غنائم حرکت کنید، تخلف

کنندگان (از حدیبیه) می‌گویند: بگذارید ما هم با شما بیاییم؛ آنها می‌خواهند که کلام الهی را تغییر بدهند. بگو: شما هرگز نباید به دنبال ما بیایید، اینچنین خداوند از قبل فرموده است. پس بزودی می‌گویند: بلکه شما به ما حسد می‌ورزید و جز عده کمی از آنها نمی‌فهمند.

۱۶- به بازماندگان از اعراب بگو: به زودی به سوی قومی شجاع و نیرومند برای جنگ دعوت می‌شوید و با آنها پیکار می‌کنید یا به اسلام واردشان نمایند که اگر اطاعت کنید خداوند اجر نیکویی می‌دهد و اگر پشت کنید (و به جنگ نروید) همچنانکه قبل از این مخالفت کردید شما را به عذاب دردناکی کیفر می‌دهد.

۱۷- بر شخص نابینا و لنگ و مریض (برای نرفتن به جنگ) گناهی نیست، و هر کس از خداوند و رسولش پیروی کند وارد باغ‌های بهشتی می‌شود که از زیر درختانش نهرها جاری است و هر کس پشت کند (و از خدا و رسولش اطاعت نکند) با عذاب دردناکی کیفر می‌شود.

۱۸- به تحقیق خداوند از مومنانی که زیر درخت باتو بیعت کردند راضی و خشنود گشت، پس از راز دل‌های آنها آگاه بود و لذا وقار و آرامش را بر آنها نازل کرد و پیروزی نزدیکی پاداش آنها قرار داد.

۱۹- و (نیز) غنیمت‌های فراوانی که بدست می‌آورید، خداوند عزیز و حکیم است.

۲۰- خداوند به شما وعده داد که غنیمت‌های بسیاری بدست می‌آورید، پس این را برای شما زودتر فراهم ساخت، و دست تعدی مردم (کافر) را از شما کوتاه کرد، تا نشانه‌ای از برای مومنان باشد و شما را به صراط مستقیم هدایت کند.

۲۱- و (نیز وعده) غنائم دیگری به شما داد که توانائی بدست آوردن آن را ندارید ولی قدرت خداوند احاطه به آن دارد، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

در بیعت رضوان نازل شد ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ و با آنها شرط کرد که بعد از این هر عملی که رسول خدا ﷺ انجام دهد منکر آن نشوند و آنها را به هر چیزی که امر نمود مخالفت ننمایند و خداوند عزوجل بعد از نزول آیه فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُوتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ با این شرط از آنها راضی شد که بعد از این به عهد و پیمان خداوند وفا کنند و آن را نقض ننمایند که با این عهد خداوند از آنها راضی شد که به تحقیق اول آیه بیعت رضوان نازل شد و بعد از آن آیه شرط آمد.^۱

سپس اعرابی را که با رسول خدا ﷺ مخالفت ورزیدند را ذکر کرده و فرمود: ﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا - تَا - وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾ یعنی شما گروهی بد هستید که در حدیبیه خودتان را کنار کشیدید. هنگامی که رسول خدا ﷺ از حدیبیه به مدینه برگشت غزوه خیبر پیش آمد مخالفین از پیامبر اجازه خواستند که با آن حضرت بروند خداوند عزوجل فرمود: ﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا - تَا - لَا يَقْتَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ هنگامی که شما برای بدست آوردن غنائم حرکت کنید، تخلف کنندگان (از حدیبیه) می گویند: بگذارید ما هم با شما بیائیم؛ آنها می خواهند که کلام الهی را تغییر بدهند. بگو: شما هرگز نباید به دنبال ما

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۵۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۸

بیایید، اینچنین خداوند از قبل فرموده است. پس بزودی می‌گویند: بلکه شما به ما حسد می‌ورزید و جز عده کمی از آنها نمی‌فهمند.

سپس فرمود: ﴿قُلْ لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ - تَا - وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ به بازماندگان از اعراب بگو: به زودی به سوی قومی شجاع و نیرومند برای جنگ دعوت می‌شوید و با آنها پیکار می‌کنید یا به اسلام واردشان نمائید که اگر اطاعت کنید خداوند اجر نیکویی می‌دهد و اگر پشت کنید (و به جنگ نروید) همچنانکه قبل از این مخالفت کردید شما را به عذاب دردناکی کیفر می‌دهد.

پس خداوند رخصت در جهاد داد و فرمود: ﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ بر شخص نابینا و لنگ و مریض (برای نرفتن به جنگ) گناهی نیست، و هر کس از خداوند و رسولش پیروی کند وارد باغ‌های بهشتی می‌شود که از زیر درختانش نهرها جاری است.

سپس فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ و هر کس پشت کند (و از خدا و رسولش اطاعت نکند) با عذاب دردناکی کیفر می‌شود.

سپس فرمود: ﴿وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِي النَّاسِ عَنْكُمْ﴾ یعنی فتح خیبر ﴿وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ تا نشانه‌ای از برای مومنان باشد.

سپس فرمود: ﴿وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ و (نیز وعده) غنائم دیگری به شما داد که توانائی بدست آوردن آن را ندارید ولی قدرت خداوند احاطه به آن دارد، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّخَذَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ مَبْعِثَ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۲۴)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُمْ وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فَتُصَيِّبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵)

۲۴- و او کسی است که دست آنها را از شما و دست شما را از آنها در دل (داخل) مکه بعد از آنکه بر آنها پیروز شدید کوتاه کرد، و خداوند بدانچه که انجام می دهید بیناست.

۲۵- آنها کسانی بودند که کافر شدند و شما را از مسجد الحرام و رسیدن قربانیها یثان به قربانگاه مانع شدند، و اگر مردان و زنان مومنی در این بین بدون آگاهی شما در زیر دست و پا از بین می رفتند که ناخواسته عیبی به شما می رسید (که اگر به جنگ می پرداختید دین آنها به گردن شما می افتاد)، خداوند هر کسی را که بخواهد در رحمت خود وارد کند، اگر مومنان و کافران (در مکه) از یکدیگر جدا می بودند کافران را به عذابی دردناک گرفتار می ساختیم.

﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّخَذَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ مَبْعِثَ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ﴾ یعنی بعد از اینکه از مدینه قصد حرم را نمودید و قریش درخواست صلح با شما را کردند بعد از اینکه در مدینه با شما جنگ کرده بودند قبل از اینکه شما از آنها درخواست صلح کنید آنها از شما درخواست صلح نمودند.^۱ سپس خداوند پیامبرش را از علت صلح و از آنچه که به آن حضرت اجازه

داده آگاه کرده و فرمود: ﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلُّهُ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ﴾ یعنی به مکه.

﴿لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَؤُهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ پس خداوند علت صلح را به پیامبرش چنین فرمود که چون زنان و مردان مومن در مکه بودند و اگر صلحی برقرار نمی شد در هنگام جنگ قریش آنها را می کشتند، اما هنگامی که صلح برقرار شد آنها در امان بوده و اسلامشان را ظاهر کردند، و گفته می شود که آن صلح پیروزی از غلبه با جنگ بر قریش بیشتر بود؛^۱ سپس فرمود: ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ یعنی زنان و مردان مومنینی که در مکه هستند؛ یعنی اگر مومنان از کافران جدا بودند و از میانشان بیرون می رفتند ﴿لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ کسانی که کافر شده اند به عذابی دردناک گرفتار می ساختیم.^۲

سبب امتناع علی علیه السلام از دشمنان

روایت است که مردی حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: آیا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دین خدا قوی نبود؟
فرمود: بلی!

عرض کرد: پس چگونه منافقین بر حضرتش غالب شدند و آن بزرگوار در صدد منع و دفع آنها برنیامد؟
فرمود: آیه ای از قرآن مانع آن حضرت شد.

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۰۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۰.

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۰۵.

حالی که سرهایتان را تراشیده و یا کوتاه کرده و از هیچ کسی ترس و وحشتی نخواهید داشت، و خداوند آنچه را که می دانست شما نمی دانستید، و قبل از آن پیروزی نزدیکی برای شما قرار داد.

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ﴾ یعنی قریش و سهیل بن عمرو هنگامی که به رسول خدا ﷺ عرض کردند: ما رحمان و رحیم نمی شناسیم و گفتند که اگر ما علم داشتیم که شما رسول خدا هستید با شما نمی جنگیدیم بنویس محمد بن عبد الله.

﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ و در پاکی خواب رسول خدا ﷺ که دیده بود نازل شد.^۱

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فْجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ یعنی فتح خیبر زیرا رسول خدا ﷺ هنگامی که از حدیبیه برگشت غزوه خیبر پیش آمد.^۲

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً (۲۸)

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيْعِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۲

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۵

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

۲۸- او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، و کفایت می‌کند که خداوند گواه این امر باشد.

۲۹- محمد ﷺ فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند با کفار سخت و شدید و در بین خودشان مهربان هستند، آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی که همواره فضل و رضای الهی را می‌طلبند، اثر سجده در صورت‌هایشان نمایان است، این توصیف آنها در تورات و انجیل است، همچون زراعتی که جوانه‌های نازک و ضعیف خود را خارج ساخته، و حال به تقویت آن پرداخته تا محکم و قوی گردیده و با قدرت خود ایستاده است که زارعان را به تعجب واد می‌دارد، تا بدینوسیله کافران به خشم بیایند، ولی کسانی از آنها را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند به آنها آمرزش و اجر بزرگ وعده داده است.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾

و مراد از دین حق امام است که خداوند آن را ظاهر می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل می‌نماید همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد و آنچه که ما ذکر کردیم تاویل بعد از تنزیل است،^۱ بدانکه خداوند صفات پیامبر و یاران مومنینش را در تورات و انجیل نوشته است.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ یعنی کفار

را می‌کشند و بر آنها سخت هستند و اما در بین خودشان مهربان و رحم دل می‌باشند.^۲

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۰۸؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۶

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۷



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

تفسیر سورة حجرات



۴۹ - سورة حجرات در

مدینه نازل شده و دارای ۱۸

آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲)
إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۳)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)
وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزی را بر خدا و رسولش تقدّم ندارید، و از خداوند بپرهیزید، همانا که خداوند شنوا و داناست.

۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بر صدای پیامبر بلند نکنید، و در مقابلش صدایتان را بلندتر نکنید همچنانکه با یکدیگر صدایتان را بلند می‌کنید، که اعمالتان محو و نابود می‌شود و شما نمی‌دانید.

۳- همانا کسانی که صدایشان را نزد رسول خدا کوتاه می‌کنند آنها کسانی هستند که خداوند قلب‌هایشان را با تقوی امتحان نموده است، برای آنها

آمرزش و پاداش بزرگی است.

۴- کسانی که تو را از پشت حجره‌ها با صدای بلند صدا می‌زنند بیشترشان نمی‌فهمند.

۵- و اگر آنها صبر می‌کردند تا خود توبه سراغ آنها بروی، برایشان بهتر بود. و خداوند آمرزنده و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

این آیه درباره بنی تمیم نازل شده است که وقتی نزد رسول خدا ﷺ می‌آمدند جلوی در حجره پیامبر ﷺ می‌ایستادند و صدا می‌کردند ای محمد پیش ما بیا، و هنگامی که رسول خدا ﷺ بیرون می‌آمد در راه رفتن از آن حضرت جلو می‌افتادند، و هنگام سخن گفتن صدایشان را از صدای آن حضرت بلند می‌کردند و می‌گفتند: ای محمد! ای محمد! درباره فلان چیز چه می‌گویی؟ و مانند خودشان با آن حضرت سخن می‌گفتند که خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ - تَا - إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ﴾ و آنها بنو تمیم بودند.^۲

﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ که بیشترشان نمی‌فهمند.

سپس فرمود: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و اگر آنها صبر می‌کردند تا خود توبه سراغ آنها بروی، برایشان بهتر

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۲؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۸۰

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۸

بود، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ
فَتُصِيبُوهَا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶)

۶- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برای شما خبری آورد درباره آن تحقیق کنید، مبادا که از روی نادانی به قومی آسیبی برسانید و از کار خود پشیمان گردید.

دروغ بستن بر ماریه قبطی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ
فَتُصِيبُوهَا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾

این آیه درباره ماریه قبطیه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ نازل شده است. علت آن این بود که چون ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ که از ماریه قبطیه متولد شده بود فوت شد، حضرت از فوت آن خیلی محزون شد. عایشه به آن حضرت گفت: چه چیز باعث حزن تو شده است؟ اگر بواسطه فوت ابراهیم است او خود فرزند تو نبود بلکه از جریح قبطی بود که همراه ماریه آمده و همیشه با او می‌باشد.

پیامبر ﷺ از شنیدن آن خشمگین شد و به امیرالمؤمنین علیؓ فرمود: شمشیرت را بردار و سر جریح قبطی را برایم بیاور. امیرمؤمنان علیؓ شمشیر خود را برداشته و عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! در کاری که مرا می‌فرستی همانند آهن داغ شده‌ای باشم همان طور که امر کردی عمل کنم؟

رسول خدا ﷺ فرمود: همانطور که امر کردم عمل کن.

پس امیرالمومنین علیه السلام به طلب جریح بیرون آمد و آدرس او را در میان باغی دادند و چون امیر المؤمنین به در آن باغ رسید، در باغ را زد، جریح خواست که در را به روی آن حضرت بگشاید چون آثار غضب از روی نورانی او مشاهده کرده در را باز نکرده برگشت، حضرت از دیوار به باغ وارد شده و او را تعقیب نمود. جریح فرار کرده به بالای درخت خرمایی که در آنجا بود رفت. امیرالمومنین علیه السلام چون نزدیک درخت شد فرمود: پایین بیا!

جریح گفت: ای علی! از خدا بترس اینجا کسی نیست و من آلت مردانه و زنانه ندارم، سپس کشف عورت نمود. پس امیر المؤمنین متعرض جریح نشده و او را به خدمت حضرت رسول ﷺ آورد.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای جریح قضیه تو چیست؟

جریح گفت: ای رسول خدا ﷺ قبیطی خادم و کسی را که به نزد خانواده خود می فرستد از خنثاها انتخاب می کند، و قبیطیون با قبیطیون انس و الفت می گیرند، پس پدر ماریه مرا برگزید که همیشه به نزد او بروم و خادم او بوده و با او انس بگیرم پس خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ﴾^۱

عبد الله بن بکیر گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم رسول خدا ﷺ امر به کشتن قبیطی داد، آیا می دانست که عایشه دروغ می گوید یا نمی دانست؟ و همانا خداوند کشته شدن قبیطی را به وسیله احتیاط علی علیه السلام برطرف نمود.

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که می دانست، و اگر دستور رسول

خدا ﷺ به علی از باب عزیمت و تکلیف حتمی بود، علی بر نمی گشت، مگر بعد از کشتن او و لیکن رسول خدا ﷺ این دستور را طوری داد که هم او کشته نشود و هم عایشه از گناهش برگردد، ولی از گناهش برنگشت، و از اینکه خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود هیچ باکی نکرد.^۱

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (۷)

۷- و بدانید که رسول خدا در میان شماست، که اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند خود شما به زحمت و سختی می افتید، ولیکن خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و در دلهایتان زینت نموده است، و کفر و فسق و معصیت را منفورتان کرده است، اینها هدایت یافته گانند.

امام صادق علیه السلام درباره آیه ذیل فرمودند: ﴿حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ یعنی امیر المؤمنین ﴿وَكُرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ﴾ که فلانی و فلانی و فلانی (اولی و دومی و سومی) است.

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۹)

۹- و اگر دو گروه از مومنان با هم به جنگ و نزاع پرداختند بینشان را اصلاح کنید، پس اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز نمود با گروه تجاوزگر جنگ

کنید تا به سوی فرمان الهی بیایید، پس اگر برگشت با عدالت بینشان را

اصلاح نمایید؛ همانا که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۱ بدرستی که او شمشیر بر علیه اهل ستم و تاویل است.

حفص بن غیاث گوید مردی از امام صادق علیه السلام از جنگ‌های امیرالمومنین علیه السلام سوال کرد که سوال کننده از دوستان اهل بیت علیهم السلام بود. امام علیه السلام فرمودند: خداوند محمد صلی الله علیه و آله را با پنج شمشیر مبعوث نمود که سه تا از آنها آماده بوده و در غلاف نمی‌روند تا جنگ در دنیا به پایان برسد و جنگ در دنیا هرگز به پایان نمی‌رسد تا خورشید از مغرب طلوع می‌کند و چون خورشید از مغرب طلوع کرد در همان روز همه مردم در امن و امان خواهند بود، در آن روز ایمان کسی که از قبل ایمان نداشته بود هیچ خیر و سودی برای او ندارد. یکی از آن شمشیرها در هم پیچیده است و شمشیر دیگر در غلاف می‌باشد که آن را برای دیگران کشیده و حکمش با ماست.

اما آن سه شمشیر کشیده که یکی شمشیری است که بر روی مشرکان عرب کشیده شده است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا﴾^۱ یعنی ایمان آوردند ﴿فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾^۲ برادران دینی شمايند.

از اينها مورد قبول واقع نمی‌شود مگر آنکه کشته گردند یا داخل در اسلام

۱. توبه، آیه ۵؛ مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید ولی اگر توبه کردند.

۲. توبه، آیه ۱۱

شوند و اگر کشته شوند اموالشان به غنیمت، و زن و بچه هایشان اسیر شوند چنانکه رسول خدا ﷺ آنها را اسیر می کرد یا آنها را می بخشید و یا اینکه در مقابل گرفتن پولی آنها را آزاد می نمود.

شمشیر دوم بر روی اهل ذمه کشیده شده است که خداوند می فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۱ که این آیه درباره اهل ذمه نازل شده و با آیه ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾^۲ نسخ شده است. پس اگر کسی از اهل ذمه در سرزمین اسلامی باشد که یا باید جزیه بدهند و یا اینکه کشته شوند که در این صورت مالشان به غنیمت گرفته شده و زن و بچه هایشان به اسیری گرفته می شوند و اگر جزیه بدهند مال و جانشان در امان خواهد بود و ازدواج با زنانشان حلال خواهد بود و از آنها جز قبول جزیه و یا کشته شدن چیز دیگری قبول نمی شود.

و اما شمشیر سوم بر روی مشرکان عجم یعنی ترک و دیلم و خزر کشیده شده است که خداوند در اول سورة محمد ﷺ کسانی را که کافر شده اند و قصه آنها را بیان می کند می فرماید: ﴿فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا لُخِخْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوُثَاقَ فَأَمَّا مَنَّا بَعْدُ﴾^۳ یعنی بعد از اسیر

۱. بقره، آیه ۸۳؛ با مردم با نیکی سخن بگویند.
 ۲. توبه، آیه ۲۹؛ با کسانی (از اهل کتاب) که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند، و آنچه را خدا و پیامبرش حرام کرده اند، حرام نمی شمارند، و دین حق را نمی پذیرند، بجنگید تا با دست خود در حالی که (نسبت به احکام دولت اسلامی) متواضع و فروتن اند، جزیه بپردازند.
 ۳. محمد، آیه ۴؛ و هنگامی که با کافران (در میدان جنگ) رو به رو شدید گردن هایشان را بزنید، تا وقتی که دشمنان زیادی را از بین ببرید، پس از آن اسیران جنگ را محکم ببندید، بعد یا بر آنها منت بگذارید و (آزادشان کنید).

گرفتن از آنها * وَ إِمَّا فِدَاءً *^۱ یعنی بعد از اسیر گرفتن یا پولی گرفته و آزادشان می‌کنید و یا می‌کشید و یا نیز داخل در اسلام شوند و بر ما ازدواج کردن با آنها مادامی که در حال جنگ با ما هستند حلال نیست.

و اما شمشیری که پیچیده شده است شمشیر اهل ستم و تاویل است که خداوند می‌فرماید: * وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَفَاتِلُوا آلَتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ * هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا ﷺ فرمود: کدام یک از شما بعد از من با تاویل آیه می‌جنگد همچنانکه من با صریح آیه با مشرکان جنگیدم؟

سوال کردند: ای رسول خدا ﷺ او کیست؟

فرمود: او پینه زننده بر کفش یعنی امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام است.

عمار بن یاسر گفت: یا رسول خدا ﷺ زیر همین پرچم سه بار با کفار و مشرکین جنگ کردم و این دسته چهارمی است که با آنها می‌جنگم به خدا سوگند اگر ما را عقب برانند تا به نخلستان‌های هجر (که از شهرهای یمن است) می‌دانیم که ما بر حق هستیم و آنها بر باطل.

روش امیرالمؤمنین با کسانی که می‌جنگید همان روش پیامبر با اهل مکه در هنگام فتح آن بود، بدرستی که پیامبر زن و بچه‌های آنها را به اسارت نگرفت و فرمود: هر کس در خانه‌اش را ببندد او در امان است، هر کس سلاحش را بر زمین بگذارد او در امان است، و هر کس در خانه ابوسفیان وارد شود او در امان است؛ و همچنین امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام در آن سه جنگ زن و بچه آنها را به اسارت نگرفت، فراری‌ها را دنبال ننمود و هر کس هم که در خانه‌اش را بست در امان بود.

و اما شمشیری که در غلاف است شمشیری است که با آن قصاص می کنند که خداوند می فرماید: ﴿النَّفْسُ بِالنَّفْسِ... وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ﴾ که این شمشیر را برای اولیای خون مقتول گذاشته ولی حکمش با ماست. این است شمشیرهایی که خداوند آن را با پیامبرش مبعوث فرمود که هر کس آنها را منکر شود و یا منکر یکی از آنها شود و یا چیزی از احکام و روش آنها را منکر گردد به آنچه خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل فرموده کافر شده است.^۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۱۱)

۱۱ - ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید گروهی از شما گروه دیگری را مسخره کنند، شاید گروه مسخره شونده از گروه مسخره کننده بهتر باشند، و نه زنانی زنان دیگری را، شاید زنان مسخره شونده بهتر از مسخره کننده باشند، و هرگز یکدیگر را مورد عیبجویی قرار مدهید و با القاب زشت صدا نزنید و چه بسیار بد است که بعد از ایمان روی همدیگر نام زشت بگذارید، و کسانی که توبه نکنند از ستمکاران هستند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ﴾

۱. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶؛ خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۷۴؛ کافی، ج ۵، ص ۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۱۹.

این آیه درباره صفیه دختر حی بن اخطب نازل شده است که زن رسول خدا ﷺ بود و علتش این بود که عایشه و حفصه او را اذیت و آزار کرده و شمتش نموده و فحش می دادند و به او می گفتند: ای دختر یهودی! او به پیامبر ﷺ شکایت کرد، حضرت به او فرمود: آیا تو جواب آنها را ندادی؟

عرض کرد: چگونه ای رسول خدا!

فرمود: می گفתי پدرم هارون نبی خدا و عمویم موسی کلیم الله و شوهرم محمد رسول خدا ﷺ است چرا مرا مسخره می کنید.

صفیه آنچه را که از پیامبر ﷺ شنیده بود به آن دو گفت، گفتند: اینها را رسول خدا ﷺ یاد تو داده است که خداوند در این باره این آیه را نازل فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ - تَا - وَلَا تَتَّبِعُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾^۱

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۱۳)

۱۳- ای کسانی که ایمان آورده اید، همانا ما شما را مرد و زن آفریدیم و شما

را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید، همانا گرامی ترین

شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماهاست، همانا خداوند دانا و آگاه است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾

مراد از شعوب، ملت های غیر عرب است.

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۷ و ج ۷۲، ص ۱۴۴

و مراد از «قبائل» به معنای طوائف عرب است.
 ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ این آیه رد کسیانی است که بر حسب و
 نسبشان افتخار می کنند.

رسول خدا ﷺ روز فتح مکه فرمود: ای مردم خداوند به وسیله اسلام
 غرور جاهلیت و فخر به پدرانتان را از بین برد، عربیت به پدر و مادر نیست
 بلکه آن یک زبان است، هر کس به آن زبان سخن بگوید او عرب است، آگاه
 باشید که شما از نسل آدم هستید و آدم نیز از خاک بود^۱ و گرامی ترین شما
 نزد خداوند پرهیزگارترین شماهاست.^۲

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ
 فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۴)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزْنِاؤْا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵)
 قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ
 بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶)

۱۴- اعراب می گویند: ما ایمان آوردیم، بگو: شما ایمان نیاورده اید. و لكن
 بگوئید اسلام آورده ایم، و ایمان هنوز بر قلب های شما وارد نشده است، و
 اگر از خداوند و رسولش اطاعت کنید چیزی از اجر اعمال شما فروگذاری
 نمی کند، همانا که خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۵
 ۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۹۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۲۴

۱۵- همانا مومنان کسانی هستند که به خداوند و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس شک و تردیدی به دلشان راه نداده‌اند، و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کرده‌اند، اینها همان راستگویان هستند.

۱۶- بگو: آیا خداوند را به دینتان آگاه می‌سازید؟ و در حالی که خداوند آنچه را که در آسمانها و زمین است را می‌داند و خداوند به همه چیز داناست.

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾ یعنی به وسیله شمشیر اسلام آوردید.

﴿وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ و ایمان هنوز بر قلب‌های شما وارد نشده است.

﴿لَا يَلْبِسْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا﴾ یعنی از شما کم نمی‌کند.
﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا﴾ یعنی شکایت نمی‌کنند.

﴿وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.^۱

﴿قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ﴾ یعنی آیا دینتان را به خداوند یاد می‌دهید.^۲

يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُ عَلَيْكُمْ أَنْ هَذَا كُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)
إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۵

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۶

۱۷- آنها بر تو منت می گذارند که اسلام آورده اند، بگو: به وسیله اسلامتان

بر من منت مگذارید، بلکه خداوند بر شما منت می گذارد که به سوی ایمان

هدایت تان نموده است اگر راستگو هستید.

۱۸- همانا خداوند غیب آسمانها و زمین را می داند، و خداوند به آنچه که

انجام می دهید بیناست.

﴿يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا﴾

این آیه درباره عثمان در روز جنگ خندق نازل شده است که او به عمار بن

یاسر گذشت وقتی که او حفر خندق می کرد و از حفر غبار مرتفع می گردید

پس عثمان در این وقت آستین جامه خود را بر بینی گذاشت و گذشت.

عمار گفت: برابر نیست کسی که بناء مسجد کند و نماز خود را در آنجا به

جا بیارد با تمام رکوع و سجود با کسی که از غبار حفر خندق از روی کراهت

مانند معاندان و منافقان گذرد.

عثمان متوجه عمار شده گفت: یا فرزند سیاه از این سخن مرا اراده

کرده ای؟ و از همانجا بخدمت حضرت رسول ﷺ آمده گفت: ما با تو در

اسلام داخل نشده ایم که ما را دشنام دهند.

حضرت رسول ﷺ به او فرمود: من فسخ بیعت اسلام را از تو کردم برو

هر جا که خواهی چون اسلام با نفاق سرشته بکار نمی آید. از این جهت حق

تعالی این آیه را نازل گردانید که ﴿يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ

إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَذَا كُمُ لِلإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ای محمد بر تو

منت می نهند به اینکه ما اسلام آورده ایم، به ایشان بگو که بر من به اسلام خود

منت مگذارید بلکه خدای تعالی بر شما منت می نهد به اینکه شما را برای ایمان

به بحث دلائل واضحه و حجت های باهره به راه راست هدایت نمود، اگر راستگو

باشید.

﴿إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ یعنی راستگو نیستید.^۱

﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ همانا خداوند غیب آسمانها و زمین را می داند، و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.^۲



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

۱. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۳۸ و ج ۲۰، ص ۲۴۳ و ج ۳۰، ص ۱۷۳
 ۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۲۸

تفسیر سورۃ ق



مرکز تحقیقات پژوهش‌های اسلامی

۵۰ - سورۃ ق در مکه نازل

شده و دارای ۴۵ آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱)

بَلْ عَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲)

أِذَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ (۳)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ (۴)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ (۵)

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۶)

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَالْأَلْفَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۷)

۱- ق؛ و سوگند به قرآن مجید.

۲- بلکه آنها تعجب کردند که انذار کننده‌ای از میان خودشان آمده است و

کافران می‌گویند: این چیز عجیبی است.

۳- آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم (باز زنده می‌شویم)؟ این بازگشتی

بعید است.

۴- به تحقیق ما می‌دانیم آنچه را که زمین از آنها می‌کاهد، و نزد ما کتابی

است که همه چیز در آن محفوظ می‌باشد.

۵- بلکه آنها حق را تکذیب کردند هنگامی که به سراغشان آمد، پس آنها در

امور آشفته خود سرگردان هستند.

۶- آیا آنها به آسمان بالایی سرشان نمی‌نگرند که چگونه آن را بنا کرده‌ایم و (به وسیله ستارگان) زینت بخشیده‌ایم، و هیچ شکاف و شکستی در آن راه ندارد؟

۷- و زمین را بگسترانیدیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر نوع گیاه روح‌افزا در آن رویانیدیم؟

﴿ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾ که ﴿ق﴾ کوهی محیط به دنیا است که در پشت آن یاجوج و ماجوج قرار دارند؛ بنابراین معنی چنین است که قسم به آن کوه عظیم.

﴿بَلْ عَجِبُوا﴾ یعنی قریش عجب داشتند.

﴿أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ.

﴿فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ

درباره ابی بن خلف نازل شده است. ابی بن خلف به ابوجهل گفت: پیش من بیا تا تو را از گفته محمد به عجب آورم، آن گاه یک تکه استخوان پوسیده در دست گرفت و آن را خرد کرد، بعد گفت: ای محمد تو معتقدی که این استخوان زنده می‌شود؟ اینجا بود که خدای تعالی فرمود: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ﴾ یعنی مختلف، سپس با آنها احتجاج نموده و برای بعث و نشور مثل زده و فرمود: ﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ یعنی نیکو.

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (۹)

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ (۱۰)

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (۱۲)

۹- و ما از آسمان آب پر برکتی نازل کردیم و به وسیله آن باغها و دانه‌های درو شدنی رویانیدیم.

۱۰- و نیز نخلهای بلند خرما که میوه‌های متراکم و زیاد دارد.

۱۱- (اینها) رزق و روزی برای بندگان است، و به وسیله باران زمین مرده را زنده کردیم، که اینچنین مردگان زنده می‌شوند.

۱۲- قبل از این قوم نوح و اصحاب رس و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند.

﴿فَلَقَّبْنَاهُ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ﴾ هر دانه‌ای درو می‌شود.

﴿وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ﴾ یعنی درختان خرمایی که بلند هستند.

﴿لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ﴾ یعنی بعضی بر بعض دیگر پیچیده شده است.

﴿رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ﴾ جواب به گفته آنهاست.

﴿إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ﴾^۱ پس خداوند فرمود: همچنانکه آب را از

آسمان فرو می‌فرستیم و گیاهان از زمین می‌رویند همچنین شماها بعد از مردن از زمین بیرون می‌آیید.^۲

خداوند عزوجل آنچه را که ما از هلاکت امت‌های گذشته تفسیر کردیم را

ذکر نموده و فرمود: ﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ﴾ و آنها کسانی

بودند که هلاک شدند چون مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کردند و

۱. ق، آیه ۳

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸۰

«رَس» رودی در آذربایجان است.^۱

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ تُبِعَ كُلُّ كَذَّبِ الرُّسُلِ فَحَقَّ وَعِيدِ (۱۴)
 أَفَعَبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدِ (۱۵)
 وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ
 الْوَرِيدِ (۱۶)

۱۴- و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی می کردند) همه شان فرستادگان الهی را تکذیب کردند، پس وعده عذاب بر آنان تحقق یافت.

۱۵- آیا ما در آفرینش خلق اول عاجز ماندیم (که دیگر نتوانیم روز قیامت دوباره مردگان را زنده کنیم)؟ بلکه آنها در آفرینش خلق جدید در شک و تردید هستند.

۱۶- و به تحقیق ما انسان را آفریدیم، و وسوسه های نفسش را می دانیم، و ما به او از رگ گردنش نزدیکتریم.

﴿أَفَعَبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ﴾ یعنی در آفرینش خلق اول عاجز نشدیم.
 ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ یعنی رگ گردن.^۲
 ﴿وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ﴾ یعنی اصحابی که در جنگل های سرسبز بودند.^۳

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (۱۹)

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۵۲

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸۵

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۳۳

۱۹- و سختی و بیهوشی مرگ به حق فرا رسید، (به آدمی گفته می شود):

این همان چیزی است که از آن فرار می کردی.

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ﴾ این چنین نازل شده است: «و جاءت سكرة

الحق بالموت».^۱

﴿ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾ درباره زریق (اولی) نازل شده است.

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱)

۲۱- و هر نفسی وارد محشر می شود در حالی که همراه او (فرشته ای)

حرکت دهنده و گواهی است.

﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ یعنی شهادت بر آن می دهد؛ و

«سائق» یعنی آنها را می رانند.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۲۳)

الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (۲۴)

۲۳- و فرشته همشین او می گوید: این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر

است.

۲۴- (دستور می آید): هر کافر سرکشی را به دوزخ بیا فکنید.

﴿وَقَالَ قَرِينُهُ﴾ یعنی شیطان او گفت که همان حبت (دومی) است.

﴿هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ﴾ این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر است.^۲

﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ که خطاب به پیامبر ﷺ و علی علیه السلام است.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۱

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۱

و آن فرمایش امام صادق علیه السلام است که فرمود: علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم است.^۱

حضرت علی علیه السلام درباره آیه **﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾** فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی هنگامی که در روز قیامت در یک جا جمع نماید در آن هنگام من و تو در سمت راست عرش خواهیم بود سپس خداوند تبارک و تعالی به من و تو می فرماید: گروهی را که با شما دشمنی ورزیدند و تکذیبتان کردند را در آخل آتش جهنم بیاندازید.^۲

مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام در محشر

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هرگاه خواستید چیزی را از خداوند طلب کنید با وسیله آن را طلب نمائید.
سوال کردند: آن وسیله چیست؟

فرمود: درجه من در بهشت است و آن از جواهرات مرصع می باشد بر هر یک از آن جواهرات هزار زبرجد و بر هر زبرجدی هزار لؤلؤ و بر هر یک از آن هزار طلا و نقره کوب شده، آن را روز قیامت می آورند و در میان درجات پیغمبران نصب می کنند و درجه من نسبت به آنها مانند ماه با ستارگان است و در روز قیامت پیغمبر مرسل و شهیدی نیست مگر آنکه آرزوی درجه مرا بکند و بگوید خوشا بحال صاحب این درجه و رتبه، منادی با صدای رسا ندا کند این درجه تعلق به محمد صلی الله علیه و آله و سلم دارد و آن را بیاورند و بر سرم تاجی باشد که نور از آن طالع گردد که بر آن تاج نوشته شده: «لا اله الا الله محمد رسول

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۳۸

۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۳۸؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۲

الله على ولي الله».

رستگار کسانی هستند که از طرف پروردگار فائز شدند چون من و علی را از حضور پیغمبران عبور دهند، گویند این دو نفر از فرشتگانند از پیش صفوف فرشتگان که عبور کنیم گویند این دو نفر چه کسانی هستند که ما آنها را نمی‌شناسیم من به بالای آن درجه روم و علی هم متصل به من قرار گیرد، پیغمبر و مؤمنی نیست مگر آنکه سر خود را بلند کند و بگوید گوارا باد این درجه و کرامت برای شما، منادی ندا کند ای اهل محشر بدانید این حبیب من محمد و دیگری ولی من علی بن ابیطالب است خوشا بحال کسانی که در دنیا آنها را دوست داشته‌اند و بدا بحال اشخاصی که ایشان را دشمن و مبغوض می‌پنداشتند و با آنها عداوت کرده و تکذیب آنان می‌نمودند.

سپس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی در آن روز کسی که تو را دوست داشته از صدای آن منادی خوشحال گردد و صورتش سفید و قلبش روشن شود و هر که با تو جنگ کرده یا خلافت تو را منکر بوده و در حق تو ظلم و ستم و دشمنی نموده صورت او سیاه و قدمهایش بلغزد، در آن هنگام دو فرشته موکل بر بهشت و دوزخ رضوان و مالک نزد ما آیند، سلام کنند، جواب آنها را بدهم و به ایشان بگویم: شماها کیستید؟

آنکه پاکیزه و نیکو منظر است گوید: من رضوان خازن بهشت هستم، پروردگار به من فرمود کلیدهای بهشت را حضورت تقدیم بدارم ای رسول خدا این کلیدها را بردارید گویم تقدیم بر علی کن، کلیدها را به شما دهد من پروردگار را بر نعمتی که بما عطا نموده حمد و ستایش می‌کنم و رضوان برگردد.

فرشته دیگر پیش آید به او بگویم نام تو چیست که این قدر قبیح منظری،

گوید من مالک دوزخ هستم پروردگار به من امر فرموده کلید دوزخ را حضورتان تقدیم بدارم ای رسول خدا این کلیدهاست، به او بگویم به علی ده، کلیدها را به تو تقدیم نموده و مراجعت نماید، آنگاه علی با کلیدهای بهشت و دوزخ پیش رود و در جهنم را بدست گیرد جهنم صدا کند و شعله آتش بالا رود و فریاد کند: ای علی از کنار من دور شوید که نور جمالت شعله و شراره آتش مرا خاموش خواهد نمود، آن وقت علی می‌گوید ای دوزخ رها کن این بنده را که دوست من است و بگیر این شخص را که از دشمنان من بوده است. پیغمبر اکرم فرمود: اطاعت و فرمان برداری جهنم نسبت به او امر علی در آنچه امر می‌کند بیشتر است از غلامی که مطیع و فرمان بردار مولایش باشد و علی در آن روز قسیم بهشت و دوزخ است.^۱

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

مَنْعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٌ (۲۵)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقَيْنَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (۲۶)

۲۵- آن کسی که مانع کارهای خیر است و در شک و تردید می‌باشد.

۲۶- همان کسی که با خداوند یگانه معبودی دیگر می‌گیرد پس او را در

عذابی شدید بیندازید.

﴿مَنْعٌ لِلْخَيْرِ﴾ مراد از ﴿مَنْعٌ﴾ دومی و مراد از ﴿خَيْرٌ﴾ ولایت

امیرالمؤمنین و حقوق آل محمد است و هنگامی که اولی نامه نوشت تافدک را به حضرت فاطمه علیها السلام برگردانند دومی مانع آن شد.

﴿مُعْتَدٍ مُرِيبٌ﴾ * الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ * گفتند: ما به کسی که امامت و

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۲۶؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۴؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۱۶؛
بشارة المصطفى، ص ۲۱؛ تاویل الآيات الظاهرة، ص ۱۵۲؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۱۳؛
معانی الاخبار، ص ۱۱۶

خمس را برای شما قرار داد کافر هستیم.

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۲۷)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ (۲۸)

مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۲۹)

۲۷ - همنشین او (از شیاطین) می گوید: پروردگارا، من او را به طغیان و

سرکشی نکشاندیم لکن او خود در گمراهی دوری بود.

۲۸ - (خداوند) می فرماید: در حضور من مجادله مکنید که من پیش از این

به شما هشدار دادم.

۲۹ - وعده من تغییر ناپذیر است، و من به بندگان هیچ ستمی نخواهم کرد.

﴿قَالَ قَرِينُهُ﴾ یعنی شیطان او که حبتد (دومی) است.

﴿رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ﴾ یعنی زریق (که اولی است).

﴿وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ لکن او خود در گمراهی دوری بود.

پس خداوند به آن دو می فرماید: ﴿لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ

بِالْوَعِيدِ﴾ ما يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ﴾ یعنی آنچه که انجام دادید به حسنات مبدل

نمی شود، و آنچه به شما وعده داده شده از آن تخلف نمی کنم.^۱

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (۳۰)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (۳۱)

۳۰ - روزی که به جهنم می گوئیم: پر شدی؟ و او می گوید: آیا باز هم

هست؟

۳۱- و بهشت را برای پرهیزگاران آماده کنند و از آن هیچ دوری ندارند.
 ﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ این استفهام از این جهت
 شده که خدای تعالی وعده داده بود جهنم را پر کند و جهنم مالا مال آتش شود.
 از او می پرسد آیا پر شده ای؟

او می پرسد: ﴿وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ مگر باز هم هست؟ و منظورش این
 است که دیگر جای خالی ندارم.

در این هنگام بهشت گوید: بار خدایا چنانچه دوزخ را وعده داده بودی که
 آن را پر کنی به من نیز وعده داده بودی که پر مکنی پس چنانچه دوزخ را از
 اهل کفر و عصیان پر ساختی مرا نیز از اهل ایمان و تقوی پر کن. حق تعالی در
 این وقت خلقی چند ایجاد کند و بهشت را مانند دوزخ مملو گرداند.

و بعد از این حضرت صادق علیه السلام فرمودند: خوشا به حال این بهشتیان که
 غمها و دردهای دنیا را ندیدند و در بهشت آرامیدند.^۱

﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ یعنی بهشت با متقین زینت داده شد.

﴿غَيْرَ بَعِيدٍ﴾ یعنی به سرعت.^۲

لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵)
 وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ
 مَحْصِرٍ (۳۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

۳۵- در آنجا هر چه که بخواهند برای آنها هست، و نزد ما (نعمت های)

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۰؛
 نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۴

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۵

بیشتری دارند.

۳۶- و چه اقوامی که قبل از آنها هلاک کردیم که از آنها قوی‌تر و نیرومندتر

بودند و شهرها را تصرف نمودند، آیا راه نجاتی یافتند؟

۳۷- همانا در این تذکری است برای کسی که عقل دارد یا گوش فرا دهد و

گواه باشد.

﴿لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ﴾ نظر کردن به رحمت الهی.

﴿فَتَقَبَّلُوا فِي الْبِلَادِ﴾ یعنی رفتند، سفر کردند.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ یعنی ذاکر.

﴿أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ یعنی شنید و اطاعت کرد.^۱

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (۴۳)

يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرُ (۴۴)

خُنْ أَعْلَمَ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذُكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ

وَعِبْدِ (۴۵)

۴۱- و گوش فرا ده روزی که منادی از مکانی نزدیک ندا کند.

۴۲- روزی که همه، صیحه رستاخیز را به حق می‌شنوند، که آن روز هنگام

خروج (از قبرها) است.

۴۳- همانا ما می‌میرانیم و زنده می‌کنیم و بازگشت آنها به سوی ماست.

۴۴- روزی که زمین به سرعت از روی آنها (مردگان) شکافته می‌شود، و

همه (در عرصه قیامت) محشور می‌گردند، و این جمع کردن بر ما آسان است.

۴۵- آنچه را که می‌گویند ما می‌دانیم، و تو مأمور به اجبار کردن آنها (به ایمان) نیستی، پس کسانی را که از وعده عذاب می‌ترسند را به وسیله قرآن تذکر بده.

﴿وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ﴾ منادی به اسم حضرت قائم علیه السلام و به اسم پدرش ندا می‌کند.

﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ فریاد حضرت قائم علیه السلام از آسمان.

﴿ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ یعنی روز رجعت است.

امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ فرمود: که آن روز رجعت است.

﴿يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا﴾ در رجعت.

ابوبصیر گوید از امام رضا علیه السلام درباره آیه ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَأَذْبَارَ السُّجُودِ﴾ سوال کردم فرمود: چهار رکعت بعد از مغرب است.^۲

﴿فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ﴾ یعنی ای محمد! با آن وعده‌های عذابی که در قرآن داده‌ایم ایشان را تذکر بده.^۳

۱. نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۱۸

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۵

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۶

تفسیر سورة الذاریات



مجلس شورای اسلامی ایران

۵۱ - سورة الذاریات در مکه

نازل شده و دارای ۶۰ آیه

است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا (۱)

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (۲)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (۳)

فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا (۴)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ (۵)

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (۶)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (۷)

۱- سوگند به بادهای حرکت دهنده.

۲- سوگند به ابرهای سنگین بار (که حامل باران هستند).

۳- سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی (در روی آب) در حرکت هستند.

۴- سوگند به فرشتگان تقسیم کننده کارها.

۵- همانا آنچه که به شما وعده داده شده همه راست است.

۶- و همانا جزای اعمال، واقع خواهد شد.

۷- سوگند به آسمان که در آن راههای بسیاری است.

﴿وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا﴾

جمیل از امام صادق علیه السلام روایت کرد که در معنای آیه ﴿وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا﴾ فرمود: ابن الکواء از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: این آیه چه معنا دارد؟ حضرت فرمود: منظور از ﴿ذاریات﴾ باد است. و از ﴿فَالْحَامِلَاتِ وِرْقًا﴾ پرسید. فرمود: ابر است. و از ﴿فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا﴾ پرسید. فرمود: کشتیها است. از ﴿فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا﴾ پرسید. فرمود: ملائکه است.

تمام آیات اولی قسم و خبرش این آیه می باشد: ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ﴾ و ﴿إِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ﴾ یعنی مجازات و مکافات هر آینه به وقوع خواهد پیوست.^۱

معنی زیبا و نیکو بودن آسمان

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوبِ﴾

حسین بن خالد گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم معنای آیه ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوبِ﴾ چیست؟

فرمود: آسمان به زمین بسته شده است، در اینجا امام علیه السلام انگشتهای مبارکش را داخل هم به طور مشبک قرار داد.

راوی می گوید: عرض کردم: چگونه آسمان با زمین بسته شده است؟ در حالی که خدای تعالی می فرماید: ﴿رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ خداوند آسمان را بدون پایه و ستون بالا نگهداشته است.

امام علیه السلام فرمود: سبحان الله! مگر خداوند نمی فرماید: ﴿بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ یعنی بدون پایه و ستونی که شما آن را می بینید؟ عرض کردم: بلی.

فرمود: پس پایه هست ولی شما آن را نمی بینید.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۸؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۲۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۷

عرض کردم: فدایت شوم، پس مطلب چگونه است؛ امام علیه السلام دست چپش را باز کرد، دست راست را بر روی آن قرار داد و فرمود: این زمین دنیا و آسمان دنیاست که بالای آن گنبد است، زمین دَوم روی آسمان دَوم است، روی آسمان دَوم گنبد است، زمین سوم روی آسمان دَوم است و روی آسمان سوم گنبد است و مطلب همچنین است تا زمین هفتم که روی آسمان ششم است و روی آسمان هفتم گنبد است، عرش رحمان روی آسمان هفتم است؛ و این است معنای قول خدا ﴿خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾ و صاحب امر عبارت از نبی صلی الله علیه و آله و وصی بعد از او یعنی علی علیه السلام می باشد و او بر روی زمین است و امر از بالای آسمان و بین آسمان ها و زمین ها به او نازل می شود.

عرض کردم: زیر پای ما جز یک زمین چیزی نیست؟

فرمود: زیر پای ما جز یک زمین نیست، آن شش زمین بالای ما می باشد.^۱
ابو حمزه گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره آیه ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ﴾ فرمود: یعنی در علی علیه السلام.

﴿وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ﴾ یعنی علی علیه السلام و علی همان دین است.

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ﴾ مراد از «السما» رسول خدا صلی الله علیه و آله و مراد از «ذات الحُبک» علی علیه السلام است.

إِنكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (۸)

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹)

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۷۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۷؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۲۱؛
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۹

قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ (۱۰)

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ (۱۱)

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ (۱۲)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (۱۳)

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۱۴)

۸- همانا که شما در گفتار گوناگون هستید.

۹- کسی از ایمان منحرف می شود که از قبول حق سربلجی می کند.

۱۰- مرگ بر دروغگویان.

۱۱- همان هایی که در ضلالت و غفلت فرو رفته اند.

۱۲- می پرسند: روز جزا چه وقت خواهد بود؟

۱۳- آن روزی است که آنها را در آتش بسوزانند.

۱۴- (و گفته شود): بچشید عذاب خود را، این همان عذابی است که برای

آن عجله داشتید.

﴿إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ﴾ یعنی این امت درباره ولایت علی ع مختلف

شدند و هر کس در ولایت علی ع ثابت قدم شد وارد بهشت می شود و هر

کس با ولایت علی ع مخالفت ورزد داخل آتش جهنم می گردد.

﴿يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ﴾ یعنی هر کس از ولایت علی ع منحرف شود از

بهشت منحرف می شود.^۱

﴿قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ﴾ آنهایی که بدون علم و یقین آراء دروغشان را بر دین

نسبت می دهند.

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۶۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۲۱؛

تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۱۰

﴿الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ یعنی در ضلالت و گمراهی، و «ساهی» کسی است که متذکر خدا نمی‌گردد.

﴿يَسْأَلُونَ﴾ ای محمد از تو سوال می‌کنند.

﴿أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ﴾ مجازات در چه زمانی خواهد بود؛ خداوند فرمود: ﴿يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَنُونَ﴾ یعنی عذاب می‌شوند.

﴿ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ﴾ یعنی عذابتان را خواهید چشید.

﴿هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾ این همان عذابی است که برای آن عجله داشتید.^۱

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۵)
 أَخْذَيْنَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (۱۶)
 كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷)
 وَبِالْأَشْخَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۱۸)
 وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱۹)
 وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ (۲۰)

- ۱۵- همانا پرهیزگاران در بهشت و کنار چشمه‌های آب می‌آرامند.
- ۱۶- و آنچه پروردگارشان به آنها عطا کرده را می‌گیرند، چراکه قبل از آن از نیکوکاران بودند.
- ۱۷- آنها کمی از شب را می‌خوابیدند.
- ۱۸- و آنها سحرگاهان از درگاه خداوند طلب آمرزش می‌کردند.
- ۱۹- و در اموالشان حقی برای سائل و محروم قرار می‌دادند.

۲۰- و در زمین آیاتی برای اهل یقین است.

خداوند متقین را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ - تَا - مَا يَهْجَعُونَ﴾ که ﴿ما يهجعون﴾ یعنی نمی‌خوابیدند.^۱

﴿وَبِالشَّارِحِ هُمْ يَسْتَفْعِرُونَ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ سائل کسی است که سؤال می‌کند، و محروم کسی است که از تلاشش جلوگیری شده است.

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ﴾ در هر چیزی که خداوند آفریده است.

شاعر می‌گوید:

و في كل شيء له آية تدل على أنه واحد

یعنی: در هر چیزی برای او آیه و نشانی است؛ دلالت می‌کند که او واحد و

یگانه است.

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۲۱)

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (۲۲)

قَوْرَبُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلٍ مَا أَنْتُمْ تَنْطِفُونَ (۲۳)

۲۱- و در خود شما (آیاتی است) آیا نمی‌بینید؟

۲۲- و در آسمان روزی شماست و آنچه که به شما وعده داده می‌شود.

۲۳- پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این وعده حق است

همانگونه که شما سخن می‌گویند.

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ خداوند تو را شنوا و بینا آفرید، یک بار

غضب می کنی، یک بار راضی می گردی، گرسنه و سیر می شوی که همه اینها از آیات خداوند است.^۱

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ باران از آسمان می بارد و به وسیله آن غذای عالم از زمین می روید.

﴿وَمَا تُوعَدُونَ﴾ یعنی از اخبار رجعت و قیامت و اخباری که در آسمان است، سپس خداوند به خودش سوگند خورده و فرمود: ﴿قَوْرَبُّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ﴾ یعنی آنچه که وعده داده اید.^۲

خداوند داستان حضرت ابراهیم علیه السلام را نقل می کند که ما آن را در سورة هود آورده ایم.



فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَفَصَّكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹)

۲۹ - پس همسر (ابراهیم ستاره) در حالی که (از فرط خوشحالی) فریاد

می کشید و بر صورت خود می زد جلو آمد و گفت: (آیا صاحب بچه ای

می شوم در حالی که) من زنی پیر و نازا هستم؟

﴿فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ﴾ منظور از «صره» جماعت است.^۳

﴿فَفَصَّكَتْ وَجْهَهَا﴾ یعنی هنگامی که جبرئیل علیه السلام او را به إسحاق علیه السلام

بشارت داد رویش را پوشاند.^۴

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۵۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۱۲؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۲۳

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۱۳؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۲۴

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۵۴

۴. آن قدر حیا داشت که با آن همه عمری که از او گذشته بود باز خجالت کشیده و حیا نمود و رویش را از شرم و حیا پوشاند ولی الان در زمان ما زنان با کمال پزویی و بی شرمی در مقابل مردان نامحرم و... دم از چندین بچه زائیدن و بچه به دنیا آوردن و حالت چگونگی زائیدن را بیان می کنند بدون اینکه ذره ای شرم و حیا داشته باشند.

﴿وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ﴾ یعنی نازا بود و بچه به دنیا نمی آورد.

وَفِي غَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (۴۱)

۴۱- و نیز در سرگذشت قوم عاد (آیتی است) که برای هلاکت آنها تندبادی بدون باران فرستادیم.

﴿وَفِي غَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ﴾ باد عقیم بادی است که نه درختان را بارور می کند و نه گیاهان را می رویاند.

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ (۴۳)

۴۳- و نیز در قوم ثمود (آیتی است) هنگامی که به آنها گفته شد: مدت کمی (از لذت دنیوی) بهره مند باشید (تا عذاب الهی فرا برسد).

﴿وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ﴾ و مراد از «حین» در اینجا سه روز است.

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷)

۴۷- و ما آسمان را به قدرت خود بنا نمودیم و بر وسعت آن می افزائیم.

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ﴾ یعنی با قدرت.

فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۵۰)

۵۰- پس به سوی خداوند بگریزید، همانا که من برای شما از جانب او انذار کننده ای آشکار هستم.

﴿فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ﴾ یعنی حجج به جا بیاورید.

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲)
 أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۳)
 فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ (۵۴)
 وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵)

۵۲- اینچنین است که هیچ فرستاده‌ای قبل از اینها به سوی قومی نیامد مگر آنکه گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

۵۳- آیا یکدیگر را (به این تهمت‌ها) سفارش می‌کردند؟ (نه) بلکه آنها قومی سرکش و طغیانگر بودند.

۵۴- پس از آنها روی برگردان که تو مورد ملامت و سرزنش واقع نمی‌شوی.

۵۵- و تذکر بده چرا که تذکر برای مؤمنان سودمند است.

﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ﴾
 أَتَوَاصَوْا بِهِ یعنی قریش با نامهایشان، تا اینکه به رسول خدا ساحر و مجنون گفتند.

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ﴾ ای محمد ﴿فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ﴾ یعنی خداوند اهتمام به هلاکت اهل زمین کرده است. پس خداوند بر رسولش نازل فرمود: ای محمد از آنها روی برگردان که تو مورد ملامت و سرزنش واقع نمی‌شویی، سپس برای خداوند بداء حاصل شده و بر پیامبر نازل فرمود: ﴿وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ و این آیه رد بر کسانی است که بداء و معیشت را از برای خداوند منکر می‌شوند.^۱

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا (۵۷)

۵۶- و من جن و انس را نیافریدم مگر اینکه مرا عبادت کنند.

۵۷- من از آنها روزی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که مرا اطعام کنند.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ خداوند آنها را به امر و نهی و تکلیف آفرید و خلقت آنها از روی جبر نیست که اجباراً او را عبادت کنند، و لکن خلقت آنها اختیاری است و با امر و نهی امتحان می‌کند تا چه کسی او را اطاعت می‌کند و چه کسی معصیت و نافرمانی؛ و در حدیث دیگر آمده است این آیه با آیه ﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾ منسوخ شده است.

﴿مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ﴾ یعنی آنها را به خاطر نیازمند بودن به آنها خلق نکرده‌ام.



فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ (۵۹)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۶۰)

۵۹- پس کسانی که ستم کردند گناهی (عذاب‌ی) مانند گناه (عذاب) یارانشان هست پس نسبت به آن عجله نکنند.

۶۰- وای بر کسانی که کافر شدند از آن روزی که به آنها وعده داده می‌شود.

﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ یعنی در حق آل محمد ستم کردند.

﴿ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ﴾ گناهی (عذاب‌ی) مانند گناه

(عذاب) یارانشان هست پس نسبت به آن عجله نکنند.

سپس فرمود: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ پس وای بر

کسانی که کافر شدند از آن روزی که به آنها وعده داده می‌شود.^۱

تفسیر سورۃ طور



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۵۲ - سورۃ طور در مکہ نازل

شده و دارای ۴۹ آیه است.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالطُّورِ (۱)

وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ (۲)

فِي رَقٍ مَّنْشُورٍ (۳)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (۴)

وَالسَّافِرِ الْمَرْفُوعِ (۵)

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (۷)

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ (۸)

۱- سوگند به طور.

۲- و سوگند به کتاب نوشته شده (قرآن).

۳- در صفحه‌ای گشوده.

۴- و سوگند به بیت المعمور.

۵- و سوگند به سقف برافراشته.

۶- و سوگند به دریای برافروخته.

۷- همانا که عذاب پروردگارت واقع می‌شود.

۸- و چیزی دافع آن نخواهد بود.

﴿وَالطُّورِ﴾ و کِتَابِ مَسْطُورِ ﴿طور کوهی در طور سینا است.

﴿وَكِتَابِ مَسْطُورِ﴾ یعنی نوشته شده.

﴿فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ﴾ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿بیت المعمور در آسمان چهارم است

که به آن ضراح می گویند و در هر روز هفتاد هزار ملک بر آن وارد می شوند که دیگر هرگز بر آن وارد نمی شوند.^۱

﴿وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ﴾ یعنی آسمان.

﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾ یعنی روز قیامت دریای آتش فوران می شود؛ تمام

آیات گذشته قسم و جوابش آیه ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿ می باشد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (۹)

و تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (۱۰)

فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۱۲)

۹- روزی که آسمان به شدت به حرکت در می آید.

۱۰- و کوه ها از جا کنده شده و حرکت می کنند.

۱۱- پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

۱۲- همان هایی که به بازی باطل مشغول هستند.

﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا﴾ یعنی روزی که اضطراب و دگرگونی آسمان

نمایان گردد.

﴿وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا﴾ یعنی مانند باد می شود.
 ﴿فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ﴾ در معاصی وارد می شوند.^۱

يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا (۱۳)

۱۳- آن روزی که آنها را به زور به سوی آتش جهنم می رانند.

در بهشت غنا نیست

﴿يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا﴾ در آتش جهنم انداخته می شوند.

هنگامی که حضرت حمزه شهید شده بود، حضرت رسول ﷺ روزی عبور می کردند که دیدند عمرو بن العاص و عقبه بن ابی معیط دو نفری زیر دیواری نشسته بودند، شراب خورده و این شعر را می خوانند:

كَمْ مِنْ حَوَارِي تُلَوِّحُ عِظَامَهُ
 وَرَاءَ الْحَرْبِ أَنْ يَجْرَ فَيَقْبِرَا

یعنی: چه بسیار یارانی که استخوان هایشان بعد از جنگ آشکار شده و همسایه قبرها گشته اند.

پیامبر ﷺ فرمود: پروردگارا آن دو را لعن فرما و آنها را به فتنه شان برگردان و در آتش جهنم بیندازشان.^۲

اضْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

۱۶- در آن وارد شوید و بسوزید، پس صبر کنید یا صبر نکنید برای شما

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸
 ۲. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۷۶ و ج ۲۲، ص ۹۹

یکسان است، چرا که به خاطر اعمالی که انجام داده‌اید کیفر می‌شوید.

﴿اَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا اَوْ لَا تَصْبِرُوا﴾ صبر در این مقام به معنی حقیقی خود محمول نیست زیرا که احدی صبر بر شدائد آتش نتواند کرد بلکه صبر در اینجا به معنی جرأت است یعنی در آید در جهنم خواه آنکه شما جرأت در آمدن داشته باشید یا نداشته باشید زیرا احدی صبر بر آتش ندارد و دلیل بر آن ﴿فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ﴾^۱ یعنی جرأت تحمل آتش را ندارند.^۲

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (۲۱)

۲۱- و کسانی که ایمان آوردند و فرزندان‌شان هم در پیروی از آنها ایمان آوردند، فرزندان‌شان را (در بهشت) به آنها ملحق می‌کنیم، و از پاداش عمل آنها چیزی نمی‌کاهیم. هر کسی در گرو عمل خویش است.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾

ابو بصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: اطفال شیعیان ما از مومنین هستند و حضرت فاطمه علیها السلام آنها را تربیت می‌کند.^۳

﴿أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ آنها را در روز قیامت به پدرانشان ملحق می‌کنیم.^۴

عبد الرحمن بن کثیر گوید امام صادق علیه السلام در معنای آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ فرمود: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی آنهایی که به پیامبر و امیرالمؤمنین ایمان آورده‌اند و مراد از ذریه ائمه

۱. بقره، آیه ۱۷۵

۲. نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۳۸

۳. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۲۹

۴. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۳۱؛ نورالتقلین، ج ۵، ص ۱۴۰

معصومین و اوصیاء پیغمبرند و ذریه آنها را به ایشان ملحق نمودیم و ذریه آنها را از حجتی که محمد صلی الله علیه و آله آن را درباره علی علیه السلام آورده بود کم ننمودیم که حجت آنها یکی و اطاعشان نیز یکی است.^۱

﴿وَمَا لَتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ﴾ یعنی ما ایشان را ناقص نمی‌کنیم.^۲

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيَمُ (۲۳)

۲۳- آنها در بهشت جام‌های نوشیدنی پاک و گوارا را از دست همدیگر می‌گیرند که نه بیهودگی در آن است و نه گناهی.

﴿لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيَمُ﴾ در بهشت غنا و فحش نیست مومن می‌آشامد ولی

گناه نمی‌کند.



وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (۲۶)

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

۲۵- و آنها رو به همدیگر کرده و سوال می‌کنند :

۲۶- و می‌گویند: ما قبل از این در میان خانواده خود بیمناک بودیم.

۲۷- پس خداوند بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سموم (کشنده) حفظ

نمود.

خداوند گفتار اهل بهشت را حکایت کرده و فرمود: ﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ

بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ یعنی در بهشت.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۷۵؛ بصائر الدرجات، ص ۴۸۰؛ تاویل الآيات الظاهرة، ص ۵۹۸؛ تفسیر

برهان، ج ۷، ص ۳۳۱

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۹۰

﴿قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ﴾ یعنی در دنیا از عذاب خدا می ترسیدیم.
 ﴿فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ﴾ مراد از «سموم» گرما و حرارت شدید است.

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَبِّبَ الْمُتُونِ (۳۰)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ (۳۱)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِن كَانُوا ضَادِقِينَ (۳۴)

۳۰- بلکه می گویند: او (محمد) شاعری است که ما مرگ او را انتظار داریم.

۳۱- بگو: انتظار بکشید که من نیز با شما از منتظران هستم.

۳۲- آیا خیالات باطلشان اینها را به این اعمال وا می دارد یا آنها گروهی

طغیانگر هستند؟

۳۳- بلکه می گویند: او قرآن را به خداوند افترا بسته است، بلکه آنها ایمان

نمی آورند.

۳۴- پس اگر راست می گویند سخنی همانند آن را بیاورند.

خداوند گفتار قریش را حکایت کرده و فرمود: ﴿أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ﴾ که

رسول خدا ﷺ را سرزنش می کردند ﴿تَرَبَّصُّ بِهِ رَبِّبَ الْمُتُونِ﴾ که ما مرگ او را انتظار داریم.

پس خداوند فرمود: ای محمد به آنها بگو: ﴿تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ

الْمُتَرَبِّصِينَ﴾ * اَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا * در دنیا کسی بردبارتر و خردمندتر از

قریش نبود، سپس عطف بر اصحاب رسول خدا ﷺ کرده و فرمود: ﴿أَمْ

يَقُولُونَ ﴿ اَي مُحَمَّدٌ ﴿ تَقَوْلُهُ ﴾ يعنى اميرالمؤمنين عليه السلام ؛ آيا مى گويند كه پيامبر صلى الله عليه وآله على را با رأى و نظر خودش خليفه قرار داده است.
 ﴿ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴾ زيرا پيامبر او را با رأى و نظر خودش خليفه قرار نداده است.

سپس فرمود: ﴿ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ ﴾ يعنى مردى همچون او را از جانب خداوند بياوريد ﴿ اِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴾ اگر راستگو هستيد.

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ (۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ (۴۰)

۳۹- آيا براى خداوند فرزندان دختر است و براى شما فرزندان پسر؟

۴۰- آيا تو از آنها اجر رسالت مى خواهى كه زير بار سنگين غرامت در

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

مانده اند؟

﴿ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ ﴾ آن گفته قریش است كه مى گفتند ملائكه

دختران خداوند هستند.

سپس فرمود: ﴿ أَمْ تَسْأَلُهُمْ ﴾ اى محمد ﴿ أَجْرًا ﴾ در مقابل آنچه كه از رسالت

به آنها عطا كرده اى.

﴿ فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴾ يعنى كه غرامت سنگینی بر آنها وارد مى شود.^۱

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

۴۷- و کسانی که ستم کرده‌اند عذاب قبل از آن است و لکن بیشتر آنها نمی‌دانند.

۴۸- برای حکم پروردگارت صبر کن، چرا که تو تحت مراقبت ما هستی، و هنگامی که بر می‌خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی.

۴۹- و در شب و هنگام پشت کردن ستارگان به تسبیح خداوند پرداز.

﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ کسانی که در حق آل محمد ستم نمودند.

﴿عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ﴾ یعنی عذاب رجعت یا شمشیر.^۱

﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ یعنی تو در حفاظت و حرز و امان و

زیر پوشش نعمت ما هستی.

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ حمد و تسبیح پروردگارت را هنگامی که

برای نماز شب به پا می‌خیزی به جای آور.

﴿فَسَبِّحْهُ﴾ قبل از نماز شب ﴿وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ هنگام پشت کردن ستارگان.

ابن ابی نصر [بصیر] گوید که امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از ﴿إِدْبَارَ

السُّجُودِ﴾ چهار رکعت بعد از مغرب است و مراد از ﴿إِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ دو رکعت

قبل از نماز صبح می‌باشد.^۲

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۳۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۶

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۸۸؛ کافی، ج ۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۳۵